

به نام خدا



فصلنامه

# پژوهش‌های تجربی حسابداری "نشریه علمی"

سال دهم، شماره ۳۸، زمستان ۱۳۹۹

این فصلنامه "نشریه علمی" طبق نامه شماره ۳/۱۸۱۶۵۵ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۳ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از شماره سوم با درجه علمی \_ پژوهشی منتشر می‌شود.

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: سید علی حسینی

سر دبیر: علی رحمانی

عضو هیئت تحریریه	دانشگاه	درجه علمی	رشته
امید پورحیدری	دانشگاه شهید باهنر کرمان	استاد	حسابداری
حمید پورجلالی	دانشگاه هاوایی ایالات متحده امریکا	استاد	حسابداری
رضوان حجازی	دانشگاه الزهراء (س)	استاد	حسابداری
سید احمد خلیفه سلطانی	دانشگاه الزهراء (س)	دانشیار	حسابداری
علی رحمانی	دانشگاه الزهراء (س)	استاد	حسابداری
ذبیح اله رضایی	دانشگاه ممفیس ایالات متحده امریکا	استاد	حسابداری
حسین سجادی	دانشگاه شهید بهشتی	استاد	حسابداری
غلامرضا سلیمانی امیری	دانشگاه الزهراء (س)	دانشیار	حسابداری
شهناز مشایخ	دانشگاه الزهراء (س)	دانشیار	حسابداری
بیبا مشایخی	دانشگاه تهران	دانشیار	حسابداری
ساسان مهرانی	دانشگاه تهران	دانشیار	حسابداری
سعید همایون	دانشگاه گاول سوئد	دانشیار	حسابداری
حسن یزدی فر	دانشگاه سالفورد انگلستان	استاد	حسابداری

ویراستار علمی و ادبی: نازنین بشیری منش

ویراستار انگلیسی: الهه ابراهیمی

صفحه آرا: خدیجه اسفندی

کارشناس نشریه: اعظم پاک خصال

چاپ و صحافی: کارگاه گرافیک رامتین

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن و نمابر: ۸۸۲۱۲۵۷۸

تارنما: <http://jera.alzahra.ac.ir>

رایانامه: [jera@alzahra.ac.ir](mailto:jera@alzahra.ac.ir)

## خط مشی انتشار مجله

فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری نشریه‌ای علمی است که با رسالت توسعه دانش و پژوهش حسابداری در کشور، به انتشار مقاله‌های پژوهشی\* در حوزه حسابداری مبادرت می‌کند. مقالات با رویکرد تجربی/آرشیوی، آزمایشی، بین رشته‌ای/انتقادی، بازارپایه، پیمایش و مدل سازی که از ویژگی اصالت و نوآوری برخوردار باشند، در اولویت بررسی و انتشار خواهند بود. مهم ترین حوزه‌های مورد تأکید برای انتشار مقاله‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. پژوهش‌های تجربی حسابداری در بازار سرمایه و بازار پول
۲. پژوهش‌های تجربی در حسابرسی و اطمینان بخشی
۳. پژوهش‌های تجربی در گزارشگری مالی و راهبری شرکتی

## راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله‌ها

مقاله‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیئت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که مقاله‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم مقاله به موارد زیر توجه کنند.

### ۱. شکل مقاله

مقاله در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن B Nazanin با اندازه قلم: برای عنوان مقاله ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن B Zar با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی مقاله ۱۲، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و شکلها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ سانتی متر قبل و بعد از نگاره و شکل و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره

گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی مقاله و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت مقاله‌ها [www.jera.ir](http://www.jera.ir) ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن مقاله از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

## ۲. ساختار مقاله

۱-۲. **صفحه جلد مقاله:** این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل مقاله؛

- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛

- رتبه علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛

- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبه علمی و محل خدمت درج شود.

۲-۲. **صفحه اول مقاله:** عنوان و چکیده مقاله به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف مقاله، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوه استفاده از آن در پایگاه اینترنتی:

< <http://www.aeaweb.org/jel/guide/jel.php> > قابل دسترسی است.

۳-۲. **صفحه دوم تا انتهای مقاله:** این بخش باید در بردارنده موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛

- مروری بر پیشینه (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش)؛

- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان

بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛

- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛

- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج (توصیه‌های سیاستی صرفاً در تحقیقات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛

- فهرست منابع.

- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

### ۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌ها در متن مقاله از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

- نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی‌نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود.

- هر منبعی که در متن مقاله به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود.

در صورت نیاز به توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون‌متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

### ۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

۱-۴. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۲-۴. **مقاله:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه)

۳-۴. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیکی، دوره (شماره) با حروف ایتالیکی، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۳-۴. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود. - در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

- فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا مقاله‌ای که زودتر (قدیمی‌تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۵/۰ سانتی متر می‌باشد.

## ۵. شکلها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان شکلها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است شکلها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آنها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره (۱)) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین

ستون‌هاست با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و شکلها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در نگاره‌هایی دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

## ۶. پی‌نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی‌نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی‌نوشت و محتوای پی‌نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی‌نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.





## فهرست مطالب

- نقش خودشیفتگی در تمایل به مدیریت سود..... ۱  
مینو منصورزادع، بهمن بنی مهد، حمید رضا و کیلی فرد، فریدون رهنمای رودپشتی
- بررسی اطلاعات حسابداری مورد علاقه سرمایه‌گذاران فعال در بورس اوراق بهادار  
تهران بر اساس تیپ شخصیتی آنان..... ۲۵  
محمد نمازی، رامین زراعت‌گری
- بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و بیش اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در  
مراحل چرخه عمر..... ۴۹  
محمد رضا عباس زاده، محسن مفتونیان، مرتضی فدائی، مانده بابائی کلاریجانی
- مدل‌سازی نقش تعدیلی محیط اطلاعاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و  
اجتناب مالیاتی..... ۸۳  
مهدی صفری گرایلی، یاسر رضائی پیته نوئی
- شبیه‌سازی هزینه‌های نمایندگی در رابطه مدیر - مالک با استفاده از رویکرد  
پویایی‌شناسی سیستمی: مورد مطالعه پتروشیمی شیراز..... ۱۱۳  
محمد حسین ستایش، علی غیوری مقدم
- بررسی تأثیر رقابت در بازار محصول بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و  
نگهداشت وجه نقد..... ۱۵۱  
پروین پورفخریان، ناصر ایزدی نیا، حجت‌اله هادی پورهفشجانی
- چسبندگی انتظارات مدیران و بی‌قاعدگی پایداری سودآوری..... ۱۷۷  
یحیی شیری، سید حسین سجادی، سید علی واعظ
- ارائه الگویی جهت تبیین محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها با استفاده از شاخص‌های  
کیفیت حسابداری و ضعف‌های کنترل داخلی..... ۱۹۹  
رسول کشتکار، شکراله خواجوی

مقایسه اثرگذاری روش آموزشی ترکیبی و چهره‌به‌چهره بر عملکرد دانشجویان رشته

حسابداری.....۲۳۱

مریم السادات طباطبائیان، شهناز مشایخ

تأثیر دانش ضمنی مدیران بر مدیریت سود در سطوح مختلف نظارت: یک رویکرد

رفتاری.....۲۵۳

محسن خدادادی، علی اکبر نون‌نهاد نهر، مهدی مشکی میاوقی، سینا خردیار

## نقش خودشیفتگی در تمایل به مدیریت سود

مینو منصورزارع\*، بهمن بنی مهد\*\*، حمید رضا وکیلی فرد\*\*\*، فریدون رهنمای

رودپشتی\*\*\*\*

تاریخ دریافت: ۲۴ / ۰۷ / ۹۵

تاریخ پذیرش: ۰۵ / ۱۱ / ۹۵

مقاله پژوهشی

### چکیده

مدیریت سود همواره به عنوان یکی از معضلات حسابداری مطرح بوده و پژوهشگران تلاش بسیاری برای رفع آن نموده‌اند. اما با توجه به استمرار مشکل، به نظر می‌رسد لازم است برای برطرف کردن آن، رویکردهای دیگری نیز مدنظر قرار گیرد. در این پژوهش مدیریت سود با یک رویکرد رفتاری مورد توجه قرار گرفته و رابطه خودشیفتگی به عنوان یکی از ویژگی‌های فردی و تمایل به مدیریت سود فرصت طلبانه در ۲۰۹ نفر از افراد شاغل در حرفه حسابداری مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی و ابزار آن پرسشنامه می‌باشد. روش نمونه‌گیری تصادفی و برای آزمون فرضیه از رگرسیون استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد رابطه مثبت و معنی‌دار بین خودشیفتگی و تمایل به مدیریت سود فرصت طلبانه وجود دارد. به عبارت دیگر، افراد خودشیفته تمایل بیشتری به مدیریت سود فرصت طلبانه دارند. افراد خودشیفته ممکن است به دلیل احساس برحق بودن، قدرت طلبی و نیاز به اینکه مورد احترام و تمجید قرار گیرند، رفتارهای غیراخلاقی مانند رفتار مدیریت سود بروز دهند. بنابراین به نظر می‌رسد در انتخاب مدیران مالی و حسابداران علاوه بر مهارت و خبرگی می‌بایست ویژگی‌های فردی شخصیتی افراد نیز مدنظر قرار گیرد. همچنین وجود سیستم‌های کارآمد حسابرسی و کنترل مدیریت می‌تواند به کنترل و تعدیل ویژگی‌های فردی منفی این افراد کمک نماید.

**واژه‌های کلیدی:** ویژگی‌های فردی، خودشیفتگی، مدیریت سود فرصت طلبانه، رویکرد رفتاری.

طبقه‌بندی موضوعی: G41, M41

DOI: 10.22051/jera. 2017.12181.1470

\* دانشجوی دکتری گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران (m\_mzare@yahoo.com).

\*\* دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، ایران، (نویسنده مسئول)، (b\_banimahd@yahoo.com).

\*\*\* دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

(h-vakilifard@srbiau.ac.ir).

\*\*\*\* استاد گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران، (rahnama.roodposhti@gmail.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

## مقدمه

مدت زیادی است که رفتار مدیریت سود و تبعات آن موجب نگرانی حرفه حسابداری شده است. این نگرانی‌ها در سال‌های اخیر به دلیل رسوایی‌های مالی در سطح جهان و در ایران بیشتر شده و پژوهشگران را بر آن داشته تا به بررسی عمیق‌تر این موضوع بپردازند. علیرغم آن که در طول سال‌ها برای کاهش یا حذف مدیریت سود پیشنهادهایی توسط صاحبان نظران داده شده و اقداماتی نیز توسط مقامات قانونی صورت گرفته، اما کماکان این معضل به شکل جدی وجود دارد.

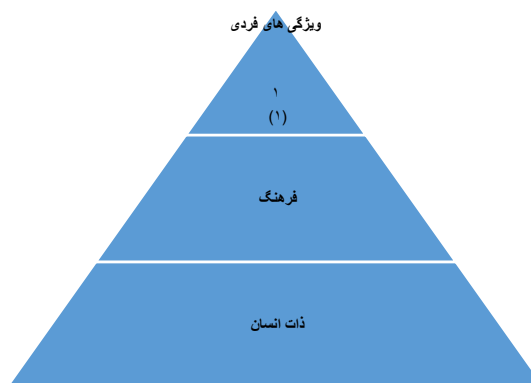
تحقیقات بسیاری در مورد مدیریت سود صورت گرفته اما بیشتر آن‌ها بر اثرات مدیریت سود بر بازار سرمایه و روش‌های مدیریت سود تمرکز دارند و اساس و زیربنای این پژوهش‌ها نیز تئوری اثباتی حسابداری است که فرض بنیادی آن منفعت شخصی است. همچنین بیشتر این تحقیقات بر انگیزه‌های مدیرعامل شرکت‌ها متمرکز هستند و انگیزه‌های مدیران مالی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. با توجه به آن که مشکل مدیریت سود کماکان باقی است به نظر می‌رسد لازم است این پدیده از ابعاد مختلف از جمله بعد رفتاری مورد بررسی قرار گرفته و مسائل روانشناختی نیز به عنوان عوامل مؤثر در فرآیند تصمیم‌گیری و قضاوت و انتخاب میان روش‌های حسابداری، مورد توجه قرار گیرد. از طرف دیگر بیشتر تحقیقات انجام شده در زمینه مدیریت سود بر مدیران عامل و انگیزه‌های آن‌ها متمرکز می‌باشد اما با توجه به وظیفه مهمی که مدیران مالی شرکت‌ها و سایر افراد شاغل در حرفه حسابداری در گزارشگری مالی صحیح دارند، لازم است بررسی موضوع مدیریت سود به این گروه نیز تسری یابد.

دلیل شکل‌گیری مدیریت سود این است که اصول پذیرفته شده حسابداری امکان استفاده از قضاوت و انتخاب میان روش‌های گزارشگری را فراهم می‌کند و این موضوع می‌تواند فرصتی برای انتخاب عامدانه و هدفمند در جهت منافع شخصی ایجاد نماید. در سال‌های اخیر این حق انتخاب و قضاوت حسابداران به دلیل تغییر روش استانداردارگذاری از استانداردارگذاری مبتنی بر قواعد به سوی استانداردارگذاری مبتنی بر اصول و تأکید بر کلی‌نگری و واگذاری جزئیات به قضاوت حرفه‌ای، بیشتر شده و به این ترتیب فرصت بیشتری برای بروز رفتار مدیریت سود ایجاد شده است. بنابراین با توجه به نقش مهم قضاوت و تصمیم‌گیری در حرفه

حسابداری و پررنگ‌تر شدن آن به نظر می‌رسد برای بررسی رفتار مدیریت سود لازم است عوامل تأثیرگذار بر فرآیند قضاوت و تصمیم‌گیری مورد بررسی قرار گیرد.

عوامل بسیاری در قضاوت اشخاص تأثیرگذار است که از آن جمله می‌توان ویژگی‌های فردی را نام برد. ویژگی‌های فردی را ریکمن اینگونه تعریف می‌کند؛ مجموعه پویا و سازمان‌یافته از مشخصه‌های فردی یک شخص که منحصر بر شناخت، انگیزه‌ها و رفتارهای فرد در موقعیت‌های مختلف تأثیر می‌گذارد (ریکمن، ۲۰۰۷، ۴). هافستد و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند برنامه‌ریزی ذهنی افراد تحت تأثیر ۳ عامل ذات انسان، فرهنگ و ویژگی‌های فردی است.

قضاوت و تصمیم‌گیری نیز به عنوان یک کارکرد ذهنی تحت تأثیر این سه عامل می‌باشد و بنابراین ویژگی‌های فردی تأثیر بسزایی در قضاوت و تصمیم‌گیری افراد دارد. هافستد و همکاران (۲۰۱۰) با ارائه یک هرم (شکل شماره ۱) که در رأس آن ویژگی‌های فردی قرار دارد اهمیت ویژگی‌های فردی را در برنامه‌ریزی‌های ذهنی از جمله قضاوت و تصمیم‌گیری به نمایش گذاردند.



شکل (۱): سه سطح مشخصه‌های انحصاری در برنامه‌ریزی ذهنی افراد که توسط هافستد ارائه شده است

ویژگی‌های فردی که مختص خود شخص است (به ارث می‌رسد یا یاد گرفته می‌شود)

فرهنگ که مختص یک گروه یا طبقه است (یاد گرفته می‌شود)

ذات انسان که کلی است (به ارث می‌رسد)

بررسی ویژگی‌های فردی دیدی روشن در مورد تفاوت‌های بین اشخاص مختلفی که حتی یک فرهنگ مشابه دارند، ارائه دهد و با بررسی آن می‌توان توضیح منطقی در مورد تفاوت‌هایی که در فرآیند تصمیم‌گیری و قضاوت اشخاص وجود دارد را توضیح داد. پژوهش‌های انجام شده توسط محققین از جمله پاپاداکیس و باروایز (۲۰۰۲)، پیترسون و همکاران (۲۰۰۳)، کارپنتر و همکاران (۲۰۰۴) نشان داده ویژگی‌های فردی اشخاص در قضاوت و تصمیم‌گیری‌های آن‌ها اهمیت بسزایی دارد. یکی از ویژگی‌های فردی که می‌تواند بر فرآیند قضاوت و تصمیم‌گیری اشخاص اثرگذار باشد خودشیفتگی است. خودشیفتگی نشان دهنده عشق افراطی به خود است و یک ویژگی غیرقابل انعطاف و ثابت است که شامل اغراق، خودبزرگ‌بینی و میل به تحسین واقع شدن است (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۰۰، ۷۱۷). افراد خودشیفته معمولاً کمبود اعتماد به نفس و کمبود عزت نفس دارند و برای جبران آن می‌خواهند نشان دهند از دیگران مهم‌تر هستند (ریجسنبلت، ۲۰۱۳). از نظر ایمونز (۱۹۸۷) مشخصه‌های خودشیفتگی عبارتند از حس قدرت طلبی، برتری طلبی، نیاز به مورد احترام قرار گرفتن و محق بودن. به نظر می‌آید این مشخصه‌ها می‌تواند با تأثیر بر فرآیند تصمیم‌گیری و قضاوت اشخاص خودشیفته، موجب شود اتخاذ تصمیمات آنها براساس احساساتی باشد که تمایل دارند تجربه نمایند. چنانچه افراد خودشیفته پیش‌بینی کنند نتیجه تصمیم‌گیری و اقدام به عملی می‌تواند موجب تجربه حس قدرت و برتری برای آنها باشد ممکن است بدون توجه به عواقب و پیامدهای آن برای دیگران، تصمیم به انجام آن بگیرند.

با توجه ویژگی‌های خودشیفتگی به نظر می‌رسد با تأثیری که بر فرآیند تصمیم‌گیری و قضاوت دارد می‌تواند در تمایل افراد به دستکاری صورت‌های مالی و مدیریت کردن سود مؤثر باشد. با توجه به علاقه بسیار زیاد خودشیفتگان به داشتن پست و مقام و قدرت و مورد تمجید بودن، انتفاع شخصی که هدف رفتار مدیریت سود است ممکن است برای این گونه افراد علاوه بر منافع مالی به شکل تجربه کردن حس قدرت و برتری باشد و به نحوی این احساس بر آن‌ها غلبه کند که حتی رفتارهای غیراخلاقی مانند اقدام به گزارشگری نادرست نیز بروز دهند.

کمپل و همکاران (۲۰۰۴) بیان می‌کنند مدیران خودشیفته افرادی خودخواه هستند و از تاکتیک‌های رهبری جهت تغییر وضعیت در راستای منافع شخصی خود استفاده می‌کنند، این

تاکتیک‌ها می‌تواند در کوتاه مدت منفعی را برای شخص و سازمان ایجاد کند اما در بلندمدت به زیان سازمان خواهد بود. نتایج برخی از تحقیقات از جمله مادسون و ونس (۲۰۰۹) و کوهن و زاروین (۲۰۱۰) نیز نشان داده یکی از عوامل رسوایی‌های مالی شرکت انرون خود شیفتگی مدیران آن سازمان بوده است. در مصاحبه‌ای که با فاستو مدیر مالی شرکت انرون کمی پیش از مشخص شدن تخلفات این شرکت، انجام شده بود مشخص گردید که وی فردی خود شیفته است که برای منافع شخصی خود حاضر به انجام هر اقدامی است حتی اگر به بهای از بین رفتن رفاه دیگران باشد (هام و همکاران، ۲۰۱۵).

نویسندگان این پژوهش به دو دلیل به تحقیق در مورد تأثیر خود شیفتگی بر رفتار مدیریت سود افراد شاغل در حرفه حسابداری پرداختند. نخست این که تحقیقات در زمینه بررسی موضوعات حسابداری از دیدگاه رفتاری در ابتدای راه است و نیاز به پژوهش بسیار دارد و بسیاری از پژوهشگران از جمله اندون و همکاران (۲۰۱۰)؛ هیدوس و پتل (۲۰۱۲)؛ سو و اسمیت (۲۰۰۳) خواستار آن شده‌اند که محققین در پژوهش‌های خود در مورد موضوعات حسابداری، توجه بیشتری به ویژگی‌های فردی و نقش متغیرهای فردی در قضاوت حسابداران، داشته باشند. باید در نظر داشت که در کنار انگیزه‌های مادی، انگیزه‌های روانشناختی و ویژگی‌های فردی اشخاص نیز می‌تواند عاملی مؤثری در رفتار مدیریت سود باشد و این موضوعی است که در پژوهش‌ها چندان مورد توجه قرار نگرفته است. نکته دوم این است که بسیاری از تحقیقات مدیریت سود بر انگیزه‌ها و دلایل مدیران عامل شرکت‌ها متمرکز است، زیرا اتخاذ تصمیم در مورد بسیاری از مسائل مهم سازمانی برعهده آنها است. اما با توجه به نقش مهم مدیران مالی و حسابداران در گزار شگری صحیح، لازم است در بررسی رفتار مدیریت سود این افراد نیز مد نظر قرار گیرند. اگر چه پژوهش‌های انجام شده در مورد نقش مدیران مالی و حسابداران در مدیریت سود بسیار محدود است اما تخلفات زیادی که در سال‌های اخیر توسط مدیران مالی صورت گرفته موجب شده توجه پژوهشگران و مقامات قانونی به آنها جلب گردد، به نحوی که محققینی از جمله ژیانک و همکاران (۲۰۰۹) و هام و همکاران (۲۰۱۵) در مورد نقش آن‌ها در مدیریت سود به پژوهش پرداختند و مقامات قانونی از جمله کمیسیون بورس اوراق بهادار با این استدلال که مدیران مالی مسئولیت مهم ارائه درست اطلاعات و صورت‌های مالی را دارند، خواستار شفافیت بیشتر اطلاعات مربوط به مدیران مالی

از جمله افشا پاداش آنها شده‌اند. دلایلی را که ممکن است موجب شود مدیر مالی اقدام به مدیریت سود کند.

بنابراین این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا بین خودشیفتگی و تمایل افراد شاغل در حرفه حسابداری به مدیریت سود فرصت طلبانه رابطه معنی دار وجود دارد. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند ارزش افزوده علمی به شرح زیر داشته باشد.

نخست این که نتایج این پژوهش می‌تواند موجب گسترش مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در حوزه تحقیقات رفتاری حسابداری شود و درک بهتری نیز از ویژگی‌های فردی افراد شاغل در حرفه در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران فراهم کند. همچنین نتایج این تحقیق با تأکید بر اهمیت نقش ویژگی‌های فردی در تحقیقات حسابداری توجه محققین را به اهمیت تحقیقات رفتاری جلب نموده و نشان می‌دهد که این ویژگی‌ها می‌بایست به عنوان عوامل ریسک اخلاق حرفه‌ای و رفتاری در نظر گرفته شود.

### مدیریت سود

تعریف‌های متفاوتی از مدیریت سود ارائه شده است. هیلی و والن (۱۹۹۹) بیان می‌کنند مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده می‌کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دستکاری می‌نمایند. این کار به قصد گمراه کردن صاحبان سود در مورد عملکرد اقتصادی شرکت و یا به قصد تأثیر بر نتایج قراردادهایی است که انعقاد آن منوط به دستیابی به سود مشخص است.

طبق تعریف جونز و شارما (۲۰۰۱) مدیریت سود عبارت است از نوعی اقدامی آگاهانه با هدف طبیعی نشان دادن سود شرکت به یک سطح مطلوب و مورد نظر. آنها معتقدند مدیریت سود زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران با استفاده از قضاوت، در گزارشگری مالی و ساختار معاملات جهت گمراه نمودن برخی از ذینفعان درباره عملکرد اقتصادی شرکت یا تحت تأثیر قراردادن نتایج قراردادی که به ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است، تغییر ایجاد می‌کنند.

مدیریت سود ممکن است در چارچوب اصول پذیرفته شده حسابداری صورت پذیرد اما کماکان مسائل مربوط به عدم رعایت اصول اخلاقی وجود دارد. زیرا بسیاری از



استفاده کنندگان، به صورت‌های مالی به عنوان منبعی برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خود اتکا دارند و مدیریت سود می‌تواند موجب گمراهی و متضرر شدن آنها گردد.

در ادبیات حسابداری در مورد انگیزه‌های مدیریت سود دو دیدگاه مطرح می‌شود، مدیریت سود فرصت‌طلبانه و مدیریت سود کارا. هنگامی که مدیران از اختیارات خود برای افزایش منافع شخصی استفاده کرده و با میل بیشتری اقدام به انتشار اطلاعات محرمانه درباره سودآوری شرکت کنند مدیریت سود فرصت‌طلبانه خواهد بود. به عبارت دیگر مدیریت سود فرصت‌طلبانه، تغییر در گزارش‌های مالی توسط مدیران به منظور گمراهی استفاده‌کنندگان نسبت به عملکرد اقتصادی شرکت برای حداکثرسازی منافع شخصی است. مدیریت سود کارا عبارت است از بهبود محتوای اطلاعاتی سود در هر سال اطلاعات محرمانه. زمانی که مدیریت از صلاح دید خود برای بهبود توانایی سود شرکت استفاده کند مدیریت سود کارا خواهد بود.

### خودشیفتگی

یکی از ویژگی‌های فردی که می‌تواند بر فرآیند قضاوت و تصمیم‌گیری افراد تأثیرگذار باشد و در نتیجه انگیزه‌ای برای حسابداران در بروز رفتار مدیریت سود فراهم کند خودشیفتگی است. خود شیفتگی یا نارسیسم از یک افسانه یونانی گرفته شده است و براساس این افسانه نارسیوس جوان زیبایی بوده که با دیدن تصویر خود در آب دریاچه آنقدر شیفته می‌شود که دیگر نمی‌تواند آن نقطه را ترک کند و در نتیجه در کنار دریاچه جان می‌سپارد. خودشیفتگی به عنوان حس تفاوت‌های فردی نسبتاً پایدار است که شامل بزرگ‌نمایی، عشق به خود، غرور و برجسته کردن خود تعریف شده است (کمپل و همکاران، ۲۰۰۴).

در روانشناسی بالینی خودشیفتگی به عنوان یک اختلال شخصیتی مطرح است و در روانشناسی شخصیت به عنوان یک ویژگی فردی خاص مورد بحث قرار می‌گیرد اما تعریفی که هر دو شاخه از روانشناسی در مورد خودشیفتگی ارائه می‌دهند یکسان است. براساس تعریف جامعه روانپزشکی امریکا افراد خودشیفته با سایرین هم‌دل نیستند ولی نیاز دارند مرتب از سوی آنان مورد تمجید واقع شوند و تصویری مبالغه‌آمیز از خویش دارند (انجمن روانپزشکی امریکا، ۲۰۰۰).

کمپل و میلر (۲۰۱۱) مطرح می‌کند که افراد خود شیفته خود شان را برتر از دیگران می‌دانند و از دیگران توقع دارند آنها را تعریف و تمجید کنند و آرزوهای آنها را برآورده سازند. اما خودشان به نیازهای دیگران اعتنایی نمی‌نمایند و تحمل انتقاد نیز ندارند. افراد خودشیفته تصور غیرواقعی و کاذبی از اهمیت خود دارند صفتی که به خود بزرگ بینی معروف است، همچنین از عزت نفس پایین برخوردار بوده و بنابراین بدنبال این هستند که دیگران آنها را تأیید کنند. این افراد نسبت به موفقیت، قدرت و هوش خود دیدی غیرواقعی دارند و خود را برحق می‌دانند.

برخی از محققین از جمله ایمونز (۱۹۸۷) معتقدند هر شخصی مقداری تمایلات یا شخصیت خودشیفتگی دارد. بنابراین خودشیفتگی یک طیفی است از افرادی که از نظر روانی سالم هستند تا افرادی که شدیداً خود شیفته‌اند. افرادی که سبک و شیوه خودشیفتگی دارند نسبت به افرادی مبتلا به اختلال شخصیت، از لحاظ روانی سالم‌ترند اما ممکن است متکبر، مغرور و خودبین باشند. ایمونز (۱۹۸۷) مطرح می‌کند خودشیفتگی ۴ جزء دارد که عبارتند از قدرت طلبی، برتری طلبی، تمجید از خود و محق بودن.

با توجه به ویژگی‌های خودشیفتگی به نظر می‌رسد در صورتی که افراد شاغل در یک سازمان دچار آن باشند مشکلاتی در سازمان ایجاد خواهند کرد. نتایج پژوهش کارملی و شیفر (۲۰۰۹) نشان می‌دهد مدیران خود رأی و خود محور دید کوتاه مدت مدیریتی دارند و استراتژی‌هایی را انتخاب می‌کنند که به نفع سازمان نیست. لوبیت (۲۰۰۲) مطرح می‌کند که خودشیفتگی مدیران می‌تواند به شهرت سازمان صدمه بزند و پیامدهای مالی برای سازمان داشته باشد.

نتایج بسیاری از تحقیقات نشان داده احتمال زیادی وجود دارد که خودشیفتگان اعمال غیراخلاقی انجام دهند. دوکان و درک (۲۰۰۹) با اعتقاد به این که سازمان‌ها همانند انسان‌ها دارای هویت هستند مطرح می‌کنند که خودشیفتگی سازمان می‌تواند منجر به این شود که سازمان مغایر با اخلاق حرفه‌ای عمل کنند. باید توجه نمود که با توجه به ویژگی رفتار خود شیفتگی، بروز رفتارهای غیراخلاقی افراد خود شیفته لزوماً به این معنی این نیست که آنها همیشه به طور عمد قصد دارند غیراخلاقی عمل کنند اما به دلیل برحق دانستن خود و نیاز به قدرت ممکن است اصلاً این تصور را ندارند که اعمالشان غیراخلاقی است.

خودشیفتگی را می‌توان این‌گونه به موضوع مدیریت سود تسری داد که افراد خودشیفته ممکن است برای ارضای حس غرور خود اقدام به مدیریت سود کنند زیرا به دنبال قدرت طلبی و برتری طلبی هستند و تمایل دارند همواره از سوی دیگران مورد تمجید قرار گیرند. آنها افراد جاه طلبی هستند که برای دستیابی به سطوح بالاتر مدیریتی و گرفتن ارتقا حاضر به انجام هر کاری هستند تا بدین ترتیب حس غرور و قدرت خود را ارضا کنند حتی اگر اقدامات آنها موجب متضرر شدن دیگران و زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی شود. افراد خودشیفته نسبت به دیگران حس برتری دارند و تصور می‌کنند قوانین شامل آنها که اطلاعات بسیاری دارند نمی‌شود. تمایل زیادی به سرپیچی از قوانین دارند و بنابراین احتمال زیادی وجود دارد که سیستم‌های کنترلی را قبول نداشته باشند و برای رسیدن به اهدافشان خودشان سیستم‌هایی را طراحی کنند. برای ارضای حس برتری و قدرت حتی حاضر به پذیرفتن ریسک هستند و با این تصور که بسیار مطلع و آگاهند و مرتکب عمل اشتباهی نمی‌شوند ریسک پذیری بالایی دارند. آمرنیک و گرک (۲۰۱۰) معتقدند مدیران با خودشیفتگی بالا به دلیل آن که می‌خواهند وضعیت مالی شرکت را به بهترین صورت ارائه کنند تا توسط دیگران مورد تمجید و تقدیر قرار گیرند از روش‌های حسابداری استفاده می‌کنند که ابهام دارد. آمرنیک و گرک (۲۰۱۰) و بادی (۲۰۰۶) مطرح می‌کنند که این نیاز به احترام به حدی است که می‌تواند منجر به رفتار غیراخلاقی در سازمان از جمله تقلب حسابداری و دستکاری در سهام شود.

با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد این احتمال وجود دارد که افراد خودشیفته اقدام به مدیریت سود کنند.

### پیشینه پژوهش

هام و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی ارتباط خودشیفتگی مدیران مالی شرکت‌ها و مدیریت سود واقعی و تعهدی پرداختند. این محققین با انتخاب نمونه‌ای متشکل از امضاها ۵۱۲ نفر از مدیران مالی و بررسی اندازه امضا افراد (فاصله بین حروف امضا) و ارتباط دادن آن به ابعاد خودشیفتگی پرسشنامه شخصیت خودشیفته ۴۰ سوالی<sup>۱</sup>، سطح خودشیفتگی در مدیران مالی را اندازه‌گیری نمودند.

نتایج تحقیق این پژوهشگران بیانگر ارتباط مثبت بین خودشیفتگی مدیران مالی و مدیریت سود بوده است.

اولسون و دورکیس (۲۰۱۴) رابطه خودشیفتگی مدیران عامل شرکت‌های فورچون ۵۰۰ در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۹ با معیارهای عملکرد شرکت (سود هر سهم و ارزش سهم) مورد بررسی قرار دادند. این محققین برای اندازه‌گیری خودشیفتگی از معیارهای میزان پاداش نقدی و غیرنقدی داده شده به مدیران زیردست، اندازه و بزرگی و ترکیب عکس مدیران در گزارش سالانه شرکت استفاده کردند. نتایج تحقیق آنها حاکی از رابطه مثبت بین خودشیفتگی مدیران عامل و معیارهای عملکرد شرکت است. به این معنی که شرکت‌هایی با مدیر عامل خودشیفته، سود هر سهم و قیمت سهم بالاتری نسبت به شرکت‌های دیگر دارند زیرا به احتمال زیاد مدیرعامل خود شیفته تمایل دارد سود هر سهم گزارش شده را افزایش دهد و برای این هدف بجای دستکاری در ارقام تعهدی، از طریق فعالیت‌های واقعی و عملیاتی مانند افزایش تولید و فروش، سود هر سهم را افزایش می‌دهد.

بو شهولز و لویپاتا (۲۰۱۴) ارتباط خود شیفتگی مدیران عامل شرکت‌های استانداردز اند پور ۳۵۰ را با مدیریت سود آزمون کردند. آنها برای تعیین سنجش میزان خودشیفتگی از ۱۵ معیار ارائه شده توسط ریجسنبیلت استفاده کردند (این معیارها از طرق مختلف می‌تواند فراهم شود به عنوان مثال ارائه عکس بزرگ شخص در گزارش سالانه، مطالب زیاد در مورد خود در بیوگرافی شخص یا به عبارت دیگر تعداد خطوط نوشته شده در مورد خود، ذکر تعداد زیادی از عناوین شخص، نحوه پاداش و غیره همگی نشانه‌هایی از خودشیفتگی است). یافته‌های پژوهش آنها بیانگر این است که مدیران عامل با خودشیفتگی زیاد با استفاده از روش‌های حسابداری می‌خواهند تصویر خوبی از وضعیت مالی شرکت بدهند و در این راستا فقط سود را حداکثر نمی‌سازند بلکه اقدام به کاهش سود نیز می‌کنند. همچنین مدیریت سود ارقام تعهدی بیشتر از مدیریت سود واقعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ریجسنبیلت و کوماندر (۲۰۱۳) در پژوهش خود نقش خودشیفتگی را به عنوان عاملی در انجام تخلف مورد آزمون قرار دادند. نمونه آماری شامل مدیران عامل شرکت‌های استانداردز اند پور ۵۰۰ بود. آنها با استفاده از ۱۵ معیار خودشیفتگی مدیران را اندازه‌گیری کردند. برای اندازه‌گیری تخلفات نیز از گزارشات کمیسیون بورس اوراق بهادار در مورد شرکت‌ها استفاده

نمودند. این محققین به این نتیجه رسیده‌اند که مدیران عامل با خودشیفتگی بالا بدلیل آنکه می‌خواهند مورد تمجید و احترام قرار گیرند ممکن است تصمیمات متهورانه و ریسکی بگیرند که موجب متضرر شدن سازمان شود. همچنین نتیجه تحقیق آنها نشان داده که ارتباط مثبت بین خودشیفتگی و احتمال تخلف مدیران عامل وجود دارد.

هیلز و همکاران (۲۰۱۲) با یک تحقیق آزمایشگاهی با استفاده از ۴۵ دانشجوی رشته بازرگانی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا خودشیفتگی مدیر بر نحوه گزارش عملکرد مالی شرکت تأثیر دارد. ابزار مورد استفاده آنها برای اندازه‌گیری میزان خودشیفتگی پرسشنامه شخصیت خود شیفته بود. مطابق یافته‌های این پژوهشگران، زمانی که گزارش مطلوب عملکرد شرکت بسیار مهم باشد خودشیفتگی می‌تواند موجب شود افراد عملکرد شرکت را بالاتر از میزان واقعی گزارش کنند و این موضوع به ویژه زمانی اتفاق می‌افتد که فرد به دنبال این است که از نظر عملکرد کاری نفر اول و بالاتر از بقیه افراد باشد یعنی خودشیفته باشد.

چن (۲۰۱۰) با یک مدل شبیه سازی کامپیوتری نشان داد که چطور ترکیبی از خود شیفتگی مدیران، انگیزه مالی، انتظارات سهامداران، کارکنان تحت تابعیت مدیر که در برابر اعمال مدیریت سکوت می‌کنند همراه با عدم صداقت مدیران می‌تواند گزارشگری نادرست و رسوایی‌های اخلاقی اخیر را ایجاد کند.

فوستر و تریم (۲۰۰۸) پژوهشی در مورد ارتباط ریسک و خودشیفتگی انجام دادند. نمونه این پژوهش متشکل از ۱۹۳ دانشجو در مقطع کارشناسی و ابزار مورد استفاده برای اندازه‌گیری خودشیفتگی پرسشنامه شخصیت خودشیفته بود. این محققین با پژوهش خود این نتیجه رسیدند که افراد خودشیفته انگیزه قوی در رسیدن به نتایج مطلوب دارند ولی تمایل زیادی به جلوگیری از پیامدهای منفی آن ندارند. به این ترتیب وقتی اشخاص تمایلات خودشیفتگی زیاد داشته باشد احساس پیروزی که در رسیدن به نتایج مورد مطلوب دارد انگیزه خیلی زیادی به وی می‌دهد که اقدامات ریسکی انجام دهد. این انگیزه بیشتر از ترس از شکست اقدامات ریسکی‌اش است.

### فرضیه پژوهش

با توجه به مبانی نظری تحقیق و تحقیقات قبلی فرضیه این پژوهش به شکل زیر مطرح می‌شود:

بین سطح خود شیفتگی و تمایل افراد شاغل در حرفه حسابداری به مدیریت سود فرصت طلبانه رابطه معنی‌دار وجود دارد.

### روش پژوهش

این تحقیق از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی است زیرا به بررسی موقعیت‌های عملی می‌پردازد و همچنین از نظر روش توصیفی - پیمایشی است. چارچوب نظری و پیشینه تحقیق از راه قیاسی و جمع‌آوری داده‌ها و نتیجه‌نهایی برای آزمودن رد یا پذیرش فرضیه از راه استقرایی و از طریق پرسشنامه انجام می‌شود. با توجه به این که این پژوهش در بک محیط واقعی یعنی شرکت‌ها انجام شده، جزء تحقیقات میدانی محسوب می‌شود.

### روش و ابزار گردآوری اطلاعات

در این تحقیق به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز و سنجش متغیرهای پژوهش از پرسشنامه استفاده شده است. سنجش خودشیفتگی از طریق پرسشنامه شخصیت خودشیفته انجام می‌شود که بر مبنای پرسشنامه راسکین و هال است. پرسشنامه راسکین و هال خودشیفتگی را بر اساس ۴۰ سوال اندازه‌گیری می‌نماید. آموز و همکاران (۲۰۰۶) به منظور کوتاه‌تر کردن و کارایی بیشتر، تعداد سوالات پرسشنامه را محدودتر کرده و پرسشنامه شخصیت خودشیفته با استفاده از ۱۶ سوال<sup>۴</sup> را ایجاد کرده‌اند. این پرسشنامه استاندارد می‌باشد و اعتبارسنجی آن برای استفاده در جامعه ایران توسط محمدزاده (۱۳۸۸) بررسی شده و نتایج پژوهش وی نشان داده این پرسشنامه ابزار مناسبی برای پژوهش‌های مربوط به خودشیفتگی در جامعه ایران است. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۷۹ درصد می‌باشد. این پرسشنامه دارای ۱۶ جفت عبارت بوده و طیف پاسخگویی آن بدین صورت است که متشکل از جفت گویه‌هایی است که پاسخ‌دهنده باید یکی از آنها را انتخاب نماید. برای بدست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه،

مجموع امتیازات همه سوالات با هم جمع می‌شود. امتیاز دامنه‌ای از ۰ تا ۱۶ را خواهد داشت و امتیاز بالاتر بیانگر خودشیفتگی بالاتر فرد خواهد بود و برعکس.

از پرسشنامه مدیریت سود بلسکی و همکاران (۲۰۰۸) برای سنجش تمایل به مدیریت سود استفاده شده است. برای اطمینان از روایی پرسشنامه، ابتدا پرسشنامه در بین ۳۰ نفر از متخصصان و خبرگان توزیع شد و پس از اطمینان از نتایج بدست آمده، پرسشنامه مذکور بین افراد نمونه آماری توزیع گردید. قبلاً در پژوهش‌های دیگر از جمله پژوهش اعتمادی و رحمانی (۱۳۸۸) نیز این پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفته و قابلیت اعتماد و اعتبار آن سنجیده شده است. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر ۷۸ درصد محاسبه شده است. بخش مدیریت سود فرصت طلبانه این پرسشنامه شامل سه مطالعه موردی است. هر مطالعه موردی شامل ۳ سوال و جمعاً ۹ سوال می‌باشد و براساس طیف لیکرت از ۱ تا ۷ به سوالات امتیاز داده شده است.

برای آزمون فرضیه از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

### متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل پژوهش خودشیفتگی و متغیر وابسته تمایل به مدیریت سود فرصت طلبانه می‌باشد. یافته‌های برخی از پژوهشگران نشان داده جنسیت، تحصیلات و سن در مدیریت سود مؤثر است، از جمله پژوهش چیانگ و همکاران (۲۰۱۶) در مورد نقش تحصیلات، پژوهش دوانگ و ایوانز (۲۰۱۶) در مورد نقش جنسیت و پژوهش زانگ (۲۰۱۶) در مورد نقش جنسیت، سن و تحصیلات. بنابراین در این تحقیق جنسیت، تحصیلات و سن به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شود. نحوه اندازه گیری این متغیرهای کنترلی به این شرح است:

جنسیت: یک متغیر مصنوعی (مجازی) است که با مقدار یک و صفر نشان داده می‌شود. جنسیت مرد با مقدار یک و جنسیت زن با مقدار صفر نشان داده می‌شود.

تحصیلات: یک متغیر رتبه‌ای است که با مقدار ۱ تا ۴ نشان داده شده است. برای تحصیلات کارشناسی عدد ۱، دانشجوی کارشناسی ارشد ۲، کارشناسی ارشد عدد ۳ و دانشجوی دکتری عدد ۴ در نظر گرفته شده است.

سن: یک متغیر نسبی است و عبارت است از سن شناسنامه‌ای بر حسب سال

### جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری در این پژوهش افراد شاغل در حرفه حسابداری شامل مدیران مالی شرکت‌های بورسی و غیربورسی، سرپرستان حسابداری و حسابداران می‌باشد و روش نمونه‌گیری این پژوهش، تصادفی است. بدلیل نامحدود بودن جامعه آماری، برای تعیین حجم نمونه از فرمول زیر استفاده شد.

$$n = \frac{z \frac{\alpha}{2} p q}{d^2}$$

در این فرمول

n = تعداد نمونه

مقدار نرمال استاندارد یعنی  $z \frac{\alpha}{2} = 1/96$

p = q = 0/5

d = ۰/۱

تعداد نمونه آماری بدست آمده مطابق با فرمول بالا ۹۶ می‌باشد. در این تحقیق ۳۵۳ پرسشنامه به صورت تصادفی بین افراد شاغل در حرفه حسابداری توزیع شد و تعداد ۲۰۹ پرسشنامه دریافت شد که به‌طور کامل به پرسش‌ها پاسخ داده بودند. با توجه به قاعده حد مرکزی و نرمال بودن متغیرهایی که پرسشنامه آن را اندازه‌گیری می‌کند این تعداد از پرسشنامه کافی می‌باشد. نگاره (۱) ترکیب این نمونه آماری را نشان می‌دهد. قلمرو زمانی این پژوهش سال ۱۳۹۴ می‌باشد.



## نگاره (۱): ترکیب نمونه آماری

مجموع					
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱۰۰/۰	۲۰۹	۴۸/۳۳	۱۰۱	زن	جنسیت
		۵۱/۶۷	۱۰۸	مرد	
۱۰۰/۰	۲۰۹	۶۳/۷	۱۳۳	مدیر مالی	شغل
		۲۴/۴	۵۱	سرپرست حسابداری	
		۱۱/۹	۲۵	حسابدار	
۱۰۰/۰	۲۰۹	۴/۳۱	۹	کارشناسی	سطح تحصیلات
		۴۴/۹۷	۹۴	دانشجوی کارشناسی ارشد	
		۴۶/۴۱	۹۷	کارشناسی ارشد	
		۴/۳۱	۹	دانشجوی دکتری	

## یافته‌های پژوهش

نگاره (۲) آمار توصیفی متغیرهای تحقیق (خود شیفتگی و تمایل به مدیریت سود) را نشان می‌دهد. میانگین تمایل به مدیریت سود که از ۱ تا ۷ در طیف لیکرت قابل اندازه‌گیری است در این نگاره برابر ۴/۳۸ می‌باشد. یعنی از عدد ۳/۵ که میانگین ۱ تا ۷ می‌باشد بزرگتر است. این موضوع نشان می‌دهد که تمایل پاسخ‌دهندگان به مدیریت سود بالاتر از سطح متوسط است.

## نگاره (۲): آمار توصیفی

خودشیفتگی	تمایل به مدیریت سود	شرح
۲۰۹	۲۰۹	تعداد مشاهده
۵/۶۷۹	۴/۴۲۳	میانگین
۵/۷۸۹	۴/۴۱۲	میانه
۲/۵۷۱	۱/۳۶۵	انحراف استاندارد
۰	۱	حداقل
۱۴	۷	حداکثر

نگاره (۳) میانگین متغیر وابسته و مستقل تحقیق را به تفکیک جنسیت و سطح تحصیلات نشان می‌دهد.

**نگاره (۳): میانگین متغیرها به تفکیک جنسیت و سطح تحصیلات**

خودشیفتگی	تمایل به مدیریت سود	تعداد	شرح	جنسیت
۵/۸۵۲	۴/۱۲۰	۱۰۱	زن	جنسیت
۵/۵۴۱	۴/۶۲۸	۱۰۸	مرد	
۴	۴/۵۹۲	۹	کارشناسی	سطح تحصیلات
۵/۶۸۹	۴/۳۴۶	۹۴	دانشجوی کارشناسی ارشد	
۵/۷۲۱	۴/۵۴۳	۹۷	کارشناسی ارشد	
۵/۷۴۹	۵/۲۵۱	۹	دانشجوی دکتری	

با توجه به اسمی بودن متغیر جنسیت برای بررسی معناداری تفاوت میانگین‌های متغیرهای وابسته و مستقل میان زن و مرد، از آزمون من ویتنی و ویلکاکسون استفاده شده و با توجه به رتبه‌ای بودن سطح تحصیلات برای بررسی معناداری تفاوت میانگین‌های متغیرهای وابسته و مستقل، آزمون کروسکال والیس مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج در نگاره‌های (۴) و (۵) نمایش داده می‌شود. همانطور که نگاره (۴) نشان می‌دهد تفاوت میانگین متغیرها میان زن و مرد در سطح آلفای ۱۰ صدم معنادار است.

**نگاره (۴): آزمون من ویتنی و ویلکاکسون**

خودشیفتگی	تمایل به مدیریت سود	شرح
۹۱۴۹	۸۱۳۹	جنسیت آماره من ویتنی
۲۱۳۴۴	۱۵۳۹۹	آماره ویلکاکسون
-۰/۴۳۲	-۱/۸۹۵	آماره Z
۰/۷۰۵	۰/۰۵۹	سطح معنی‌داری

مطابق با نگاره (۵) سطح معنی‌داری آماره کای دو بالاتر از ۵ درصد است لذا می‌توان ادعا نمود که تفاوت میانگین متغیرها میان سطح تحصیلات معنی‌دار نیست.

**نگاره (۵): آزمون کروسکال والیس**

خودشیفتگی	تمایل به مدیریت سود	شرح
۲/۷۸۲	۴/۲۲۷	آماره کای دو
۳	۳	درجه آزادی
۰/۳۴۴	۰/۱۴۸	سطح معنی‌داری

نتایج آزمون فرضیه در نگاره (۶) آورده شده است. همانطور که مشاهده می‌شود سطح آماره F زیر ۵ درصد است. آماره دوربین واتسون برای برآورد وجود یا عدم وجود خود همبستگی در جمله اخلاقی (پسماند) استفاده می‌شود و چنانچه این آماره بین ۱/۷ تا ۲/۳ برآورد شود به این معنی است که پسماندها مستقل هستند. با توجه به اینکه این آماره در حدود ۲ می‌باشد بنابراین در جمله اخلاقی خودهمبستگی وجود ندارد. همچنین عامل تورم واریانس نزدیک به ۱ است.

این نتایج بیانگر آن است که آزمون رگرسیون از اعتبار کافی برخوردار می‌باشد.

#### نگاره (۶): آزمون فرضیه

شرح	ضرایب	آماره t	سطح معنی داری	عامل تورم واریانس
مقدار ثابت	۳/۶۴۳	۶/۶۳۵	۰/۰۰۰	
جنسیت	۰/۴۸۵	۲/۵۸۳	۰/۰۱۱	۱/۱۴۵
تحصیلات	۰/۱۷۳	۱/۸۹۷	۰/۰۵۱	۱/۰۳۳
سن	-۰/۰۱۴	-۱/۲۷	۰/۱۸۷	۱/۱۳۱
خودشیفتگی	۰/۱۰۲	۱/۸۷۵	۰/۰۶۴	۱/۰۴۱
آماره F	۲/۷۱۹		۰/۰۰۰	
	D.W = ۲/۰۴			
	R <sup>2</sup> = ۰/۰۵			

متغیر وابسته: تمایل به مدیریت سود

نتایج آزمون رگرسیون فوق نشان می‌دهد که جنسیت و سطح تحصیلات در سطح ۹۵ درصد رابطه معنادار و مثبت با تمایل به مدیریت سود دارند. این موضوع به این معنی است که هرگاه جنسیت پاسخ‌دهنده به پرسشنامه مرد باشد تمایل به مدیریت سود نیز افزایش می‌یابد.

برای متغیر سطح تحصیلات نیز میزان رابطه با تمایل به مدیریت سود در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار است. وجود رابطه مثبت برای ضریب این متغیر بیانگر این است که افراد دارای سطح تحصیلات بالاتر تمایل به مدیریت سود بالاتری دارند. به عبارت دیگر با افزایش سطح تحصیلات تمایل به مدیریت سود افزایش خواهد یافت. مطابق با نتایج درج شده در نگاره سن رابطه معنی دار با تمایل به مدیریت سود ندارد.

نرمال بودن متغیرها از طریق آزمون کلموگروف اسمیرنوف انجام شده است. در این آزمون هرگاه سطح معنی داری بالاتر از ۵ درصد باشد به معنای نرمال بودن توزیع است. نگاره (۷)

نرمال بودن متغیر وابسته و مقادیر باقیمانده (خودشیفتگی) را نشان می‌دهد. همانطور که این نگاره نشان می‌دهد متغیر وابسته و مقادیر باقی مانده توزیع نرمال دارد.

**نگاره (۷): آزمون نرمال بودن متغیر وابسته و مقادیر باقیمانده**

شرح	تمایل به مدیریت سود	خودشیفتگی
آماره کلموگروف - اسمیرنوف	۱/۱۲۵	۰/۹۸۷
سطح معنی داری	۰/۰۹۱	۰/۳۷۴

بر اساس آزمون‌های همبستگی کندال و اسپیرمن سطح همبستگی میان متغیر مستقل (خود شیفتگی) و متغیر وابسته (تمایل به مدیریت سود) مورد بررسی قرار گرفت. همانطور که نتایج آن در نگاره (۸) نشان می‌دهد بر اساس هر دو آزمون همبستگی کندال و اسپیرمن بین سطح خودشیفتگی و تمایل به مدیریت سود رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. بنابراین با توجه به فرضیه پژوهش چنانچه سطح خودشیفتگی در افراد بالا باشد تمایل آنها به مدیریت سود فرصت طلبانه نیز بیشتر خواهد بود.

**نگاره (۸): آزمون همبستگی کندال و اسپیرمن**

شرح	آزمون کندال	آزمون اسپیرمن
	تمایل به مدیریت سود	تمایل به مدیریت سود
خودشیفتگی	۰/۰۹۹	۰/۱۳۸
سطح معنی داری	۰/۰۲۱	۰/۰۲۰

### نتیجه گیری

تحقیقات بسیاری در مورد مدیریت سود انجام شده اما بیشتر آنها به انگیزه‌های مدیریت سود و یا روش‌های مدیریت سود توجه دارند و در این تحقیقات به ویژگی‌های فردی اشخاص درگیر مدیریت سود، توجهی نشده است. پژوهش‌های انجام شده توسط محققین از جمله پاپاداکیس و باروایز (۲۰۰۲)، پیترسون و همکاران (۲۰۰۳)، کارپنتر و همکاران (۲۰۰۴) نشان داد ویژگی‌های فردی اشخاص در قضاوت و تصمیم‌گیری‌های آنها اهمیت بسزایی دارد و با توجه به آن که رفتار مدیریت سود یکی از مواردی است که مستلزم قضاوت و تصمیم‌گیری است می‌تواند تحت تأثیر ویژگی‌های فردی قرار گیرد. همچنین تمرکز بیشتر تحقیقات مدیریت سود بر انگیزه‌ها و دلایل رفتار مدیریت سود مدیران عامل شرکت‌ها است و علیرغم مسئولیت

مهم مدیران مالی و حسابداران شرکت‌ها در گزار شگری درست صورتهای مالی، توجه کمی به انگیزه های آنها شده است. این تحقیق یکی از معدود تحقیقاتی است که تمایل به مدیریت سود را از بعد دیگری به غیر از انگیزه مالی مورد توجه قرار می دهد و با استفاده یک رویکرد رفتاری، نقش خودشیفتگی به عنوان یکی از ویژگی های فردی را در تمایل افراد شاغل در حرفه حسابداری به مدیریت سود فرصت طلبانه مورد بررسی قرار می دهد.

نتایج تحقیق حاضر نشان می دهد رابطه مثبت و معنی دار بین خودشیفتگی و تمایل به مدیریت سود افراد شاغل در حرفه حسابداری وجود دارد. به عبارت دیگر افراد با سطح خود شیفتگی بالاتر تمایل بیشتری به مدیریت سود دارند. نتایج حاصل از فرضیه این تحقیق با یافته های پژوهش هام و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد. پژوهش هام و همکاران یگانه تحقیقی است که ارتباط خودشیفتگی مدیران مالی را با مدیریت سود و گزار شگری نادرست بررسی نمود. یافته های این پژوهشگران نشان می دهد مدیران مالی خود شیفته تمایل بیشتری به مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی و گزار شگری نادرست دارند. نتایج پژوهش های محققین دیگر از جمله بوشهولز و لوپاتا (۲۰۱۴)، ریجسنبلت و کوماندر (۲۰۱۳)، نیز حاکی از وجود رابطه مثبت بین خودشیفتگی و تمایل به مدیریت سود است البته این محققین این رابطه را در مورد مدیران عامل شرکت ها مورد بررسی قرار دادند.

به نظر می رسد علاوه بر دلایل مادی مثل پاداش به عنوان عامل مؤثر در رفتار مدیریت سود، دلیل دیگری که می تواند موجب تمایل بیشتر افراد به مدیریت سود شود میزان خودشیفتگی آنان است. افراد خودشیفته بدلیل آن که بدنبال اثبات برتری خود نسبت به دیگران هستند و اینکه تمایل دارند که همواره از سوی دیگران مورد احترام و تمجید قرار گیرند ممکن است اقداماتی را در سازمان ها انجام دهند که مغایر با اصول اخلاقی و در نهایت نیز به زیان سازمان باشد. آنها تصور می کنند همواره برحق و توانمندند و اقداماتشان نیز صحیح است و لذا برای اثبات توانایی و قدرت خود و مستحکم نمودن جایگاه خود در سازمان از انجام هر کاری، حتی تحریف صورتهای مالی، ابا ندارند. حسابداران خودشیفته تمایل دارند همواره مورد تشویق مدیرعامل قرار گیرند و موقعیت خود را مستحکم و پله های ترقی را در سازمان طی نمایند. غرور بیش از اندازه، ریسک پذیری بالا، احساس برحق بودن، جاه طلبی و نبود حس همدلی در این افراد، موجب می شود صدماتی که در نتیجه مدیریت سود بر

سرمایه‌گذاران وارد می‌شود مورد توجه قرار نداده و رفتارهای غیراخلاقی مانند گزارشگری نادرست بروز دهند. افراد خودشیفته به دلیل اطمینان کاذبی که به درستی اعمال خود دارند ممکن است حتی این تصور را که اقدامات آنها غیراخلاقی است نداشته باشند.

نتایج این پژوهش می‌تواند فرضیه‌های تحقیقات اثباتی حسابداری در مورد انگیزه‌های مدیریت سود را مورد پرسش قرار دهد. مطابق با این فرضیه‌ها، انگیزه مدیریت سود منافع شخصی است و منافع شخصی که مدنظر تحقیقات اثباتی است منافع مادی و پاداش‌هایی است که توسط افراد دریافت می‌شود. اما همانطور که نتایج این نشان می‌دهد ویژگی‌های فردی و شخصیتی اشخاص در تصمیم‌گیری برای اقدام به مدیریت سود تأثیرگذار است و علاوه بر مسائل مالی که می‌تواند انگیزه‌ای برای مدیریت سود ایجاد نماید باشد ارضای حس برتری طلبی و کسب قدرت و نیاز به مورد احترام و تمجید قرار گرفتن از سوی دیگران می‌تواند برای افراد خودشیفته انگیزه قوی در اقدام به مدیریت سود ایجاد کند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش مبنی بر نقش ویژگی‌های فردی در انتخاب از میان روش‌های حسابداری و به طور کلی مدیریت سود، لزوم توجه به عوامل روانشناختی و شخصیتی افراد در بررسی موضوعات حسابداری توجیه می‌گردد و همچنین توجه صاحب‌نظران و مراجع قانونی را به افراد شاغل در حرفه حسابداری مشغول کار هستند جلب نماید. نتایج این پژوهش می‌تواند برای سیاستگذاران حسابداری و مسئولین در راستای درک کلی در مورد عوامل تأثیرگذار بر رفتار مدیریت سود و نقش ویژگی‌های فردی در مدیریت سود کمک نماید. نظر به این افراد خودشیفته که در پست‌های مدیریتی قرار دارند موجب تغییر منفی در فرهنگ و ساختار سازمان‌ها می‌شوند، ممکن است حتی در صورت وجود استراتژی مناسب گزارشگری مالی، دستیابی به سیستم حسابداری و گزارشگری بهینه امکان‌پذیر نباشد. بنابراین برای کارکرد بهتر سیستم حسابداری لازم است نحوه تفکر مدیران مالی همراستا با منافع و ترجیحات سازمان باشد. نتایج برخی از تحقیقات از جمله تحقیق رابرتز (۲۰۰۱) نشان می‌دهد وجود آیین رفتار حرفه‌ای در شرکت‌ها نمی‌تواند مانعی برای تصمیمات نادرست مدیران خودشیفته باشد، لذا به نظر می‌رسد اولاً می‌بایست در انتخاب افراد در سمت‌های مدیریتی به خصوص در بخش حسابداری دقت نمود و انتخاب آنها نباید فقط براساس مهارت و خبرگی آنها باشد بلکه ویژگی‌های فردی و شخصیتی آنها نیز باید در نظر گرفته شود. ثانیاً وجود سیستم‌های کارآمد

حسابرسی و کنترل مدیریت به عنوان راه‌هایی است که می‌تواند به کنترل و تعدیل ویژگی‌های فردی منفی افراد شاغل در بخش حسابداری کمک نماید.

این تحقیق همانند بسیاری از پژوهش‌ها با یک سری محدودیت‌ها مواجه بوده است از جمله اینکه داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردیده و بنابراین نتایج این پژوهش محدودیت‌های ذاتی حاکم بر پرسشنامه را دارند. همچنین نظر به این که این پژوهش در حوزه علوم رفتاری و در ارتباط با افراد است ممکن است پاسخ‌دهندگان نظرات واقعی خود را بیان نکرده باشند.

### پی‌نوشت

- |   |   |
|---|---|
| ۱ Narcissistic Personality Inventory (NPI 40) | ۲ Fortune 500                                 |
| ۳ S&P 500                                     | ۴ Narcissistic Personality Inventory (NPI 16) |

### منابع

- اعتمادی، حسین؛ رحمانی، حلیمه. (۱۳۸۸). بررسی تجربی اخلاق در مدیریت سود. *اخلاق در علوم و فناوری*، ۴ (۴۳)، ۸۹-۷۹.
- محمدزاده، علی. (۱۳۸۸). اعتبارسنجی پرسشنامه شخصیت خودشیفته (NPI-16) در جامعه ی ایرانی. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۱ (۴۴)، ۲۸۱-۷۴.
- American Psychiatric Association. (2000). Diagnostic and statistical manual of mental disorders (4th ed. , text rev.) Washington, DC: American Psychiatric Association .
- Andon, P. , Chong, K. M. , & Roebuck, P. (2010). Personality preferences of accounting and non-accounting graduates seeking to enter the accounting profession. *Critical perspectives of Accounting*, 21 (4) ,253-265 .
- Ames, D. R. , Rose, P. , Anderson, C. P. (2006) The NPI-16 as a short measure of narcissism. *Journal of Research in Personality*,40, 440- 450 .
- Amernic, J. H. , & Craig, R. J. (2010). Accounting as a facilitator of extreme narcissism. *Journal of Business Ethics*, 96 (1) , 79-93.
- Belski, W. H. , Beams, J. D. , Brozovsky, J. A. (2008). Ethical Judgments in Accounting: An Examination onthe Ethics of Managed Earnings. *The Journal of Global Business Issues*, 2 (2) ,59 – 68 .

- Boddy, C. R. (2006). The dark side of management decisions: organisational psychopaths. *Management Decision*, 44 (10) , 1461–1475 .
- Buchholz, F. ,& Lopatta, K. (2014). The strategic engagement narcissistic of CEOs in earnings management. <http://ssrn.com> .
- Carpenter, M. A. , Geletkanycz, M. A. , & Sanders, W. G. (2004). Upper echelons research revisited: Antecedents elements, and consequences of top management team composition. *Journal of Management*, 30 (6) ,749–778 .
- Campbell, W. K. , & Miller, J. D. (2011). *The Handbook of Narcissism and Narcissistic Personality Disorder*. John Wiley & Sons .
- Campbell, W. K. , Goodie, A. S. , & Foster , J. D. (2004). Narcissism, confidence, and risk attitude. *Journal of Behavioral Decision Making*. 17 (4) , 297–311 .
- Carmeli, A. , & Sheaffer, Z. (2009). How Leadership Characteristics Affect Organizational Decline and Downsizing. *Journal of Business Ethics*, 86 (3) , 363-378 .
- Chen, S. (2010). The role of ethical leadership versus intuitional Constrains: A simulation study of financial misreporting by CEOs. *Journal of Business Ethics* , 93 , 33-52 .
- Chiang, H. S. , & Lin, S. L. ,& He, L. j. , &Sung, Y. T (2016). Professional Education Background and Earnings Management of Chairmen and Senior Managers. *The International Journal of Business and Finance Research*, 10 (2) p. 91-108 .
- Cohen, D. A. , & Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (1) , 2–19 .
- Duong, L. , &Evans, J. (2016). Gender differences in compensation and earnings management: Evidence from Australian CFOs. *Pacific-Basin Finance Journal*, 40 (A) ,17-35 .
- Duchon, D. , & Drake, B. (2009). Organizational narcissism and virtuous behavior. *Journal of Business Ethics*, 85 (3) , 301–308 .
- Emmons, R. A. (1987). Narcissism: Theory and measurement. *Journal of Personality & Social Psychology*, 52 (1) , 11–17 .
- Etemadi, H. ,& Rahmani, H. (2009). Empirical research on ethics in earnings management. *Journal of Ethics in Science and Tehnology*, 4 (3,4 (79-89). (In persian) .



- Foster, J. D. , & Trimm, R. F. (2008). On being eager and uninhibited: narcissism and approach-avoidance motivation. *Personality & social psychology bulletin*, 34 (7) , 1004–1017 .
- Ham, c. , & Lang , M. , & Seybert, N. , & Wang, S. (2015). CFO Narcissism and Financial Reporting Quality. <http://ssrn.com> .
- Healy, P. M. , & Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons*, 13 (4) , 365-383 .
- Hales, J. , Hobson, J. , & Resutek, R. J. (2012). The Dark Side of Socially Mediated Rewards: How Narcissism and Social Status Affect Managerial Reporting. Working paper, Georgia Institute of Technology .
- Heidhues, E. , & Patel, C. (2012). *Globalization and contextual factors in accounting: The case of Germany* (vol. 23). Bingley: Emerald Group Publishing Limited .
- Hofstede, G. , Hofstede, G. J. , & Minkov, M. (2010). *Cultures and organizations — Software of the mind: Intercultural cooperation and its importance for survival*. New York: McGrawHill .
- Jiang, X. , Petroni, K. , and Wang, I. (2010). CFOs and CEOs: who have the most influence on earnings management? *Journal of Financial Economics*, 96, 513-526 .
- Jones, S. , & Sharma ,R. (2001). The Impact of Free Cash Flow, Financial Leverage and Accounting Regulation on Earnings Management in Australia's 'Old' and 'New' Economies. *Managerial Finance* ,27 (12) ,18-39 .
- Lubit, R. (2002). The long-term organizational impact of destructively narcissistic managers. *The Academy of Management Executive (1993-2005)* , 16 (1) , 127–138 .
- Madsen, S. , & Vanc , C. (2009) Unlearned Lessons from the Past: An Insider's View of Enron's Downfall. *Corporate Governance*, 9 (2) , 216-227 .
- Mohammadzade, A. (2010). Iranian Validation of the narcissistic personality inventory-16 , *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 11 (44) , 74-281 .
- Olsen, K. J. , Dworkis, K. K. , & Young, S. M. (2014). CEO narcissism and accounting: A picture of profits. *Journal of Management Accounting Research*, 26 (2) , 243-267. (In Persian)

- Papadakis, W. M. , & Barwise, p. (2002). How much do CEOs and top managers matter in strategic decision making? *British Journal of management* , 13 , 83-95 .
- Peterson, R. S. , Smith, D. B. , Martorana. P. V. , & Owens. ,P. D. (2003). The Impact of Chief Executive Officer Personality on Top Management Team Dynamics: One Mechanism by Which Leadership Affects Organizational Performance. *Journal of Applied Psychology* ,88, 795–808 .
- Ryckman, R. M. (2007). *Theories of personality*. Belmont: Thomson Wadsworth .
- Rijsenbilt, A. , & Commandeur, H. (2013). Narcissus enters the courtroom: CEO narcissism and fraud. *Journal of Business Ethics*,117 (2) ,413–429.
- Roberts, J. (2001). Corporate governance and the ethics of narcissus. *Business Ethics Quarterly*, 11 (1) , 109–127 .
- So, S. , & Smith, M. (2003). The impact of presentation format and individual differences on the communication of information for management decision making. *Managerial Auditing Journal*, 18 (1) , 59–67 .
- Xiong, J. (2016). Chairman Characteristics and Earnings Management: Evidence from Chinese Listed Firms. *Open Journal of Accounting*, 5,82-94 .

## بررسی اطلاعات حسابداری مورد علاقه سرمایه گذاران فعال در بورس اوراق بهادار تهران بر اساس تیپ شخصیتی آنان

محمد نمازی\*، رامین زراعت‌گری\*\*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۲۲

مقاله پژوهشی

### چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی اطلاعات حسابداری مورد علاقه سرمایه گذاران فعال در بورس اوراق بهادار تهران بر اساس تیپ‌های شخصیتی آنان است. در این خصوص، از پرسش‌نامه شخصیتی چندعاملی نئو برای تعیین تیپ‌های شخصیتی سرمایه گذاران استفاده شد. روش پژوهش مورد استفاده توصیفی پیمایشی از نوع نظر سنجی است. کلیه سرمایه گذاران حقیقی فعال در بازار بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. در این پژوهش از نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد. نمونه این پژوهش برابر با ۳۷۹ نفر است. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش تحلیل واریانس یک طرفه در نرم‌افزار آماری اسپاس استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که تیپ‌های شخصیتی سرمایه گذاران عامل مؤثری بر علائق اطلاعاتی آنان است و سرمایه گذاران با تیپ‌های شخصیتی ریسک‌پذیرتر به اطلاعات مربوط تر علاقه بیشتری دارند. صرف نظر از تیپ‌های شخصیتی مختلف، تقریباً تمامی سرمایه گذاران به اطلاعات حجم معاملات با اشخاص وابسته و گزارش حسابرس علاقه بسیار بالایی دارند. اما در خصوص اطلاع مربوط به روند رشد فروش در ده سال گذشته، سرمایه گذاران کمترین علاقه را به این نوع از اطلاع از خود نشان داده‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** اطلاعات حسابداری، تیپ شخصیتی، سرمایه گذاران، مالی رفتاری، حسابداری رفتاری.

طبقه‌بندی موضوعی: G4

DOI: 10.22051/jera. 2018.18970.1925

\* استاد حسابداری دانشگاه شیراز، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، بخش حسابداری، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)  
(mnamazi@rose.shirazu.ac.ir)

\*\* دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه شیراز (Ramin@acc.usb.ac.ir).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

### مقدمه

هدف حسابداری ارائه اطلاعاتی است در مورد موقعیت مالی شرکت و نتایج حاصل از آن به گروه‌های برون سازمانی؛ مانند سرمایه‌گذاران فعلی و آتی و سایر اشخاصی که علاقه‌مند به کسب اطلاعات حسابداری هستند (نمازی، ۱۳۹۵). با وجودی که اطلاعات برای مدت‌های طولانی به‌عنوان یک جزء کلیدی در تصمیم‌گیری شناخته شده است، اما اغلب برآورد ارزش اطلاعات در تصمیم‌گیری‌ها دشوار است (نمازی، ۱۳۹۲). سایر اطلاعات غیرحسابداری، به ویژه اطلاعات رفتاری استفاده‌کنندگان، در ارزش‌گذاری اطلاعات حسابداری توسط یک استفاده‌کننده در فرآیند تصمیم‌گیری، نیز عامل تعیین‌کننده و مهمی خواهد بود (بدری، ۱۳۷۲؛ تلنگی، ۱۳۸۳؛ ویلیامز، ۱۹۶۸). در صورت وجود تأثیر مسایل رفتاری بر تصمیم‌گیری، بررسی موارد رفتاری در تدوین و بسط تئوری‌های حسابداری و ارائه اطلاعات در سیستم‌های تصمیم‌گیری حائز اهمیت خواهد بود.

امروزه حسابداران مالی دارای وظیفه مهم تولید و گزارش‌گری اطلاعات مالی برای سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی هستند. همچنین، از چند دهه پیش تاکنون نهادهای قانون‌گذار در رشته حسابداری نیز به دنبال تعیین استانداردها و قوانینی بوده‌اند که بتوانند بهترین وضعیت اطلاعاتی را برای سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه در بازار سرمایه فراهم کنند، به‌گونه‌ای که کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد درون‌سازمانی و برون‌سازمانی و همچنین کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران یکی از اهداف اصلی این نهادها بوده است.

با وجود پیشرفت قابل ملاحظه علوم رفتاری، هنوز دانش زیادی در رابطه با چگونگی به‌کارگیری اطلاعات حسابداری برای تصمیم‌گیری افراد در دست نیست. بنابراین پیش‌بینی، دامنه و سبب تأثیر اطلاعات حسابداری در فرآیند تصمیم‌گیری با مشکل مواجه است (بدری، ۱۳۷۲). هندریکسون و ون بردا در این رابطه می‌گویند: مشکل اصلی در درک فرآیند تصمیم‌گیری افراد این است که مطالعه مستقیم عملیات مغز انسان با تکنولوژی امروز امکان‌پذیر نیست و باید در جستجوی راه‌های غیر مستقیم بود (هندریکسون و ون بردا، ۱۹۹۲: ۵۸). این در حالی است که بسیاری از نظریه‌پردازان حسابداری رفتاری اعتقاد به مطالعه شخصیت افراد به‌عنوان عاملی مهم و مؤثر در قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری دارند

(نادری و همکاران، ۱۳۹۵). با این حال، مشکل اصلی نبود شناخت کافی از تیپ شخصیتی استفاده‌کنندگان اصلی اطلاعات حسابداری و تأثیر آن است. به گونه مشخص، مشکلات مربوط در این زمینه عبارتند از این که آیا شخصیت سرمایه‌گذاران رابطه‌ای با استفاده آن‌ها از اطلاعات حسابداری دارد؟ و در صورت مثبت بودن این پرسش، تأثیر تیپ شخصیتی آن‌ها بر نوع اطلاعات حسابداری چیست؟ به بیان دقیق‌تر، علایق اطلاعات حسابداری سرمایه‌گذاران بر اساس تیپ شخصیتی آن‌ها چگونه است؟

حسابداران در صورتی در انجام وظایف خود موفق خواهند بود که بتوانند اطلاعاتی مطابق با علاقه و خواست استفاده‌کننده خود تهیه و گزارش کنند. همان‌گونه که در بخش مبانی نظری آمده است، تیپ‌های شخصیتی استفاده‌کنندگان عاملی است که به گونه بالقوه قدرت ایجاد تفاوت در علایق اطلاعاتی سرمایه‌گذاران را دارد. لذا، این موضوع انگیزه‌ای شد تا این پژوهش به بررسی نقش تیپ‌های شخصیتی در علایق اطلاعاتی سرمایه‌گذاران بپردازد. به گونه کلی، انگیزه اصلی این مطالعه پاسخ به پرسش‌های بالا است. بر اساس مفاهیم نظری، سرمایه‌گذاران یکی از مهم‌ترین گروه‌های اطلاعاتی برون‌سازمانی هستند که سیستم حسابداری باید اطلاعات حسابداری این گروه را تأمین کند. این در حالی است که در حسابداری و حسابرسی توجه به تیپ‌های شخصیتی استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی، عاملی بسیار مهم و ضروری است (برادران حسن زاده و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین، پژوهش حاضر در راستای کمک به شناسایی نیازهای گروه‌های اصلی استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری، آثار تیپ‌های شخصیتی سرمایه‌گذاران به‌عنوان اصلی‌ترین استفاده‌کننده برون‌سازمانی از اطلاعات حسابداری بر نوع اطلاعات مورد نیاز آنان را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین، می‌توان اجرای این پژوهش را کمک به گسترش مرزهای دانش و ارائه مدارک تجربی وسیع در زمینه حسابداری و مالی رفتاری در شاخه نقش تیپ‌های شخصیتی بر اطلاعات مورد علاقه سرمایه‌گذاران دانست.

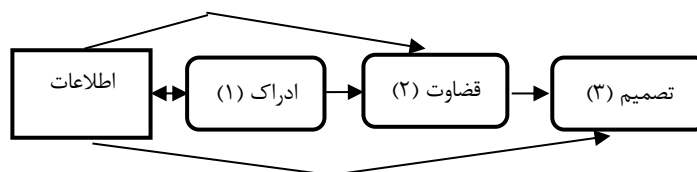
در ادامه مقاله مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع و همچنین روش پژوهش و فرضیه‌های برگرفته از مسأله و مبانی نظری پژوهش بیان می‌شود. در نهایت نتایج آزمون فرضیه‌ها مطرح و در پایان با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌ها، مبانی نظری و پیشینه مطرح شده، نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد و با ذکر پیشنهادها به پایان می‌رسد.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

درک و تحلیل پردازش‌گری اطلاعات حسابداری مستلزم کار در زمینه روان‌شناختی است. به‌عنوان نمونه، روان‌شناختی می‌تواند تبیین کند که چگونه ارجحیت‌های فرد برای برخی اطلاعات حسابداری به خطاهای سیستماتیک و قابل پیش‌بینی منجر می‌گردد (ورسکی و خانمن، ۱۹۷۳؛ روغنی‌زاده، ۱۳۹۵). همچنین درک بهتر تیپ‌های شخصیتی استفاده‌کنندگان می‌تواند تصمیم‌گیری آن‌ها بر مبنای استفاده از اطلاعات حسابداری را بهبود بخشد (روغنی‌زاده، ۱۳۹۵).

هدف اولیه و اصلی هر سیستم حسابداری ارایه اطلاعات کمی، جهت استفاده‌کنندگان داخلی و استفاده‌کنندگان خارجی است. حسابداری مالی مسئولیت، تهیه ارائه اطلاعات برای گروه‌های خارج از شرکت، مانند سرمایه‌گذاران فعلی و آتی و سایر اشخاصی که علاقمند به کسب اطلاعات حسابداری هستند را دارد. هنگامی که تصمیم‌گیرندگان، نوعی معینی از اطلاعات حسابداری را مبنای تصمیم‌گیری قرار می‌دهند، ممکن است در رسیدن به تصمیم‌های بهینه با شکست مواجه شوند و زیان‌های پولی هنگفتی رخ دهد. یک دلیل مهم برای چنین تصمیمات نادرستی آن است که تصاویر ناقص اطلاعات جدید، که طی پردازش‌گری ادراکی شکل می‌گیرد، ممکن است با تصاویر ادراکی قبلی از سایر اطلاعات تطابق نکند که سبب‌ساز تصمیمات متفاوت خواهد بود (عرب مازار یزدی و مسیح آبادی، ۱۳۸۳؛ گوتینگ و همکاران، ۲۰۰۶).

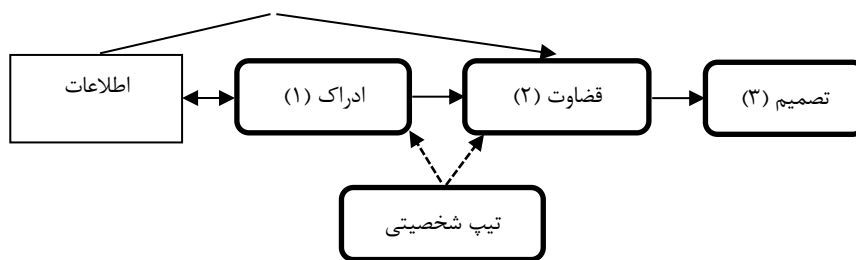
به‌گونه کلی، افراد به فرآیندهای ادراک و قضاوت، که ناشی از تیپ شخصیتی آنان است، جهت تصمیم‌گیری اتکاء می‌کنند (راجرز و هوسل، ۱۹۸۷؛ گوتینگ و همکاران، ۲۰۰۶؛ ربوگیو، ۲۰۱۳). شکل (۱) فرآیند تصمیم‌گیری را نشان می‌دهد.



شکل (۱): فرآیند مفهومی تصمیم‌گیری فرد (عرب مازار یزدی و مسیح آبادی، ۱۳۸۳)

مستطیل‌های (۱)، (۲) و (۳) در شکل (۱)، ساختارهای تئوریک فرآیندهای ادراکی، قضاوتی و گزینه‌تصمیم را ارائه می‌دهند. الگوی مذکور، روش تجربی مفیدی را ممکن می‌سازد، اگر در عمل فرآیندهای ادراک و قضاوت در دو مرحله جداگانه قابل مشاهده نباشند. در این الگو اطلاعات و ادراک لازم و ملزوم یکدیگرند (عرب‌مازار و مسیح‌آبادی، ۱۳۸۳). اطلاعات بر قضاوت نیز تأثیر می‌گذارد، یعنی اطلاعات تصاویر شناختی را راه می‌اندازد که به روی دانش ذخیره شده ارسال می‌شود و این امر به نوبه خود باعث پردازش گری قضاوتی فرد می‌شود.

ادراک نیز بر قضاوت و بر تصمیم‌گیری اثر می‌گذارد. تأثیر ادراک بر گزینه تصمیم را می‌توان این‌گونه تبیین نمود که استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری، ممکن است به اتکاء اطلاعات مشابه قبلی و بدون تحلیل عمیقی از اطلاعات ارائه شده، تصمیم‌گیری کنند (راجرز و هو سل، ۱۹۸۷؛ زادرا و کلوره، ۲۰۱۱). در نهایت، قضاوت بر تصمیم تأثیر می‌گذارد. این الگو می‌تواند در تبیین تأثیر اطلاعات حسابداری بر فرآیندهای شناختی استفاده‌کنندگان مفید واقع شود، زیرا ادراک تعیین می‌کند که در یک موقعیت خاص رده‌بندی و طبقه‌بندی تصمیم‌گیرندگان چیست؟ و قضاوت تصمیم‌گیرندگان تعیین می‌کند که چه تصمیمی باید اتخاذ شود؟ (عرب‌مازار و مسیح‌آبادی، ۱۳۸۳؛ گوتنیک و همکاران، ۲۰۰۶). در شکل‌گیری ادراک، عوامل محیطی و غیرمحیطی زیادی تأثیرگذارند که یکی از مهم‌ترین این عوامل تیپ شخصیتی است. بنابراین می‌توان شکل (۱) را به صورت شکل (۲)، که در آن تیپ شخصیتی بر ادراک و قضاوت فرد موثر است، را ترسیم کرد. طبق شکل (۲)، بخش اول مربوط به اطلاعات



شکل (۲): تأثیر تیپ شخصیتی بر ادراک و قضاوت فرد

درک آثار اطلاعات بر رفتار بازار و سرمایه‌گذاران در شرایط مختلف اجتماعی و فرهنگی نیازمند توجه به علوم مختلفی از جمله روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است (پروئه و همکاران، ۲۰۱۵). به بیان دقیق‌تر، از دیدگاه پروئه و همکاران (۲۰۱۵) در نظر گرفتن شخصیت افراد در درک آثار اطلاعات بر رفتار بازار، عاملی بسیار مؤثر و مهم است. همچنین، بانسال و همکاران (۲۰۱۶) اعتقاد دارند که شخصیت افراد عامل مؤثری در افشای اطلاعات خصوصی و تقاضا برای آن است. افزون‌بر این، جریان اصلی پژوهش‌های اقتصادی و مالی مدرن به مطالعه رفتار تصمیم‌گیری منطقی استفاده‌کنندگان پرداخته است. از دیدگاه ساتوس (۲۰۱۵) نیز تصمیم‌گیری در افراد تحت تأثیر چهار مجموعه ترجیحات، اطلاعات، تکنولوژی و محدودیت‌های انگیزشی بوده و افراد بر اساس این چهار عامل، بهترین نوع اطلاعات را انتخاب می‌کنند، در این بین تیپ‌های شخصیتی مختلف هر یک از این چهار عامل را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند.

تاکنون تئوری‌های گوناگونی در خصوص ارائه اطلاعات و کارکردهای آن در بازار سرمایه ارائه شده است. با این حال، در وضعیت فعلی برخی از جنبه‌های شخصیت، الگوهای اصلی اقتصادی و مالی را به چالش کشیده و به یکی از موضوعات جنجالی در این زمینه تبدیل شده است (ساتوس، ۲۰۱۵). این موضوع تا جایی پیش رفته است که برخی از پژوهش‌گران اعتقاد دارند که فرآیند و سرعت پردازش اطلاعات در تیپ‌های شخصیتی مختلف با یکدیگر متفاوت است. شواهد تجربی موجود نیز از این ایده حمایت می‌کند. به‌عنوان نمونه، شواهد موجود در پژوهش سوکان و بوکیک (۱۹۹۸) تأییدکننده این موضوع است. به بیان دقیق‌تر، آنان نشان دادند که فرآیند و سرعت پردازش اطلاعات و نیازهای استفاده‌کنندگان در تیپ‌های شخصیتی برون‌گرا و درون‌گرا با یکدیگر متفاوت است. واسن و همکاران (۱۹۹۳) نیز با پرسشنامه شخصیتی مایزر-بریگر، تعداد ۲۵ حسابرس با تجربه از سه شرکت بزرگ هلند را مورد آزمون قرار دادند و دریافتند که عمده آن‌ها دارای ویژگی ادراکی (S) بوده‌اند و حسابرسی که ویژگی منطقی (T) داشتند، دستیابی به اطلاعات شان بیشتر بوده است. افزون‌بر این، دیواراج و همکاران (۲۰۰۸) و لین و انگ (۲۰۱۰) نشان دادند که تیپ‌های شخصیتی افراد در تعیین و پذیرش سیستم‌های اطلاعاتی نقش بسیار بالایی دارد. نتایج پژوهش احمد و حسن (۲۰۱۶) نشان داد که برخی از ویژگی‌های فردی سرمایه‌گذاران (مانند جنسیت آنان) در تعامل با تیپ



شخصیتی آنان نیز می‌تواند بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری تأثیرگذار باشد. ال‌سامارائیه و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که استفاده‌کنندگان با تیپ‌های شخصیتی توافق‌پذیری و برون‌گرایی دارای شخصیت وظیفه‌شناسی بالایی بوده و عموماً در جست‌وجوی سریع اطلاعات برای وظایف خود هستند.

در ایران نیز سعدی و همکاران (۱۳۸۹) نشان دادند که روابط متقابل قوی بین تیپ‌های شخصیتی با خطاهای ادراکی سرمایه‌گذاران وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش برادران حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) حاکی از آن است که تیپ‌های شخصیتی حساب‌برسان بر محتوای گزارش حسابرسی آنان تأثیر دارد. افزون‌بر این، پژوهش نادری و همکاران (۱۳۹۵) نشان‌دهنده تفاوت معنادار بین نوع اظهارنظرهای حسابرسی و تیپ‌های شخصیتی حساب‌برسان است. اخیراً سعیدی گراگامی و ناصری (۱۳۹۶) نیز به بررسی تأثیر تیپ شخصیتی بر قضاوت حرفه‌ای حسابرس در تخصیص بودجه زمانی به حساب‌های حاوی برآورد پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که از بین ابعاد شخصیتی نئو تنها روان‌رنجوری با قضاوت حرفه‌ای رابطه مثبت و معناداری دارد. سایر ابعاد شخصیتی همچون برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، توافق‌پذیری و باوجدان بودن رابطه معناداری با قضاوت حرفه‌ای ندارد.

از بررسی مطالعات انجام شده داخلی و خارجی در حوزه شخصیت می‌توان نتیجه گرفت که مطالعات اندکی در این زمینه صورت گرفته است و اکثر مطالعات مربوط، تنها به بررسی یک و یا چند بخش از شخصیت پرداخته‌اند. هیچ‌کدام از این مطالعات به بررسی کامل شخصیت‌های متفاوت سرمایه‌گذاران و تأثیر آن‌ها بر اطلاعات حسابداری مورد نیاز سرمایه‌گذاران پرداخته‌اند. سایر تفاوت‌های پژوهش حاضر با سایر مطالعات این حوزه را نیز می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

۱. در این پژوهش از پرسشنامه شخصیت نئو استفاده می‌شود که مهم‌ترین و کامل‌ترین پرسشنامه مربوط به تیپ شخصیتی است که با بررسی منابع در دسترس می‌توان ادعا کرد جزء معدود پژوهش‌هایی است که از این پرسشنامه استفاده می‌کند.
۲. این پژوهش برای اولین بار از الگوی پنج‌عاملی نئو جهت تعیین تیپ شخصیتی سرمایه‌گذاران استفاده می‌کند، در حالی که در پژوهش‌های حسابداری موجود، تیپ‌شناسی

مایرز- بریگز بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است (ولر و همکاران، ۲۰۰۴) بنابراین این مطالعه تیپ‌های شخصیتی را به گونه کامل تری مورد بررسی قرار می‌دهد.

### روش‌شناسی پژوهش

هدف این پژوهش مطالعه آثار تیپ‌های شخصیتی بر اطلاعات مورد علاقه سرمایه‌گذاران فعال در بورس اوراق بهادار تهران است. لذا، این پژوهش از نوع پژوهش‌های کمی است که از روش علمی ساخت و اثبات تجربی استفاده می‌کند و بر اساس فرضیه‌ها و طرح‌های پژوهش از قبل تعیین شده انجام می‌شود. از این دسته پژوهش‌ها زمانی استفاده می‌شود که معیار اندازه‌گیری داده‌ها کمی است و برای استخراج نتیجه‌ها از فن‌های آماری استفاده می‌شود (نمازی، ۱۳۸۲). همچنین، از آنجا که داده‌های این مطالعه از طریق پرسشنامه جمع‌آوری می‌شود، می‌توان پژوهش حاضر را از نوع پژوهش‌های پیمایشی دانست. به لحاظ هدف نیز در دسته پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد.

جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه سرمایه‌گذاران حقیقی فعال در بازار بورس اوراق بهادار تهران که اقدام به خرید و فروش سهام شرکت‌های بورسی از یک میلیون ریال تا بی‌نهایت می‌کنند، تشکیل می‌دهد. با توجه به این که آمار دقیقی در خصوص تعداد اعضای جامعه مورد بررسی وجود نداشت، از فرمول کوکران برای جامعه نامعین در خصوص تعیین اندازه نمونه استفاده شد. بر اساس فرمول کوکران، تعداد نمونه، ۳۸۴ نفر تعیین شد. با توجه به احتمال عدم برگشت تعدادی از پرسشنامه‌ها یا پاسخ‌دهی ناقص به پرسش‌های پرسشنامه، حدود ۱۰ درصد به این تعداد (۳۸۴) اضافه و در نهایت تعداد ۴۲۰ پرسشنامه به صورت مستقیم (حضوری)، الکترونیکی، فضای مجازی، رایانامه و یا پست در بین اعضای جامعه آماری پژوهش توزیع شد. با پی‌گیری‌های مکرر، ۴۰۶ نفر از سرمایه‌گذاران فعال در بازار سرمایه به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند که از این میان ۳۷۹ عدد آن مناسب تشخیص داده شد.

روش نمونه‌گیری مورد استفاده تصادفی ساده است.

در ارتباط با ارزیابی تیپ‌های شخصیتی سرمایه‌گذاران از پرسش‌نامه شخصیتی چندعاملی نئو پنج عاملی استفاده شده است. در پرسشنامه مذکور از طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم با نمره‌های، به ترتیب، ۱ تا ۵) استفاده

شد. در مجموع، پرسشنامه پژوهش حاضر متشکل از سه بخش است. بخش اول شامل پرسش‌های عمومی است که مشتمل بر ۴ پرسش است. این پرسش‌ها اطلاعاتی راجع به جنسیت، سن، میزان تحصیلات و میزان تجربه و سابقه کاری پرسش‌شوندگان فراهم می‌کند. از این اطلاعات در تجزیه و تحلیل اطلاعات و نتیجه‌گیری‌های پرسشنامه استفاده شده است.

بخش دوم شامل ۶۰ پرسش تخصصی چند گزینه‌ای در رابطه با تیپ‌های شخصیتی است که از پاسخ‌دهندگان درخواست شده بر مبنای دانش حرفه‌ای و تخصصی خود و واقعیت‌های موجود به آن‌ها پاسخ دهند. پرسشنامه شخصیتی چندعاملی نئو، شخصیت را در پنج دسته کلی روان‌رنجورخویی (در مقابل پایداری عاطفی)، برون‌گرایی (در مقابل درون‌گرایی)، مشتاق نسبت به تجارب تازه (در مقابل پرده‌پوش نسبت به تجارب تازه)، توافق‌پذیری (در مقابل ستیزه‌جویی) و وظیفه‌شناسی (در مقابل بی‌مسئولیتی) دسته‌بندی می‌کند.

هر یک از این ابعاد شخصیت در پرسشنامه دارای ۱۲ سؤال هستند. بعد از نمره‌گذاری هر یک از پرسش‌ها، بر اساس حد وسط نمره ممکن (۳۶) (حداقل نمره ممکن ۱۲ و حداکثر نمره ممکن ۶۰)، نقطه شکست برای تعیین تیپ‌های شخصیتی در نظر گرفته شد و بر این اساس پاسخ‌دهندگان در دو گروه مختلف از تیپ‌های شخصیتی قرار داده شدند.

بخش سوم پرسشنامه مربوط به شناسایی علایق اطلاعاتی سرمایه‌گذاران فعال در بازار سرمایه است. در این راستا، ابتدا با توجه به ادبیات پیشین در زمینه علاقه اطلاعاتی سرمایه‌گذاران، لیستی شامل ۴۰ نوع مختلف از اطلاعاتی که به گونه بالقوه مورد علاقه سرمایه‌گذاران است، تهیه شد. سپس، لیست مذکور با استفاده از روش دلفی به تعدادی از استادان و صاحب‌نظران حسابداری<sup>۱</sup> ارسال و از آنان درخواست شد که از بین این ۴۰ نوع مختلف اطلاعات، ۱۰ مورد از اطلاعاتی که به اعتقاد آنان مورد علاقه سرمایه‌گذاران است را انتخاب کنند. بعد از جمع‌آوری اطلاعات انتخابی از استادان و صاحب‌نظران، اطلاعاتی که در بیشتر موارد توسط آنان انتخاب شده بود، به عنوان اطلاعات نهایی مورد علاقه سرمایه‌گذاران در پرسشنامه این پژوهش لحاظ شد. نگاره (۱) این اطلاعات را نشان می‌دهد.

## تکانه (۱): پرسش نامه علاقه های اطلاعاتی سرمایه گذاران

ردیف	اطلاعات	منبع	ردیف	اطلاعات	منبع
۱	سود هر سهم	نمازی و رستمی (۱۳۸۵)	۶	میزان تحقق پیش بینی های مدیریت	نمازی و شمس الدینی (۱۳۸۶)
۲	نقدشوندگی بازار سهام شرکت	جیانگ و همکاران (۲۰۱۷)	۷	جریان های نقدی شرکت	منصورفر و همکاران (۱۳۹۴)
۳	روند رشد هزینه ها در ده سال گذشته	ناظمی اردکانی و حکمتی (۱۳۹۴)	۸	گزارش حسابرسان	گون و همکاران (۲۰۱۷)
۴	وضعیت نقدشوندگی دارایی های شرکت	پرومین و همکاران (۲۰۱۶)	۹	وضعیت سرمایه گذاری های شرکت و روند تحقق سود زیر مجموعه ها	مدرس و حصارزاده (۱۳۸۷)
۵	حجم معاملات با اشخاص وابسته	دایه و هاسنان (۲۰۱۲)	۱۰	روند رشد فروش در ده سال گذشته	فوسو و همکاران (۲۰۱۶)

شیوه پاسخ دهی سرمایه گذاران به این پرسشنامه به این صورت است که از آنان درخواست شد با توجه به دیدگاه های خود در عمل، هر یک از این ۱۰ اطلاعات ارائه شده به آنان را اولویت بندی کنند و به هر یک از اطلاعات نمره ای از ۱ (کم اهمیت ترین) تا ۱۰ (باهمیت ترین) اختصاص دهند. در این خصوص، آنان نمی توانستند نمره ای مشابه به دو نوع از اطلاعات اختصاص دهند، اما اگر یک یا چند مورد از اطلاعات هیچ کاربردی برای آنان نداشته باشد، می توانستند به آن اطلاع عدد صفر اختصاص دهند.

به منظور حصول اطمینان از اعتبار محتوایی، از روش روایی صوری استفاده شد و سؤال های پرسشنامه با نظر متخصصان و صاحب نظران در چندین مرحله اصلاح و نهایی شد. برای ارزیابی قابلیت اطمینان یا پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. به این

منظور در ابتدا تعداد ۴۰ عدد پرسشنامه بین تعدادی از افراد جامعه آماری به صورت تصادفی توزیع شد که نتایج حاکی از پایایی مناسب ابزار پژوهش بود. مقدار آلفای کرونباخ برای عامل روان‌رنجورخویی برابر با ۰/۷۱، برای عامل برون‌گرایی برابر با ۰/۶۹، برای عامل مشتاق نسبت به تجارب تازه برابر با ۰/۶۸، برای عامل توافق‌پذیری برابر با ۰/۸۷ و برای عامل وظیفه‌شناسی برابر با ۰/۷۰۴ به دست آمد. همچنین، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار آماری اسپاس اس نسخه ۲۳ استفاده شده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از پرسشنامه، از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده می‌شود. به منظور تحلیل کیفی اطلاعات عمومی بدست آمده از پاسخ‌دهندگان از روش‌های آمار توصیفی شامل طبقه‌بندی و سازماندهی اطلاعات استفاده شد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش نیز از روش تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد.

### فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش که پیش از این مطرح شد، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر طراحی و تدوین شده است:

فرضیه اول: بین نوع اطلاعات حسابداری مورد علاقه سرمایه‌گذاران با تیپ شخصیتی روان‌رنجورخو<sup>۲</sup> و پایدار عاطفی<sup>۳</sup> تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین نوع اطلاعات حسابداری مورد علاقه سرمایه‌گذاران با تیپ شخصیتی برون‌گرا<sup>۴</sup> و درون‌گرا<sup>۵</sup> تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین نوع اطلاعات حسابداری مورد علاقه سرمایه‌گذاران با تیپ شخصیتی مشتاق<sup>۶</sup> و پرده‌پوش<sup>۷</sup> نسبت به تجارب تازه تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین نوع اطلاعات حسابداری مورد علاقه سرمایه‌گذاران با تیپ شخصیتی توافق‌پذیر<sup>۸</sup> و ستیزه‌جو تفاوت معناداری وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین نوع اطلاعات حسابداری مورد علاقه سرمایه‌گذاران با تیپ شخصیتی وظیفه‌شناس<sup>۹</sup> و بی‌مسئولیت<sup>۱۰</sup> تفاوت معناداری وجود دارد.

### یافته‌های پژوهش

نتایج به دست آمده از تحلیل توصیفی سؤال‌های عمومی پرسشنامه نشان می‌دهد از بین ۳۷۹ نفر پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه، ۲۵۹ نفر، معادل ۶۸/۳ درصد را مردان و مابقی را زنان تشکیل می‌دهند. بررسی سن پاسخ‌دهندگان نیز نشان دهنده این موضوع است که ۱/۳ درصد از آن‌ها در بازه سنی کمتر از ۳۰ سال قرار دارند؛ ۲۹/۸ درصد از آن‌ها در بازه سنی بین ۳۰ تا ۴۰ سال و سن ۴۷/۸ درصد از آزمودنی‌ها بین ۴۱ تا ۵۰ سال است و فقط سن ۲۱/۱ درصد از آزمودنی‌ها بیشتر از ۵۰ سال است. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل میزان تحصیلات نشان می‌دهد که ۸۷/۶ درصد پاسخ‌دهندگان دارای مدرک کارشناسی به بالا هستند. سابقه کاری نشان‌دهنده این است که ۵/۳ درصد از پاسخ‌دهندگان کمتر از ۵ سال، ۲۱/۴ درصد بین ۵ تا ۱۰ سال، ۴۲/۷ درصد بین ۱۱ تا ۲۰ سال و ۳۰/۶ درصد از پاسخ‌دهندگان بیشتر از ۲۰ سال سابقه کار در مسئولیت خود دارند. نگاره (۲) نیز آماره‌های توصیفی مربوط به فراوانی تیپ‌های شخصیتی مختلف در بین سرمایه‌گذاران فعال در بازار سرمایه را نشان می‌دهد. اطلاعات این نگاره، نمای کلی از فراوانی انواع مختلف تیپ‌های شخصیتی سرمایه‌گذاران ایرانی در بازار بورس اوراق بهادار تهران را ارائه می‌کند.

نگاره (۲): فراوانی تیپ‌های شخصیتی سرمایه‌گذاران

تیپ	نوع	فراوانی	درصد
روان‌رنجورخویی	روان‌رنجورخویی	۲۱۷	۵۷/۳
	پایداری عاطفی	۱۶۲	۴۲/۷
برون‌گرایی	برون‌گرایی	۱۸۸	۴۹/۶
	درون‌گرایی	۱۹۱	۵۰/۴
مشقاق نسبت به تجارب تازه	مشقاق نسبت به تجارب تازه	۱۹۶	۵۱/۷
	پرده‌پوش نسبت به تجارب تازه	۱۸۳	۴۸/۳
توافق‌پذیری	توافق‌پذیری	۱۹۲	۵۰/۷
	ستیزه‌جویی	۱۸۷	۴۹/۳
وظیفه‌شناسی	وظیفه‌شناسی	۲۱۵	۵۶/۷
	بی‌مسئولیتی	۱۶۴	۴۳/۳

نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌های پژوهش در نگاره (۳) نشان داده شده است. نتایج این آزمون نشان داد که توزیع فراوانی داده‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش نرمال هستند.

نگاره (۳): نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف

نوع اطلاعات	آماره Z	سطح معنی داری	نوع اطلاعات	آماره Z	Sig
سود هر سهم	۰/۴۱۶	۰/۷۳۹	میزان تحقق پیش‌بینی‌های مدیریت	۰/۵۱۳	۰/۷۹۴
نقدشوندگی بازار سهام شرکت	۰/۱۱۰	۰/۹۰۴	جریان‌های نقدی شرکت	۰/۷۲۴	۰/۰۹۷
روند رشد هزینه‌ها در ده سال گذشته	۰/۴۴۷	۰/۶۹۲	گزارش حسابرس	۰/۶۱۲	۰/۱۰۳
وضعیت نقدشوندگی دارایی‌های شرکت	۰/۹۸۱	۰/۰۸۵	وضعیت سرمایه‌گذاری‌های شرکت و روند تحقق سود زیرمجموعه‌ها	۰/۵۰۰	۰/۸۰۶
حجم معاملات با اشخاص وابسته	۰/۲۳۱	۰/۸۷۳	روند رشد فروش در ده سال گذشته	۰/۲۸۳	۰/۷۹۸

با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها، به منظور آزمون فرضیه‌ها و بررسی تفاوت میانگین علایق اطلاعاتی در بین سرمایه‌گذاران فعال در بازار سرمایه با تیپ‌های شخصیتی مختلف از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد. نتایج تحلیل‌ها در نگاره (۴) نشان داده شده است. طبق اطلاعات این نگاره، تفاوت میانگین علایق اطلاعاتی سرمایه‌گذاران در تیپ‌های شخصیتی مختلف در اکثر موارد از لحاظ آماری معنادار است. به عبارت دیگر، میزان میانگین نمرات سرمایه‌گذاران برای اطلاعات سود هر سهم، نقدشوندگی بازار سهام شرکت، روند رشد هزینه‌ها در ده سال گذشته، وضعیت نقدشوندگی دارایی‌های شرکت، حجم معاملات با اشخاص وابسته، میزان تحقق پیش‌بینی‌های مدیریت، جریان‌های نقدی شرکت و وضعیت سرمایه‌گذاری‌های شرکت و روند تحقق سود زیرمجموعه‌ها در تیپ شخصیتی روان‌رنجورخویی در مقایسه با تیپ شخصیتی پایداری عاطفی (فرضیه اول)، تیپ شخصیتی برون‌گرایی در مقایسه با تیپ شخصیتی درون‌گرایی (فرضیه دوم)، تیپ شخصیتی مشتاق نسبت

به تجارب تازه در مقایسه با تیپ شخصیتی پرده پوش نسبت به تجارب تازه (فرضیه سوم)، تیپ شخصیتی توافق پذیری در مقایسه با تیپ شخصیتی ستیزه جویی (فرضیه چهارم) و تیپ شخصیتی وظیفه شناسی در مقایسه با تیپ شخصیتی بی مسئولیتی (فرضیه پنجم) با یکدیگر تفاوت معناداری دارد.

**تکراه (۴): خلاصه نتایج تحلیل واریانس یک طرفه برای بررسی مقایسه اطلاعاتی مورد علاقه در بین سرمایه گذاران با تیپ های شخصیتی مختلف**

نوع اطلاعات	فرضیه اول		فرضیه دوم		فرضیه سوم		فرضیه چهارم		فرضیه پنجم	
	توان آماری	F آماره	توان آماری	F آماره	توان آماری	F آماره	توان آماری	F آماره	توان آماری	F آماره
سود هر سهم	۰/۹۳۵	۱۲/۱۵۱°	۱	۳۴/۷۴۲°	۰/۹۸۱	۱۶/۳۳۶°	۰/۹۲۷	۱۱/۷۰۵°	۰/۹۰۰	۱۰/۵۷۷°
نقدشوندگی بازار سهام شرکت	۰/۵۵۲	۴/۳۸۸°	۱	۳۵/۴۷۹°	۰/۷۳۶	۶/۷۵۴°	۰/۷۶۷	۷/۲۶۵°	۰/۹۵۰	۱۳/۰۳۸°
روند رشد هزینه ها در ده سال گذشته	۰/۹۱۲	۱۱/۰۲۳°	۱	۴۷/۷۸۵°	۰/۹۷۴	۱۵/۳۶۱°	۰/۹۶۵	۱۴/۳۳۵°	۰/۹۷۶	۱۵/۵۱۳°
وضعیت نقدشوندگی دارایی های شرکت	۰/۸۰۳	۷/۹۵۴°	۱	۶۹/۴۸۳°	۰/۹۹۲	۱۹/۳۰۸°	۰/۹۲۷	۱۱/۷۱۵°	۰/۹۸۲	۱۶/۵۱۲°
حجم معاملات با اشخاص وابسته	۰/۷۹۰	۷/۷۰۲°	۱	۶۴/۱۹۲°	۰/۹۵۴	۱۳/۳۳۰°	۰/۹۶۵	۱۴/۲۹۴°	۰/۹۹۳	۱۹/۸۴۱°
میزان تحقق پیش بینی های مدیریت	۰/۹۱۳	۱۱/۰۵۹°	۱	۴۷/۵۶۰°	۰/۹۶۰	۱۳/۸۴۰°	۰/۹۲۵	۱۱/۶۲۶°	۰/۹۸۷	۱۷/۵۸۹°
جریان های نقدی شرکت	۰/۸۸۵	۱۰/۰۲۸°	۱	۵۵/۵۶۰°	۰/۹۶۲	۱۳/۹۸۶°	۰/۹۲۹	۱۱/۸۰۴°	۰/۹۸۷	۱۷/۵۲۰°
گزارش حسابرس	۰/۲۶۸	۱/۸۰۱°	۱	۱۵/۶۳۸°	۰/۶۴۲	۵/۴۲۹°	۰/۱۷۰	۱/۰۰۳°	۰/۶۸۹	۶/۰۵۳°
وضعیت سرمایه گذاری های شرکت و روند تحقق سود زیرمجموعه ها	۰/۸۹۸	۱۰/۴۷۳°	۱	۴۵/۵۴۰°	۰/۸۷۲	۹/۶۴۰°	۰/۷۸۰	۷/۵۰۹°	۰/۹۶۲	۱۴/۰۳۸°
روند رشد فروش در ده سال گذشته	۰/۳۱۸	۲/۲۲۲°	۱	۷/۳۹۹°	۰/۷۷۲	۷/۳۵۶°	۰/۰۷۵	۰/۲۱۵°	۰/۱۸۴	۱/۱۱۵°

\* سطح معناداری ۹۵ درصد



افزون بر این، نتایج مندرج در نگاره (۴) حاکی از آن است که در خصوص اطلاع‌گزارش حسابرس بین علایق اطلاعاتی سرمایه‌گذاران در تیپ شخصیتی روان‌رنجورخویی در مقایسه با تیپ شخصیتی پایداری عاطفی (فرضیه اول) و تیپ شخصیتی توافق‌پذیری در مقایسه با تیپ شخصیتی ستیزه‌جویی (فرضیه چهارم) تفاوت معناداری وجود ندارد، اما در سایر تیپ‌های شخصیتی (فرضیه‌های دوم، سوم و پنجم) تفاوت‌های معناداری در خصوص میزان علایق اطلاعاتی سرمایه‌گذاران به این نوع از اطلاع وجود دارد.

همچنین، در خصوص اطلاع‌رشد فروش در ده سال گذشته بین علایق اطلاعاتی سرمایه‌گذاران در تیپ شخصیتی روان‌رنجورخویی در مقایسه با تیپ شخصیتی پایداری عاطفی (فرضیه اول)، تیپ شخصیتی توافق‌پذیری در مقایسه با تیپ شخصیتی ستیزه‌جویی (فرضیه چهارم) و تیپ شخصیتی وظیفه‌شناسی در مقایسه با تیپ شخصیتی بی‌مسئولیتی (فرضیه پنجم) تفاوت معناداری وجود ندارد، اما در سایر تیپ‌های شخصیتی (فرضیه‌های دوم و سوم) تفاوت‌های معناداری در خصوص میزان علایق اطلاعاتی سرمایه‌گذاران به این نوع از اطلاع وجود دارد.

نگاره (۵) میانگین نمرات علایق اطلاعاتی سرمایه‌گذاران فعال در بازار سرمایه با تیپ‌های شخصیتی مختلف را نشان می‌دهد. اطلاعات این نگاره مبین آن است که علاقه اطلاعاتی سرمایه‌گذاران به کدام یک از انواع اطلاعات در تیپ‌های شخصیتی مختلف بیشتر است.

به‌عنوان نمونه، میزان علاقه سرمایه‌گذاران در خصوص اطلاع سود هر سهم در تیپ شخصیتی روان‌رنجورخویی نسبت به تیپ شخصیتی پایداری عاطفی، بیشتر است. نکته جالب توجه در نگاره (۵) آن است که صرف‌نظر از تیپ‌های شخصیتی مختلف، تقریباً تمامی سرمایه‌گذاران به اطلاعات حجم معاملات با اشخاص وابسته و گزارش حسابرس علاقه بسیار بالایی دارند. اما در خصوص اطلاع مربوط به روند رشد فروش در ده سال گذشته سرمایه‌گذاران کمترین علاقه را به این نوع از اطلاع از خود نشان داده‌اند.

## نگاره (۵): میانگین نمره سرمایه‌گذاران در خصوص علایق اطلاعاتی آنان با تیپ‌های

## شخصیتی مختلف

نوع اطلاعات	روان رنجور خوبی	پایداری عاطفی	پرون‌گرایی	درون‌گرایی تازه	مشناتق نسبت به تجارب تجارت تازه	پرده‌پوش نسبت به	توافق‌پذیری	سبزی و جویبی	وظیفه‌شناسی	بی‌مسئولیتی
سود هر سهم	۴/۶۹	۳/۹۷	۴/۹۷	۳/۸۰	۴/۷۸	۳/۹۶	۴/۷۲	۴/۰۳	۴/۶۷	۴/۰۰
نقدشوندگی بازار سهام شرکت	۵/۱۵	۵/۵۵	۴/۷۷	۵/۸۶	۵/۰۸	۵/۵۷	۵/۰۷	۵/۵۸	۵/۰۲	۵/۷۱
روند رشد هزینه‌ها در ده سال گذشته	۵/۶۵	۴/۹۰	۶/۰۸	۴/۶۰	۵/۷۶	۴/۸۸	۵/۷۵	۴/۹۰	۵/۷۲	۴/۸۳
وضعیت نقدشوندگی دارایی‌های شرکت	۴/۹۵	۶/۰۲	۳/۹۵	۶/۸۴	۴/۶۳	۶/۲۵	۴/۷۸	۶/۰۵	۴/۷۵	۶/۲۷
حجم معاملات با اشخاص وابسته	۷/۳۳	۶/۶۰	۷/۹۹	۶/۰۶	۷/۴۷	۶/۵۴	۷/۴۹	۶/۵۳	۷/۵۱	۶/۳۷
میزان تحقق پیش‌بینی‌های مدیریت	۶/۱۳	۷/۱۱	۵/۵۹	۷/۵۰	۶/۰۳	۷/۱۱	۶/۰۶	۷/۰۵	۶/۰۲	۷/۲۴
جریان‌های نقدی شرکت	۵/۲۰	۶/۳۳	۴/۴۳	۶/۹۲	۵/۰۵	۶/۳۷	۵/۰۹	۶/۳۰	۵/۰۵	۶/۵۲
گزارش حسابرس	۷/۰۶	۶/۸۵	۷/۲۷	۶/۶۸	۷/۱۴	۶/۷۹	۷/۰۵	۶/۸۹	۷/۱۳	۶/۷۶
وضعیت سرمایه‌گذاری‌های شرکت و روند تحقق سود زیرمجموعه‌ها	۵/۵۱	۴/۵۹	۶/۰۴	۴/۲۱	۵/۵۴	۴/۶۶	۵/۵۰	۴/۷۲	۵/۵۸	۴/۵۱
روند رشد فروش در ده سال گذشته	۱/۹۹	۱/۷۶	۲/۱۰	۱/۶۹	۲/۰۹	۱/۶۸	۱/۹۳	۱/۸۶	۱/۹۶	۱/۸۰

### نتیجه‌گیری

محیط بازار سرمایه در زمان حال حاضر بسیار رقابتی است. اکثر سهامداران و مدیران شرکت‌ها در تصمیم‌گیری‌های خود بر استفاده از الگوهای مالی و اطلاعات حسابداری استاندارد (سنتی) تاکید دارند و نوع شخصیت را که جنبه‌های روانی را لحاظ می‌کند، نادیده می‌گیرند. این در حالی است که گرایش‌های رفتاری سهامداران و مدیران می‌تواند بر استفاده آن‌ها در زمینه اطلاعات حسابداری مورد علاقه‌شان تأثیر بگذارد. این موضوع باعث شده تا تجزیه و تحلیل آثار انواع شخصیت بر بازار سرمایه بسیار مورد توجه قرار گیرد (احمد و حسن، ۲۰۱۶). در همین راستا، این پژوهش به مطالعه آثار تیپ‌های شخصیتی بر علایق اطلاعاتی سرمایه‌گذاران پرداخته است.

نتایج تحلیل‌های صورت گرفته در نگاره‌های (۴) و (۵) نشان داد که در مجموع تیپ‌های شخصیتی سرمایه‌گذاران عامل مؤثری بر علایق اطلاعاتی حسابداری آنان است و لذا فرضیه‌های اول تا پنجم پژوهش تأیید می‌شوند. در مجموع، این یافته با شواهد موجود در پژوهش‌های سوکان و بوکیک (۱۹۹۸)، دیواراج و همکاران (۲۰۰۸)، لین و انگک (۲۰۱۰)، برادران حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۲) و نادری و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی دارد. همچنین، این نتیجه با توجه به میزان ریسک‌پذیری هر یک از انواع تیپ‌های شخصیتی سرمایه‌گذاران قابلیت توجیه دارد. یکی از ویژگی‌های تیپ‌های شخصیتی برون‌گرایی (در مقابل درون‌گرایی)، مشتاق نسبت به تجارب تازه (در مقابل پرده‌پوش نسبت به تجارب تازه)، وظیفه‌شناسی (در مقابل بی‌مسئولیتی) آن است که ریسک‌گریزتر هستند. همچنین، تیپ‌های شخصیتی روان‌رنجورخویی (در مقابل پایداری عاطفی) و توافق‌پذیری (در مقابل ستیزه‌جویی) نسبت به ریسک بی‌تفاوت هستند (واردی و آتش‌فراز، ۱۳۹۳).

طبق اطلاعات مندرج در نگاره‌های (۴) و (۵) سرمایه‌گذاران با تیپ‌های شخصیتی برون‌گرایی (در مقابل درون‌گرایی)، مشتاق نسبت به تجارب تازه (در مقابل پرده‌پوش نسبت به تجارب تازه)، وظیفه‌شناسی (در مقابل بی‌مسئولیتی) به اطلاعاتی همچون روند رشد هزینه‌ها در ده سال گذشته، حجم معاملات با اشخاص وابسته، وضعیت سرمایه‌گذاری‌های شرکت و روند تحقق سود زیرمجموعه‌ها و روند رشد فروش در ده سال گذشته علاقه بیشتری نشان داده‌اند.

دلیل این امر می‌تواند این باشد که یکی از ویژگی‌های مشترک این دسته از اطلاعات، رویکرد گذشته‌نگر و قابلیت اتکای به نسبت بالای آن‌ها است. با این حال، سرمایه‌گذاران با تیپ‌های شخصیتی درون‌گرایی (در مقابل برون‌گرایی)، پرده‌پوش نسبت به تجارب تازه (در مقابل مشتاق نسبت به تجارب تازه)، بی‌مسئولیتی (در مقابل وظیفه‌شناسی) بیشتر به اطلاعاتی همچون میزان تحقق پیش‌بینی‌های مدیریت و وضعیت نقد شوندگی دارایی‌های شرکت علاقه دارند، در این دسته از اطلاعات وزن ویژگی کیفی مربوط بودن نسبت به قابلیت اتکا بیشتر است. در مجموع یافته‌های این مطالعه در خصوص تیپ‌های شخصیتی برون‌گرایی، مشتاق نسبت به تجارب تازه و وظیفه‌شناسی با میزان پذیرش ریسک در تیپ‌های شخصیتی متفاوت قابل توجیه است، چرا که عموماً افراد ریسک‌پذیرتر به اطلاعات مربوط تر بهای بیشتر و افراد ریسک‌گریزتر به اطلاعات قابل اتکاتر بهای بیشتری می‌دهند.

نکته جالب توجه دیگر یافته‌های این پژوهش آن است که علی‌رغم توجه بیشتر سرمایه‌گذاران دارای تیپ‌های شخصیتی ریسک‌گریزتر به اطلاع‌گزارش حسابرسی، تمام سرمایه‌گذاران با هر نوع تیپ شخصیتی توجه بالایی به این نوع اطلاع می‌کنند. دلیل چنین موضوعی می‌تواند ناشی از نقش اعتباردهی حسابرس به صورت‌های مالی باشد. به گونه کلی، افراد به اطلاعاتی که از قابلیت اتکای بالایی برخوردار باشد، توجه بیشتری می‌کنند و از آنجا که گزارش حسابرسی توسط فردی مستقل از شرکت تهیه شده و نظارت بر کار حسابرسان توسط جامعه حسابداران رسمی ایران به نسبت بالا است، سرمایه‌گذاران این نوع از اطلاع را مهم و با ارزش می‌دانند.

مطابق با نگاره (۴) موضوع در خور توجه دیگر، روند رشد فروش در ده سال گذشته به عنوان اطلاعی است که کمتر مورد توجه سرمایه‌گذاران با هر نوع تیپ شخصیتی قرار گرفته است.

در توجیه این یافته می‌توان گفت که در دو دهه اخیر به دلیل مسائل سیاسی، کشور ایران مورد تحریم‌های اقتصادی شدیدی قرار گرفته است. این موضوع باعث شده که نوسانات فروش شرکت‌ها بیشتر از آن که در کنترل شرکت باشد، در بیشتر مواقع به دلیل مسائل کلان اقتصادی-سیاسی (مانند تحریم‌های اقتصادی و تورم) اتفاق افتاده باشد. لذا در چنین وضعیتی، سرمایه‌گذاران به این نوع خاص از اطلاعات که عموماً ناشی از مسائل خارج از کنترل شرکت‌ها می‌باشد، توجه چندانی نمی‌کنند. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده پیشنهاد

می‌شود که سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران و مشاوران مالی، نهادهای قانون‌گذار و سایر تصمیم‌گیرندگان در الگوهای تصمیم‌گیری خود که مبتنی بر اطلاعات است، تیپ‌های شخصیتی افراد را لحاظ کرده تا بتوانند تصمیم‌های بهتری اتخاذ کنند. همچنین به حسابداران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود که در خصوص ارائه اطلاعات به گروه‌هایی که شناخت کافی در خصوص شخصیت آنان دارند، با توجه به تیپ شخصیتی آنان، اطلاعات مورد علاقه آنان را که در این پژوهش مشخص شد، به آنان ارائه کنند.

همچنین، با توجه به این که سرمایه‌گذاران ایرانی به اطلاعات مربوط به گزارش حسابرس و حجم معاملات با اشخاص وابسته توجه بالایی می‌کنند، پیشنهاد می‌شود که سازمان حسابرسی به عنوان متولی قانون‌گذاری در حسابداری در ایران و جامعه حسابداران رسمی ایران به عنوان نهاد ناظر بر کار حسابرسان، توجه بیشتری در این خصوص لحاظ کنند؛ به عنوان نمونه استانداردهای حسابرسی مرتبط با رسیدگی به حجم معاملات با اشخاص وابسته را با جزئیات بیشتر و دقیق‌تری ارائه کنند.

همچنین، به پژوهش‌گران آینده پیشنهاد می‌شود که به بررسی نقش عوامل فردی (مانند جنسیت، سن، تجربه، تحصیلات) در تعامل با تیپ شخصیتی در تعیین علایق اطلاعاتی سرمایه‌گذاران بپردازند، دلیل طرح چنین موضوعی آن است که نتایج پژوهش احمد و حسن (۲۰۱۶) نشان داد که برخی از ویژگی‌های فردی سرمایه‌گذاران (مانند جنسیت آنان) در تعامل با تیپ شخصیتی آنان می‌تواند بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاری آنان موثر باشد. افزون بر این، بررسی نقش تیپ‌های شخصیتی مدیران و حسابداران شرکت‌ها در پذیرش و به‌کارگیری سیستم‌های اطلاعاتی مختلف، نظیر سیستم‌های نوین بودجه‌ریزی (مانند بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد)، سیستم‌های بهیابایی بر مبنای فعالیت و سیستم‌های ارزیابی عملکرد مدیریت موضوع دیگری است که پیشنهاد می‌شود.

## پی‌نوشت

۱	Neuroticism	۲	برای این کار، لیست ۴۰ نوع مختلف اطلاعات به ۵۴ نفر از استادان و صاحب‌نظران حسابداری و اقتصاد ارسال شد.
۳	Extrovert	۴	Emotional Stability
۵	Openness	۶	Introvert
۷	Agreeableness	۸	Curtains
۹	Irresponsible	۱۰	Conscientiousness

## منابع

- برادران حسن‌زاده، رسول؛ فتاحی اصل، بهرام؛ ابوالحسن‌زاده، سودا. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر تیپ‌های شخصیتی حساب‌رسان بر محتوای گزارش حسابداری. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۲ (۶)، ۸۹-۱۰۰.
- تلنگی، احمد. (۱۳۸۳). تقابل نظریه نوین مالی و مالی رفتاری. *تحقیقات مالی*، ۶ (۱)، ۳-۲۶.
- عرب‌مازار یزدی، محمد؛ مسیح‌آبادی، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). ادراک اطلاعات حسابداری، قضاوت نسبت به آن‌ها و اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۵ (۵)، ۹۵-۱۳۰.
- سعدی، رسول؛ قلی‌پور، آرین؛ قلی‌پور، فتنه. (۱۳۸۹). بررسی اثرات شخصیت سرمایه‌گذاران و خطاهای ادراکی در سرمایه‌گذاری آن‌ها در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات مالی*، ۱۲ (۲۹)، ۴۱-۵۸.
- سعیدی گراگامی، مسلم؛ ناصری، احمد. (۱۳۹۶). تأثیر تیپ شخصیتی بر قضاوت حرفه‌ای حساب‌رس در تخصیص بودجه زمانی به حساب‌های حاوی برآورد. *دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۱۲ (۳)، ۱۸۴-۱۶۹.
- روغنی‌زاده، مرجان. (۱۳۹۵). عوامل، ویژگی‌های رفتاری و تیپ شخصیتی مؤثر بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذار در بورس اوراق بهادار. *مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری*، ۲ (۲)، ۱۰۳-۹۲.
- مدرس، احمد؛ حصارزاده، رضا. (۱۳۸۷). کیفیت گزارش‌گری مالی و کارایی سرمایه‌گذاری. *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، ۲ (۲)، ۸۵-۱۱۶.
- منصورفر، غلام‌رضا؛ پیری، پرویز؛ ضیایی، رضا. (۱۳۹۴). مدل‌سازی رفتار نوسانات بازده شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران با به‌کارگیری رهیافت تحلیل عامل. *مجله پیشرفت‌های حسابداری*، ۱ (۷)، ۲۰۲-۱۶۷.

نادری، سپیده؛ بنی‌طالبی دهکردی، بهاره؛ غضنفری، احمد. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر تیپ‌های شخصیتی A، B، C و D حساب‌برسان بر محتوای گزارش حسابرسی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت (۲۰)*، ۷۱-۸۶.

نمازی، محمد. (۱۳۹۵). *حسابداری مدیریت استراتژیک: از تئوری تا عمل*. چاپ اول، جلد اول، انتشارات سمت.

نمازی، محمد. (۱۳۸۲). نقش پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی. *مجله جغرافیا و توسعه*، ۱، ۶۳-۸۷.

نمازی، محمد؛ و ابراهیمی، شهلا. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین ساختار رقابتی بازار محصول و بازده سهام. *فصلنامه دانش حسابداری مالی*، ۱، ۹-۲۷.

نمازی، محمد؛ شمس‌الدینی، کاظم. (۱۳۸۶). بررسی سازه‌های مؤثر بر دقت پیش‌بینی سود توسط مدیریت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله توسعه و سرمایه*، ۱، ۱-۲۵.

ناظمی اردکانی، مهدی؛ حکمتی، فاطمه. (۱۳۹۴). بررسی چسبندگی هزینه‌ها در شرکت‌های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *حسابداری سلامت*، ۴، ۷۷-۹۶.

نمازی، محمد؛ رستمی، نورالدین. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین نسبت‌های مالی و نرخ بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۴۴، ۱۰۵-۱۲۷.

Ahmad, M. and A. Hassan. (2016). Impact of Investor Personality Types with interaction Effects of Demographics on Investment Behavior: Evidence from Pakistan. *Pakistan Journal of Commerce and Social Sciences*, 10 (3) , 638-658.

Arab Mazar Yazdy. M; A. MassihabadeeAbadi. (2005). Perception of Accounting Information Judgment on them and Investments Decisio. *Empirical Studies in Financial Accounting*. 2 (5) , 95-130. (In Persian)

Bansal, G. , Zahedi, F. M. and D. Gefen. (2016). Do context and personality matter? Trust and privacy concerns in disclosing private information online. *Information & Management*, 53, (1) , 1-21 .

Baradaran Hassanzade. R; Fatahi, B. A; S. Aboalhasanzadeh. (2014). The Study of the Effects of Auditors' personality types On the Report Content. *Journal Management System*. 2, 89-100. (In Persian) .

Bruns, William J. Jr. (1968). Accounting Information and Decision Making: Some Behavioral Hypotheses. *The Accounting Review*. 2, 469-480 .

Ching Lin, M. y and C. S Ong. (2010). Understanding Information Systems Continuance Intention: A Five-Factor Model of Personality Perspective. *Pacific Asia Conference on Information Systems* .

- Daie, M. S. and S. Hasnan. (2012). Related Party Transactions and Earnings Quality: Moderating Effect of Corporate Governance. *Colloquium on Humanities, Science & Engineering Research* .
- Devaraj, S. Easley, R. F. and J. Michael Crant. (2008). How Does Personality Matter? Relating the Five-Factor Model to Technology Acceptance and Use. *Information Systems Research*, 19 (10) ,93-105.
- Fosu, S. , Danso, A. , Ahmad, W. and W. Coffie. (2016). Information asymmetry, leverage and firm value: Do crisis and growth matter? *International Review of Financial Analysis*, 46, 140-150 .
- Gholamreza Mansourfar, G; Piri,P and Reza Ziyaei. (2015). Modeling the Behavior of Tehran Stock Exchange Firm Returns Using Factor Analysis Method. *journal of Accounting Advances*, 7 (1) , 163-196. (In Persian) .
- Gutnik, L. A. , Hakimzada, A. F. , Yoskowitz, N. A. and V. L. Patel. (2006). The role of emotion in decision-making: A cognitive neuroeconomic approach towards understanding sexual risk behaviour. *Journal of Biomedical Informatics*, 39 (6) , 720-736.
- Gunn, J. L. , Hallman, N. and J. Pittman (2017). The Importance of Information Asymmetry to Auditor Choice, Audit Fees, and Going Concern Opinions: Evidence from Exploiting Exogenous Shifts in Analyst Coverage, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2967125>.
- Hendriksen, E. S .and M. F. Van Breda. (1992). Accounting Theory, 5<sup>th</sup> edition. United States of America: IRWIN, Inc .
- Hodnett, K. ; Hsieh, H. H. ; and P. V. Rensburg (2012). Nonlinearities in Stock Return Prediction: Evidence from South Africa. *Journal of Applied Business Research*, 28, (6) , 1253-1273 .
- Jiang, F. , Ma, Y. and B. Shi. (2017). Stock liquidity and dividend payouts. *Journal of Corporate Finance*, 42, 295–314.
- Kahneman, D. & Tversky, A. (1973). On the Psychology of Prediction. *Psychological Review*, 80, 237-251 .
- Khan, S. ; Bradbury, M. E. ; and S. M. Courtenay. (2014). Value Relevance of Comprehensive Income. *Financial Markets & Corporate Governance Conference*, Queensland University of Technology, 1-43 .
- Modarres, A and R, Hesarzade. (2009). Financial Reporting Quality and Investment Efficiency. *Quarterly Journal of Securities Exchange*, 1, (2) , 85-116 .



- Naderi, S; Banitalebi Dehkordi, B and Ahmad Ghazanfari. (2017). The effect of personality types A, B, C and D auditors on the content of the audit report. *Journal Management System*, 5, (20) , 71-86. (In Persian).
- Namazi, M. (2015). Strategic Management Accounting: From Theory to Practice. First Edition. *The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities* (SAMT). (In Persian).
- Namazi, M and SH, Ebrahimi. (2014). (Translator). Advanced Management Accounting. *First Edition Shiraz University Press*. (In Persian).
- Namazi, M. (2004). The Role of Qualitative Research in Science human. *Geography and Development Journal*. 1, 63-87. (In Persian).
- Namazi, M and Rostami, N. (2006). Investigating the relationship between financial ratios and stock returns of companies accepted in Tehran Stock Exchange. *Journal of The Accounting and Auditing Review*, 13, (2) , 105-127. (In Persian).
- Namazi, M and K, Shamsodini. (2008). Investigating the Effective Structures on Predictability of Profit by Management of Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. *Journal of Development and capital*, 1, 1-25. (In Persian).
- Namazi, M and SH, Ebrahimi. (2012). Investigating the Relationship between Product Market's Competitive Structure and Stock Return of the Listed Companies on the Tehran Stock Exchange. *Journal Empirical Research of Financial Accounting*, 02, (3) , 9-27. In Persian .
- Prommin, P. , Jumreornvong, S. , Jiraporn, P. and S. Tong. (2016). Liquidity, ownership concentration, corporate governance, and firm value: Evidence from Thailand. *Global Finance Journal*, 31, 73-87 .
- Prue, B. , Stem, L. D. , Hurley, P. , Catto, G. , Young, D. and J. Pfautz. (2015). Application of Personality Theories for the Design and Development of Cross-cultural Decision-making Tools. *Procedia Manufacturing*, 3,4006-4013 .
- Rebugio, A. B. (2013). Bias and Perception: How it Affects Our Judgment in Decision Making and Analysis. *Small Wars Journal*, July, pp. 1-10.
- Rodgers, W. and T. Housel. (1987). The Effects of Information and Cognitive Processes on Decision Making. *Accounting and Business Research*, 69 (1) , 67-74.
- Roghanizade, M. (2016). Factors, Behavioral Characteristics and Personality Type Affecting Investor's Decision in the Stock Exchange.

- Economic studies, financial management and accounting*. 2, (3) , 92-103. In Persian .
- Santos, D. D. (2015). Personality and Economics. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences (Second Edition)* , 780-786 .
- Sadi;R. gholipour,A and F, Gholipour. (2010). The effects of investor personality and perceptual bias in Tehran stock exchange. *Journal of Financial Research*, 12, (29) , 41-58. (In Persian).
- Saeidi, M and A. Nasser. (2017). The Impact of Personality Type on the Professional Judgment of the Auditor in Allocation of Time Budget on Estimated Accounts. *Journal of Valued & Behavioral Accountings*. 2, (3). 169-184. In Persian .
- Socan, G. and V. Bucik. (2015). Relationship between speed of information-processing and two major personality dimensions — Extraversion and neuroticism. *Personality and Individual Differences*, 25, (1) , 35-48 .
- Talangi, A. (2004). The Controversy of Modern Financial and Behavioral Finance. *journal of "Financial Research*. 6, (1) , 3-26. In Persian .
- Vaassen, E. H. J. , Baker, C. Richard and Hayes, Rick Stephan. (1993). Cognitive styles of experienced auditors in the Netherlands. *The British Accounting Review*, 25 (4) , 367-382.
- Westerlund, J. and P. Narayan. (2015). A Random Coefficient Approach to the Predictability of Stock Returns in Panels. *Journal of Financial Econometrics*, 13, (3) , 605-664 .
- Yao, T. ; Yu, T. ; Zhang, T. ; and S. Chen. (2011). Asset Growth and Stock Returns: Evidence from Asian Financial Markets. *Pacific-Basin Finance Journal*., 19, (1) , 115–139 .
- Zadra, J. R. and G. L. Clore. (2011). Emotion and Perception: The Role of Affective Information. *Wiley Interdisciplinary Reviews: Cognitive Science*, 2, (6) , 676–685.

## بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر

محمد رضا عباس زاده\*، محسن مفتونیان\*\*، مرتضی فدائی\*\*\*، مائده بابائی

کلاریجانی\*\*\*\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۲۷

مقاله پژوهشی

### چکیده

در راستای تجزیه و تحلیل نقش سازوکار حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های رفتار مدیران در گزارشگری مالی شرکت‌ها، پژوهش حاضر به بررسی اثر اطمینان بیش از حد مدیریت و نظام راهبری بر اجتناب از پرداخت مالیات با توجه به نقش چرخه عمر می‌پردازد. برای دستیابی به اهداف پژوهش تعداد ۱۰۴ شرکت با روش نمونه‌گیری حذفی به عنوان نمونه پژوهش برای دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۰ انتخاب گردید. برای حاکمیت شرکتی از مکانیزم‌های مالکیت نهادی و استقلال هیئت‌مدیره استفاده شد. همچنین برای اندازه‌گیری بیش‌اطمینانی مدیریت از معیار مازاد سرمایه‌گذاری شرانند و زچمن (۲۰۱۲) و در محاسبه اجتناب از پرداخت مالیات نیز از نرخ مؤثر مالیاتی استفاده شد. شرکت‌های مورد بررسی طبق الگوی پارک و چن (۲۰۰۶) به مراحل رشد، بلوغ و افول تقسیم شدند. نتایج پژوهش نشان داد بین مالکیت نهادی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی تفاوت معناداری در مراحل رشد، بلوغ و افول وجود دارد که این ارتباط بین استقلال هیئت‌مدیره از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی با توجه به آزمون آماری پترنوستر یافت نشد.

**واژه‌های کلیدی:** اجتناب مالیاتی، حاکمیت شرکتی، بیش‌اطمینانی مدیریت، چرخه عمر.

طبقه‌بندی موضوعی: D91, E32, G23, M41.

DOI: 10.22051/jera.2018.19875.2004

\*دانشیار حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. (abbas33@um.ac.ir)

\*\*کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول). (M.Maftounian@yahoo.com)

\*\*\*کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (Mortezafadaei91@gmail.com)

\*\*\*\*کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. (Babaei\_Ma@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

### مقدمه

بدلیل نقش خاص مالیات و تأثیرات آن، موضوع مالیات و قوانین و ساز و کار مربوط به آن از دیرباز مورد توجه صاحب‌نظران اقتصاد، مالیه عمومی، سیاسیون، تشکل‌ها و حتی عموم مردم قرار داشته است (سعیدی و کلامی، ۱۳۸۸)، به طوری که از یک سو هزینه اجباری تلقی شده و از سوی دیگر بر نحوه سرمایه‌گذاری و همچنین تأمین مالی شرکت‌ها اثر می‌گذارد (دسائی و دارماپالا، ۲۰۰۹). به همین جهت، یکی از برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که شرکت‌ها دنبال می‌نمایند، کاهش هزینه مالیات است. سهامداران به اندازه‌ای که از فعالیت‌های کاهش هزینه مالیات توسط مدیران خشنود می‌شوند، نگران پیامدهای ریسک مالیاتی از جمله پرداخت مالیات بیشتر در آینده، جرایم مالیاتی و... نیستند. در ادبیات مالی کشورهای غربی، تلاش و راه کارهای قانونی شرکت به منظور کاهش مالیات را به نام‌های متفاوتی از قبیل مدیریت مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات و رویه مالیاتی جسورانه می‌شناسند (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳). اجتناب مالیاتی را می‌توان به طور کلی استفاده از پیچیدگی‌ها، تکنیک‌ها و شکاف در قوانین مالیاتی در نظر گرفت که با کاهش هزینه‌های شرکت، منجر به انتقال ثروت از دولت به سهامداران می‌شود (داولینگ، ۲۰۱۴؛ کیم و همکاران، ۲۰۱۰). انتقال ثروتی که ممکن است در رابطه با تحقق جریان‌های نقدی آتی آن ابهاماتی وجود داشته باشد. مرور ادبیات اجتناب مالیاتی نشان می‌دهد در بیشتر پژوهش‌ها به این اقدام مدیران به عنوان فعالیتی مخاطره‌آمیز نگریده شده که بر شفافیت (دسائی و همکاران، ۲۰۰۷)، عملکرد آتی (رجو و ویلسون، ۲۰۱۲)، ارزش شرکت (کیم و همکاران، ۲۰۱۰)، کیفیت سود (آتوود و همکاران، ۲۰۱۰)، اعلان سود (کراتبری و کاییک، ۲۰۱۲)، اعتماد اجتماعی (کاناگارتنام و همکاران، ۲۰۱۳) و ریسک شرکت (گوئنتر و همکاران، ۲۰۱۴) تأثیر منفی می‌گذارد. سیاست مالیاتی جسورانه یک راه قانونی با استفاده از خلأهای موجود در قوانین مالیاتی جهت عدم پرداخت یا تأخیر در پرداخت مالیات برای شرکت‌ها هست. از آنجا که عوامل مختلفی باعث سیاست مالیاتی جسورانه و اجتناب مالیاتی می‌گردد، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند و به همین دلیل تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها اهمیت زیادی دارد.

ساز و کار حاکمیت شرکتی از جمله عواملی است که می‌تواند بر فعالیت‌های مالیات اثر بگذارد. نظام راهبری شرکتی به عنوان مجموعه‌ای از ساز و کارهای کنترلی درون و برون

شرکتی تعریف می‌شود که وظیفه برقراری تعادل مناسب میان حقوق صاحبان سهام از یک سو و نیازها و اختیارات هیئت‌مدیره را از سوی دیگر بر عهده دارد، در نتیجه می‌توان انتظار داشت ضمن رعایت حقوق کلیه ذینفعان از جمله دولت، اجتناب مالیاتی نیز در این شرکت‌ها کمتر شود؛ اما فراتر از چارچوب مالی استاندارد، بسیاری از پژوهش‌ها در چارچوب ادبیات مالی رفتاری مدرن نشان می‌دهند که عوامل احساسی و خطای شناختی مانند سوگیری‌های رفتاری، بر اثر گذاری اجتناب مالیات نقشی مهم ایفاء می‌کند (چایز و همکاران، ۲۰۱۴). یکی از فراگیرترین این سوگیری‌ها (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۶)، بیش‌اطمینانی است که سبب می‌شود انسان دانش و مهارت خود را بیش از حد و ریسک‌ها را کمتر از حد تخمین زند و احساس کند بر مسائل و رویدادها کنترل دارد در حالی که ممکن است در واقعیت این گونه نباشد (فروغی و نخبه فلاح، ۱۳۹۳). شراند و زچمن (۲۰۱۲) عنوان کردند که بیش‌اطمینانی مدیران از عملکرد خود، تحریف در صورت‌های مالی را به دنبال خواهد داشت. این تحریف می‌تواند از روی عمد یا غیرعمدی باشد. براساس نظر آن‌ها بیش‌اطمینانی با خوش‌بینی هدفدار در ارتباط است که موجب می‌شود مدیران تحریف عامدانه انجام دهند و در نتیجه شرکت در سراشیبی مسیر تحریف‌های عمده گام بردارد. در مطالعات قبلی تأثیر عواملی همچون ویژگی‌های اقتصادی کمتر بررسی شده است. یکی از این ویژگی‌ها چرخه عمر واحد تجاری است.

طبق نظریه چرخه عمر، شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر از نظر مالی و اقتصادی دارای رفتارهای و سیاست‌های خاصی هستند که بر اطلاعات حسابداری و نحوه گزارشگری شرکت‌ها منعکس می‌شود (دهدار، ۱۳۸۶). با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته در ایران در رابطه با اجتناب مالیاتی، تاکنون هیچ پژوهشی به طور همزمان به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب و اثر چرخه عمر شرکت بر این رابطه نپرداخته است، آنچه که در این پژوهش منجر به ایجاد سؤال شده این است که آیا حاکمیت شرکتی و اعتماد بیش از حد مدیران با اجتناب مالیاتی رابطه معناداری دارند یا خیر؟ همچنین چرخه عمر شرکت می‌تواند بخشی از رابطه میان نظام راهبری، بیش‌اطمینانی مدیریت و اجتناب مالیاتی را تبیین نماید؟ در ادامه این نوشتار، مبانی نظری و پیشینه پژوهش بررسی می‌شود. سپس فرضیه‌ها و روش پژوهش مطرح می‌گردد. پس از آن متغیرهای پژوهش و یافته‌های بدست آمده از

تجربه و تحلیل اطلاعات مطرح می‌شود. نتیجه‌گیری و پیشنهادها نیز پایان بخش این نوشتار خواهد بود.

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مالیات یک مبحث راهبردی، زیربنایی و پویاست که نقش اساسی و محوری در تحقق برنامه‌های توسعه ملی هر کشوری مانند کشور ما ایفاء می‌کند. امروزه مالیات جدا از نقش اصلی خود یعنی تأمین بخشی از هزینه‌ها، به عنوان یک اهرم تأثیرگذار در اجرای سیاست‌های انبساطی و انقباضی دولت در بودجه‌بندی بخش‌های مختلف کشور مورد توجه است، بنابراین لزوم تحقق درآمدهای مالیاتی برای توسعه همه‌جانبه کشور بیش از پیش احساس می‌شود. در کشورهای درحال توسعه، به طور معمول ۲۱ درصد یا بیشتر از درآمد بالقوه مالیاتی، وصول نمی‌شود (برد، ۱۹۹۲). در اقتصاد نوظهور ایران نیز، اجتناب مالیاتی، می‌تواند یکی از بزرگترین مشکلاتی باشد که سیستم مالیاتی با آن مواجه است. اجتناب از پرداخت مالیات را استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، به منظور کاهش مقدار مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده‌اند. براساس تعریف اسلمرد (۲۰۰۴) نوع مشروع اجتناب از پرداخت مالیات از تفاوت بین قوانین مالیاتی و اصول پذیرفته شده حسابداری ناشی می‌شود. اجتناب و فرار مالیاتی، توان رقابتی عوامل اقتصادی را به نفع آن‌هایی که مالیات نپرداخته‌اند، تغییر می‌دهد و از این بابت شکاف بین گروه‌های مختلف درآمدی را بیشتر خواهد کرد. چنانچه برای پیشگیری از فعالیت‌هایی که منجر به عدم پرداخت مالیات می‌شود چاره‌اندیشی نشود، ممکن است، افراد دیگر نیز به منظور افزایش توان مالی خود به این کار ترغیب شوند و به دلیل تأثیر رفتار اجتماعی افراد بر یکدیگر، به تدریج مقبولیت عمومی یافته و گسترش یابد. بحث اجتناب مالیاتی بیشتر به نظر می‌رسد در مورد شرکت‌های با جدایی مالکیت مطرح باشد، تفکیک مالکیت از مدیریت به این موضوع اشاره دارد که اگر اجتناب مالیاتی یک فعالیت ارزشمند تلقی گردد، بنابراین مالکان انگیزه بالایی دارند تا اطمینان حاصل کنند که مدیران تصمیمات مالیاتی کارآمد گرفتند. منظور از تصمیمات مالیاتی کارآمد، تصمیمات مالیاتی شرکت است که ثروت بعد از مالیات مالکان را افزایش می‌دهد اما هزینه‌های نمایندگی ناشی از تضاد منافع بین مدیران و سهامداران می‌تواند به مانعی در جهت اتخاذ تصمیمات مالیاتی کارآمد تبدیل شود. بنابراین بر طبق دیدگاه نمایندگی، اجتناب مالیاتی

همیشه موجب افزایش ثروت سهامداران خارجی نمی شود. گرچه اجتناب از پرداخت مالیات منجر به افزایش ارزش شرکت می شود، اما بکارگیری استراتژی‌های پیچیده و مبهم مالیاتی مربوط به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی این فرصت را برای مدیران فراهم می‌سازد تا به هزینه سهامداران به سودجویی‌هایی دست بزنند و اقداماتی مبنی بر عدم افشاء و نگهداری اخبار بد در داخل شرکت انجام دهند (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶). در دیدگاه نمایندگی اجتناب مالیاتی، این گونه استدلال می‌شود که مدیران فرصت طلب، روش‌ها و تکنیک‌های اجتناب مالیاتی را بیشتر با هدف افزایش منافع مدیریتی انجام می‌دهند تا افزایش منافع سهامداران (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹). برای محافظت در آمد در مقابل متصدیان مالیات، مدیران اغلب تلاش می‌کنند که هدف و نیت اصلی فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را مخفی کنند. ویژگی مبهم بودن اجتناب مالیاتی می‌تواند نقش یک سپر را برای مدیران ایفا کند و به نظر می‌رسد که مدیران با استفاده از ساختارهای پیچیده اجتناب مالیاتی می‌توانند رفتارهای فرصت طلبانه خود را پنهان سازند (دسای، هوگان و ویلکینز، ۲۰۰۶). بنابراین، براساس دیدگاه نمایندگی اجتناب مالیاتی، اجتناب مالیاتی همیشه به نفع سهامداران نیست. عدم شفافیت شرکت نیز می‌تواند زمینه‌ای برای مدیران فرصت طلب فراهم کند تا به هزینه سهامداران به منافع شخصی خود دست پیدا کنند و این موضوع می‌تواند عاملی برای سرمایه‌گذاران باشد تا بتوانند به میزان ارتباط بین اجتناب مالیاتی و اقدامات سودجویانه مدیران پی ببرند. نتایج تحقیق انجام شده توسط وانگ (۲۰۱۰) تأییدی بر این موضوع است. برطبق یافته‌های وانگ، وجود یک رابطه مثبت بین عدم شفافیت و اجتناب مالیاتی بیان‌کننده این مطلب است که اجتناب مالیاتی به احتمال زیاد با اقدامات سودجویانه، در ارتباط است. فقدان وجود جزئیات در گزارش‌های مالیاتی که در دسترس عموم قرار می‌گیرد، قضاوت و درک سهامداران را در خصوص ماهیت فعالیت‌های اجتناب مالیاتی و میزان دخالت این فعالیت‌ها در اقدامات سودجویانه، مشکل می‌سازد. این مشکلات با پیچیدگی قوانین مالیاتی و حذف عمدی جزئیات در گزارش‌های مالی از سوی مدیریت تشدید می‌شود. به منظور جلوگیری از بررسی دقیق این فعالیت‌ها توسط متصدیان مالیاتی، مدیران سطح مالیات افشاء شده و جزئیات مالیاتی را تا جایی ارائه می‌دهند که نشان‌دهنده این فعالیت‌های اجتناب مالیاتی با هدف افزایش ثروت سهامداران انجام شده است (وانگ، ۲۰۱۰).

هیئت مدیره مهم‌ترین عامل در کنترل و نظارت بر عملکرد مدیران، کاهش هزینه نمایندگی و محافظت از منافع سهامداران قلمداد می‌شود (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶). یکی از مباحث مطرح شده در زمینه هیئت مدیره، بر مسأله ترکیب هیئت مدیره تمرکز دارد. ترکیب هیئت مدیره به عنوان نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل تعداد اعضای هیئت مدیره ۹۹ نگریسته می‌شود، البته در ارتباط با چگونگی ترکیب هیئت مدیره نظرات مغایری وجود دارد. ادبیات موجود بیانگر آن است که ترکیب هیئت مدیره با میزان مسأله نمایندگی مرتبط است. نتیجه این ادبیات بیانگر آن است که شرکت‌های با هیئت بزرگ‌تر و مدیران داخلی بیشتر، تمایل بیشتری به مسئله نمایندگی دارند، برعکس مؤسسات تجاری با هیئت‌های کوچک و درصد بیشتر مدیران غیرموظف، با رفاه سهامداران و عملکرد مؤسسه تجاری ارتباط بیشتری دارند. هیئت مدیره با اندازه کوچک‌تر آسان‌تر می‌تواند مدیریت را در تخصیص و تسهیم دارایی‌ها برای مدیریت مالیات متقاعد کند، هرچه ترکیب هیئت مدیره از اعضای مستقل‌تری تشکیل شده باشد، مشکلات نمایندگی کمتر می‌گردد. برخلاف مدیران موظف، مدیران غیرموظف از مدیریت شرکت مستقل هستند و به همین دلیل در ایفای نقش نظارتی خود مؤثرتر عمل می‌نمایند، بنابراین ترکیب هیئت مدیره یکی از عوامل اثرگذار بر مالیات می‌باشد (مینیک و نوگا، ۲۰۱۰). از این رو، از دیدگاه نظری هنگامی که هیئت مدیره مستقل و از نسبت بالایی از اعضای غیرموظف تشکیل شده باشد، فرار و اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد. از طرفی دیگر، در ادبیات حاکمیت شرکتی، سرمایه‌گذاران نهادی یکی از سازوکارهای خارجی مؤثر در نظارت بر شرکت شناخته می‌شوند. سهامداران نهادی، شرکت‌های بیمه، بانک‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری و شرکت‌های سرمایه‌گذاری را شامل می‌شود. سهامداران نهادی که ثروت و منابع مالی زیادی در اختیار دارند، نسبت به سایر سهامداران در بدست آوردن و استفاده از اطلاعات گران‌بها، بموقع و مربوط‌تر، گرایش بیشتری دارند، بنابراین می‌توانند مانع سیاست‌ها و فعالیت‌های مدیران در استفاده از مدیریت سود فرصت‌طلبانه شوند (بوشی، ۱۹۹۸). این گروه از فعالان بازار سرمایه، با توجه به برخورداری از دانش و تخصص کافی، دسترسی به شبکه‌های ارتباطی مؤثر و انگیزه لازم برای نظارت بر عملکرد مدیریت، می‌توانند نقش اساسی در ارتقاء سیستم حاکمیت شرکتی و در نتیجه افزایش کارایی و بهره‌وری شرکت ایفاء کنند. شلیفر و ویشنی (۱۹۸۶) به این نکته اشاره می‌کنند که وجود سهامدار بزرگ، سبب کاهش مسئله نمایندگی در سازمان می‌شود، در نتیجه



می‌توان انتظار داشت افزایش سهامداران نهادی، موجب کاهش اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها می‌شود.

از دیدگاه نظری، فرضیه سلسله مراتب بالاتر همبرینگ و مپسون (۱۹۸۴) بیان می‌کند خصوصیات مدیران ارشد، سبک تصمیم‌گیری آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از این ویژگی‌های جالب مدیریتی، اطمینان بیش از حد است. روانشناسان به این نتیجه رسیدند افرادی که اطمینان بیش از حد دارند، امکان موفقیت خود را بیش از حد ارزیابی می‌کنند، موفقیتشان را مدیون توانایی‌های خود می‌دانند و نقش شانس و عوامل خارجی را در این امر کمتر از حد ارزیابی می‌کنند (ون و همکاران، ۲۰۰۷). اطمینان بیش از حد ویژگی شخصی است که می‌تواند به صورت اریب رفتاری و داشتن اعتقادهای غیرواقعی (مثبت) در رابطه با هر یک از جنبه‌های پیشامد در وضعیت بی‌اطمینانی تعریف شود، در این صورت در برآورد میانگین اغراق خواهد شد (اسکالا، ۲۰۰۸). در شرکت‌ها، اطمینان بیش از حد مدیرعامل به صورت مستعد بودن مدیرعامل برای پیش‌بینی بسیار مثبت نتایج یا تخمین بیش از حد احتمال وقوع نتایج، تعریف می‌شود (مالمندیر و تیت، ۲۰۰۵). مدیری که اطمینان بیش از حد دارد، به‌طور نظام‌مندی بازده آتی ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری را بیش از حد تخمین می‌زند یا به‌یانی، احتمال و اثر رویدادهای مطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را بیش از حد برآورد می‌کند و احتمال و اثر رویدادهای نامطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را کمتر از حد تخمین می‌زند (هیتن، ۲۰۰۲)، بنابراین انتظار می‌رود مدیرانی که اطمینان بیش از حد دارند، مخارج سرمایه‌های بیشتری داشته باشند (بن و همکاران، ۲۰۱۰) و سرمایه‌گذاری بیش از حدی در پروژه‌های سرمایه‌گذاری انجام دهند (مالمندیر و تیت، ۲۰۰۵). به سبب این افزایش سرمایه‌گذاری در مخارج سرمایه‌ای (دارایی‌های ثابت) هزینه استهلاک افزایش می‌یابد، هزینه‌ایی که به سود کمتر و هزینه مالیات کمتر می‌انجامد. همچنین افزایش سرمایه‌گذاری به هزینه عملیاتی بیشتر منجر می‌شود.

این افزایش در هزینه‌های عملیاتی سبب می‌شود درآمد مشمول مالیات شرکت کمتر شود و در نهایت، هزینه مالیات شرکت کاهش یابد. اطمینان بیش از حد مدیریتی سبب تخمین بیش از حد بازده خالص ارزش فعلی جریان‌های نقدی ناشی از سرمایه‌گذاری در برنامه‌ریزی مالیاتی می‌شود. در واقع اطمینان بیش از حد مدیریتی، از طریق تخمین بیش از حد صرفه‌جویی مالیاتی

در برنامه‌ریزی مالیاتی، تخمین کمتر از حد هزینه‌های تحمیل شده ناشی از سرمایه‌گذاری در برنامه‌ریزی مالیاتی یا ترکیبی از این دو، میزان سرمایه‌گذاری در طرح‌های مالیات کاه را افزایش می‌دهد و به افزایش اجتناب مالیاتی منجر می‌شود (چایز و همکاران، ۲۰۱۴).

یکی از ویژگی‌های اقتصادی شرکت، چرخه عمر شرکت است. طبق تئوری چرخه عمر، شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر، از نظر مالی و اقتصادی دارای نمودگرها و رفتارهای خاصی هستند، بدین معنی که ویژگی‌های مالی و اقتصادی یک شرکت تحت تأثیر مرحله‌ای از چرخه عمر است که شرکت در آن قرار دارد (زو، ۲۰۰۷). تئوری چرخه عمر شرکت چنین فرض می‌کند که شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی همچون تمامی موجودات زنده که متولد می‌شوند، رشد می‌کنند و می‌میرند، دارای منحنی چرخه عمر هستند. از یک طرف در هر مرحله از چرخه عمر با مشکلات ویژه آن مرحله مواجه هستند و از طرف دیگر در هنگام انتقال از مرحله‌ای به مرحله دیگر با مسائل و مشکلات ویژه مواجه می‌باشند. واحدهای تجاری اصولاً در روند حرکتی خود پیوسته با مشکلات عدیده‌ای روبرو می‌شوند که عمدتاً به وسیله نیروهای داخلی قادر به حل آن نبوده و برای رفع آن دخالت حرفه‌ای بیرون از سازمان اجتناب‌ناپذیر می‌گردد (تاناتاوی، ۲۰۱۱). به طور کلی، تفاوت اساسی بین شرکت‌های جوان و شرکت‌های به بلوغ رسیده مربوط به بزرگ بودن شرکت‌های به بلوغ رسیده نیست، بلکه مربوط به مسن بودن، با ثبات تر بودن (بالا بودن قابلیت کنترل و پایین بودن ریسک)، سودآوری بالاتر، فرصت‌های رشد کمتر و پیشینه اعتباری بهتر شرکت‌های به بلوغ رسیده است (یوتامی و اینانگا، ۲۰۱۲). براساس نظریه پارک و چن (۲۰۰۶)، شرکت‌ها براساس چرخه عمر به سه دسته درحال رشد، بالغ و درحال افول تقسیم می‌شوند. ویژگی‌های اصلی این سه مرحله به شرح زیر می‌باشند:

مرحله رشد: در این مرحله واحد تجاری به دلیل مواجه با رشد فروش و سودهای غیرقابل پیش‌بینی ناشی از ابهام در میزان تقاضای محصولات، ریسک تجاری بالاتری را متحمل می‌شوند. در این مرحله، واحد تجاری فعالانه به دنبال طرح‌های توسعه بوده و به سرمایه‌بیشتری برای دستیابی به مزایای بلندمدت رقابتی و محصولات جدید نیاز دارد.

مرحله بلوغ: ریسک تجاری در مرحله بلوغ معمولاً از مراحل دیگر چرخه عمر کمتر است.

با توجه به این که واحد تجاری به طور گسترده‌ایی به ثبات رسیده است، در مرحله بلوغ ظرفیت سرمایه‌گذاری اولیه برای پاسخگویی به تقاضای بالای بازار، کافی بوده و از این رو، واحد تجاری جریان‌های نقدی بیشتری ایجاد خواهد کرد.

مرحله افول: معمولاً واحد تجاری در این مرحله با کاهش فروش، جایگزینی فناوری و محصولات روبرو می‌شود. در این مرحله، معمولاً به خاطر فرصت‌های محدود سرمایه‌گذاری و همچنین افت کلی بازار و زیان عملیات، پایین است. با وجود اهمیت ساز و کار اصول راهبری برای کنترل شرکت‌ها در طول عمر و حیات آن‌ها و تفاوت تصمیم‌گیری، فعالیت سرمایه‌گذاری و تأمین مالی مدیران در هر یک از مراحل مختلف چرخه عمر احتمالاً بر میزان اجتناب مالیات شرکت در هر مرحله تأثیر می‌گذارد. در ادامه برخی از پژوهش‌های مهم در زمینه این پژوهش ارائه می‌شود:

دوئلن و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی اعتماد به نفس کاذب مدیریتی و مدیریت ریسک شرکت‌های بزرگ پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که اعتماد به نفس کاذب مدیریتی بر تصمیم‌گیری مدیریت بر ریسک شرکت‌های بزرگ نیز تأثیر می‌گذارد.

چایز و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان اطمینان بیش از حد مدیریتی و اجتناب مالیاتی به بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت معناداری می‌گذارد، از دیگر نتایج اطمینان بیش از حد مدیریتی، کاهش نرخ مؤثر مالیات نقدی به ۶/۶ درصد و افزایش ۱/۵ درصد تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات می‌باشد.

کیم و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ماهیت پیچیده و غیرشفاف فعالیت‌های اجتناب از مالیات، امکان رفتارهای فرصت‌طلبانه را به مدیریت می‌دهد و هزینه‌های نمایندگی را بالا می‌برد، از این رو فعالان بازار سرمایه به این فعالیت‌ها واکنش مثبتی نشان نمی‌دهند.

چن و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی رابطه بین چرخه عمر شرکت و رویکرد حسابداری دارایی‌ها پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش وی بیانگر این بود که بر مبنای رویکرد مبتنی بر

منابع، مالکان و مدیران شرکت می‌توانند با مدیریت و انباشته کردن منابع (دارایی‌های مشهود و نامشهود) کمیاب و ارزشمند، مزیت‌های رقابتی را برای شرکت به وجود آورند.

نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر خوش‌بینی مدیران (اعتماد به نفس کاذب) و عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از آن بر ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. نتایج پژوهش آنان با استفاده از ۲۱۱ شرکت بورسی طی سال‌های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۴ حاکی از آن است که خوش‌بینی مدیران، ریسک سقوط قیمت سهام را به طور معناداری تحت تأثیر قرار می‌دهد، همچنین بر شدت رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک سقوط قیمت سهام می‌افزاید.

عرب صالحی و هاشمی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد بیش‌اطمینانی مدیران سبب افزایش اجتناب مالیاتی در فرآیند گزارشگری مالیاتی می‌شود.

نتایج پژوهش سرلک و همکاران (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که علی‌رغم تفکیک چرخه عمر شرکت‌ها به مراحل رشد، بلوغ و افول، تفاوتی در نحوه تأمین مالی آن‌ها مشاهده نشد.

شرکت‌ها در هر سه مرحله از چرخه عمرشان تأمین مالی از طریق بدهی را ترجیح می‌دهند، به عبارت دیگر، شرکت‌ها در تأمین منابع مالی مورد نیاز خود از تنوری سلسله‌مراتبی پیروی می‌کنند.

حبیب‌زاده زرنندی (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان می‌دهد یک رابطه منفی بین اجتناب از پرداخت مالیات و میزان بدهی وجود دارد. این رابطه منفی نشان می‌دهد که منابع حاصله از اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند به عنوان جانشین استفاده از بدهی باشد، علاوه بر این، نتایج حاکی از این است که نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره با بدهی شرکت ارتباطی نداشته و این نسبت بر ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و میزان بدهی تأثیر معناداری ندارد. این نتیجه می‌تواند نشان‌دهنده عملکرد ضعیف اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به عنوان یکی از ابزارهای حاکمیت شرکتی باشد.

پژوهش خدای‌پور و امینی‌نیا (۱۳۹۲) نشان داد بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی رابطه منفی وجود دارد. این رابطه منفی حاکی از آن است که اثر مناسب مالیاتی ناشی از

اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند به منزله بدهی شرکت به کار رود، از این رو اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند جانشین استفاده از بدهی باشد. علاوه بر این، نتایج حاکی از این بود که سطح مالکیت نهادی بر ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی تأثیر معناداری ندارد.

### فرضیه‌های پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال بررسی رابطه بین برخی سازوکارهای حاکمیت شرکتی و بیش اطمینانی مدیریت با اجتناب مالیاتی طی مراحل چرخه عمر است. از این رو، با توجه به مبانی نظری و اهداف پژوهش، فرضیه‌های زیر مطرح شده‌اند:

۱. بین بیش اطمینانی مدیریت و اجتناب از مالیات ارتباط معناداری وجود دارد.
۲. بین نسبت مالکان نهادی و اجتناب از مالیات ارتباط معناداری وجود دارد.
۳. بین استقلال هیئت مدیره و اجتناب از مالیات ارتباط معناداری وجود دارد.
۴. بین بیش اطمینانی مدیریت و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر شرکت ارتباط معناداری وجود دارد.
۵. بین نسبت مالکان نهادی و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر شرکت ارتباط معناداری وجود دارد.
۶. بین استقلال هیئت مدیره و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر شرکت ارتباط معناداری وجود دارد.

### روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بوده و از نظر هدف، کاربردی می‌باشد. همچنین، این پژوهش از نوع استقرایی و پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) می‌باشد. اطلاعات و داده‌های مورد نیاز پژوهش از صورت‌های مالی، یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی، پایگاه اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، همچنین نرم‌افزار ره‌آورد نوین

استخراج شده است. همچنین با استفاده از روش‌های آماری تحلیل همبستگی، آماره VIF و الگوی داده‌های تابلویی (پنل دیتا) فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفت.

جامعه آماری پژوهش را کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۰ تا پایان سال ۱۳۹۴ شکل داده است. تعداد نمونه مورد مطالعه در مجموع ۱۰۴ شرکت است که با مدنظر قرار دادن معیارهای زیر انتخاب شدند:

۱. شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و مؤسسه‌های واسطه‌گری مالی از نمونه آماری حذف می‌شوند. این حذف به دلیل موقعیت خاص محیط گزارشگری این شرکت‌هاست،
۲. شرکت‌ها طی دوره پژوهش به طور مستمر و مداوم عضو بورس باشند،
۳. به دلیل قابلیت مقایسه، پایان سال مالی شرکت باید منتهی به پایان اسفند باشد،
۴. شرکت در دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی نداشته باشد،
۵. اطلاعات کامل و تفصیلی صورت‌های مالی سالانه هر یک از شرکت‌ها و نیز اطلاعات لازم برای محاسبه متغیرهای پژوهش در پایان سال مربوط در تمام طول دوره مورد بررسی موجود باشد.

با اعمال محدودیت‌های ذکر شده، تعداد ۱۰۴ شرکت از مجموع شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان نمونه انتخاب گردید. در گام بعدی، نمونه اولیه براساس مدل ارائه شده توسط پارک و چن (۲۰۰۶) به مراحل رشد، بلوغ و افول طبقه‌بندی گردید. براساس معیارهای فوق، از ۵۲۰ سال-شرکت که به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند، ۴۳۷ سال-شرکت در مرحله رشد، ۵۷ سال-شرکت در مرحله بلوغ و ۲۶ سال-شرکت در مرحله افول قرار گرفتند. علت طبقه‌بندی آماری به مراحل مختلف چرخه عمر در سطح سال-شرکت این است که انتقال شرکت‌های نمونه از یک مرحله چرخه عمر به مرحله دیگر در طی دوره زمانی مورد بررسی، مدنظر قرار گیرد. جهت بررسی رابطه بین ساز و کارهای حاکمیت شرکتی و بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی در هر یک از مراحل چرخه عمر مدل (۱) استفاده می‌شود:

$$\text{Tax Avoidance} = \beta_0 + \beta_1 \text{Overconfidence} + \beta_2 \text{Institutional Owners} + \beta_3 \text{Indep} + \beta_4 \text{Size} + \beta_5 \text{Mbv} + \beta_6 \text{Lev} + \beta_7 \text{Cash} + \beta_8 \text{Roa} + \varepsilon \quad (1)$$

### متغیر وابسته و نحوه محاسبه آن

اجتناب از مالیات (Tax Avoidance): هانلون و هتزمین (۲۰۱۰) بیان کردند که تعریف و اندازه‌گیری اجتناب از پرداخت مالیات (جسورانه بودن مالیات) مشکل است. در این پژوهش به پیروی از دیرینگ و همکاران (۲۰۰۹) از نرخ مؤثر مالیاتی (ETR) استفاده شده است که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$ETR = \frac{\text{Total Tax Expense}_{i,t}}{\text{Per Tax Income}_{i,t}} \quad (۲)$$

که در رابطه فوق  $\text{Total Tax Expense}_{i,t}$  کل هزینه مالیات شرکت  $i$  در سال  $t$  و  $\text{Per Tax Income}_{i,t}$  بیان‌کننده سود قبل از مالیات شرکت  $i$  در سال  $t$  است.

### متغیرهای مستقل و نحوه محاسبه آن‌ها

$\text{Overcon}_{i,t}$ : بیانگر اطمینان بیش از حد مدیریتی شرکت  $i$  در سال  $t$  است. با توجه به این که تصمیم‌های سرمایه‌گذاری شرکت، حاوی اطلاعاتی درباره میزان اطمینان بیش از حد مدیریتی است، در این پژوهش مطابق با پژوهش‌های احمد و دوئلمن (۲۰۱۳) و شراند و زچمن (۲۰۱۲) برای اندازه‌گیری اطمینان بیش از حد مدیریتی ( $\text{Overcon}$ ) از معیار  $\text{Over Inv}_{i,t}$  (مازاد سرمایه‌گذاری) استفاده شده است. این شاخص که میزان سرمایه‌گذاری‌های مازاد در دارایی‌ها را نشان می‌دهد، از باقیمانده رگرسیون رشد دارایی کل بر رشد فروش که برای هر صنعت - سال جداگانه برآورد می‌شود، به دست می‌آید. اگر خطای باقیمانده رگرسیون شرکتی بزرگ‌تر یا مساوی صفر باشد، بیش اطمینانی مدیران در آن شرکت تأیید می‌شود و به آن عدد یک اختصاص می‌یابد و چنانچه خطای باقیمانده رگرسیون شرکتی منفی باشد، گویای عدم اطمینان بیش از حد مدیران در آن شرکت است و عدد صفر می‌گیرد. بهره‌گیری از این شاخص بر این مبنا است که در شرکت‌هایی که دارایی‌ها با نرخ بالاتری نسبت به فروش رشد می‌کنند مدیران نسبت به همتای خود بیشتر در شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند.

$$\text{Asset} \times \text{GR}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Sale} \times \text{GR}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۳)$$

سهامداران نهادی (INST): به اشخاص حقیقی و حقوقی اطلاق می‌شود که تعداد قابل ملاحظه‌ای از سهام عادی شرکت را در اختیار داشته باشند. مؤسسات سرمایه‌گذاری، نهادهای

عمومی غیردولتی و یا سایر شرکت‌های تجاری از جمله سهامداران نهادی محسوب می‌شوند. مصوبه مورخ ۱۳۸۶/۰۶/۲۸ هیئت‌مدیره سازمان بورس درخصوص تعرف سهامدار نهادی به شرح ذیل است: سرمایه‌گذاران نهادی موضوع بند ۲۷ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار ج.ا.ا عبارتند از: بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد یا بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار ناشر را خریداری کند؛ سازمان و نهادهای دولتی و عمومی، شرکت‌های دولتی، اعضای هیئت‌مدیره و مدیران ناشر یا اشخاصی که کارکرد مشابه دارند (فخاری و طاهری، ۱۳۸۹). در این پژوهش نیز، برای تهیه اطلاعات مربوط به سهامداران نهادی مطابق این مصوبه عمل گردید.

نسبت استقلال هیئت‌مدیره (BI<sub>i,t</sub>): عضو غیرموظف (مستقل) حضور فیزیکی در شرکت ندارد و فقط در تصمیم‌سازها و تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌کند. در این پژوهش نسبت استقلال هیئت‌مدیره از طریق تقسیم اعضای غیرموظف به کل اعضای بدست می‌آید که از رابطه (۴) استفاده می‌شود:

$$BI = \frac{NED}{TB} \quad (4)$$

که در این رابطه: BI نسبت استقلال هیئت‌مدیره، NED اعضای غیرموظف و TB کل اعضای هیئت‌مدیره می‌باشد (حسینی، ۱۳۹۶).

چرخه عمر شرکت: در این پژوهش براساس روش شناسی پارک و چن (۲۰۰۶)، شرکت‌ها به کمک چهار متغیر رشد فروش، مخارج سرمایه‌ای، نسبت سود تقسیمی و سن شرکت به سه مرحله رشد، بلوغ و افول، به صورت زیر دسته‌بندی می‌شوند:

۱. مقدار هر یک از متغیرهای رشد فروش، مخارج سرمایه‌ای، نسبت سود تقسیمی و سن (عمر) شرکت برای هر سال-شرکت محاسبه می‌شود،



۲. سال-شرکت‌ها براساس هر یک از چهار متغیر یاد شده و به کمک پنجک‌های آماری در هر صنعت، در پنج طبقه جای می‌گیرند که با توجه به قرار گرفتن در پنجک (طبقه) مدنظر، براساس نگاره (۱) نمره‌ای بین ۱ تا ۵ به آن‌ها اختصاص داده می‌شود،

۳. برای هر سال-شرکت، نمره‌ای مرکب بدست می‌آید که با توجه به شرایط زیر در یکی از مراحل رشد، بلوغ و افول طبقه‌بندی می‌شوند:

الف) در صورتی که مجموع نمره‌ها بین ۱۶ و ۲۰ باشد، در مرحله رشد قرار می‌گیرد،

ب) در صورتی که مجموع نمره‌ها بین ۹ و ۱۵ باشد، در مرحله بلوغ قرار می‌گیرد،

ج) در صورتی که مجموع نمره‌ها بین ۴ و ۸ باشد، در مرحله افول قرار می‌گیرد.

#### نگاره (۱): نحوه محاسبه متغیرهای چرخه عمر

نسبت سود تقسیمی (DPR)	مخارج سرمایه‌ای (CE)	رشد فروش (SG)	سن شرکت (AGE)	مراحل چرخه عمر
۵	۱	۱	۵	پنجک یکم
۴	۲	۲	۴	پنجک دوم
۳	۳	۳	۳	پنجک سوم
۳	۴	۴	۲	پنجک چهارم
۳	۵	۵	۱	پنجک پنجم

تعریف عملیاتی متغیرهای فوق به صورت زیر می‌باشد:

$$SG_{it} = [1 - (SALE_{it}/SALE_{it-1})] * 100 \quad (۵)$$

$$DPR_{it} = (DPS_{it}/EPS_{it}) * 100 \quad (۶)$$

$$CE_{it} = (\Delta FA_t / FIV_{it}) * 100 \quad (۷)$$

$$AGE_t = ES_t \quad (۸)$$

$SALE_{it}$  = درآمد فروش شرکت  $t$  در سال  $i$

$DPS_{it}$  = سود تقسیمی هر سهم شرکت  $t$  در سال  $i$

$EPS_{it}$  = سود هر سهم شرکت  $t$  در سال  $i$

$FIV_{it}$  = ارزش بازار شرکت  $t$  در سال  $i$

$\Delta FA$  = تغییر دارایی‌های ثابت شرکت  $t$  در سال  $i$  نسبت به سال قبل،

$ES_t$  = سال تأسیس شرکت  $t$ .

در پژوهش حاضر، مطابق پژوهش‌های بیدل و همکاران (۲۰۰۹)، چن و همکاران (۲۰۱۱) و گوماریز و بالستا (۲۰۱۴) از متغیرهای کنترلی زیر استفاده می‌شود:

اندازه شرکت ( $SIZE_{i,t}$ ): لگاریتم طبیعی دارایی‌های ابتدای سال،

فرصت‌های رشد ( $MBV_{i,t}$ ): نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام،

اهرم مالی ( $LEV_{i,t}$ ): نسبت کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌های ابتدای سال،

وجه نقد ( $CASH_{i,t}$ ): وجه نقد تقسیم بر کل دارایی‌های ابتدای سال،

بازده دارایی ( $ROA_{i,t}$ ): نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها.

## یافته‌های پژوهش

### آمار توصیفی

نگاره (۲) آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و نیز طبقه‌بندی شرکت‌ها به مراحل چرخه عمر را به تفکیک مراحل رشد، بلوغ و افول نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌کنید بالاترین انحراف معیار در شرکت‌های در مرحله رشد، بلوغ مربوط به متغیر مالکیت نهادی و در مرحله افول مربوط به فرصت رشد است و پایین‌ترین انحراف معیار مربوط به شرکت‌های در مرحله رشد، بلوغ و افول مربوط به متغیر وجه نقد می‌باشد.

نگاره (۲): آمار توصیفی

متغیرها	تعداد شرکت	مراحل عمر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین مقدار	کمترین مقدار
اجتناب مالیاتی	۵۷	رشد	۰/۰۵۴۳	۰/۰۰۱۹	۰/۰۶۹۷	۰/۱۸۴	۰/۰۰۰
	۴۳۷	بلوغ	۰/۱۰۵۵	۰/۱۰۰۹	۰/۰۸۷۱	۰/۳۷۳	۰/۰۰۰
	۲۶	افول	۰/۰۸۰۲۶	۰/۰۲۷۰۱	۰/۰۹۷۷۶	۰/۲۶۰۴	۰/۰۳۱۵
	۵۲۰	کل	۰/۱۴	۰/۱۵	۰/۰۷	۰/۳۷	۰/۰۰۰۳

متغیرها	تعداد شرکت	مراحل عمر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین مقدار	کمترین مقدار
بیش اطمینانی مدیریت	۵۷	رشد	۰/۰۲۹	-۰/۰۰۹	۰/۱۸۱	۰/۵۵۳	-۰/۱۸۷
	۴۳۷	بلوغ	-۰/۰۰۲۵	-۰/۰۴۷	۰/۲۶۲	۱/۱۸۶	-۱/۲۰۴
	۲۶	افول	۰/۰۰۰۵۶۴	-۰/۰۴۳۱	۰/۲۶۳۳	۰/۹۸۴	-۰/۳۶۷
	۵۲۰	کل	-۰/۰۰۱	-۰/۰۴	۰/۲۴	۰/۹۷	-۰/۸۷
مالکیت نهادی	۵۷	رشد	۷۶/۷۸۷	۸۲/۵	۱۴/۹۹	۹۲/۴	۲۸/۷
	۴۳۷	بلوغ	۷۳/۵۶۱	۷۶/۶	۱۶/۸۷۶	۹۸/۷۱	۰/۰۰۰
	۲۶	افول	۶۶/۴۰۶	۷۰/۲	۲۰/۸۴۶۷	۱/۹۵	۰/۰۰۰
	۵۲۰	کل	۷۲/۹۴	۷۵/۹۹	۱۷/۳۸	۹۸/۷۱	۰/۰۰۰
استقلال هیئت‌مدیره	۵۷	رشد	۰/۵۴۱	۰/۶۳۳	۰/۲۸۹	۰/۸۵۷	۰/۰۰۰
	۴۳۷	بلوغ	۰/۵۰۷	۰/۵	۰/۲۶۹	۱	۰/۰۰۰
	۲۶	افول	۰/۴۶۶	۰/۵	۰/۲۵۸	۰/۸۳	۰/۰۰۰
	۵۲۰	کل	۰/۵۱	۰/۵۰	۰/۲۷	۰/۱۷	۰/۸۸
بازده دارایی	۵۷	رشد	۰/۲۵۲	۰/۲۴۱	۰/۱۴	۰/۴۹۱	۰/۰۲۱
	۴۳۷	بلوغ	۰/۱۳۸	۰/۱۲	۰/۱۳۹	۰/۶۲۷	-۰/۲۳۳
	۲۶	افول	۰/۰۱۲۲	۰/۰۱۷۸	۰/۰۹۰۳	۰/۲۳	-۰/۲۴
	۵۲۰	کل	۰/۱۳	۰/۱۱	۰/۱۴	۰/۶۳	-۰/۲۴
اهرم مالی	۵۷	رشد	۰/۳۶۳	۰/۳۸۵	۰/۲۴۳	۰/۷۷۷	۰/۰۱۳
	۴۳۷	بلوغ	۰/۵۶۳	۰/۲۳۹	۰/۲۰۸	۱/۶۱۳	۰/۰۰۰
	۲۶	افول	۰/۷۲۵	۰/۸۱	۰/۲۶۲	۱/۶۸	۰/۹
	۵۲۰	کل	۰/۵۷۳	۰/۵۷۵	۰/۲۳	۱/۶۸	۰/۰۱
اندازه شرکت	۵۷	رشد	۶/۵۴۹	۶/۲۰۸	۰/۸۴۷	۰/۷۷۷	۰/۰۱۳
	۴۳۷	بلوغ	۶/۱۹۷	۶/۰۴	۰/۶۸۸	۸/۳۰	۴/۷۹
	۲۶	افول	۶/۱۸۴	۶/۰۸	۰/۵۰۵	۷/۳۸	۵/۳۴
	۵۲۰	کل	۶/۲۱	۶/۰۵	۰/۶۸	۸/۳۰	۴/۷۹
وجه نقد	۵۷	رشد	۰/۰۳۹۶	۰/۰۱۵۴۴	۰/۰۵۱۸	۰/۱۹۰۸	۰/۰۰۰۳
	۴۳۷	بلوغ	۰/۰۳۹۳	۰/۰۲۶۰۹	۰/۰۴۳۱	۰/۳۶۷۱	۰/۰۰۰۶
	۲۶	افول	۰/۰۳۱۴	۰/۰۱۶۶	۰/۰۳۳۴	۰/۱۴۵۴	۰/۰۰۰۱
	۵۲۰	کل	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۳۷	۰/۰۰۰۱
فرصت رشد	۵۷	رشد	۳/۰۹۹	۲/۷۲۳	۱/۷۴۷۷	۷/۴۳۴	۰/۹۹۷۵
	۴۳۷	بلوغ	۲/۸۷۹۸	۲/۳۲۶۲	۶/۷۰۴	۱۱۶/۱۹	-۶/۰۰۵
	۲۶	افول	۶/۲۶۰۸	۲/۰۷۹	۲۳/۹۵۹	۱۷۹/۹۹۳	-۱۲/۷۹۷۷
	۵۲۰	کل	۳/۲۶	۲/۳۲	۱۰/۰۵	۱۷۹/۹۹	-۶/۰۰۶

ضریب همبستگی شدت رابطه و نیز نوع رابطه (مستقیم یا معکوس) را نشان می‌دهد. بنابراین ضریب همبستگی می‌تواند مثبت یا منفی باشد و همواره بین ۱ و منفی ۱ است. همبستگی بین متغیرهای پژوهش در نگاره (۳) ارائه گردیده است. نتایج مربوط به همبستگی نشان می‌دهد که همبستگی میان متغیرهای بیش‌اطمینانی مدیریت، مالکان نهادی، بازده دارایی، اندازه شرکت و وجه نقد با متغیر وابسته پژوهش مثبت و همبستگی میان متغیر استقلال هیئت‌مدیره، اهرم مالی و فرصت رشد با متغیر وابسته پژوهش منفی است.

نگاره (۳): نتایج آزمون همبستگی متغیرها

متغیر	اجتناب مالیاتی	بیش‌اطمینانی مدیریت	مالکان نهادی	استقلال هیئت‌مدیره	بازده دارایی	اهرم مالی	اندازه شرکت	وجه نقد	فرصت رشد
اجتناب مالیاتی	۱								
بیش‌اطمینانی مدیریت	۰/۱۳	۱							
مالکان نهادی	۰/۰۴	۰/۱۵	۱						
استقلال هیئت‌مدیره	-۰/۰۳	۰/۰۳	-۰/۰۳	۱					
بازده دارایی	۰/۰۷	۰/۱۸	۰/۱۱	۰/۱۲	۱				
اهرم مالی	-۰/۰۵	-۰/۰۰۵	۰/۰۹	-۰/۱۱	-۰/۶۳	۱			
اندازه شرکت	۰/۰۸	-۰/۱۶	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۹	۱		
وجه نقد	۰/۱۱	۰/۰۵	-۰/۰۴	-۰/۰۴	۰/۱۴	-۰/۱۰	-۰/۱۲	۱	
فرصت رشد	-۰/۰۴	-۰/۰۱	-۰/۰۲	۰/۰۴	-۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۰۰۵	۰/۰۳	۱

### نتایج آزمون فرضیه‌ها

داده‌های این پژوهش به صورت ترکیبی می‌باشد. در داده‌های ترکیبی ابتدا از آزمون F لیمر استفاده می‌شود تا تلفیقی یا تابلویی بودن داده‌ها مشخص شود. با توجه به نتایج به دست آمده از نرم افزار استتا که در نگاره (۴) ارائه شده است، مقدار احتمال برای F لیمر عدد ۰/۰۰۰

می‌باشد که این مقدار بیانگر رد فرضیه صفر (کارایی روش تلفیقی) بوده و حکایت از آن دارد که برای تخمین مدل پژوهش باید از روش داده‌های پنل استفاده شود. با توجه به پنلی بودن مدل، باید برای تعیین نوع داده‌ها پنلی (روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی) از آزمون هاسمن استفاده گردید. همانطور که در نگاره (۴) ملاحظه می‌شود، مقدار احتمال این آزمون عدد ۰/۰۰۰ است که این مقدار حاکی از استفاده از روش اثرات ثابت در مقابل روش اثرات تصادفی دارد.

#### نگاره (۴): نتایج آزمون‌های استفاده برای مدل پژوهش

نتیجه آزمون		احتمال	آماره آزمون	نوع آزمون
روش پنل	رد فرض صفر	۰/۰۰۰	۱۱/۵۸	لیمر F آزمون
روش اثرات ثابت	رد فرض صفر	۰/۰۰۱	۲۶/۲۶	آزمون هاسمن

یکی دیگر از پیش فرض‌های رگرسیون عدم وجود هم‌خطی در بین متغیرهای توضیحی می‌باشد. بدین منظور، نتایج آزمون VIF در نگاره (۵) ارائه گردیده است.

#### نگاره (۵): نتیجه آزمون VIF برای مدل پژوهش

نام متغیر	تولرانس	عامل تورم واریانس
بیش اطمینانی مدیریت	۰/۸۸	۱/۱۳
مالکان نهادی	۰/۹۱	۱/۰۹
استقلال هیئت مدیره	۰/۹۶	۱/۰۳
بازده دارایی	۰/۵۰	۱/۹۸
اهرم مالی	۰/۴۷	۲/۱۱
اندازه شرکت	۰/۳۷	۲/۶۶
وجه نقد	۰/۹۰	۱/۱۰
فرصت رشد	۰/۷۱	۱/۳۹

همانطور که در این نگاره ملاحظه می‌شود، مقدار این آماره برای کلیه متغیرهای توضیحی کمتر از ۵ می‌باشد که این موضوع حکایت از عدم وجود هم‌خطی شدید بین متغیرهای توضیحی دارد. در پژوهش حاضر از آزمون دوربین-واتسون جهت تشخیص خود همبستگی مدل استفاده شده است. در صورتی که مقدار این آماره بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، استقلال جمله

خطای مدل می‌تواند پذیرفته شود. علاوه بر این، از آزمون فیشر جهت آزمون معناداری کل مدل استفاده گردید. نتایج آزمون فرضیه اول، دوم و سوم پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

**نگاره (۶): نتایج تخمین مدل پژوهش برای فرضیه اول، دوم و سوم**

متغیر	ضریب متغیر	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	۰/۳۷۷	۰/۰۲۶۵	۱۴/۲۱۸	۰/۰۰۰
بیش‌اطمینانی مدیریت	۰/۰۱۳	۰/۰۰۳	۳/۷۹۶	۰/۰۰۰۲
مالکان نهادی	-۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۳۹	-۹/۶۶۳	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	-۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۹	-۰/۱۷۸	۰/۸۵
بازده دارایی‌ها	۰/۰۳۱	۰/۰۰۳	۸/۲۱۳	۰/۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۱۱	۰/۰۰۴	-۲/۶۳۸	۰/۰۰۸
اندازه شرکت	-۰/۰۳۸	۰/۰۰۴	-۸/۱۵۲	۰/۰۰۰
وجه نقد	-۰/۰۲۱	۰/۰۱۵	-۱/۴۲۳	۰/۱۵
فرصت رشد	-۰/۰۵۱	۰/۰۰۴۲	-۱/۲۶۹	۰/۲۰
ضریب تعیین تعدیل شده R <sup>۲</sup>	۰/۹۷	آماره F	F-Statistic	۲۲۱/۲۳
آماره دوربین-واتسون	۱/۹۸	سطح معناداری	Prob (F-Statistic)	۰/۰۰۰

برای بررسی اعتبار کلی مدل چند متغیره از آماره F استفاده شده است؛ آماره آن برابر ۲۲۱/۲۳ و احتمال آن کمتر از سطح خطای ۱ درصد می‌باشد، پس می‌توان گفت این مدل با احتمال ۹۹ درصد معنادار است. به عبارتی دیگر این مدل از اعتبار بالایی برخوردار است. همچنین با توجه ضریب به تعیین تعدیل شده بدست آمده بر پایه الگو که برابر ۹۷ درصد است، می‌توان ادعا کرد مجموع متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش ۹۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند، علاوه بر اینبا توجه به مقدار آماره دوربین-واتسون که برابر ۱/۹۸ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان باقیمانده‌های مدل وجود ندارد.

در فرضیه اول به بررسی رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و اجتناب از پرداخت مالیات پرداخته شده است. با توجه به نتایج بدست آمده در نگاره (۶) از تخمین مدل و ضریب بیش‌اطمینانی مدیریت (۰/۰۱۳) و سطح معناداری (۰/۰۰۰۲) می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بیش‌اطمینانی مدیریت رابطه مثبت و معناداری با اجتناب از پرداخت مالیات دارد، بنابراین فرضیه اول پژوهش مورد تأیید است. در رابطه با مالکیت نهادی، می‌توان بیان نمود که

سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) کمتر از سطح خطای ۵ درصد بوده و این مقدار نشان‌دهنده این موضوع است که متغیر مزبور از لحاظ آماری با متغیر اجتناب از پرداخت مالیات (متغیر وابسته) رابطه معناداری دارد. با توجه به علامت ضریب مذکور (۰/۰۰۰۳-) نیز چنین می‌توان استدلال نمود که این متغیر با اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معکوس دارد. بنابراین، شرکت‌هایی که سطح بالاتری از مالکیت نهادی را تجربه می‌کنند، اجتناب از پرداخت مالیات کمتری خواهند داشت و فرضیه دوم تأیید خواهد شد.

در رابطه با متغیرهای کنترلی می‌توان بیان نمود که از بین پنج متغیر (وجه نقد، اهرم مالی، فرصت رشد، بازده دارایی و اندازه شرکت) متغیرهای اهرم مالی، بازده دارایی و اندازه شرکت با متغیر اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معناداری دارند. همانطور که اشاره گردید، فرضیه سوم پژوهش به دنبال بررسی این موضوع است که بین استقلال هیئت‌مدیره و اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معناداری است یا خیر؟ با توجه به نتایج بدست آمده در نگاره (۶) از تخمین مدل و ضریب استقلال هیئت‌مدیره (۰/۰۰۱-) و سطح معناداری (۰/۸۵) می‌توان ادعا کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، استقلال هیئت‌مدیره رابطه معناداری با اجتناب از پرداخت مالیات ندارد، بنابراین فرضیه سوم پژوهش مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

#### نگاره (۷). نتایج تخمین مدل پژوهش برای فرضیه چهارم

متغیر	مرحله رشد		مرحله بلوغ		مرحله افول	
	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۱۲۲	۰/۷۴	۰/۱۴۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۳	۰/۱۳
بیش اطمینانی مدیریت	۰/۰۴۶	۰/۰۴	۰/۰۲۶	۰/۰۰۰	۰/۰۶۹	۰/۰۱
بازده دارایی‌ها	۰/۲۲۹	۰/۶۰	-۰/۰۵۸	۰/۲۵	-۰/۳۷۸	۰/۰۰
اهرم مالی	۰/۲۶۷	۰/۴۰	۰/۱۱۴	۰/۰۰۰	-۰/۰۵۰	۰/۱۹
اندازه شرکت	-۰/۰۲۱	۰/۸۱	-۰/۰۰۶	۰/۱۰	-۰/۰۲۹	۰/۰۰۰
وجه نقد	-۰/۲۸۵	۰/۵۴	-۰/۰۳۰	۰/۶۵	۰/۸۲۹	۰/۰۰۰
فرصت رشد	۰/۰۲۰	۰/۲۳	۰/۰۰۲۴۲	۰/۳۳	۰/۰۰۱	۰/۰۴
آماره F	۳/۵۰		۳/۹۲		۴/۶۶	
سطح معناداری	۰/۰۴		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	
ضریب تعیین تعدیل شده R <sup>۲</sup>	۰/۸۰		۰/۵۴		۰/۹۰	
آماره دورین-واتسون	۱/۶۰		۱/۹۸		۲/۳۱	
آماره پترونوستر	مرحله رشد و بلوغ: ۱/۷۵۵		مرحله رشد و افول: ۲/۰۱۹		مرحله بلوغ و افول: ۱/۳۴۲	

فرضیه چهارم پژوهش بیان می‌کند بین بیش‌اطمینانی مدیریت و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر شرکت ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش در نگاره (۷) آورده شده است. نتایج نگاره (۷) نشان می‌دهد که بین بیش‌اطمینانی مدیریت و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، بدین معنا که بین بیش‌اطمینانی مدیریت و اجتناب از مالیات شرکت‌های حاضر در مرحله رشد، بلوغ و افول ارتباط مثبت برقرار می‌باشد. به منظور بررسی میزان تأثیر مراحل چرخه عمر بر این رابطه از آزمون پترونوستر استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین ضرایب بیش‌اطمینانی مدیریت و اجتناب از مالیات در مراحل رشد و افول تفاوت معناداری (۲/۰۱۹) وجود دارد و می‌توان بیان نمود که چرخه عمر بر رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیریت و اجتناب از مالیات تأثیر گذار است و شدت این رابطه بین مراحل رشد و افول متفاوت از هم می‌باشد و در نتیجه فرضیه چهارم تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که به ترتیب ۸۰، ۵۴ و ۹۰ درصد از تغییرات اجتناب از پرداخت مالیات توسط متغیرهای مستقل و کنترلی طبق نگاره (۷) قابل تبیین است. سطح معناداری F کوچکتر از ۵ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد کل مدل معنادار است. آماره دورین-واتسون بیانگر عدم وجود خودهمبستگی بین جملات خطا در معادلات رگرسیون است.

#### نگاره (۸): نتایج تخمین مدل پژوهش برای فرضیه پنجم

متغیر	مرحله رشد		مرحله بلوغ		مرحله افول	
	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۳۱۳	۰/۰۴۸	۰/۱۹۰	۰/۰۰۶	۰/۱۳۱	۰/۴۴۰
مالکان نهادی	-۰/۰۰۱۶	۰/۰۳۵	-۰/۰۰۰۳	۰/۰۲۱	-۰/۰۰۰۲	۰/۰۳۷
بازده دارایی‌ها	۰/۱۱۲	۰/۰۲۲	۰/۱۲۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹	۰/۸۳۶
اهرم مالی	۰/۰۲۸	۰/۶۴۶	-۰/۰۴۴	۰/۰۲۵	۰/۰۶۷	۰/۲۶۶
اندازه شرکت	-۰/۰۲۴	۰/۰۷۰	-۰/۰۱۱	۰/۰۶۳	-۰/۰۱۱	۰/۰۱۹
وجه نقد	۰/۸۱۶	۰/۰۰۴	۰/۰۴۷	۰/۳۷۲	-۰/۰۰۱	۰/۹۹۳
فرصت رشد	۰/۰۵۸	۰/۰۰۱	۰/۰۲۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۴۳۵
آماره F	۱۰/۲۵۶		۸/۴۰۷		۴/۲۹۴	
سطح معناداری	۰/۰۴		۰/۰۰۰		۰/۰۰۶	
ضریب تعیین تعدیل شده R <sup>۲</sup>	۰/۶۹۴		۰/۵۰۲		۰/۷۳۲	
آماره دورین-واتسون	۱/۷۷۸		۱/۹۳۴		۱/۸۰۲	
آماره پترونوستر	مرحله رشد و بلوغ: ۲/۰۰۱		مرحله رشد و افول: ۰/۷۵۶		مرحله بلوغ و افول: ۱/۰۴۵	



فرضیه پنجم پژوهش بیان می‌کند بین مالکیت نهادی و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر شرکت ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج آزمون فرضیه پنجم پژوهش در نگاره (۸) آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین مالکیت نهادی و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر ارتباط منفی و معناداری وجود دارد، بدین معنا که بین مالکیت نهادی و اجتناب از مالیات شرکت‌های حاضر در مرحله رشد، بلوغ و افول ارتباط مثبت برقرار می‌باشد. به منظور بررسی میزان تأثیر مراحل چرخه عمر بر این رابطه از آزمون پترونوستر استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین ضرایب مالکیت نهادی و اجتناب از مالیات در مراحل رشد و افول تفاوت معناداری (۰/۷۵۶) وجود دارد و می‌توان بیان نمود که چرخه عمر بر رابطه بین مالکیت نهادی و اجتناب از مالیات تأثیر گذار است و شدت این رابطه بین مراحل رشد و افول متفاوت از هم می‌باشد و در نتیجه فرضیه پنجم تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که به ترتیب ۶۹، ۵۰ و ۷۳ درصد از تغییرات اجتناب از پرداخت مالیات توسط متغیرهای مستقل و کنترلی طبق نگاره (۸) قابل تبیین است. سطح معناداری F کوچکتر از ۵ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد کل مدل معنادار است. آماره دورین-واتسون بیانگر عدم وجود خودهمبستگی بین جملات خطا در معادلات رگرسیون است.

#### نگاره (۹): نتایج تخمین مدل پژوهش برای فرضیه ششم

متغیر	مرحله رشد		مرحله بلوغ		مرحله افول	
	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۳۰۴	۰/۰۵۷	۰/۲۱۴	۰/۰۰۲	۰/۱۴۴	۰/۳۶۹
استقلال هیئت‌مدیره	-۰/۰۱۵	۰/۸۶	۰/۰۰۵	۰/۴۴	۰/۰۳۶	۰/۱۶
بازده دارایی‌ها	۰/۱۲۵	۰/۰۰۴	۰/۱۲۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۸۶۷
اهرم مالی	-۰/۰۲۶	۰/۶۵۸	-۰/۰۵۱	۰/۰۰۹	۰/۰۷۰	۰/۲۴۰
اندازه شرکت	-۰/۰۲۴	۰/۰۶۵	-۰/۰۱۲	۰/۰۳۲	-۰/۰۱۲	۰/۳۵۰
وجه نقد	۰/۸۲۳	۰/۰۰۲	۰/۰۵۹	۰/۲۶۵	۰/۰۰۷	۰/۹۵۸
فرصت رشد	۰/۰۶۳	۰/۰۰۱	۰/۰۲۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۴۳۹
آماره F	۱۲/۶۹۲		۹/۷۱۲		۴/۰۰۳	
سطح معناداری	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۳	
ضریب تعیین تعدیل شده R <sup>۲</sup>	۰/۴۵۸		۰/۶۲۴		۰/۴۰۲	
آماره دورین-واتسون	۱/۸۶۹		۱/۸۱۳		۱/۷۸۰	
آماره پترونوستر	مرحله رشد و بلوغ: ۱/۵۷۲		مرحله رشد و افول: ۱/۲۸۷		مرحله بلوغ و افول: ۱/۴۳۴	

فرضیه ششم پژوهش بیان می‌کند بین استقلال هیئت‌مدیره و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر شرکت ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج آزمون فرضیه ششم پژوهش در نگاره (۹) آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد با توجه به سطح معناداری بالای ۵ درصد، بین استقلال هیئت‌مدیره و اجتناب از مالیات در مراحل چرخه عمر ارتباط معناداری وجود ندارد. همچنین به منظور بررسی میزان تأثیر مراحل چرخه عمر بر این رابطه از آزمون پترونوستر استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین ضرایب استقلال هیئت‌مدیره و اجتناب از مالیات در مراحل رشد و افول تفاوت معناداری وجود ندارد که بیانگر فرضیه ششم می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که به ترتیب ۴۵، ۶۲ و ۴۰ درصد از تغییرات اجتناب از پرداخت مالیات توسط متغیرهای مستقل و کنترلی طبق نگاره (۹) قابل تبیین است. سطح معناداری F کوچکتر از ۵ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد کل مدل معنادار است. آماره دوربین-واتسون بیانگر عدم وجود خودهمبستگی بین جملات خطا در معادلات رگرسیون است.

### نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین برخی مکانیزم‌های نظام راهبری و بیش‌اطمینانی مدیریت بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این راستا ۱۰۴ شرکت با روش نمونه‌گیری حذفی برای دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۰ انتخاب گردید. شرکت‌های مورد بررسی ابتدا با الگوی روش‌شناسی پارک و چن (۲۰۰۶) به مراحل رشد، بلوغ و افول تقسیم گردیدند و سپس آزمون فرضیه‌های پژوهش برای هر مرحله به صورت مجزا صورت پذیرفت. نتایج فرضیه اول نشان داد بیش‌اطمینانی مدیریت رابطه مثبت و معناداری با اجتناب از پرداخت مالیات دارد و سبب کاهش هزینه مالیات می‌شود. به بیان دیگر، از آنجا که مدیران بیش‌اطمینان بازده ناشی از سرمایه‌گذاری را در طرح‌های مالیاتی بیش از حد تخمین می‌زنند (هزینه‌های تحمیل شده طرح‌های سرمایه‌گذاری را کمتر از حد تخمین می‌زنند)، در طرح‌های مالیاتی سرمایه‌گذاری می‌کنند و از این طریق به صرفه‌جویی در هزینه مالیاتی می‌پردازند. این موضوع با یافته‌های چایز و همکاران (۲۰۱۴) همخوانی دارد. نتایج فرضیه دوم نشان داد با مالکیت نهادی با اجتناب از پرداخت مالیات رابطه معکوس دارد، بدین معنا شرکت‌هایی که سطح بالاتری از مالکیت

نهادی را تجربه می‌کنند، اجتناب از پرداخت مالیات کمتری خواهند داشت. بنابراین می‌توان گفت سرمایه‌گذاران نهادی، با نظارت کارآمد خود محرک‌هایی برای بهبود عملکرد دارند و توان تنبیه مدیرانی که در جهت منافعشان حرکت نمی‌کنند را نیز دارا می‌باشند، همچنین مالکیت نهادی بر پوشش مالیاتی تأثیر دارد. پس با افزایش این شاخص از اجتناب از پرداخت مالیات کاسته خواهد شد. این موضوع با یافته‌های ریچاردسون و همکاران (۲۰۱۴)، عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی و مخالف پژوهش با درستچر و همکاران (۲۰۱۳)، مشایخی و همکاران (۱۳۹۴) و باباجانی و همکاران (۱۳۸۹) می‌باشد. فرضیه سوم پژوهش حاکی از این است که استقلال هیئت‌مدیره رابطه معناداری با اجتناب از پرداخت مالیات ندارد، بنابراین به نظر می‌رسد افزایش تعداد مدیران غیرموظف در ترکیب هیئت‌مدیره، برخلاف انتظار زمینه‌های کاهش ریسک و افزایش منافع ذینفعان را فراهم نمی‌آورد. عدم تخصص و دانش کافی مدیران غیرموظف، عدم اعتقاد به شایسته‌سالاری باعث گردید که نقش مدیران غیرموظف در اداره امور شرکت و نظارت بر مدیران موظف در شرکت‌های ایرانی فقط در حد یک نام باقی مانده است و یا این که عضویت همزمان اعضای غیرموظف در هیئت‌مدیره چند شرکت، ممکن است باعث کاهش اثربخشی آن‌ها شود. این موضوع با یافته‌های مشایخی و همکاران (۱۳۹۴)، باباجانی و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی و مخالف پژوهش ریچاردسون و همکاران (۲۰۱۴) است. نتایج فرضیه چهارم نشان داد که مراحل چرخه عمر بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیریت و اجتناب از مالیات تأثیر دارد و میزان این رابطه در مراحل چرخه عمر متفاوت است. در این رابطه می‌توان این گونه نتیجه گرفت که با توجه به این که مدیران بیش اطمینان در نتیجه این باور که آن‌ها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند و دیگران از آن بی‌بهره‌اند، دقت اطلاعات و به تبع آن، سود و جریان نقدی واحد تجاری خود را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آتی شرکت دارند، بنابراین اجتناب از پرداخت مالیات با هدف کاهش هزینه‌ها توسط این افراد امری بدیهی و قابل پیش‌بینی است. نتایج فرضیه پنجم نشان داد که مراحل چرخه عمر بر رابطه بین مالکیت نهادی و اجتناب از مالیات تأثیر دارد و میزان این رابطه در مراحل چرخه عمر متفاوت است. این نتایج ناشی از این موضوع است که شرکت‌های در مرحله بلوغ و افول، در مقایسه با شرکت‌های که در مرحله رشد، بیشتر در معرض رسیدگی و بررسی عموم و دولت هستند. این شرکت‌ها، بخش عظیمی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه را به عهده دارند و در اداره امور خود از امکانات مالی و انسانی بسیار گسترده‌ای استفاده می‌کنند

که ناگزیر آن‌ها را با دولت، بانک‌ها، سرمایه‌گذاران، فروشنده‌گان مواد اولیه، مشتریان و سایر گروه‌ها در ارتباط مستقیم قرار می‌دهد. این امر موجب تشدید تمایل گروه‌های مزبور به دریافت اطلاعاتی در مورد وضعیت و عملکرد جاری و آتی این شرکت‌ها در مقایسه با سایر شرکت‌ها می‌گردد. در نهایت نتایج فرضیه ششم نشان داد که مراحل چرخه عمر بر رابطه بین استقلال هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی تأثیر ندارد، به این دلیل که بین سطح معناداری و ضرایب رگرسیونی متغیر استقلال هیئت‌مدیره در مراحل چرخه عمر تفاوت معناداری وجود ندارد. در مطابق دیدگاه آنتونی و رامش (۱۹۹۲) شرکت‌ها زمانی که از مرحله رشد وارد مراحل بلوغ و افول می‌شوند با عدم تقارن اطلاعاتی و تضادهای نمایندگی بالایی روبرو می‌شوند، بنابراین، مطابق شواهد بدست آمده به نظر می‌رسد مکانیزم ترکیب اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌ها به دلیل عدم نظارت بر اعضای موظف، نتوانند تضاد منافع به وجود آمده را بویژه در مراحل بلوغ و افول کاهش داده و در نتیجه باعث کاهش اجتناب از پرداخت مالیات نمی‌شوند.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها پیشنهادهای زیر را می‌توان ارائه نمود:

بر اساس نتایج پژوهش به قانون‌گذاران و صاحبان سهام شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود به منظور کاهش احتمال انحراف در گزارشگری مالی شرکت‌ها، به ویژگی‌های مدیران و میزان پایبندی آن‌ها در اجرای استانداردها و اصول حسابداری توجه کنند. در این راستا بهبود سازوکار حاکمیت شرکتی می‌تواند تأثیرگذار باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به نقش نظارتی که اعضای غیرموظف می‌توانند داشته باشند، در انتخاب آنان و داشتن تخصص کافی این اعضا توجه بیشتری داشته باشند تا به جای ادای وظیفه نظارتی، بی‌تأثیر در تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد واحد تجاری نباشند. شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار تهران گزارش‌ها و اطلاعات لازم در خصوص مراحل چرخه عمر سازمانی شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران را جهت کمک به تصمیم‌گیری تحلیل‌گران، سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان منتشر نماید.

همچنین سازمان‌های قانون‌گذار (چون سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و سازمان حسابرسی) برای پیش‌گیری از مخاطرات ناشی از خودشیفتگی مدیران و کمک به سرمایه‌گذاران برای گرفتن تصمیم‌گیری بهینه، می‌توانند با انتشار دستورالعمل‌های مرتبط، شرکت‌های پذیرفته شده را ملزم به ارائه صورت عملکرد مالی میان‌دوره‌ای کنند.

رابطه چرخه عمر شرکت در معاملات با اشخاص وابسته و راهبردهای مدیریتی بر اجتناب از پرداخت مالیات مورد بررسی قرار گیرد.

انجام پژوهش حاضر به تفکیک صنایع موجود در بورس اوراق بهادار تهران به منظور کنترل تأثیر صنعت و همچنین آثار تعدیلی متغیرهای دیگر مانند جنسیت، تجربه و تحصیلات مدیران را بر رابطه فوق،

از آنجایی که متغیر بیش اطمینانی مدیریت به ویژگی‌های شخصیتی افراد بستگی دارد، لازم است دوره زمانی مورد بررسی در حد امکان کوتاه باشد. در این صورت جابه‌جایی اعضای هیئت‌مدیره و مدیران سازمان، نتایج بهتر و قابل اتکاتری به دست می‌دهد. یکی از مشکلات دوره زمانی کوتاه‌تر، کاهش تعداد مشاهدات (سال-شرکت) است،

تغییر در مخارج سرمایه‌ایی به دلیل انجام طرح‌های توسعه واحدهای تجاری در مراحل مختلف چرخه عمر، می‌تواند باعث متفاوت شدن نتایج گردد و صنایع مختلف دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند که باید به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرند،

عدم کنترل بعضی از عوامل مؤثر بر نتایج پژوهش از جمله تأثیر متغیرهایی چون عوامل اقتصادی، شرایط سیاسی، عمر شرکت‌ها، قوانین و مقررات و نوع صنعت و... خارج از دسترس پژوهشگر بوده، ممکن است بر بررسی روابط اثرگذار باشد. همچنین به واسطه غیربورسی بودن شرکت‌های در مرحله ظهور، از کاربرد این دسته از شرکت‌ها در ارزیابی چرخه عمر چشم پوشی شده است، لذا پژوهشگران در کاربرد نتایج این پژوهش به اثرات محدودیت‌های مذکور توجه کافی نموده و احتیاط لازم را نمایند.

## منابع

- باباجانی، جعفر؛ عبدی، مجید. (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲ (۳)، ۸۶-۶۵.
- پورحیدری، امید؛ فدوی، محمدحسن؛ امینی‌نیا، میثم. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۴ (۵۲)، ۸۵-۶۹.
- حبیب‌زاده زرنندی، محمد. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات و ترکیب هیئت‌مدیره بر سیاست بدهی شرکت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باهنر کرمان.
- حسنی، محسن. (۱۳۹۶). شناخت تأثیر نسبت استقلال هیئت‌مدیره بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش حسابداری، ۷ (۲)، ۱۹-۱.
- خدای پور، احمد؛ امینی‌نیا، میثم. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تأثیر مالکیت نهادی بر این رابطه. پژوهشنامه مالیات، ۲۱ (۱۹)، ۱۵۶-۱۳۵.
- دهدار، فرهاد. (۱۳۸۶). طراحی و تبیین الگوهای برتر ارزش‌گذاری مبتنی بر عایدات حسابداری و جریان وجوه نقد در فرآیند چرخه عمر شرکت. رساله دکتری حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس.
- سرلک، نرگس؛ فرجی، امید؛ بیات، فاطمه. (۱۳۹۴). رابطه بین ویژگی‌های مالی شرکت و ساختار سرمایه در مراحل چرخه عمر شرکت. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۷ (۲۷)، ۲۱-۱.
- سعیدی، پرویز؛ کلامی، عبدالحکیم. (۱۳۸۸). تأثیر تغییر قانون مالیات بر درآمد شرکت‌ها بر سرمایه‌گذاری شرکت‌های تولیدی. پژوهشنامه مالیات، ۱۶ (۳)، ۱۹۸-۱۶۹.
- فخاری، حسین؛ طاهری، عصمت‌السادات. (۱۳۸۹). بررسی رابطه سرمایه‌گذاران نهادی و نوسان‌پذیری بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲ (۴)، ۱۷۲-۱۵۹.
- فروغی، داریوش؛ نخبه‌فلاح، زهرا. (۱۳۹۳). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۶ (۱)، ۴۴-۲۷.
- عباس‌زاده، محمدرضا؛ فدائی، مرتضی؛ مفتونیان، محسن؛ بابایی کلاریجانی، مانده. (۱۳۹۵). بررسی ارتباط شفافیت مالی و اجتناب مالیاتی با توجه به مالکیت نهادی شرکت‌ها (مطالعه موردی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران). اقتصاد مالی، ۱۰ (۳۵)، ۷۴-۴۵.

- عربصالحی، مهدی؛ هاشمی، مجید. (۱۳۹۴). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۲ (۱)، ۸۵-۱۰۴.
- مرادی، محمد؛ محقق، فاطمه. (۱۳۹۶). رقابت بازار محصول و حق‌الزحمه حسابرسی: با تأکید بر نقش حاکمیت شرکتی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۷ (۲۶)، ۳۳-۵۲.
- مشایخی، بیتا؛ سیدی، سیدجلال. (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی. *دانش حسابداری*، ۶ (۲۰)، ۸۳-۱۰۳.
- مهرانی، ساسان؛ طاهری، منصور. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر بیش‌اطمینانی مدیریتی بر خطای پیش‌بینی سود. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۷ (۲۶)، ۱۴۷-۱۶۳.
- نصیرزاده، فرزانه؛ عباس زاده، محمدرضا؛ ذوالفقار آرانی، محمدحسین. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر خوش‌بینی مدیران و عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از آن بر ریسک سقوط قیمت سهام. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۹ (۳۴)، ۳۵-۷۰.
- Abbaszadeh, M. R. , Fadaei, M. , Maftounian, M & Babaei Kelarijani, M. (2016). An Investigation of Financial Transparency and Tax Avoidance based on Institutional Ownership (The Case Tehran Stoch Exchange Compznies). *Financial Economics and Development*, 10 (35) , 45-74. (In Persian)
- Abdi, M. , Babajani, J. (2010). Relationship between Corporate Governance and Enterprises Taxable Profit. *Financial Accounting Researches*, 2 (3) , 65-86. (In Persian)
- Ahmed, A. , Duellamann S. (2013). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51 (1) , 1-30.
- Anthony, J. H. , K. Ramesh. (1992). Association between Accounting Performance Measures and Stock Prices: A Test of 18 the Life-Cycle Hypothesis. *Journal of Accounting and Economics*, 15 (2-3) , 203-227.
- Arabsalehi, M. , Hashemi, M. (2015). The Effect of Managerial Overconfidence on Tax Avoidance. *Journal of the Accounting and Auditing Review*, 22 (1) , 85-104. (In Persian)
- Atwood, T. , Drake, M. S. , & Myers, L. A. (2010). Book-tax Conformity, Earnings Persistence and the Association between Earnings and Future Cash flows. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (1) , 111-125.
- Badertscher, B. A. , Katz, S. P. , & Rego, S. O. (2013). The Separation of Ownership and Control and Corporate Tax Avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 56 (2-3) , 228-250.
- Ben-David, I. , Graham, J. R. & Harvey, C. R. (2010). Managerial miscalibration. *Working paper*, Duke University.

- Biddle, G. , Hilary, G. & Verdi, R. (2009). How Does Financial Reporting Quality Relate to Investment Efficiency? *Journal of Accounting and Economics*, 48 (2-3) , 112–131.
- Bird, R. M. (1992). Tax Policy and Economic Development: Johns Hopkins University Press.
- Bushee, B. (1998). The Influence of Institutional Investors on Myopic R&D Investment Behavior. *The Accounting Review*, 7 (3) , 305-333.
- Chen, S. , Chen, X. , Cheng, Q. & Shevlin, T. (2010). Are Family Firms more Tax Aggressive than Non-Family Firms? *Journal of Financial Economics*, 91 (1) , 41-61.
- Chen, F. , Hope, O. K. , Li, Q. & Wang, X. (2011). Financial Reporting Quality and Investment Efficiency of Private Firms in Emerging Markets. *The Accounting Review*, 86 (4) , 1255–1288.
- Chyz, J. , Gaertner, F. , Kausar, A & Watson, L. (2014). Overconfidence and Aggressive Corporate Tax Policy. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2408236>.
- Crabtree, A. D. , Kubick, T. R. (2012). Corporate Tax Avoidance and the Timeliness of Annual earnings announcements. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 42 (1) , 51-67.
- Dehdar, F. (2007). Designing and Explaining Precious Patterns of Valuation Based on Accounting Income and Cash Flow in the Company Life Cycle Process. *Phd of Accounting*, Tarbiat Modarres University. (In Persian)
- Desai, H. , Hogan, C. E. , & Wilkins, M. S. (2006). The Reputational Penalty for Aggressive Accounting: Earnings Restatements and Management Turnover. *The Accounting Review*, 81 (1) , 83-112.
- Desai, Mihir. , Dhammika Dharmapala. (2006). Corporate Tax Avoidance and highpowered Incentives. *Journal of Financial Economics*, 79 (1) , 145-179.
- Desai, M. , Dyck, A. , & Zingales, L. (2007). Theft and Taxes. *Journal of Financial Economics*, 84 (3) , 591-623.
- Desai, M. , Dharmapala, D. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value. *Review of Economics and Statistics*, 91 (3) , 537-546.
- Dowling, G. R. (2014). The Curious Case of Corporate Tax Avoidance: Is it Socially Irresponsible?. *Journal of Business Ethics*, 124 (1) , 173-184.
- Duellman, S. , Hurwitz, H. & Sun, Y. (2015). Managerial Overconfidence and Audit Fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11 (2) , 148-165.
- Dyreg, S. D. , Hanlon, M. , & Maydew, E. L. (2009). The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance. *Working Paper*.
- Fakhari, H. , Taheri, E. (2011). The Study of Relationship between Institutional Investors and Stock Returns Volatility. *Financial Accounting Researches*, 2 (4) , 159-172. (In Persian)



- Foroghi, D. , Nokhbe Fallah, Z. (2014). The Effect of Managerial Overconfidence on Conditional and Unconditional Conservatism. *Financial Accounting Researches*, 6 (1) , 27-44. (In Persian)
- Gomariz, M. F. C. , Ballesta, J. P. C. (2014). Financial Reporting Quality, Debt Maturity and Investment Efficiency. *Journal of Banking & Finance*, 40 (3) , 494-506.
- Guenther, D. A. , Matsunaga, S. R. , & Williams, B. M. (2014). Tax Avoidance, Tax Risk and Firm Risk. Available at <http://ssrn.com/abstract=2153187>
- Habibzadeh Zarandi, M. (2014). Investigating the Impact of Avoidance of Taxes and the Combination of the Board on Company Debt Consolidation Policy. Master's Thesis, Bahonar University of Kerman. (In Persian)
- Hambrick, D. , Mason, P. (1984). Upper Echelons: the Organization as a Reflection of its Top Managers. *Academy of Management Review*, 9 (2) , 193-206.
- Hanlon, M. , S. Heitzman. (2010). A Review of Tax Research. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2-3) , 127-178.
- Hassani, M. (2017). Identifying Effect of Independence of the Board of Directors on Earnings Quality among the Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Research*, 7 (2) , 1-20. (In Persian)
- Heaton, J. (2002). Managerial Optimism and Corporate Finance. *Financial Management*, 31 (2) , 33-45.
- Kanagaretnam, K. , Lee, J. , Lim, C. Y. , & Lobo, G. J. (2013). Societal Trust and Corporate Tax Avoidance. WWW. SSRN. COM.
- Kim, J. , Li, Y. , & Zhang, L. (2010). Corporate Tax Avoidance and Stock Price CrashRisk: Firm-Level Analysis. *Journal of Financial Economics*, 100 (3) , 639-662.
- Khodamipour, A. , Amininia, Meisan. (2013). an Investigation into the Relationship between Tax Avoidance and Cost of Debt and the Effect of Institutional Ownership on this Relationship. *Journal of Tax Research*, 21 (19) , 135-155. (In Persian)
- Malmendier, U. , Tate, G. (2005). CEO Overconfidence and Corporate Investment. *Journal of Finance*, 60 (6) , 661-700.
- Mashayekhi, B. , Seyyedi, S. J. (2015). Corporate Governance and Tax Avoidance. *Journal of Accounting Knowledge*, 6 (20) , 83-103. (In Persian)
- Merani, S. , Taheri, Mansour. (2017). Managerial Overconfidence and Earning Forecast Errors. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 7 (26) , 147-164. (In Persian)

- Minnick, K. , Noga, T. (2010). Do Corporate Governance Characteristics Influence Tax Management. *Journal of Corporate Finance*, 16 (5) , 703-718.
- Mirabdollahi, F. , Rahimian, N & Rezaei, F. (2014). Relationship Between Ownership Structure And Financial Performance Listed in Tehran Securities Exchange. *Journal of Financial Management Strategy*, 1 (3) , 65-88. (In Persian)
- Moradi, M. , mohaghegh f. (2017). Corporate Governance and the Relation between Product Market Competition and Audit Fees. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 7 (26) , 33-52. (In Persian)
- Nasirzadeh, F. , Abbaszadeh, M. R & ZolfagharArani, M. R. (2017). Examining the Impact of Overconfidence of Managers and Resulting Information Asymmetry on Risk of Stock Prices. *Quarterly Financial Accounting*, 9 (34) , 35-70. (In Persian)
- Park, Y. , Chen, K. (2006). The Effect of Accounting Conservatism and Lifecycle Stages on Firm Valuation. *Journal of Applied Business Research*, 22 (3) , 75-92.
- Pour-heidari, O. , Fadavi, M. H & Amini-nia, M. (2014). An Investigation on the Effect of Tax Avoidance on the Transparency of Financial Reporting Firms Listed in Tehran Stock Exchange. *Economics Research*, 14 (52) , 69-85. (In Persian)
- Rego, S. , Wilson. R. (2012). Equity Risk Incentives and Corporate Tax Aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50 (3) , 775-809.
- Richardson, G. , Lanis, R. , & Leung, S. C. M. (2014). Corporate Tax Aggressiveness, Outside Directors, and Debt Policy: An Empirical Analysis. *Journal of Corporate Finance*, 25, 107-121.
- Saidi, P. , Kalami, Abdolhakim. (2009). the Impact of the Change of Corporate Income Tax. *Journal of Tax Research*, 16 (3) , 169-198. (In Persian)
- Sarlak, N. , Faraji, O & Bayat, F. (2015). The Relationship between the Company's Financial Characteristics and Capital Structure in the Company's Life Cycle. *The Financial Accounting and Auditing Researches*, (7) 27, 1-21. (In Persian)
- Scherand, C. M., Zechman, S. L. (2012). Executive Overconfidence and the Slippery Slope to Financial Misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53 (1-2) , 311–329.
- Slemrod, J. (2004). The Economics of Corporate Tax Selfishness. *National Bureau of Economic Research*, 57 (4) , 877-899.
- Shleifer, A. , Vishny, R. (1986). Large Shareholders and Corporate Control. *Journal of Political Economy*, 94 (3) , 88-142.
- Skala, D. (2008). Overconfidence in Psychology and Finance an Interdisciplinary. *Literature Review*, Bank i Kredyt, 4, 33-50.

- Thanatawee, Y. (2011). Life-Cycle Theory and Freecash Flow Hypothesis: Evidence from Dividend Policyin Thailand. *International Journal of Financial Research*, 2 (2) , 52-60.
- Utami, S. and Inanga, E. (2012). The Relationship between Capital Structure and the Life-Cycle of Firms in the Manufacturing Sector of Indonesia. *International Research Journal of Finance and Economics*, 88, 69-91.
- Wan, F. , Huang, D. , Lan, Q. , &Yang, X. (2007). Numerical Simulation for Influence of Overconfidence and Regret Aversion on Return Distribution. *System Engineering Theory & Practice*, 27 (7) , 10-18.
- Wang, Xiaohang. (Tina). 2010. Tax Avoidance, Corporate Transparency, and Firm Value. *Working Paper*, University of Nottingham.
- Xu, Bixia. (2007). Life Cycle Effect on the Value Relevance of Common Risk Factor. *Review of Accounting and Finance*, 6 (2) , 162-175.



## مدل سازی نقش تعدیلی محیط اطلاعاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی

مهدی صفری گرایلی\*، یاسر رضائی پیتته نوئی\*\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۰۳

مقاله پژوهشی

### چکیده

قابلیت مقایسه حسابداری، مقامات مالیاتی را قادر می‌سازد که درک بهتری از فعالیت‌های شرکت داشته باشند و روند شناسایی فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را از سوی آن‌ها بهبود می‌بخشد. بنابراین قابلیت مقایسه حسابداری نقش مهمی را در کاهش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی مدیران با محدود کردن توانایی و انگیزه‌های آن‌ها ایفا می‌کند. لذا بر پایه این استدلال، پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری به بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری با اجتناب مالیاتی شرکت و همچنین مطالعه اثر تعدیل‌کنندگی (جایگزینی یا مکمل) محیط اطلاعاتی بر رابطه بین آن‌ها می‌پردازد. این پژوهش از نوع پژوهش‌های کمی و از لحاظ روش اجرا در زمره همبستگی و بر اساس هدف، از نوع کاربردی است. نمونه آماری پژوهش شامل ۸۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. در این پژوهش برای سنجش قابلیت مقایسه حسابداری از سه معیار مختلف طبق مدل دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) و همچنین از دو معیار تفاوت دفتری مالیات و نرخ موثر مالیاتی برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی استفاده گردید. برای تحلیل داده‌ها نیز، از نرم‌افزار اسمارت پی ال اس و از روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. پس از اطمینان یافتن از برازش قابل قبول مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش، نتایج پژوهش حاکی از آن است که قابلیت مقایسه حسابداری موجب کاهش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت می‌شود. علاوه بر این مطابق با پیش‌بینی نظریه جایگزینی، نتایج نشان می‌دهد که محیط اطلاعاتی رابطه منفی بین قابلیت مقایسه و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تضعیف می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** قابلیت مقایسه حسابداری، اجتناب مالیاتی، محیط اطلاعاتی.

**طبقه‌بندی موضوعی:** G14، N20، H25.

DOI: 10.22051/JERA.2018.20829.2065

\*دانشیار گروه حسابداری، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران، (نویسنده مسئول)، (Mehdi.safari83@yahoo.com).

\*\*استادیار حسابداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، (rezaei.yasser@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

### مقدمه

قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی است که استفاده کنندگان را قادر می‌سازد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین اقلام صورت‌های مالی را بررسی نمایند (هیئت استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۱۰). هیئت تدوین‌کننده استانداردهای مالی نیز همواره تأکید بسیاری بر اهمیت قابلیت مقایسه داشته‌اند. به اعتقاد این هیئت، قابلیت مقایسه یکی از چهار ویژگی کیفی اطلاعات مالی محسوب می‌شود، که بیانگر اهمیت بالای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی می‌باشد (ساک و ژائو، ۲۰۱۷). علاوه بر این، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی موجب می‌شود که هنگام مقایسه و تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی شرکت‌ها، نیاز به انجام تعدیلات در اطلاعات کاهش یافته و استفاده‌کنندگان برون سازمانی میزان بیشتری از اطلاعات را با سهولت بیشتر و هزینه کمتر به دست آورند (کیا و صفری گرایلی، ۱۳۹۶). پژوهش‌های اخیر نیز شواهد مختلفی مبنی بر کاربرد قابلیت مقایسه ارائه کرده‌اند و معتقدند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث بهبود محیط اطلاعاتی شرکت و افزایش کمیت و کیفیت اطلاعات مالی آن می‌شود، که این مهم تأثیر بسزایی بر قضاوت سرمایه‌گذاران پیرامون ارزش شرکت و نحوه سیاست‌گذاری مدیران شرکت خواهد داشت (دی‌فرانکو و همکاران، ۲۰۱۱؛ چن و همکاران، ۲۰۱۶؛ کیم و همکاران، ۲۰۱۶).

از سوی دیگر، اجتناب مالیاتی همواره به عنوان یک استراتژی مهم برای شرکت محسوب شده که مورد توجه بسیاری از محققین قرار گرفته است (چن و همکاران، ۲۰۱۴). اجتناب مالیاتی علی‌رغم انتقال ثروت از دولت به شرکت‌ها و افزایش ارزش شرکت، هزینه‌هایی نظیر از دست دادن شهرت و یا جرایم احتمالی را نیز به شرکت تحمیل خواهد نمود. از منظر تئوری نمایندگی نیز، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی ارتباط زیادی با حاکمیت شرکتی دارد. چرا که ابهام در این گونه فعالیت‌ها، زمینه رفتار فرصت‌طلبانه مدیران را فراهم ساخته و می‌تواند منجر به کاهش ارزش شرکت گردد (صفری گرایلی و پودینه، ۱۳۹۵). بر پایه ادبیات نظری موجود، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی ضمن ارائه معیارها و ضوابط معین برای تسهیل کشف فرار یا تقلب مالیاتی، موجب کاهش هزینه‌های تحصیل و پردازش اطلاعات برای مقامات مالیاتی هنگام بررسی فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها شده و به آن‌ها این امکان را می‌دهد تا با مقایسه اطلاعات مالی شرکت‌ها با یکدیگر، ارزیابی بهتری از اطلاعات مالی مربوط به معاملات

مشمول مالیات شرکت‌ها داشته باشند (ساک و ژائو، ۲۰۱۷). براین اساس، انتظار می‌رود که مدیران شرکت‌های برخوردار از صورت‌های مالی قابل مقایسه تمایل کمتری به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی داشته باشند. علاوه بر این مطابق با نظریه نمایندگی، کیفیت محیط اطلاعاتی شرکت کاهش رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران را در پی داشته و بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی اثرگذار است (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶؛ گالمور و لابرو، ۲۰۱۵). نظر به این که نقش نظارتی محیط اطلاعاتی، ممکن است جایگزین یا مکمل نقش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باشد، لذا انتظار بر این است که رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، تحت تأثیر کیفیت محیط اطلاعاتی قرار گرفته و تعدیل گردد. با این وجود، در اغلب مطالعات داخلی صورت گرفته، این موضوع نادیده انگاشته شده و یک فضای خالی در ادبیات حسابداری و مالیاتی برای تحقیق در این باره وجود دارد که این خود، انگیزه‌ای جهت انجام پژوهش حاضر می‌باشد. از این رو، انگیزه این پژوهش توسعه ادبیات نظری مرتبط با قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و تبیین تأثیر آن بر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی است. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند دستاوردهایی برای قانونگذاران بازار سرمایه، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی داشته باشد و این نهادها، شرکت‌ها را به ارائه صورت‌های مالی قابل مقایسه‌تر و محیط اطلاعاتی غنی ترغیب نمایند؛ چرا که نتایج برخی از مطالعات گذشته نشان می‌دهد این امر منجر به کاهش رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و اجتناب مالیاتی شرکت می‌شود.

## مبانی نظری و فرضیه‌های پژوهش

### اجتناب مالیاتی

تاکنون هیچ‌گونه تعریف جامع و قابل قبولی از اجتناب مالیاتی در ادبیات حسابداری صورت نگرفته است. با توجه به سطح وسیعی از تعاریف مطرح شده در این زمینه اجتناب مالیاتی بیانگر یک استراتژی مستمر و پایدار در زمینه برنامه‌ریزی مالی استراتژیک است که در برگیرنده فعالیت‌های کاملاً قانونی است که از آن جمله می‌توان به هدایت منابع واحد تجاری در جهت فعالیت‌های معاف از مالیات از جمله سرمایه‌گذاری در اوراق مشارکت، مطرح کردن معاملات و رویدادها در یک محدوده زمانی معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی و استفاده از روش‌های

حسابداری که صرفه جویی مالیاتی بیشتری ایجاد می‌کند، اشاره نمود (رضایی و جعفری نیارکی، ۱۳۹۴). اجتناب مالیاتی دارای پیامدهای بالقوه مستقیم و غیرمستقیم بسیاری می‌باشد. کاهش هزینه مالیات و افزایش جریان نقدی و افزایش ثروت سهامداران از جمله پیامدهای مستقیم و کاهش پناهگاه‌های مالیاتی و احتمال وضع مالیات بیشتر و در نظر گرفتن جرایم مالیاتی و فشار احتمالی دولت برای در نظر گرفتن مالیات بیشتر از این بنگاه‌ها، کاهش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و به تبع آن، کاهش ارزش شرکت، از جمله پیامدهای غیرمستقیم فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌باشند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). بنابراین، تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها اهمیت زیادی دارد. نتایج پژوهش‌های پیشین (گراهام و همکاران، ۲۰۱۲؛ ساک و ژائو، ۲۰۱۷) نشان می‌دهد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر اجتناب مالیاتی، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت است.

### قابلیت مقایسه و اجتناب مالیاتی

قابلیت مقایسه یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی است که استفاده‌کنندگان را قادر می‌سازد تا شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین اقلام صورت‌های مالی را بررسی نموده و ارزیابی منطقی‌تری از فرصت‌های گوناگون سرمایه‌گذاری یا اعطای وام به عمل آورند (هیئت استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۱۰). براساس چارچوب مفهومی مشترک هیئت استانداردهای حسابداری مالی و هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی (۲۰۱۰)، قابلیت مقایسه این‌گونه تعریف می‌شود: ویژگی کیفی اطلاعات است که استفاده‌کنندگان را قادر به شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های بین دو مجموعه از پدیده‌های اقتصادی می‌کند. برای این‌که مقایسه اطلاعات امکان‌پذیر شود، موضوعات مشابه باید مشابه باشند و موضوعات متفاوت باید متفاوت به نظر برسند (بارث و همکاران، ۲۰۱۳). اهمیت قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تا آن‌جا است که در بیانیه مفهومی شماره ۸ هیئت استانداردهای حسابداری مالی، یکی از مهم‌ترین دلایل نیاز به استانداردهای گزارشگری مالی، افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات مالی گزارش شده، عنوان شده است و در مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران (۱۳۹۰) نیز بیان شده است که اگر اطلاعات مربوط و قابل اتکا باشد، مفید بودن آن در صورت قابل مقایسه بودن و قابل فهم نبودن دچار محدودیت خواهد بود (مهرورز و مرفوع، ۱۳۹۵). در همین راستا، مطالعات متعددی به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه بر رفتار تحلیلگران مالی، سرمایه‌گذاران بازار



سرمایه و مدیران شرکت‌ها پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند که قابلیت مقایسه حسابداری رابطه معناداری با دقت پیش‌بینی‌های تحلیلی‌گران دارد. کیم و همکاران (۲۰۱۳) نیز معتقدند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، ابهام اطلاعاتی پیرامون قیمت‌گذاری ریسک اعتباری شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. این مطالعات نشان می‌دهند که قابلیت مقایسه با کاهش برآوردهای ذهنی باعث کاهش هزینه‌های تحصیل و پردازش اطلاعات و در مقابل، افزایش کمیت و کیفیت اطلاعات در دسترس استفاده‌کنندگان می‌گردد. علاوه بر این، اطلاعات موجود در صورت‌های مالی قابل مقایسه به مقامات مالیاتی کمک می‌کند تا درک بهتری از فعالیت‌های واقعی و کشف فرار مالیاتی شرکت‌ها پیدا نمایند. از آنجا که اطلاعات صورت‌های مالی مربوط به شرکت‌های قابل مقایسه، جایگزین مناسبی برای اطلاعات یک شرکت محسوب می‌شود (دی فرانکو و همکاران، ۲۰۱۱)، لذا صورت‌های مالی قابل مقایسه، موجب تسهیل درک اطلاعات مالیاتی شرکت‌ها توسط مقامات مالیاتی شده و روند شناسایی فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را از سوی آن‌ها بهبود می‌بخشد؛ که این مسئله نقش مهمی در محدود نمودن توانایی و انگیزه‌های مدیران برای اقدام به اجتناب مالیاتی ایفا می‌نماید. لذا این‌گونه استدلال می‌شود که مدیران شرکت‌های دارای صورت‌های مالی قابل مقایسه، تمایل کمتری به اعمال رفتارهای فرصت‌طلبانه و ارتکاب اجتناب مالیاتی دارند. بر پایه این استدلال، ساک و ژائو (۲۰۱۷) شواهدی مبنی بر وجود رابطه منفی بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ارائه کردند.

### محیط اطلاعاتی، قابلیت مقایسه و اجتناب مالیاتی

محیط اطلاعاتی شرکت شامل اطلاعات عمومی و محرمانه‌ای است که از طریق افشای اجباری یا داوطلبانه شرکت در اختیار بازار سرمایه قرار می‌گیرد. محیط اطلاعاتی به فضای اطلاعاتی خارج شرکت گفته می‌شود که شرکت در آن فعالیت می‌کند و همواره در صدد شفاف‌سازی و کاهش ابهام آن است (فخاری و رضائی پسته نوئی، ۱۳۹۶). مطابق با تئوری نمایندگی، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران، مدیران را به رفتار فرصت‌طلبانه، از جمله بهره‌وری از فعالیت‌های اجتناب مالیاتی که به‌عنوان یک ابزار برای اپورتونیزم مدیریتی است، سوق می‌دهد (دیسای و دهارماپالا، ۲۰۰۶). از این رو، محیط اطلاعاتی قوی از طریق کاهش مسائل نمایندگی، تمایل مدیران به اعمال رفتارهای فرصت‌طلبانه را محدود ساخته و بر

کاهش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیر گذار است (گالمور و لابرو، ۲۰۱۵). بدین ترتیب کیفیت محیط اطلاعاتی را می‌توان مکانیزمی مؤثر دانست که اجتناب مالیاتی شرکت را کاهش داده و بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی اثر گذار است (ساک و ژائو، ۲۰۱۷).

در خصوص تأثیر محیط اطلاعاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، دو نظریه رقیب (نظریه جایگزینی و نظریه مکمل) در ادبیات مالی مطرح شده است. از یک‌سو، نظریه جایگزینی بیان می‌کند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی می‌تواند جایگزینی مناسب برای کیفیت محیط اطلاعاتی شرکت در امر نظارت بر رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و تلاش آن‌ها برای پرداخت کمتر مالیات باشد. به طوری که در شرکت‌های دارای محیط اطلاعاتی ضعیف به دلیل عدم اعمال نظارت مؤثر، نقش قابلیت مقایسه حسابداری پررنگ‌تر شده و بنابراین، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در این شرکت‌ها تأثیر بیشتری بر کاهش اجتناب مالیاتی دارد (گالمور و لابرو، ۲۰۱۵). در مقابل، نقش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در نظارت بر رفتار مدیران و کاهش اجتناب مالیاتی، زمانی که شرکت دارای محیط اطلاعاتی قوی باشد، کم‌رنگ‌تر خواهد بود.

ساک و ژائو (۲۰۱۷) نیز شواهدی را در پشتیبانی از این نظریه، ارائه نموده و دریافتند در شرکت‌های دارای محیط اطلاعاتی ضعیف، رابطه بین قابلیت مقایسه و کاهش اجتناب مالیاتی قوی‌تر است. از سوی دیگر بر اساس نظریه مکمل، نقش نظارتی محیط اطلاعاتی مکمل نقش قابلیت مقایسه حسابداری بوده و در نتیجه انتظار می‌رود که در شرکت‌های دارای محیط اطلاعاتی قوی، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تأثیر بیشتری بر کاهش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی داشته باشد.

بنابراین با توجه به مطالب مطروحه فوق و نظر به این که نقش نظارتی محیط اطلاعاتی ممکن است جایگزین یا مکمل نقش قابلیت مقایسه حسابداری باشد، لذا انتظار می‌رود که رابطه بین قابلیت مقایسه و اجتناب مالیاتی شرکت، تحت تأثیر محیط اطلاعاتی قرار گرفته و تعدیل (تضعیف یا تقویت) گردد.

### پیشینه پژوهش

حبیب و همکاران (۲۰۱۸) با استفاده از داده‌های نمونه‌ای از شرکت‌های آمریکایی، تأثیر محیط اطلاعاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با نوسان بازده سهام شرکت‌ها را بررسی نمودند و دریافتند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها، نوسان بازده سهام را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که در شرکت‌های با محیط اطلاعاتی ضعیف، رابطه منفی بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نوسان بازده سهام، قوی‌تر است. ساک و ژائو (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی اثر تعدیل‌کنندگی محیط اطلاعاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری با اجتناب مالیاتی شرکت‌های حاضر در بازار سرمایه آمریکا پرداختند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث کاهش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌گردد. همچنین، در شرکت‌های دارای محیط اطلاعاتی ضعیف، رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و کاهش اجتناب مالیاتی قوی‌تر است. ایمهوف و همکاران (۲۰۱۷) با انتخاب نمونه‌ای متشکل از ۲۷۴۳۸ شرکت - سال مشاهده از مجموع شرکت‌های حاضر در بورس سهام آمریکا طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۴، به بررسی ارتباط بین قابلیت مقایسه حسابداری و هزینه سرمایه شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها، هزینه سرمایه آن‌ها کاهش می‌یابد. کیم و همکاران (۲۰۱۶) با بهره‌گیری از مدل دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، به بررسی ارتباط بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها در بازار سرمایه چین پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها، ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش می‌دهد. ساهن (۲۰۱۶) با انتخاب نمونه‌ای متشکل از ۳۲۲۱۱ شرکت - سال مشاهده از شرکت‌های حاضر در بورس سهام آمریکا طی سال‌های ۱۹۸۳ تا ۲۰۱۲ به بررسی ارتباط بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود شرکت‌ها پرداخت و به این نتیجه رسید که قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، باعث کاهش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و در مقابل، افزایش مدیریت واقعی سود می‌شود. کانگ و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدت زمان حسابرسی شرکت‌های فعال در بورس سهام کره جنوبی طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ پرداختند و شواهدی مبنی بر وجود رابطه منفی میان

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها و مدت زمان انجام عملیات حسابرسی آن‌ها، ارائه نمودند. چوی و همکاران (۲۰۱۵) تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر ضریب واکنش سودهای آتی را برای نمونه‌ای مشتمل بر ۳۲۳۶۶ سال-شرکت مشاهده در فاصله زمانی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۲ بررسی نمودند. یافته‌های آنان نشان داد شرکت‌هایی که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بیشتری دارند، ضریب واکنش سودهای آتی آن‌ها بیشتر است. گالمور و لایبرو (۲۰۱۵) به بررسی اهمیت محیط اطلاعات داخلی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های آمریکایی طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۰ پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که شرکت‌های دارای کیفیت اطلاعات داخلی بالاتر از اجتناب مالیاتی کمتری برخوردارند. لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۳) ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ برای نمونه‌ای شامل ۴۰۸ شرکت استرالیایی مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، سطح اجتناب مالیاتی آن‌ها را کاهش می‌دهد. بالاکریشنان و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان اجتناب مالیاتی و شفافیت شرکت و با انتخاب نمونه‌ای متشکل از ۴۱۶۵ شرکت-سال مشاهده از شرکت‌های حاضر در بورس سهام آمریکا طی سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳ به بررسی ارتباط بین اجتناب مالیاتی و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که فعالیت‌های اجتناب مالیاتی موجب کاهش شفافیت اطلاعاتی شرکت می‌گردد.

رضائی پیتونئی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی با میزان اجتناب مالیاتی شرکت و مطالعه اثر تعدیل‌کنندگی حاکمیت شرکتی بر این رابطه پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که اعتماد اجتماعی موجب کاهش اجتناب مالیاتی شرکت می‌گردد. علاوه بر این نتایج نشان داد که حاکمیت شرکتی رابطه منفی بین اعتماد اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تضعیف می‌کند. خدابی پور و شیبانی تذرجی (۱۳۹۷) طی پژوهشی تأثیر تمرکز مشتری بر اجتناب مالیاتی را با توجه به نقش تعدیلی مدیریت سود واقعی مورد بررسی قرار دادند. نمونه آماری پژوهش شامل ۷۹ شرکت پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ بود. یافته‌های پژوهش بیانگر آن بود که تمرکز مشتری شرکت دارای تأثیر مثبت و معنادار بر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی آن است. علاوه بر این، رابطه مثبت بین تمرکز مشتری و اجتناب از مالیات زمانی برجسته‌تر است که شرکت کمتر در مدیریت

سود واقعی در گیر شود. دارایی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی، عملکرد اقتصادی و اجتناب از مالیات شرکت‌ها پرداختند. در این پژوهش، تعداد ۴۷ شرکت از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار طی دوره زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۳ بررسی گردید. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که اگر شرکت دارای مسئولیت اجتماعی باشد، میانگین اجتناب از مالیات و میانگین ارزش افزوده اقتصادی آن‌ها کم‌تر خواهد شد. کیا و صفری گرایلی (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی شرکت‌ها پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی مدیران روش‌های مدیریت واقعی سود را جایگزین دستکاری ارقام تعهدی می‌کنند. فخاری و رضائی پینه‌نوئی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای تحت عنوان ارائه مدلی برای سنجش محیط اطلاعاتی شرکت، عوامل مؤثر بر کیفیت محیط اطلاعاتی را اندازه شرکت، مالکیت نهادی، فرصت‌های رشد شرکت، عمر شرکت، دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، تعداد سهامداران شرکت، خطای پیش‌بینی سود، دفعات گردش سهام، معیار عدم نقد شوندگی آمیهود و نوسان‌پذیری بازده سهام شرکت معرفی کردند. مهروز و مرفوع (۱۳۹۵) به بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با آگاهی بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی و همچنین نقش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در انعکاس اطلاعات سودهای آتی خاص شرکت و اطلاعات سودهای آتی مربوط به صنعت در قیمت سهام دوره جاری پرداختند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و آگاهی بخشی قیمت سهام رابطه مثبت وجود ندارد و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به انعکاس اطلاعات سودهای آتی مربوط به صنعت و انعکاس اطلاعات سودهای آتی خاص شرکت در قیمت سهام دوره جاری کمک نمی‌کند. فروغی و قاسم‌زاد (۱۳۹۵) تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر همزمانی قیمت سهام شرکت‌ها را برای نمونه‌ای متشکل از ۸۶ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر همزمانی قیمت سهام تأثیر منفی و معناداری دارد. مشایخی و سیدی (۱۳۹۴) به بررسی رابطه برخی از معیارهای حاکمیت شرکتی؛ شامل درصد مالکیت نهادی، استقلال هیئت‌مدیره و اندازه هیئت‌مدیره؛ و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. در این پژوهش ۱۴۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۱ الی ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفت.

نتیجه پژوهش مبین آن بود که رابطه معناداری بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی وجود ندارد.

### فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری ارائه شده و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین می‌گردند:

فرضیه اول: قابلیت مقایسه حسابداری، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت را کاهش می‌دهد.  
فرضیه دوم: محیط اطلاعاتی، رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت را تعدیل می‌کند.

### روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی بوده و در زمره تحقیقات توصیفی حسابداری به‌شمار می‌رود. علاوه بر این، به لحاظ معرفت‌شناسی از نوع تجربه‌گرا، سیستم استدلال آن قیاسی - استقرایی و به لحاظ نوع مطالعه میدانی - کتابخانه‌ای با استفاده از اطلاعات تاریخی به صورت پس رویدادی (یعنی استفاده از اطلاعات گذشته) می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ تشکیل می‌دهد و نمونه انتخابی تحقیق نیز شرکت‌هایی می‌باشند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

۱- شرکت‌هایی که تاریخ پذیرش آن‌ها در سازمان بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۹۱ بوده و تا پایان سال ۱۳۹۵ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند. همچنین، از آنجا که برای محاسبه متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به داده‌های ۱۶ فصل (۴ سال) قبل آن نیاز بوده است، از این رو داده‌های مورد نیاز شرکت‌های نمونه باید برای دوره ۸ ساله (سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵) در دسترس باشد.

۲- به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

۳- طی سال‌های مذکور تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.

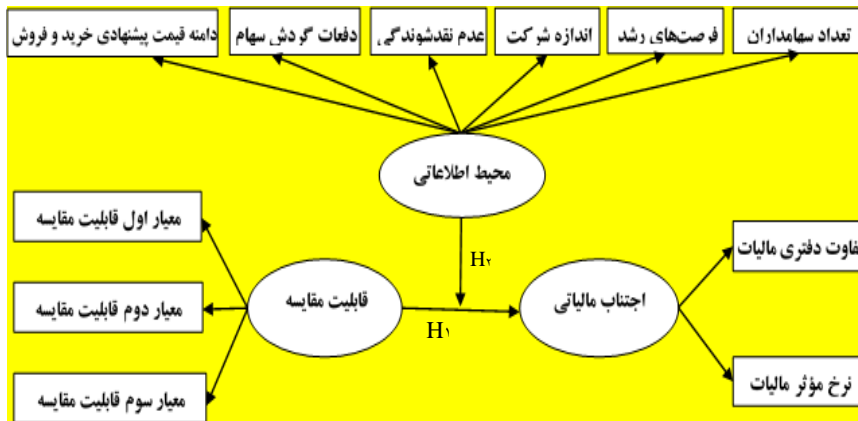
۴- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند (شرکت‌های سرمایه‌گذاری به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت‌ها در جامعه آماری منظور نشدند).

۵- از آنجا که متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در سطح صنعت تعریف و محاسبه شده است، لذا تنها صناعی در نظر گرفته شدند که بیشتر از ۱۰ شرکت داشته باشند.

پس از اعمال محدودیت‌های فوق تعداد ۸۶ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. داده‌های مورد نیاز شرکت‌های منتخب با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود در سامانه کدال، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و نیز از نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج گردید. تجزیه و تحلیل نهایی داده‌های گردآوری شده نیز با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار اسمارت پی ال اس صورت گرفته است. مراحل انجام مدل‌سازی معادلات ساختاری بدین ترتیب است که ابتدا به بررسی برازش مدل (شامل برازش مدل‌های اندازه‌گیری، برازش مدل ساختاری و برازش مدل کلی) و سپس به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود.

### مدل مفهومی و متغیرهای پژوهش

با توجه به مبانی نظری تحقیق، چارچوب مدل مفهومی پژوهش حاضر بر اساس رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری در شکل (۱) ترسیم شده است.



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش

### متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش حاضر، قابلیت مقایسه حسابداری (COM) است که برای اندازه‌گیری آن از مدل دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده است. براساس این مدل، سیستم حسابداری یک شرکت به‌عنوان تابعی در نظر گرفته می‌شود که رویدادهای اقتصادی (بازده سهام) را به گزارش‌های مالی (سود حسابداری) تبدیل می‌کند. به‌طوری‌که، هر چه تابع حسابداری دو شرکت شباهت بیشتری با هم داشته باشد، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی آن‌ها بیشتر خواهد بود. با استفاده از این معیار برای محاسبه قابلیت مقایسه بین دو شرکت  $i$  و  $j$  ابتدا مدل رگرسیونی زیر برای هر شرکت - سال و با استفاده از داده‌های سری زمانی دوره چهار ساله (۱۶ فصل) اخیر برآورد می‌شود:

$$Earning_{i,t} = \alpha_i + \beta_i Return_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در آن:

**Earning**: سود خالص فصلی تقسیم بر ارزش بازار ابتدای دوره سهام شرکت و **Return**: بازده سهام فصلی شرکت است.

ضرایب برآورد شده از رابطه (۱) معرف تابع حسابداری شرکت است که رویدادهای اقتصادی (بازده) را به گزارش حسابداری (سود) تبدیل می‌کند. یعنی  $\hat{\alpha}_i$  و  $\hat{\beta}_i$  نشان دهنده تابع حسابداری شرکت  $i$  و ضرایب  $\hat{\alpha}_j$  و  $\hat{\beta}_j$  معرف تابع حسابداری شرکت  $j$  است. شباهت بین تابع حسابداری دو شرکت، میزان قابلیت مقایسه بین دو شرکت را نشان می‌دهد. لذا برای برآورد تفاوت بین تابع و عملیات حسابداری دو شرکت  $i$  و  $j$  در هر سال از طریق رابطه‌های زیر سود شرکت  $i$  به‌طور جداگانه یکبار با استفاده از تابع حسابداری خود شرکت  $i$  و یکبار با استفاده از تابع حسابداری شرکت  $j$  اما با بازده خود شرکت  $i$  (رویداد مشابه)، برای دوره زمانی مشابه با دوره زمانی رابطه (۱) پیش‌بینی می‌شود:

$$E(Earning)_{iit} = \hat{\alpha}_i + \hat{\beta}_i Return_{i,t} \quad \text{رابطه (۲)}$$

$$E(Earning)_{ijt} = \hat{\alpha}_j + \hat{\beta}_j Return_{i,t} \quad \text{رابطه (۳)}$$

در رابطه فوق:



$E(Earning)_{iit}$ : سود پیش‌بینی شده شرکت  $i$  در دوره  $t$  با استفاده از تابع حسابداری شرکت  $i$  و  $E(Earning)_{ijt}$ : سود پیش‌بینی شده شرکت  $i$  در دوره  $t$  با استفاده از تابع حسابداری شرکت  $j$  می‌باشد.

پس از محاسبه مقادیر فوق، میانگین تفاوت در مقادیر سود پیش‌بینی شده بیانگر تفاوت در تابع حسابداری دو شرکت است. لذا قرینه آن، میزان شباهت و قابلیت مقایسه بین دو شرکت را به شرح رابطه (۴) نشان می‌دهد:

$$\text{CompAcc}_{ijt} = \frac{-1}{16} \sum_{t-15}^t |E(Earning)_{iit} - E(Earning)_{ijt}| \quad (۴)$$

که در رابطه فوق،  $\text{CompAcc}_{ijt}$ : قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بین دو شرکت  $i$  و  $j$  در سال  $t$  است. به طریق مشابه، برای هر سال و برای هر جفت شرکت  $i$  با شرکت‌های ز عضو یک صنعت، معیار  $\text{CompAcc}_{ijt}$  محاسبه می‌گردد. سپس مشابه با مطالعات کیم و همکاران (۲۰۱۶) و حبیب و همکاران (۲۰۱۷) از سه معیار متفاوت برای سنجش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت  $i$  در سال  $t$  استفاده می‌شود. به طوری که، معیار اول (COM1) میانگین تمامی مقادیر محاسبه شده؛ معیار دوم (COM2) میانگین چهار عدد بزرگ‌تر محاسبه شده و معیار سوم (COM3) میانگین ده عدد بزرگ‌تر محاسبه شده برای شرکت  $i$  در سال  $t$  می‌باشد.

### متغیر وابسته

اجتناب مالیاتی (TA) به عنوان متغیر وابسته پژوهش حاضر در نظر گرفته شده که برای اندازه‌گیری آن مطابق با پژوهش ساک و ژائو (۲۰۱۷) و صفری گرایلی و پودینه (۱۳۹۵) از دو معیار استفاده شده است. معیار اول اجتناب مالیاتی، تفاوت دفتری مالیات از طریق تفاوت بین سود حسابداری (سود قبل از مالیات) و سود مشمول مالیات شرکت بدست می‌آید که سود مشمول مالیات نیز از تقسیم هزینه مالیات بر نرخ مالیات قانونی محاسبه می‌گردد. به منظور همگن‌سازی، این متغیر بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها تقسیم شده است. دومین معیار اجتناب مالیاتی، نرخ موثر مالیاتی بوده که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$ETR = \frac{TTE}{PTE}$$

که در آن:

ETR: نرخ موثر مالیاتی شرکت، TTE کل هزینه مالیات شرکت و: PTE سود قبل از مالیات شرکت می‌باشد. از آنجا که هر چه نرخ موثر مالیاتی شرکت کمتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت بیشتر است، لذا نرخ‌های مالیاتی محاسبه شده، در عدد منفی یک (-۱) ضرب می‌شود.

### متغیر تعدیل‌گر

متغیر تعدیل‌گر مورد استفاده در این پژوهش، محیط اطلاعاتی شرکت (IE) می‌باشد که به پیروی از فخاری و رضائی پیته‌نوئی (۱۳۹۶) و فخاری و رضائی پیته‌نوئی (۲۰۱۷) برای اندازه‌گیری آن از متغیرهای مشاهده‌پذیر زیر استفاده شده است:

الف) دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام: عدم تقارن اطلاعاتی، ریسک انتخاب معایر تأمین‌کنندگان نقدینگی (بازار سازها) را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر سطوح بالاتر عدم تقارن اطلاعاتی با دامنه قیمت پیشنهادی بالاتر همراه خواهد بود (باتاچاریا و همکاران، ۲۰۰۹). از این رو دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام به‌طور گسترده در پژوهش‌های پیشین به‌عنوان معیار معکوس محیط اطلاعاتی بکار رفته است:

$$SPREAD_{it} = \frac{1}{D_{it}} \sum_{i=1}^{D_{it}} \frac{(ASK_i - BID_i)}{(ASK_i + BID_i) / 2}$$

که در این رابطه:

SPREAD<sub>it</sub>، دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام شرکت *i* در سال *t*؛

ASK<sub>i</sub>، آخرین قیمت پیشنهادی فروش روزانه سهام شرکت *i*؛

BID<sub>i</sub>، آخرین قیمت پیشنهادی خرید روزانه سهام شرکت *i* و

D<sub>it</sub>، تعداد روزهایی از سال *t* است که در آن آخرین قیمت پیشنهادی خرید و آخرین قیمت پیشنهادی فروش روزانه برای سهام شرکت *i* در دسترس باشد.

ب) دفعات گردش سهام: شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی بالا، گردش سهام کمتری خواهند داشت. زیرا معامله‌گران ناآگاه با علم به اینکه آن‌ها در معامله با افراد آگاه متحمل

زیان خواهند شد با احتمال کمتری اقدام به معامله در سهام این شرکت‌ها خواهند کرد (لیائو، ۲۰۰۹). از این رو تعداد دفعات گردش سهام به‌عنوان یک معیار مستقیم محیط اطلاعاتی بکار می‌رود (ماهد، ۲۰۰۵):

$$\text{share turnover}_{it} = \frac{1}{D_{it}} \sum_{i=1}^{D_{it}} \frac{\text{shares traded}_i}{\text{Shares Outstanding}_i}$$

که در این رابطه:

$\text{share turnover}_{it}$ : دفعات گردش سهام شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

$\text{shares traded}_i$ : تعداد سهام معامله‌شده روزانه شرکت  $i$ ؛

$\text{Shares Outstanding}_i$ : تعداد کل سهام منتشره شرکت  $i$  و

$D_{it}$ : تعداد روزهایی از سال  $t$  است که در آن سهام شرکت  $i$  معامله شده باشد.

ج) معیار عدم نقد شونددگی آمیهدود: هر چه محیط اطلاعاتی شفاف‌تر باشد، از سطح عدم تقارن اطلاعاتی بازار کاسته شده و نقد شونددگی سهام شرکت افزایش می‌یابد. بنابراین، نسبت عدم نقد شونددگی آمیهدود به‌عنوان معیار معکوس محیط اطلاعاتی شرکت تلقی می‌گردد.

$$\text{ILLIQ}_{it} = \frac{1}{D_{i,t}} \sum_{i=1}^{D_{i,t}} \frac{|R_i|}{\text{VOL}_i}$$

که در رابطه فوق:

$\text{ILLIQ}_{it}$ : معیار عدم نقد شونددگی شرکت  $i$  در سال  $t$ ؛

$|R_i|$ : قدر مطلق بازده روزانه سهام شرکت  $i$ ؛

$\text{VOL}_i$ : حجم ریالی معاملات روزانه شرکت  $i$ ؛

$D_{it}$ : تعداد روزهایی از سال  $t$  است که در آن سهام شرکت  $i$  معامله شده باشد.

د) اندازه شرکت: بر مبنای مطالعات نظری واسان و بون (۲۰۱۰) و آتیگ و همکاران (۲۰۰۶)، شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل برخورداری از پوشش رسانه‌ای گسترده‌تر، توجه بیشتر از سوی بازار، قانون‌گذاران و تحلیلگران، از محیط اطلاعاتی به‌مراتب شفاف‌تری برخوردار می‌باشند. بنابراین اندازه به‌عنوان یک معیار مستقیم محیط اطلاعاتی بکار می‌رود. در این

پژوهش به پیروی از کای (۲۰۱۵) و ساک و ژائو (۲۰۱۷) از لگاریتم فروش خالص شرکت برای سنجش اندازه شرکت استفاده شده است.

ه) فرصت‌های رشد: لیاو (۲۰۰۹) معتقد است که شرکت‌های با فرصت‌های رشد مطلوب‌تر، دارای مزایای رقابتی بوده، بنابراین برای حفظ این مزایای رقابتی تمایل چندانی به ارائه و افشای کامل اطلاعات عملیاتی حساس خود ندارند. بنابراین فرصت‌های رشد به‌عنوان معیار معکوس محیط اطلاعاتی شرکت تلقی می‌گردد. در این پژوهش نسبت ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام به‌عنوان معیار سنجش فرصت‌های رشد مدنظر قرار گرفته شده است.

و) تعداد سهامداران شرکت: هرچه تعداد سهامداران یک شرکت بیشتر باشد، میزان اطلاعات موجود در بازار نیز افزایش یافته و در نتیجه محیط اطلاعاتی شرکت قوی‌تر می‌شود و به‌عنوان یک معیار مستقیم محیط اطلاعاتی بکار می‌رود که از طریق لگاریتم تعداد سهامداران شرکت محاسبه شده است (کای و همکاران، ۲۰۱۵).

## یافته‌های پژوهش

### آمار توصیفی

نگاره (۱)، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی می‌باشد را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این نگاره ملاحظه می‌شود، مقدار میانگین متغیر تفاوت دفتری مالیات (۰/۰۸۱)، حاکی از آن است که به‌طور متوسط سود قبل از مالیات شرکت‌ها بیشتر از سود مشمول مالیات آن‌ها است. میانگین نرخ موثر مالیاتی نیز حدود ۱۲ درصد بوده که با توجه به نرخ قانونی مالیات بر عملکرد شرکت‌های بورسی (۲۲/۵ درصد)، می‌توان گفت به‌طور کلی وضعیت مالیاتی شرکت‌ها با سیاست‌های مالیاتی سازگار نیست. همچنین، میانگین معیارهای اول تا سوم قابلیت مقایسه حسابداری به ترتیب ۰/۱۵۷-، ۰/۰۴۸- و ۰/۰۸۷- است که بیشتر از مقادیر گزارش شده در پژوهش‌های کیم و همکاران (۲۰۱۶) و ساک و ژائو (۲۰۱۷) می‌باشد. این موضوع بیانگر آن است که صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه در این مطالعه، از قابلیت مقایسه بالاتری برخوردارند. همچنین از بین متغیرهای معرف محیط اطلاعاتی، فرصت‌های رشد شرکت بیشترین انحراف معیار را به خود اختصاص داده و نکته قابل توجه دیگر این نگاره، بیشتر بودن ارزش بازار حقوق صاحبان سهام اغلب شرکت‌های

نمونه از ارزش دفتری آن است که ملاحظه مقدار میانگین متغیر فرصت‌های رشد (۲/۹۳۳) در نگاره فوق، گواه این مدعاست.

#### نگاره (۱): آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
تفاوت دفتری مالیات	BTD	-۰/۰۸۱	-۰/۰۷۲	-۰/۰۴۴	۰/۵۲۸	۰/۱۳۳
نرخ مؤثر مالیات	ETR	-۰/۱۲۱	-۰/۱۱۷	-۰/۴۲۲	۰/۰۰۰	۰/۰۹۲
معیار اول قابلیت مقایسه	COM <sub>1</sub>	-۰/۱۵۷	-۰/۱۵۲	-۰/۵۰۸	-۰/۰۱۱	۰/۰۷۳
معیار دوم قابلیت مقایسه	COM <sub>2</sub>	-۰/۰۴۸	-۰/۰۴۶	-۰/۳۱۹	-۰/۰۰۵	۰/۰۳۲
معیار سوم قابلیت مقایسه	COM <sub>3</sub>	-۰/۰۸۷	-۰/۰۸۲	-۰/۳۷۵	-۰/۰۰۹	۰/۰۵۱
دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش	SPREAD	۰/۶۸۳	۰/۶۴۸	۰/۰۱۰	۱/۷۶۶	۰/۳۶۱
دفعات گردش سهام	TURN	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۳۸	۰/۰۰۴
معیار عدم نقدشوندگی	ILIQ	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۱
اندازه شرکت	SIZE	۱۲/۲۰۱	۱۲/۰۵۶	۹/۹۱۲	۱۴/۵۶۴	۰/۷۶۹
فرصت‌های رشد	GWTH	۲/۹۳۳	۲/۳۰۱	-۲۷/۳۸۸	۱۲۱/۵۱۰	۷/۰۱۱
تعداد سهامداران شرکت	NUM	۳/۹۱۳	۳/۹۰۶	۲/۲۱۷	۵/۱۸۱	۱/۵۲۲

#### برازش مدل‌های اندازه‌گیری

در برازش مدل‌های اندازه‌گیری از سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می‌شود. پایایی نیز از سه طریق، سنجش بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بررسی می‌گردد. مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی، ۰/۴ می‌باشد (هولاند، ۲۵، ۱۹۹۹). با توجه به نگاره (۲)، تمامی ضرایب بارهای عاملی از ۰/۴ بیشتر است که بیانگر مناسب بودن مدل‌های اندازه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش می‌باشد.

ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی نیز در صورتی که بالاتر از ۰/۷ باشد، حاکی از پایایی مناسب مدل می‌باشند (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). با توجه به نگاره (۳) مقادیر مربوط برای تمامی سازه‌ها بالاتر از ۰/۷ بوده که نشان‌دهنده پایایی مناسب مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش است.

## نگاره (۲): بار عاملی هر یک از متغیرهای آشکار پژوهش

سازه‌ها	عنوان در مدل	زیر سازه	بار عاملی
قابلیت مقایسه حسابداری	COM	COM <sub>1</sub>	۰/۹۹۱
		COM <sub>2</sub>	۰/۹۹۳
		COM <sub>3</sub>	۰/۶۴۳
اجتناب مالیاتی	TA	BTD ETR	۰/۹۲۰ ۰/۹۳۳
محیط اطلاعاتی	IE	SPREAD TURN ILIQ SIZE GWITH NUM	-۰/۷۱۳
			۰/۸۱۱
			-۰/۷۵۰
			۰/۷۷۳
			-۰/۷۶۹
			۰/۸۴۷

## نگاره (۳): ضرایب آلفای کرونیخ و پایایی ترکیبی متغیرهای پنهان

متغیرهای پنهان	عنوان در مدل	ضریب آلفای کرونیخ	ضریب پایایی ترکیبی
قابلیت مقایسه حسابداری	COM	۰/۸۹۲	۰/۹۱۸
اجتناب مالیاتی	TA	۰/۸۳۵	۰/۹۲۳
محیط اطلاعاتی	IE	۰/۸۷۱	۰/۹۰۲
محیط اطلاعاتی × قابلیت مقایسه	IE*COM	۰/۹۶۱	۰/۹۶۱

روایی همگرا، ابزار دیگری برای بررسی مدل‌های اندازه‌گیری است. روایی همگرا با استفاده از معیار AVE (میانگین واریانس استخراجی)، میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با متغیرهای (شاخص‌ها) خود را نشان می‌دهد. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) مقدار بحرانی برای این معیار را ۰/۵ معرفی نموده‌اند؛ بدین معنی که مقدار AVE بیشتر از ۰/۵ روایی همگرای قابل قبول را نشان می‌دهد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). همان‌گونه که در نگاره (۴) ملاحظه می‌شود، میانگین واریانس استخراجی برای تمامی متغیرهای پنهان، بیشتر از ۰/۵ بوده که بیانگر روایی همگرای مناسب مدل است.

روایی واگرا، سومین معیار بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری است که میزان همبستگی بین شاخص‌های یک سازه با آن سازه در مقابل همبستگی بین آن شاخص‌ها با سازه‌های دیگر را مقایسه می‌کند.

**تکانه (۴): میانگین واریانس استخراجی (AVE) متغیرهای پنهان**

Commuality	میانگین واریانس استخراجی	عنوان در مدل	متغیرهای پنهان
۰/۷۹۴	۰/۷۹۴	COM	قابلیت مقایسه حسابداری
۰/۸۵۹	۰/۸۵۹	TA	اجتناب مالیاتی
۰/۶۰۶	۰/۶۰۶	IE	محیط اطلاعاتی
۰/۵۷۹	۰/۵۷۹	IE*COM	محیط اطلاعاتی × قابلیت مقایسه

با توجه به نگاره (۵)، مقدار جذر میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان در پژوهش حاضر که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار گرفته‌اند، از مقدار همبستگی میان آن‌ها که در خانه‌های زیرین و چپ قطر اصلی ترتیب داده شده‌اند، بیشتر است. این بدان معناست که هر سازه در مدل تحقیق نسبت به دیگر سازه‌ها با شاخص‌های خود در تعامل بیشتری است. این موضوع، روایی و اگرایی مناسب و برازش مناسب مدل‌های اندازه‌گیری پژوهش را نشان می‌دهد.

**تکانه (۵): ماتریس فورنل و لارکر جهت بررسی روایی واگرا**

سازه‌ها	محیط اطلاعاتی × قابلیت مقایسه	محیط اطلاعاتی	اجتناب مالیاتی	قابلیت مقایسه
قابلیت مقایسه				۰/۸۹۱
اجتناب مالیاتی			۰/۹۲۷	-۰/۱۵۳
محیط اطلاعاتی		۰/۷۷۸	۰/۵۳۹	-۰/۰۵۹
محیط اطلاعاتی × قابلیت مقایسه	۰/۷۶۱	۰/۰۸۸	۰/۱۴۱	۰/۱۶۷

با توجه به نتایج پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا مشاهده می‌شود که مدل‌های اندازه‌گیری مدل معادلات ساختاری پژوهش به نحوی مطلوب، توانایی اندازه‌گیری متغیرهای پنهان پژوهش را دارند. لذا، در ادامه برازش مدل ساختاری پژوهش بررسی می‌گردد.

**برازش مدل ساختاری**

بخش مدل ساختاری بر خلاف مدل‌های اندازه‌گیری تحقیق، به متغیرهای آشکار کاری ندارد، بلکه تنها متغیرهای پنهان تحقیق همراه با روابط میان آن‌ها بررسی می‌شود.

اولین معیار برای بررسی برازش مدل ساختاری در یک پژوهش، ضرایب  $R^2$  مربوط به متغیرهای درون‌زا (وابسته) مدل است.  $R^2$  معیاری است که نشان‌دهنده تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا بوده و سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی  $R^2$  در نظر گرفته می‌شود (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). مطابق با نگاره (۶) مقدار  $R^2$  برای متغیر درون‌زای پژوهش محاسبه شده است که با توجه به مقادیر ملاک، می‌توان مناسب بودن برازش مدل ساختاری پژوهش را تأیید نمود.

نگاره (۶): نتایج معیار  $R^2$  متغیر درون‌زا

متغیر درون‌زا	عنوان در مدل	$R^2$
اجتناب مالیاتی	TA	۰/۳۸۸

دومین معیار برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش، مقدار  $Q^2$  متغیرهای درون‌زای مدل است. این معیار قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌سازد. هنسلر و همکاران (۲۰۰۹) هر یک از سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ برای این معیار را به ترتیب بیانگر قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی در مورد سازه مربوطه معرفی نموده‌اند (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). با توجه به نگاره (۷)، مقدار  $Q^2$  متغیر درون‌زا از ۰/۱۵ بیشتر شده است که نشان از قدرت پیش‌بینی قوی مدل دارد و برازش مناسب مدل ساختاری تحقیق را تأیید می‌کند.

نگاره (۷): نتایج معیار  $Q^2$  در پیش‌بینی مدل

کل	SSE	SSO	$Q^2 = 1 - \frac{SSE}{SSO}$
اجتناب مالیاتی	۱۵۵	۳۰۰	۰/۴۸۴

### برازش مدل کلی

پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل ساختاری، مدل کلی معادلات ساختاری پژوهش باید با استفاده از معیار نیکویی برازش (GOF) بررسی گردد. مدل کلی شامل هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری می‌شود و با تأیید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می‌شود. برای بررسی برازش مدل کلی، از معیار GOF به شرح رابطه زیر، استفاده می‌شود:

$$GOF = \sqrt{\text{communalities} \times R^2}$$

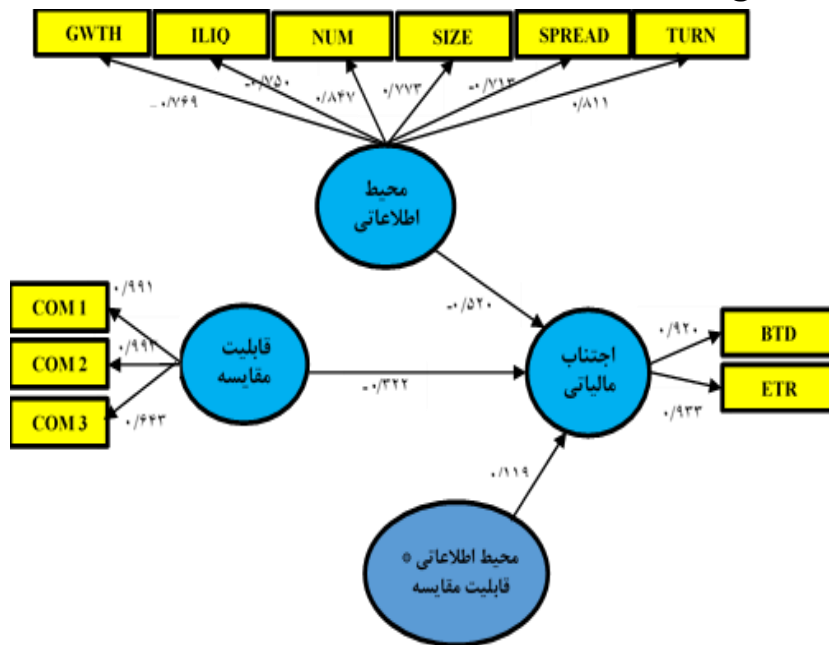


که در آن:

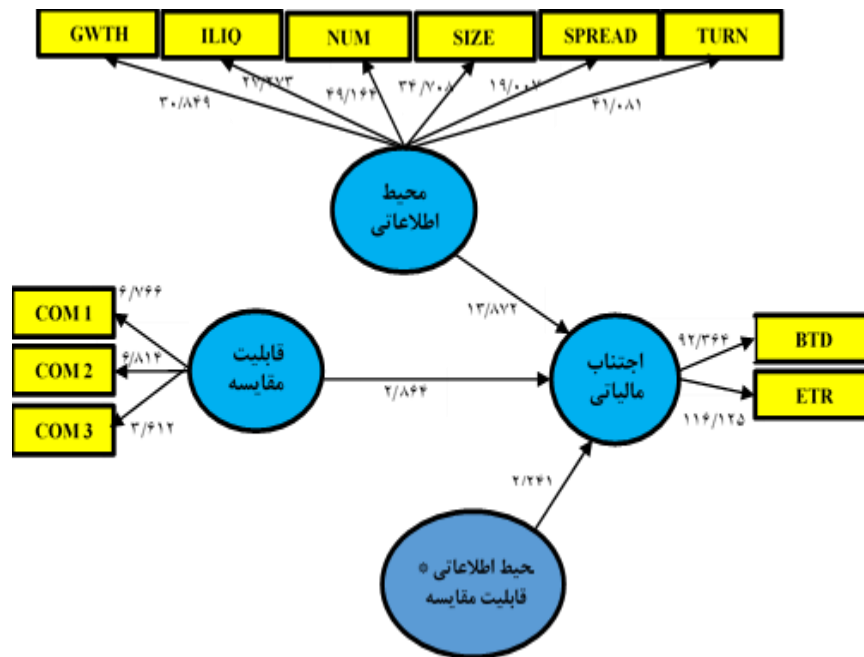
Communalities: میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان و  $R^2$ : میانگین مقادیر ضریب تعیین متغیرهای درون‌زای مدل است. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF در نظر گرفته می‌شود. با توجه به این که مقدار بدست آمده برای مدل پژوهش، ۰/۵۲۵ است؛ لذا برازش بسیار مناسب مدل کلی تحقیق تایید می‌گردد.

### نتایج آزمون فرضیه‌ها

پس از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری و مدل ساختاری و داشتن برازش مناسب مدل کلی و با توجه به شکل‌های (۲) و (۳) به بررسی نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود که نتایج آن در نگاره (۸) ارائه شده است:



شکل (۲): مدل پژوهش همراه با ضریب استاندارد شده مسیر

شکل (۳): مدل پژوهش همراه با مقادیر  $t$ -values

تکراه (۸). نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌های پژوهش

مسیر	علامت اختصاری	ضریب مسیر	آماره $t$	نتیجه آزمون فرضیه
قابلیت مقایسه <---> اجتناب مالیاتی	COM <---> TA	-۰/۳۲۲	۲/۸۶۴	پذیرش فرضیه
محیط اطلاعاتی <---> اجتناب مالیاتی	IE <---> TA	-۰/۵۲۰	۱۳/۸۷۲	پذیرش فرضیه
محیط اطلاعاتی X قابلیت مقایسه <---> اجتناب مالیاتی	IE*COM <---> TA	۰/۱۱۹	۲/۲۴۱	پذیرش فرضیه

همان‌طور که در نگاره فوق ملاحظه می‌شود، ضریب مسیر بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت، منفی (-۰/۳۲۲) و آماره  $t$  آن (۲/۸۶۴) بزرگ‌تر از مقدار ۱/۹۶ بوده که حاکی از وجود رابطه منفی معنادار بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌باشد. بر این اساس، فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که آماره  $t$  مربوط به متغیر اثر تعاملی محیط اطلاعاتی و قابلیت مقایسه حسابداری

(۲/۲۴۱) بزرگ‌تر از مقدار ۱/۹۶ بوده و ضریب مسیر آن نیز (۰/۱۱۹) مثبت به‌دست آمده است. بدین ترتیب، فرضیه دوم تحقیق نیز در سطح خطای ۵ درصد تایید می‌گردد.

### نتیجه‌گیری

یکی از منابع دولت، وصول مالیات از شرکت‌هاست. با این وجود، معمولاً شرکت‌ها در تلاش‌اند که مالیات بر درآمد خود را کاهش داده یا به تعویق بیندازند. در این میان، اجتناب مالیاتی از جمله فعالیت‌هایی است که ممکن است شرکت‌ها توسط آن سعی در کاهش مالیات نمایند. به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی بوده و به همین دلیل تعیین عوامل تأثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها اهمیت زیادی دارد. بر این اساس، پژوهش‌های مختلف صورت گرفته به بررسی عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداخته و نشان دادند که یکی از این عوامل، قابلیت مقایسه حسابداری می‌باشد. از این رو، در پژوهش حاضر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری با میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و همچنین اثر تعدیلی محیط اطلاعاتی به عنوان یکی از مکانیزم‌های نظارتی بر رابطه بین آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. پژوهش حاضر از این حیث دارای اهمیت است که در زمره نخستین تحقیقات داخلی می‌باشد که به بررسی این موضوع پرداخته و از این رو، می‌تواند به توسعه ادبیات حسابداری و مالیاتی در کشورهای در حال توسعه از جمله بازار سرمایه نوظهور ایران، کمک شایانی نماید. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش بیانگر آن است که قابلیت مقایسه حسابداری موجب کاهش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت می‌گردد. این یافته بدان معناست است که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، موجب افزایش کیفیت و کمیت اطلاعات در دسترس ممیزان مالیاتی گشته که این به نوبه خود، ضمن تسهیل درک اطلاعات مالیاتی شرکت‌ها توسط مقامات مالیاتی، روند شناسایی و کشف فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را از سوی آنان بهبود می‌بخشد. از این رو، مدیران شرکت‌های دارای صورت‌های مالی قابل مقایسه، انگیزه کمتری برای اعمال رفتارهای فرصت‌طلبانه و ارتکاب اجتناب مالیاتی دارند. نتیجه بدست آمده در این پژوهش با یافته‌های ساک و ژائو (۲۰۱۷) مبنی بر وجود رابطه منفی بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، سازگار است. در فرضیه دوم پژوهش، اثر تعدیلی محیط اطلاعاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نشان می‌دهد که محیط اطلاعاتی، بر

رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی اثرگذار بوده و رابطه منفی بین آن‌ها را تضعیف می‌کند. این یافته مطابق با پیش‌بینی نظریه جایگزینی است که بیان می‌کند مکانیزم‌های نظارتی نظیر قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری می‌توانند جایگزینی مناسب برای محیط اطلاعاتی شرکت، در امر نظارت بر رفتار فرصت‌طلبانه مدیران در فرآیند گزارشگری مالی باشند. به‌طوری‌که در شرکت‌های دارای محیط اطلاعاتی ضعیف به دلیل عدم اعمال نظارت موثر، نقش نظارتی قابلیت مقایسه حسابداری پررنگ‌تر شده و بنابراین، تأثیر بازدارندگی قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های دارای محیط اطلاعاتی ضعیف، به مراتب بیشتر از سایر شرکت‌هاست. در مقابل، نقش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در نظارت بر رفتار مدیران و کاهش اجتناب مالیاتی، زمانی که شرکت دارای محیط اطلاعاتی قوی باشد، کم‌رنگ‌تر خواهد بود. گالمور و لابرو (۲۰۱۵) و ساک و ژائو (۲۰۱۷) نیز در پژوهش‌های خود به نتایج مشابهی دست یافته و بیان نمودند که در شرکت‌های با محیط اطلاعاتی ضعیف، رابطه منفی بین قابلیت مقایسه و اجتناب مالیاتی، قوی‌تر است.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، به تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری نیز پیشنهاد می‌شود تا با تدوین استانداردهای حسابداری سخت‌گیرانه‌تری در خصوص الزام شرکت به ارائه اطلاعات حسابداری و صورت‌های مالی قابل مقایسه با سایر شرکت‌ها، زمینه اعمال رفتار فرصت‌طلبانه مدیران در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را محدود نمایند. علاوه بر این، به نهادهای قانون‌گذار و تدوین‌کنندگان قوانین مالیاتی نیز پیشنهاد می‌گردد که نسبت به تدوین قوانین و مقررات مربوط به انجام امور نظارتی در شرکت‌های دارای محیط اطلاعاتی ضعیف توجه بیشتری نموده و با الزام شرکت‌های مزبور به ارائه صورت‌های مالی قابل مقایسه، این ضعف را جبران نمایند. به پژوهشگران آتی نیز توصیه می‌شود که تأثیر خوانایی گزارشگری مالی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بررسی گردد. همچنین، پیشنهاد می‌شود که نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابرسی به‌عنوان یکی دیگر از ابزارهای نظارتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی شرکت مورد مطالعه قرار گیرد.

## منابع

- خدای پور، احمد؛ شیبانی تدرجی، عباس. (۱۳۹۷). بررسی نقش تعدیلی مدیریت سود واقعی بر ارتباط بین تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی - شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، *دانش حسابداری*، ۹ (۲)، ۱۲۹-۱۰۳.
- دارابی، رویا؛ پاشانزاد، یوسف؛ تدین فرد، اسماعیل. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی، عملکرد اقتصادی و اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری*، ۴ (۱۵)، ۹۲-۶۷.
- داوری، علی؛ رضازاده، آرش. (۱۳۹۳). مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS. *انتشارات جهاد دانشگاهی*، تهران، چاپ دوم.
- رضایی، فرزین؛ جعفری نیارکی، روح‌الله. (۱۳۹۴). رابطه بین اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکت‌ها، *پژوهشنامه مالیات*، ۲۳ (۲۶)، ۱۰۹-۱۳۴.
- رضائی پیتهنوئی، یاسر؛ صفری گرایلی، مهدی؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۸). مدل‌بندی نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین اعتماد اجتماعی و اجتناب مالیاتی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۹ (۳۴)، ۲۴۶-۲۲۱.
- صفری گرایلی، مهدی؛ پودینه، شیوا. (۱۳۹۵). اجتناب مالیاتی و به موقع بودن اعلان سود در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهشنامه مالیات*، ۲۴ (۳۱)، ۱۰۲-۱۱۸.
- فخاری، حسین؛ رضائی پیتهنوئی، یاسر. (۱۳۹۶). ارائه مدلی برای سنجش محیط اطلاعاتی شرکت. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۹ (۳۳)، ۱۲۱-۱۴۷.
- فخاری، حسین؛ رضائی پیتهنوئی، یاسر. (۱۳۹۷). تأثیر وجود کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت. *حسابداری مدیریت*، ۱۱ (۳۳)، ۶۳-۷۹.
- فروغی، داریوش؛ قاسم‌زاد، پیمان. (۱۳۹۵). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر همزمانی قیمت سهام. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۸ (۱)، ۵۴-۳۹.
- کیا، علی؛ صفری گرایلی، مهدی. (۱۳۹۶). قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، مدیریت سود تعهدی و مدیریت واقعی سود: آزمون تجربی از بورس اوراق بهادار تهران، *دانش حسابداری مالی*، ۴ (۲)، ۱۳۷-۱۱۵.
- مشایخی، بیتا؛ سیدی، سیدجلال. (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی. *دانش حسابداری*، ۶ (۲۰)، ۱۰۳-۸۳.
- مهرروز، فاطمه؛ مرفوع، محمد. (۱۳۹۵). رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با آگاهی بخشی قیمت سهام در خصوص سودهای آتی، *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۲ (۴۹)، ۸۳-۱۱۰.

- Attig, N. , Fong, W. M. , Gadhoum, Y. , Lang, L. (2006). Effects of large shareholding on information asymmetry and stock liquid. *Available at URL: [www.elsevier.com/locate/jbf](http://www.elsevier.com/locate/jbf)*.
- Balakrishnan, K. , Blouin, J. , Guay, W. (2012). Does tax aggressiveness reduce financial reporting transparency? Working Paper. London Business School.
- Barth, M. E. , R. Landsman, W. , H. Lang, M. , &D. Williams, C. (2013). Effects on comparability and capital market benefits of voluntary adoption of IFRS by US Firms: Insights from voluntary adoption of IFRS by non-US Firms. Working Paper. Stanford University, University of North Carolina at Chapel Hill, and University of Michigan. available at: <http://ssrn.com/abstract=2196247>.
- Bhattacharya, N. , Desai, H. , Venkataraman. K. (2009). Earnings quality and information asymmetry. Available at URL: <http://www.ssrn.com>.
- Cai, J. , Liu, Y. , Qian, Y. , Yu, M. (2015). Information Asymmetry and Corporate Governance. available at: <http://ssrn.com/>.
- Chen, C. , Collins, D. , Kravet, T. , Mergenthaler, R. (2016). Financial statement comparability and the efficiency of acquisition decisions. *Contemporary Accounting Research*, Forthcoming.
- Chen, X. Hu, N. Wang, X. Tang, X. (2014). Tax avoidance and firm value: evidence from China, *Nankai Business Review International*, 5 (1) , 25-42.
- Choi, J. , Choi, S. , Myers, L. , Ziebart, D. (2015). Financial statement comparability and the informativeness of stock prices about future earnings. Working Paper. *Seoul National University*.
- Darabi, R. , Pashanejad, Y. , Tadayonfard, E. (2017). Examination of the Relationship between Social Responsibility, Economic Performance and Tax Avoidance in Companies Listed in the Tehran Stock Exchange. *Journal of Iranian Accounting Review*, 4 (15) , 67-92. (In Persian)
- Davari, A. and Rezazadeh, A. (2013). Structural Equation Modeling with PLS Software. *Jahad University Press, Tehran, Second Edition*. (In Persian)
- De Franco, G. , Kothari, S. , Verdi, R. (2011). The Benefits of Financial Statement Comparability, *Journal of Accounting Research*, 49 (4) , 895-931.
- Desai, M. A. , & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79, 145-179.
- Fakhari, H. , Rezaei Pitenoiei, Y. (2017). Explaining a Model for Measuring Corporate Information Environment, *Quarterly financial accounting journal*, 9 (33) , 121-147. (In Persian)

- Fakhari, H. , Rezaei Pitenoei, Y. (2017). The impact of audit committee and its characteristics on the firms' information environment. *Iranian Journal of Management Studies*, 10 (3) , 573-594.
- Fakhari, H. , Rezaei Pitenoei, Y. (2018). Impact of Audit committee on the Companies Information Environment, *Management Accounting*, 11 (36) , 63-79. (In Persian)
- FASB (Financial Accounting Standards Board). (2010). Statement of Financial Accounting Concepts No. 8. Conceptual Framework for Financial Reporting, Chapter 1, the Objective of General Purpose Financial Reporting, and Chapter 3, Qualitative Characteristics of Useful Financial Information. Norwalk, CT: FASB.
- Fornell, C. , Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error, *Journal of Marketing Research*, 18 (1) , 39-50.
- Foroghi, D. , Ghasemzad, P. (2016). The Effect of Financial Statements Comparability on Stock Price Synchronicity, *Journal of Financial Accounting Research*, 8 (1) , 39-54. (In Persian)
- Gallemore, J. , Labro, E. (2015). The importance of the internal information environment for tax avoidance, *Journal of Accounting and Economics*, 60 (1) , 149-167.
- Graham, J. , Tucker, A. (2006). Tax shelters and corporate debt policy. *Journal of Financial Economics*, 81 (3) ,563-594.
- Habib, A. , Hasan, M. and Alhadi, A, K. (2018). Financial Statement Comparability and Idiosyncratic Return Volatility. *International Review of Finance*, Forthcoming.
- Habib, A. , Hasan, M. and Alhadi, A, K. (2017). Financial Statement Comparability and Corporate Cash Holdings. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 13 (3) , 304-321.
- Hanlon, M. , Heitzman, S. , (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50,127-178.
- Hulland, J. (1999). Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies. *Strategic Management Journal*, 20 (2): 195-204.
- Jensen, M. C. & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency cost and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3 (4) , 305-360.
- Imhof, M. , J. , Seavey, S. , E. & Smith, D. (2017). Comparability and Cost of Equity Capital, *Accounting Horizons*, 31 (2) , 125-138.
- Kang, M. , Kim, J. W. , Lee, H-Y. , Lee, M-G. (2015). Financial statement comparability and audit Efficiency: evidence from South Korea. *Journal of Applied Economics*, 48 (4) , 358-373.

- Kia, A. , Safari Gerayli, M. (2017). Financial Statements Comparability, Accrual-based Earnings Management, Real Earnings Management; An empirical test of Tehran Stock Exchange, *Accounting Empirical Research of Financial*, 4 (2) , 115-137. (In Persian)
- Kim, J. B. , Li, L. , Lu, L. Y. , Yu, Y. (2016). Financial statement comparability and expected crash risk, *Journal of Accounting and Economics*, 61 (2-3) , 294-312.
- Kim, S. , Kraft, P. , Ryan, S. (2013). Financial statement comparability and credit risk. *Journal of Review of Accounting Studies*, 18 (3) , 783-823.
- Khodamipour, A. , Sheybani Tezerji, A. (2018). Investigating the Moderating Role of Real Earnings Management on the relationship between Customer Concentration and Tax Avoidance- Evidence from Tehran Stock Exchange, *Journal of accounting Knowledge*, doi: 10. 22103/jak. 2018. 10582. 2445 (In Persian).
- Lanis, R. and Richardson, G. (2012). Corporate Social Responsibility and Tax Aggressiveness: An Empirical Analysis, *Journal of Accounting and Public Policy*, 28 (5) , 86-108.
- Liao, C. H. (2009). Does corporate governanc reduce information asymmetry of intangibles? Ph. D Dissertation, Available at URL: <http://proquest.umi.com>.
- Mashaykhi, B. , Seyyedi, S. (2015). Corporate Governance and Tax Avoidance, *Journal of accounting Knowledge*, 6 (20) , 83-103. (In Persian)
- Mehrvarz, F. , Marfou, M. (2016). The Relationship between Financial Statements Comparability with Stock Price in Formativeness about Future Earnings, *Empirical Studies in Financial Accounting*, 13 (49) , 83-110. In Persian)
- Mohd, E. (2005). Accounting for Software development costs and information asymmetry, *The Accounting Review*, 80 (4) , 1211-1231.
- Rezaei, F. , Jafariniraki, R. (2015). The Relationship between Tax avoidance and firms' Accounting fraud, *Tax research*, 23 (26) , 109-134. (In Persian)
- Rezaei Pitenoei, Y. , Safari Gerayli, M. , & Norouzi, M. (2019). Modeling the moderating role of corporate governance in the relationship between social trust and tax avoidance, *Empirical Research in Accounting*, 9 (34) , 221-246. (In Persian).
- Safari Gerayli, M. , Poodineh, Sh. (2016). Tax Avoidance and Timeliness of Earnings Announcement: A Case Study of Tehran Stock Exchange, *Tax Research*, 24 (31) , 101-118. (In Persian).
- Sohn, B. C. (2016). The effect of accounting comparability on the accrual-based and real earnings management, *Journal of Accounting and Public Policy*, 35 (5) , 513-539.



- Suk, I. , Zhao, Y. (2017). Does Financial Statement Comparability Deter Aggressive Tax Avoidance? Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3065250>
- Wasan, S. , Boone, J. P. (2010). Do accruals exacerbate information asymmetry in the market? *Advances in International Accounting*, 26 (1) , 66-78.



## شبیه‌سازی هزینه‌های نمایندگی در رابطه مدیر - مالک با استفاده از رویکرد پویایی‌شناسی سیستمی: مورد مطالعه پتروشیمی شیراز

محمد حسین ستایش\*، علی غیوری مقدم\*\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۲۷

مقاله پژوهشی

### چکیده

هدف این پژوهش ارائه مدل هزینه‌های نمایندگی و شبیه‌سازی این هزینه‌ها برای شرکت پتروشیمی شیراز در یک دوره ۱۰۰ ماهه است. به منظور تدوین مدل هزینه‌های نمایندگی، ابتدا با روش شناخت تاریخی در چارچوب مطالعات کتابخانه‌ای، به استخراج متغیرها، مکانیسم‌ها و روابط موجود بین آن‌ها پرداخته شد. سپس با استفاده از نرم‌افزار ونسیم دی‌اس‌اس مدل کلی و کاربردی در خصوص شبیه‌سازی هزینه‌های نمایندگی مدیر - مالک برای شرکت پتروشیمی شیراز ارائه و اجرا گردید. با اجرای مدل تدوین شده، مشخص گردید که هزینه‌های نمایندگی شرکت مورد بررسی در طی ۱۰۰ ماه پیوسته افزایش خواهد یافت. لذا، جهت کاهش هزینه‌ها، سیاست‌های متعددی وضع گردید. این سیاست‌ها عبارتند از: اعطای مالکیت سهام (به عنوان پاداش) به مدیر، افزایش بدهی و کارایی هیئت‌مدیره. نتایج نشان داد که هر یک از سیاست‌های مذکور به تنهایی و به صورت ترکیبی می‌تواند به صورت قابل توجهی هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند. معرفی نگرش سیستمی در پژوهش‌های حوزه حسابداری به طور ویژه هزینه‌های نمایندگی مدیر - مالک نوآوری این پژوهش است.

**واژه‌های کلیدی:** هزینه‌های نمایندگی مدیر - مالک، پویایی‌های سیستمی، شبیه‌سازی.

طبقه بندی موضوعی: E17

DOI: 10.22051/jera.2018.21644.2148

\*استاد بخش حسابداری دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، (Setayesh@shirazu.ac.ir).

\*\*استادیار گروه حسابداری دانشکده کسب و کار و اقتصاد دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران، (نویسنده مسئول).

(Ali.ghauory@gmail.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

### مقدمه

تاکنون پژوهش‌های بی‌شماری در حوزه نمایندگی انجام شده است. عمده این پژوهش‌ها تلاش کرده‌اند با معرفی مکانیسم خاصی مانند مکانیسم بدهی (جنسن، ۱۹۸۶؛ هاروی و شریوز، ۲۰۰۱؛ برگر و پاتی، ۲۰۰۶؛ فلوراکیس، ۲۰۰۸؛ دملو و میراندا، ۲۰۱۰ و بلقیتار و کلارک، ۲۰۱۵)، مکانیسم سود نقدی (جنسن و همکاران، ۱۹۹۲ و آفیسر، ۲۰۱۱)، مکانیسم ساختار و فرایند هیئت‌مدیره (بایرد و هیکن، ۱۹۹۲؛ هاروی و شریوز، ۲۰۰۱؛ اندرسون و همکاران، ۲۰۰۴ و بلقیتار و کلارک، ۲۰۱۵)، مکانیسم مالکیت داخلی و پاداش مدیران (براش و همکاران، ۲۰۰۰؛ دوکاس و همکاران، ۲۰۰۰؛ اورترز-ملونیا، ۲۰۰۶؛ بلقیتار و کلارک، ۲۰۱۵ و آیونا و لیونیدا، ۲۰۱۶)، مکانیسم حسابرسی (گریفن و همکاران، ۲۰۱۰؛ کویب و جاربوی، ۲۰۱۴؛ بلقیتار و کلارک، ۲۰۱۵ و ایلوید و جاربوی، ۲۰۱۷) و... در کاهش هزینه‌ها و تضاد نمایندگی کمک کنند. با این وجود نتایج ارائه شده توسط این پژوهش‌ها از قابلیت اتکا و جامعیت لازم به دلایل ارائه شده در زیر برای استفاده در عمل برخوردار نیست.

۱. نگرش تک بعدی و عدم توجه به همه متغیرها و مکانیسم‌ها. به طور نمونه براش و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند که مالکیت داخلی می‌تواند اثر نامساعد وجه نقد آزاد را کاهش دهد. در حالی که مالکیت داخلی به عنوان یک مکانیسم پاداش، از طریق افزایش ریسک‌پذیری مدیر، منجر به افزایش بدهی شده و وجه نقد آزاد را کاهش می‌دهد. لذا، عدم توجه به این دو متغیر واسطه‌ای، کار سیاست‌گذاری را با شکست مواجه خواهد کرد. همچنین، نادیده گرفتن روابط و متغیرهای دیگر از جمله، اثر بدهی بر هزینه بهره و وجه نقد، اثر بدهی بر کم‌سرمایه‌گذاری (مایرز، ۱۹۷۷)، اثر بدهی بر نامتقارنی اطلاعات (فوسو و همکاران، ۲۰۱۶)، اثر کیفیت حسابرسی بر نامتقارنی اطلاعات (کویب و جاربوی، ۲۰۱۴) و... نیز از قابلیت اتکا به نتایج این‌گونه پژوهش‌ها به منظور سیاست‌گذاری در جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی را به شدت می‌کاهد.

۲. عدم توجه به همبستگی بین متغیرها و مکانیسم‌ها. همانطور که اگراول و کنوبر (۱۹۹۶) نشان می‌دهد بین متغیرها و مکانیسم‌های مرتبط با تضاد نمایندگی همبستگی وجود دارد.

بنابراین، حتی اگر پژوهشی همه متغیرها را نیز مورد توجه قرار دهد باز با مشکلات مرتبط با همبستگی متغیرها و ناتوانی روش‌های تجزیه تحلیل (مانند رگرسیون) در حل مشکل مواجه خواهد شد.

۳. عدم توجه به روابط بازخوردی. نگاه غالب در این پژوهش‌ها، عمدتاً خطی بوده و در نتیجه توانایی سنجش تأثیرات بازخوردی ناشی از سیاست‌گذاری‌ها را نداشته‌اند. برای مثال نامتقارنی اطلاعات هزینه‌های نمایندگی را افزایش داده، افزایش در هزینه‌های نمایندگی منجر خواهد شد هیئت‌مدیره کیفیت حسابرسی بالاتری را طلب کند، افزایش کیفیت حسابرسی نیز می‌تواند نامتقارنی اطلاعات را کاهش دهد. این چرخه بازخوردی صرفاً نمونه‌ای ساده از یک رابطه بازخوردی موجود است.

مطابق با نگرش سیستمی، ویژگی‌های مهم یک سیستم از تعامل بین اجزاء آن بوجود می‌آید نه از فعالیت‌های جداگانه آن‌ها. بنابراین، وقتی سیستم تجزیه شود، ویژگی‌های مهم خود را از دست می‌دهد (رضایان، ۱۳۸۳: ۶۵). به عبارتی، اگر مکانیسم بدهی، حسابرسی و یا پاداش به تنهایی به منظور فرونشاندن تضاد نمایندگی مورد بررسی قرار گیرد نه تنها نخواهد توانست به حل مشکل کمک کند بلکه ممکن است به دلیل هزینه‌هایی که می‌تواند به شرکت تحمیل کند وضع را وخیم‌تر کند. مسئله‌ای که پژوهش‌های پیشین آن را مورد توجه قرار نداده‌اند و صرفاً با بررسی یک یا چند مکانیسم، به دنبال تدوین سیاست‌های کاهش هزینه‌های نمایندگی مدیر-مالک بوده‌اند. لذا، نتیجه پژوهشی که نه به همه مکانیسم‌ها توجه کرده و نه به همه روابط موجود بین آن‌ها (به طور ویژه روابط بازخوردی) نمی‌تواند اطمینان لازم برای بهبود شرایط را فراهم کند، البته اگر وضعیت را بدتر از آنچه بوده است نکند. بنابراین، برای رفع این خلأ، در بررسی هزینه‌های نمایندگی مدیر-مالک لازم است آن را به عنوان یک سیستم مورد توجه قرار داد و با یک نگرش سیستمی به آن نگاه کرد.

در صورتی که هزینه‌های نمایندگی مدیر-مالک به عنوان یک سیستم در نظر گرفته شود، اجزای آن متنگاره از همه مکانیسم‌ها (بدهی، حسابرسی، رقابت در بازار محصول، هیئت‌مدیره و...) و متغیرهای (نامتقارنی اطلاعات، وجه نقد آزاد، استحکام مدیر، بیش و کم سرمایه‌گذاری و...) مهمی است که یا آن را کنترل می‌کنند و یا منجر به افزایش آن می‌گردند. با در نظر گرفتن اینکه این اجزا با یکدیگر نیز ممکن است روابطی داشته باشند (مانند اثر وجه نقد آزاد

بر بیش سرمایه‌گذاری، اثر بدهی بر کم سرمایه‌گذاری، اثر هیئت‌مدیره بر بدهی، اثر حسابرسی بر نامتقارنی اطلاعات و... که می‌تواند این روابط بازخوردی نیز باشد (مانند اثر هزینه‌های نمایندگی بر حسابرسی، حسابرسی بر نامتقارنی اطلاعات و نامتقارنی اطلاعات بر هزینه‌های نمایندگی) پیچیدگی غیر قابل‌تصور بر مسئله حاکم می‌گردد. بنابراین، پرواضح است که بررسی چنین مسئله پیچیده‌ای از توان روش‌هایی چون رگرسیون که عمده پژوهش‌های پیشین از آن استفاده نموده‌اند نه تنها خارج است بلکه در صورت استفاده از آن نتیجه بدست آمده، با دید خوش‌بینانه، نمی‌تواند تب هزینه‌های نمایندگی را فرونشاند. لذا، ضروری است بررسی جزیره‌ای به گوشه‌ای رانده شده و طرحی نو در انداخته شود. طرحی که نگرش سیستمی مرکز ثقل آن را تشکیل می‌دهد.

بنابراین، به منظور غلبه بر مشکلات پیش‌گفته و پر کردن حلاء موجود، پژوهش حاضر با به کارگیری رویکرد پویای شناسی سیستمی تلاش می‌کند با طراحی مدلی کلی‌نگر و اجرای آن در شرکت پتروشیمی شیراز (به عنوان نمونه مورد مطالعه)، نتایج و یافته‌های با قابلیت اعتماد و اتکای بالا تولید و به جامعه عرضه کند.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### مبانی نظری پژوهش

ریشه تضاد منافع بین مدیر و مالک را می‌توان در توزیع قدرت بین سهامداران که مالک شرکت هستند و مدیران که کنترل دارایی‌های شرکت را در اختیار دارند جستجو کرد. این موضوع به عنوان تضاد نمایندگی شناخته می‌شود و از تفاوت اساسی در موقعیت سهامداران و مدیران نشأت می‌گیرد. در حالی که سهامداران در موقعیتی قرار دارند که به سرعت ثروت خود را متنوع می‌کنند، مدیران عمدتاً سرمایه انسانی و اغلب سهم بزرگی از ثروت‌شان را به شرکت گره زده‌اند و لذا، ثروت‌شان از تنوع پایینی برخوردار است. مدیران غیر متنوع و ریسک‌گریز از انگیزه کافی جهت کاهش ریسک و هزینه‌های خود برخوردار بوده و صرفاً سرمایه‌گذاری‌های با ریسک کم یا بدون ریسک را می‌پذیرند. این موضوع می‌تواند منافع مالکان را به خطر اندازد (بلقیتار و کلارک، ۲۰۱۵ و اورترز-ملونیا، ۲۰۰۶). چنانچه شرکت ورشکسته شود، ثروت مدیران از بین خواهد رفت. بنابراین، دور از انتظار نیست که مدیران

ریسک‌گریز بر خلاف منافع مالکان دست به اقداماتی بزنند (مانند، استفاده کمتر از بدهی) که از چنان ریسکی‌رهایی یابند. برای رفع این مشکل و همراستا کردن منافع، پژوهش‌های بی‌شماری انجام شده است. همان‌طور که در مقدمه نیز اشاره شد، پژوهش‌های انجام شده مباحث متنوعی را مورد بررسی قرار داده و در ارائه یک مدل کلی‌نگر ناتوان بوده‌اند. با بررسی پژوهش‌های انجام شده در حوزه مذکور، مشخص گردید که این پژوهش‌ها ۹ مکانیسم مختلف که عمدتاً (به استثنای مکانیسم پاداش) نقش نظم‌دهندگی و نظارتی در رابطه نمایندگی مدیر-مالک دارند را به صورت جزیره‌ای و غیر پویا مورد بررسی قرار داده‌اند. این مکانیسم‌ها عبارتند از ۱. بدهی ۲. سود تقسیمی ۳. هیئت‌مدیره ۴. حسابرسی مستقل ۵. رقابت در بازار محصول ۶. تحلیلگران ۷. پاداش مدیران ۸. بازار کنترل شرکت و ۹. بازار کار مدیران. همچنین، در این پژوهش‌ها محرک‌ها (متغیرها) یا عوامل تشدیدکننده هزینه‌های نمایندگی شامل ۱. نامتقارنی اطلاعات ۲. وجه نقد آزاد ۳. بیش و کم سرمایه‌گذاری ۴. استحکام مدیر نیز معرفی و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در ادامه مبانی نظری پژوهش با توجه به این مکانیسم‌ها و متغیرها گروه‌بندی شده و ارائه می‌شود. شایان ذکر است که روابط و مباحث مطرح شده در این بخش و بخش بعدی مبنای ارائه نگاره (۱) یا مدل حالت و جریان هزینه‌های نمایندگی مدیر-مالک قرار می‌گیرد.

### مکانیسم بدهی و تقابل آن با فرصت‌های رشد

همان‌طور که جنسن (۱۹۸۶) بیان می‌کند بدهی یکی از ابزارهای مهم در کاهش هزینه‌های نمایندگی به شمار می‌آید. بدهی با افزایش هزینه‌های بهره می‌تواند وجه نقد آزاد را کاهش و منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی شود. به صورت مشابه برگر و پاتی (۲۰۰۶)، فلوراکیس (۲۰۰۸) و بلقیتار و کلارک (۲۰۱۵) نیز بر نقش نظم‌دهندگی بدهی تأکید داشتند.

جنسن (۱۹۸۶) برای مؤثر واقع شدن بدهی در کاهش هزینه‌های نمایندگی شرط قایل می‌شود و بیان می‌کند نقش کنترلی بدهی در واحدهایی که فرصت‌های رشد بالایی دارند از اهمیت کم‌تری برخوردار است. در همین راستا، هاروی و همکاران (۲۰۰۴) و فلوراکیس و اوزکان (۲۰۰۹) نیز این موضوع را تأیید کردند. مایرز (۱۹۷۷) نیز بیان می‌کند انتظار می‌رود شرکت‌های با فرصت‌های رشد بالا برای کاهش کم‌سرمایه‌گذاری از اهرم مالی کم‌تری استفاده کنند. همان‌طور که در نگاره (۱) به نمایش درآمده است فرصت‌های رشد بر روی

بدهی اثر می‌گذارد. لازم به ذکر است که این اثر به صورت معکوس در نظر گرفته شده است و از آنجا که مدل ارائه شده در نگاره (۱) مدل جریان و حالت است نمی‌توان نوع اثر را مشخص نمود.

### متغیر نامتقارنی اطلاعات

یکی از عواملی مهمی که می‌تواند بر هزینه‌ها و تضاد نمایندگی میان مدیر و مالک دامن بزند نامتقارنی اطلاعات است. همانطور که مایرز و ماجلوف (۱۹۸۴) بیان می‌کنند، نامتقارنی اطلاعات از طریق رد کردن پروژه‌های سودآور، هزینه‌های نمایندگی را افزایش می‌دهد.

در حقیقت، هنگامی که نامتقارنی اطلاعات وجود داشته باشد، تأمین مالی از طریق انتشار سهام در اولویت آخر قرار می‌گیرد. لذا، با افزایش نامتقارنی اطلاعات انتظار می‌رود منبع تأمین مالی که نسبت به اطلاعات حساسیت کم‌تری دارد (مانند بدهی) مورد استفاده قرار گیرد (فوسو و همکاران، ۲۰۱۶). در همین راستا، هی و همکاران (۲۰۱۳) این موضوع را مورد تأیید قرار دادند. از طرفی، هنگامی که یک شرکت از اهرم مالی بالایی برخوردار باشد، سهامداران انگیزه‌ای برای تأمین سرمایه جدید حتی جهت پروژه‌های با ارزش خالص بازیافتی مثبت را نیز ندارد (کاشفی پور و خانسالار، ۲۰۱۵). همچنین، با افزایش نامتقارنی اطلاعات هزینه‌های بدهی افزایش یافته (هی و همکاران، ۲۰۱۳) و تأمین مالی از این طریق نیز مقرون به صرفه نخواهد بود. در نتیجه، این انعطاف‌پذیری مالی کم منجر به کم‌سرمایه‌گذاری و افزایش هزینه‌های نمایندگی خواهد شد.

از طرفی انتشار بدهی می‌تواند پیام‌هایی را به بازار منتقل کرده، منجر به کاهش هزینه‌های مرتبط با انتخاب نامطلوب شده و نامتقارنی اطلاعات را (البته با تأخیر زمانی) کاهش دهد (هاروی و شریوز، ۲۰۰۱). در همین راستا، فوسو و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند که اهرم مالی می‌تواند اثر معکوس نامتقارنی اطلاعات بر روی ارزش شرکت را کاهش دهد. بنابراین، می‌توان اثر متقابل برای بدهی و نامتقارنی اطلاعات متصور بود که در نگاره (۱) منظور شده است.



### مکانیسم سود تقسیمی و تقابل آن با فرصت‌های رشد

اثر سود تقسیمی بر هزینه‌های نمایندگی از طریق کاهش وجه نقد آزاد، یک مورد پذیرفته شده و بدیهی است. لذا، در این بخش به تقابل فرصت‌های رشد و سود تقسیمی پرداخته می‌شود. در نتیجه، به صورت غیر مستقیم اثر این تقابل بر هزینه‌های نمایندگی نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت.

فرصت‌های رشد می‌تواند سود تقسیمی را کاهش دهد. در واقع، انتظار می‌رود بین فرصت‌های رشد و سود تقسیمی ارتباط معکوسی وجود داشته باشد. زیرا ممکن است شرکت‌های سودآور بر سر دوراهی پرداخت سود نقدی یا سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید برای حفظ سهم از بازار خود باشند (جنسن و همکاران، ۱۹۹۲). در همین راستا، فاما و فرنچ (۲۰۰۱) و هوانگ و پوال (۲۰۱۷) نشان دادند که سود تقسیمی به طور معکوس تحت تأثیر فرصت‌های رشد قرار می‌گیرد. نگاره (۱) این رابطه را نشان می‌دهد.

فرصت‌های رشد از طریق کاهش سود تقسیمی وجه نقد آزاد را افزایش می‌دهد، که در نتیجه، می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌های نمایندگی شود. البته در سایه وجود هیئت‌مدیره کارا، کاهش سود تقسیمی به دلیل وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری، نمی‌تواند جای نگرانی داشته باشد. در حقیقت، هیئت‌مدیره با در نظر گرفتن میزان فرصت‌های رشد در خصوص میزان تقسیم سود تصمیم می‌گیرد.

### مکانیسم هیئت‌مدیره

هیئت‌مدیره وظیفه دارد در خصوص اینکه آیا شرکت توسط مدیر صلاحیت‌دار و در راستای منافع سهامداران اداره می‌شود یا خیر اطمینان کسب کند. برای انجام چنان وظیفه‌ای هیئت‌مدیره باید علاوه بر فراهم‌آوری مکانیسم‌های انگیزشی، به نظارت و کنترل عملکرد مدیر نیز پردازد (کورنلی و همکاران، ۲۰۱۳). در حقیقت، این مکانیسم می‌تواند نقش محوری در کنترل هزینه‌های نمایندگی داشته باشد. عمده مکانیسم‌های انگیزشی و نظم‌دهنده، تحت کنترل هیئت‌مدیره است. سود تقسیمی، پاداش، بدهی و کیفیت حسابرسی نمونه‌ای از مکانیسم‌هایی

است که تحت کنترل هیئت‌مدیره قرار می‌گیرد. در ادامه به نقش هیئت‌مدیره بر مکانیسم بدهی پرداخته می‌شود.

در صورت وجود یک هیئت‌مدیره کارا، اعتباردهندگان اعتماد بیش‌تری به شرکت خواهند کرد. بنابراین، انتظار می‌رود ارتباط مثبتی بین اهرم مالی و کارایی هیئت‌مدیره برقرار باشد (فلوراکیس و اوزکان، ۲۰۰۹). در حقیقت، اعتباردهندگان نگران رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران هستند و در صورت وجود یک هیئت‌مدیره کارا نگرانی آن‌ها کم‌تر می‌شود.

اشبوق‌اسکایفی و همکاران (۲۰۰۶) نشان می‌دهند که کاهش نامتقارنی اطلاعات، افزایش در استقلال، مالکیت داخلی و تخصص و صلاحیت هیئت‌مدیره و وجود دوگانگی می‌تواند مانعی در مقابل فعالیت‌های فرصت‌طلبانه مدیر بوده و رتبه اعتباری شرکت را بهبود دهد. همچنین، برگر و همکاران (۱۹۹۷) نیز به نتیجه مشابهی دست یافتند. نگاره (۱) این اثر را به درستی به تصویر کشیده است.

همان‌طور که در نگاره (۱) نشان داده شده است در این پژوهش از کارایی هیئت‌مدیره به عنوان یک مکانیسم نظم‌دهنده هزینه‌های نمایندگی استفاده می‌شود. این مکانیسم خود به ۱۰ متغیر دیگر وابسته است که در پیشینه پژوهش به ارتباط مستقیم این متغیرها با کارایی هیئت‌مدیره اشاره شده است. این متغیرها عبارتند از: ۱. استقلال (حساس یگانه، ۱۳۹۵)، ۲. مالکیت داخلی یا پاداش هیئت‌مدیره (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۴) و اشبوق‌اسکایفی و همکاران، ۲۰۰۶)، ۳. صلاحیت و شایستگی (اشبوق‌اسکایفی و همکاران، ۲۰۰۶)، ۴. کمیته‌های تخصصی (پروتی و همکاران، ۲۰۱۸)، ۵. تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره (عباد و همکاران، ۲۰۱۷) و زالاتا و همکاران، ۲۰۱۸)، ۶. دوگانگی (اشبوق‌اسکایفی و همکاران، ۲۰۰۶)، ۷. آیین نامه هیئت‌مدیره (اشبوق‌اسکایفی و همکاران، ۲۰۰۶)، ۸. اندازه هیئت‌مدیره (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۴)، ۹. تخصص مالی اعضای هیئت‌مدیره عضو کمیته حسابرسی (زالاتا و همکاران، ۲۰۱۸) و بیلال و همکاران، ۲۰۱۸) و ۱۰. بازار کار (اندرسون و همکاران، ۲۰۰۴).

### مکانیسم حسابرسی

پژوهش‌های انجام شده در این حوزه عمدتاً به این موضوع پرداخته‌اند که کیفیت حسابرسی به عنوان یک مکانیسم نظارتی مستقل، بر کیفیت اطلاعات اثر می‌گذارد. در این زمینه

پژوهش‌های انجام شده از معیارهای متفاوتی به منظور در نظر گرفتن کیفیت حسابرسی استفاده کرده‌اند. گروهی کیفیت حسابرسی را در عضو چهار بزرگ بودن دانسته‌اند و گروهی دیگر ساعات کاری، دستمزد و تعداد مشتریان در صنعت و... استفاده کرده‌اند. به طور کلی، اثر کیفیت حسابرسی بر نامتقارنی اطلاعات و انتخاب عوامل تخصص، تجربه، شهرت و تلاش (در نگاره ۱) بر اساس گرفتن و همکاران (۲۰۱۰)، کوایب و جاربوی (۲۰۱۴) و ایلوید و جاربوی (۲۰۱۷) و اثر هزینه‌های نمایندگی بر کیفیت حسابرسی نیز بر اساس گرفتن و همکاران (۲۰۱۰) و بلقیتار و کلارک (۲۰۱۵) بوده است.

### مکانیسم رقابت در بازار محصول

مکانیسم رقابت در بازار محصول می‌تواند با افزایش کارایی مدیر در حل تضاد نمایندگی کمک کند. با افزایش رقابت در بازار محصول در صورت ضعیف عمل کردن مدیر، شرکت با خطر انحلال مواجه می‌شود. لذا این خطر، مدیران را به کار و تلاش بیش‌تری برای بهبود کارایی شرکت و حفظ جایگاه شغلی خود وادار می‌کند. اثر انحلال بر تلاش مدیر با توجه به محدودیت ثروت مدیر و عدم تنوع آن منطقی به نظر می‌رسد (اسچمیدت، ۱۹۹۷). در همین راستا، باگژ و دی بتیگنس (۲۰۰۷) نشان دادند که افزایش رقابت در بازار محصول منجر به افزایش کارایی و عملکرد مدیر می‌شود. نگاره (۱) نشان می‌دهد که این متغیر می‌تواند منجر به بهبود کارایی مدیر شود.

### مکانیسم تحلیلگران

این بحث وجود دارد که تجزیه تحلیل اوراق بهادار می‌تواند مانند مؤسسات رتبه‌بندی اعتباری یا اعضای غیر موظف هیئت مدیره به عنوان یک مکانیسم نظارتی مهم هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶ و دوکاس و همکاران، ۲۰۰۵). در حقیقت، تحلیلگران با جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و در نتیجه کاهش نامتقارنی اطلاعات است که می‌توانند هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند (دوکاس و همکاران، ۲۰۰۵). لذا، انتظار می‌رود وجود تحلیلگران در بازار به عنوان یک مکانیسم نظارتی بتواند در فرونشاندن هزینه‌های نمایندگی مؤثر واقع شود. اثر این متغیر بر روی هزینه‌های نمایندگی به صورت غیر مستقیم از طریق کاهش نامتقارنی اطلاعات در نگاره (۱) نشان داده شده است.

### مکانیسم پاداش

پاداش مدیر اشکال متنوعی می‌تواند داشته باشد که در اینجا به سه نوع رایج و متداول پرداخته می‌شود. سه نوعی که عمده ادبیات تجربی به آن‌ها پرداخته و مورد بررسی قرار داده‌اند. این سه نوع عبارتند از پاداش به نگراره مالکیت سهام، اعطای اختیار معامله و یا پاداش نقدی. به طور کلی پاداش مدیر به دو طریق می‌تواند بر هزینه‌های نمایندگی اثر بگذارد. یک اثر آن بر کارایی مدیر و دومی بر تأمین مالی شرکت است (نگاره ۱). در باب اثر آن بر کارایی مدیر پیش از این در مباحث نظری بحث شد. لذا، در ادامه به اثر آن بر تأمین مالی پرداخته می‌شود.

در پژوهش‌های اخیر دو فرضیه همراستایی منافع و استحکام‌سازی مورد بررسی قرار گرفته است و بر اساس این فرضیه‌ها پیش‌بینی می‌شود رابطه بین مالکیت داخلی مدیر (به عنوان اولین مکانیسم پاداش) و اهرم مالی غیر خطی باشد. به عبارتی، انتظار بر این است هنگامی که مالکیت مدیریتی پایین است فرضیه همراستایی منافع غالب شده و اهرم مالی زیاد شود و هنگامی که مالکیت داخلی مدیر زیاد است فرضیه استحکام‌سازی نقش مؤثرتری داشته باشد و سطح اهرم مالی کاهش یابد (فلوراکیس و اوزکان، ۲۰۰۹ و سان و همکاران، ۲۰۱۶). در همین راستا، سان و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند که ارتباط بین مالکیت مدیریتی و اهرم مالی به صورت غیر خطی است.

استحکام‌سازی مدیر تأثیرهای مخرب دیگری نیز دارد. مشابه یافته‌های استالز (۱۹۸۸) یک مدیر با جایگاه مستحکم می‌تواند مانع اعمال کنترل بر شرکت شود. در بخش بعدی به مکانیسم بازار کنترل شرکت پرداخته خواهد شد.

بسته پاداش اختیار معامله مبتنی بر نوسان بازده سهم به عنوان مکانیسم دیگر پاداش، می‌تواند ریسک را در نظر مدیر ارزشمندتر جلوه دهد. لذا، با افزایش آن، مدیر سیاست‌های مالی و سرمایه‌گذاری ریسکی‌تر و نوسان‌بیش‌تر بازده را می‌پسندد. در همین راستا، اورتز-ملونیا (۲۰۰۶) نشان دادند که بسته پاداش مبتنی بر اختیار معامله پذیرش ریسک مدیر را افزایش می‌دهد. در نتیجه، می‌توان انتظار پذیرش بدهی بیش‌تری را از جانب مدیر داشت.

سومین نوع از مکانیسم پاداش، پاداش نقدی است. پاداش نقدی بر خلاف پاداش وابسته به عملکرد و قیمت سهام هیچ ریسکی را به مدیر تحمیل نمی‌کند. انتظار می‌رود سطح بالای پاداش نقدی منجر به استحکام جایگاه مدیریت گردد. به عبارتی، مدیران ریسک‌گریز در چنین شرایطی بیش‌تر درگیر سیاست‌هایی در شرکت خواهند شد که منافع خودشان به هزینه مالکان تأمین شود (بلیتار و کلارک، ۲۰۱۵). اثر مکانیسم پاداش و اشکال آن بر هزینه‌های نمایندگی به صورت غیر مستقیم از طریق اثر آن‌ها بر کارایی و ریسک‌پذیری مدیر در نگاه (۱) نشان داده شده است.

### مکانیسم بازار کنترل شرکت

مکانیسم بازار کنترل شرکت از طریق افزایش احتمال اعمال کنترل، می‌تواند کارایی مدیر را افزایش و هزینه‌های نمایندگی را مشابه نگاره (۱) کاهش دهد. به عبارتی، اگر مدیر ناکار باشد، ارزش شرکت کاهش یافته و در نتیجه آن احتمال اعمال کنترل شرکت افزایش می‌یابد. چرا که یک مهاجم آگاهی لازم در این خصوص دارد که دلیل ارزش پایین شرکت، شرایط بد محیطی است یا عملکرد مدیر (اسکارفستین، ۱۹۸۸). لذا، مکانیسم بازار کنترل شرکت می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده عمل کند. به این صورت که در نتیجه عملکرد ضعیف یک مدیر احتمال تحویل آن شرکت افزایش یافته و با تغییر مالکان، جابه‌جایی مدیر نیز محتمل می‌گردد. بنابراین، در چنین شرایطی مدیر از انگیزه کافی برای کاهش تضاد منافع برخوردار خواهد بود (جنسن و روباک، ۱۹۸۳ و آتاناسو، ۲۰۱۳).

### مکانیسم بازار کار مدیران

مکانیسم دیگری که نقش مهمی را می‌تواند در فرونشاندن هزینه‌های نمایندگی ایفا کند بازار کار مدیران است. سوابق عملکرد یک مدیر شامل موفقیت‌ها و شکست‌ها، اطلاعاتی هستند که میزان توانایی و استعداد آن مدیر را به بازار کار مخابره می‌کنند. لذا، اگرچه منافع مدیران ممکن است تحت تأثیر عملکرد جاری‌شان قرار نگیرد اما میزان موفقیت یا شکست آن‌ها بر میزان دستمزد آینده‌شان تأثیر خواهد داشت (فاما، ۱۹۸۰). بنابراین، انتظار می‌رود این مکانیسم بتواند نقش مؤثری در افزایش کارایی مدیران مشابه نگاره (۱) داشته باشد. رابطه بین

مکانیسم بازار کار و کارایی مدیر دوسویه پیش‌بینی می‌شود چرا که بهبود عملکرد مدیر شرایط بهتری را برای وی در بازار کار رقم خواهد زد.

### متغیر بیش و کم سرمایه‌گذاری

بیش و کم سرمایه‌گذاری آفت منافع سهامداران است. یک مدیر می‌تواند با صرف وجوه نقد آزاد در مسیر بیش سرمایه‌گذاری دست به استحکام جایگاه خود بزند (شلیفر و ویشنی، ۱۹۸۹). در همین راستا شلیفر و ویشنی (۱۹۸۹) بیان می‌کنند، اعضای هیئت‌مدیره می‌تواند منافع را همراستا کند.

اما کم سرمایه‌گذاری از دیگر موضوع‌هایی است که در حوزه نمایندگی به آن پرداخته شده است. مایرز و ماجلوف (۱۹۸۴) بیان کردند در هنگام تأمین مالی، اگر نامتقارنی اطلاعات برطرف نشود، بازار مدیر را با کاهش قیمت سهام یا افزایش نرخ بهره جریمه خواهد کرد که نتیجه آن افزایش هزینه سرمایه است. در نتیجه، آثار نامتقارنی اطلاعات محدودیت در تأمین مالی و رد کردن پروژه‌های سودآور خواهد بود که در ادبیات تئوری نمایندگی تحت عنوان کم سرمایه‌گذاری یاد می‌شود. به بیان دیگر، نامتقارنی اطلاعات منجر به افزایش تأمین مالی از طریق بدهی شده و هنگامی که یک شرکت از اهرم مالی بالایی برخوردار باشد، سهامداران انگیزه‌ای برای تأمین سرمایه جدید حتی جهت پروژه‌های با ارزش خالص بازیافتنی مثبت را نیز ندارند (کاشفی پور و خانسالار، ۲۰۱۵)، از طرفی هزینه‌های بدهی افزایش یافته که تأمین مالی از این طریق نیز مقرون به صرفه نخواهد بود. در نتیجه، این انعطاف‌پذیری مالی کم منجر به کم سرمایه‌گذاری خواهد شد. بنابراین، انتظار می‌رود افزایش نامتقارنی اطلاعات و متعاقب آن افزایش بدهی (با تأخیر زمانی) منجر به کم سرمایه‌گذاری شده و با کاهش کارایی مدیر هزینه‌های نمایندگی را افزایش دهد (نگاره ۱).

انتظار می‌رود بتوان از طریق مکانیسم پاداش مشکل بیش و کم سرمایه‌گذاری را کنترل کرد. در همین راستا، هادلوک و همکاران (۱۹۹۸) نشان دادند که یک رابطه غیر خطی بین مالکیت داخلی مدیر و کارایی سرمایه‌گذاری شرکت وجود دارد. به عبارتی، هنگامی که سطح مالکیت داخلی پایین است سرمایه‌گذاری‌ها کارا و هنگامی که مالکیت داخلی زیاد می‌شود،

استحکام‌سازی مدیریت افزایش یافته و کارایی سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. این رابطه نیز در نگاره (۱) به صورت غیر مستقیم از طریق استحکام‌سازی مدیر نشان داده شده است.

### پیشینه پژوهش

در این بخش مشابه با طبقه‌بندی ارائه شده در بخش مبانی نظری به بیان خلاصه‌ای از نتایج به دست آمده در پژوهش‌های پیشین پرداخته می‌شود.

### مکانیسم بدهی

هاروی و شریوز (۲۰۰۱) نشان دادند که ارتباط بین اهرم مالی و مکانیسم پاداش، معکوس و معنادار است که بر نقش جانشینی بین این دو دلالت دارد.

برگر و پاتی (۲۰۰۶) و فلوراکیس (۲۰۰۸) با پژوهش خود مهر تأییدی بر نقشی کنترلی که جنسن (۱۹۸۶) برای بدهی متصور بود می‌زنند.

دملو و میراندا (۲۰۱۰) با بررسی نقش بدهی در تأثیرگذاری بر بیش‌سرمایه‌گذاری، نشان دادند که افزایش بدهی در شرکت‌هایی که بیش‌سرمایه‌گذاری دارند منجر به کاهش مخارج سرمایه‌ای غیر نرمال می‌شود.

بلقیتار و کلارک (۲۰۱۵) نشان دادند که بدهی با کاهش وجه نقد آزاد در دسترس مدیر، هزینه‌های نمایندگی را کاهش می‌دهد.

از پژوهش‌های داخلی نیز می‌توان به احمد پور و پاکدلان (۱۳۹۳) و غیوری مقدم و حاجب (۱۳۹۴) اشاره کرد که نشان دادند بدهی می‌تواند در کنترل هزینه‌های نمایندگی مؤثر واقع شود.

### متغیر نامتقارنی اطلاعات

دوکاس و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند که افزایش فعالیت‌های تحلیلگران باعث افزایش ارزش شرکت و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود.

چانگ و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری هزینه‌های نمایندگی کاهش می‌یابد.

نمازی و رضایی (۲۰۱۶) نشان دادند که رابطه معکوسی بین معیارهای مختلف اطلاعات کیفیت سود با هزینه‌های نمایندگی وجود دارد.

کیو و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که افزایش کیفیت گزارشگری مالی توانایی مدیر در بهره‌برداری از منابع شرکت به نفع خود را کاهش می‌دهد.

ستایش و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که نامتقارنی اطلاعات عامل اصلی کم‌سرمایه‌گذاری تلقی شده و بهبود کیفیت اطلاعات می‌تواند کارایی سرمایه‌گذاری را افزایش دهد.

### مکانیسم سود تقسیمی

مطابق یافته‌های آفیسر (۲۰۱۱) اعلام اولیه تقسیم سود در شرکت‌های با فرصت‌های رشد کم و وجه نقد آزاد زیاد، عکس‌العمل مثبت بازار را در پی دارد.

چو و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که سود نقدی می‌تواند به عنوان مکانیسم کنترلی تضاد نمایندگی عمل کند و همچنین، می‌تواند جانشینی برای استقلال هیئت‌مدیره محسوب گردد.

داتا و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که سود تقسیمی می‌تواند در فرونشاندن تضاد نمایندگی نقش مؤثری داشته باشد.

مکینا و وال (۲۰۱۶) نشان دادند که در شرکت‌های با سود تقسیمی کمتر، نامتقارنی اطلاعات به عنوان یک ویژگی بارز خودنمایی می‌کند.

یافته‌های پژوهش اعتمادی و اسمعیلی کجانی (۱۳۹۶) موید آن بود که بین فرصت‌های سرمایه‌گذاری و میزان سود تقسیمی رابطه معکوسی برقرار است.

### مکانیسم هیئت‌مدیره

هاروی و شریوز (۲۰۰۱) نشان دادند که اعضای غیر موظف هیئت‌مدیره به صورت مثبت و معناداری با مکانیسم پاداش انگیزشی مدیر ارتباط دارند.

اندرسون و همکاران (۲۰۰۴) نشان دادند که هزینه‌دهی به طور معکوسی با استقلال و اندازه هیئت‌مدیره در ارتباط است.



دی (۲۰۰۸) نشان داد که در شرکت‌هایی که هزینه‌های نمایندگی بیش‌تری دارند، ترکیب و عملکرد هیئت‌مدیره، پاداش مبتنی بر سهام هیئت‌مدیره و حسابرسی مستقل نقش مؤثرتری بر عملکرد شرکت دارند.

پینگ و جی کیونگ (۲۰۱۲) نشان دادند که استقلال هیئت‌مدیره، مالکیت سهام هیئت‌مدیره ارتباط معکوس با هزینه‌های نمایندگی دارد.

کای و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند کمیته حسابرسی می‌تواند کاهش هزینه‌های نمایندگی را سبب شود.

اووسی و ویر (۲۰۱۸) نشان دادند که کیفیت حسابرسی بالاتر، اندازه هیئت‌مدیره کوچک‌تر و کمیته پاداش می‌تواند هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد.

حیدری و همکاران (۱۳۹۵) به این نتیجه دست یافتند که نظام راهبری شرکتی می‌تواند در تقلیل تعارضات بین گروه مدیریت و سهامداران مفید واقع شود و هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد.

### مکانیسم حسابرسی

نتایج پژوهش‌گرفین و همکاران (۲۰۱۰) بیانگر آن بود که در شرکت‌های با وجه نقد آزاد بالا اعم از آنکه فرصت‌های رشد زیاد باشد یا کم، دستمزد حسابرسی بالا است.

هوپ و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که شرکت‌های با هزینه‌های نمایندگی بالاتر کیفیت حسابرسی بالاتری (عضو ۴ بزرگ) را طلب می‌کنند.

کوایب و جاربوی (۲۰۱۴) نیز نشان دادند شهرت حسابرس (عضو ۴ بزرگ) رابطه منفی با مدیریت سود دارد.

بلقیتار و کلارک (۲۰۱۵) نشان دادند که دستمزد حسابرسی به صورت معکوسی با هزینه‌های نمایندگی در ارتباط است.

ایلوید و جاربوی (۲۰۱۷) نشان دادند که تخصص و تجربه حسابرسان در صنعتی که شرکت مورد بررسی در آن فعالیت می‌کند می‌تواند منجر به افزایش کارایی سرمایه‌گذاری (کاهش بیش و کم سرمایه‌گذاری) شود.

حیدری و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند که افزایش کیفیت حسابرسان می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی و نامتقارنی اطلاعات شود.

### مکانیسم رقابت در بازار محصول

باگرو و دی‌بتینگس (۲۰۰۷) نشان دادند که رقابت در بازار محصول می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی و بهبود عملکرد مدیر شود. به عبارتی، آن‌ها نشان دادند که رقابت اثر مثبتی بر بهبود کیفیت، کاهش هزینه‌ها، افزایش انگیزه و تلاش کارکنان دارد.

چو و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که اثر نظم‌دهی رقابت بر روی مدیریت به خاطر ترس از انحلال شرکت است.

کو و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند که با افزایش رقابت در بازار، حساسیت مدیر نسبت به پرداخت‌های انگیزشی بیش‌تر شده و از انگیزه بیش‌تری برای فعالیت در مسیر ثروت سهامداران برخوردار خواهد شد.

تانگ (۲۰۱۸) بر نقش نظم‌دهی رقابت در بازار محصول بر تضاد نمایندگی تأکید می‌کند. دیانتی دیلمی و بیاتی (۱۳۹۴) نشان دادند که رقابت، باعث کاهش مشکلات نمایندگی بین مدیران و سهامداران شده و این موضوع به نوبه خود باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های کنترلی می‌شود.

### مکانیسم تحلیل‌گران مالی

فریس و همکاران (۱۹۹۵) نشان دادند که وجود تحلیلگران مالی می‌تواند از طریق پاسخ به تقاضای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران، هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد.

دو کاس و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند که تحلیلگران اوراق بهادار نه تنها به عنوان یک واسطه اطلاعاتی عمل می‌کنند بلکه به عنوان یک مکانیسم نظارتی بر تضاد نمایندگی نیز محسوب می‌شوند.

یافته‌های دو کاس و همکاران (۲۰۰۵) حاکی از آن است که تجزیه و تحلیل اوراق بهادار به عنوان یک مکانیسم نظارتی عمل می‌کند و می‌تواند هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد.

### مکانیسم پاداش

دو کاس و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند که مالکیت مدیریتی دارای یک رابطه غیر خطی (U وارونه) با هزینه‌های نمایندگی است.

اورتر-ملونیا (۲۰۰۶) نشان دادند که استفاده از اختیار معامله سهام در طرح‌های انگیزشی مدیران منجر به افزایش هزینه استقراض می‌گردد چرا که در این طرح مدیران ریسک‌پذیرتر می‌شوند.

جلینک و استورک (۲۰۰۹) نشان دادند که ارتباط بین مالکیت مدیریتی و هزینه‌های نمایندگی به صورت غیر خطی است به گونه‌ای که در ابتدا فرضیه هم‌راستاسازی منافع و با افزایش مالکیت فرضیه استحکام غالب می‌گردد.

آیونا و لیونیدا (۲۰۱۶) در بررسی نقش مالکیت مدیریتی در تطبیق سیاست‌های مالی نشان دادند که، رابطه مالکیت مدیریتی با اهرم مالی و میزان نگهداری وجه نقد به صورت U نگاره است. به عبارتی، آن‌ها فرضیه استحکام‌سازی مدیریتی را مورد تایید قرار دادند.

عبدی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که مالکیت مدیریتی ارتباط مثبت بین جریان‌های نقد آزاد و ناکارایی سرمایه‌گذاری را تضعیف می‌کند.

### مکانیسم بازار کنترل شرکت

گاروی (۱۹۹۲) بر نقش نظم‌دهی خطر اعمال کنترل بر روی رفتار مدیر تأکید می‌کند.

جرملی و ماستا (۲۰۱۶) نشان دادند مدیرانی که با قوانین ضد اعمال کنترل در حاشیه امنی قرار گرفته‌اند با هدف کاهش ریسک خود دست به بیش سرمایه‌گذاری و تحصیل سایر شرکت‌ها می‌زنند.

### متغیر بیش و کم سرمایه‌گذاری

فانگ و همکاران (۲۰۰۹) نشان دادند که تحصیل سایر شرکت‌ها (بیش سرمایه‌گذاری) می‌تواند هنگامی که مدیر درگیر رفتارهای فرصت‌طلبانه می‌شود نابود کننده ارزش و ثروت سهامداران باشد.

چن و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند بیش سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی که بیش‌ترین وجه نقد آزاد را دارند متمرکز می‌شود.

بتیکنس و روس (۲۰۱۳) بر تأثیر بیش سرمایه‌گذاری و تحصیل سایر شرکت‌ها بر افزایش هزینه‌های نمایندگی تأکید داشتند.

وو و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند که بیش سرمایه‌گذاری منجر به افزایش هزینه تلویحی سرمایه می‌شود.

برادران حسن زاده و تقی زاده خانقاه (۱۳۹۵) نشان دادند که هزینه‌های نمایندگی ارتباط معکوسی با کارایی سرمایه‌گذاری دارد.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر جهت‌گیری‌های پژوهشی، از نوع پژوهش توسعه‌ای می‌باشد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۶). چرا که به دنبال ارائه الگوی مفهومی و مشخص کردن نحوه ارتباط بین عوامل موثر بر اساس مبانی تئوریک و تجربی است و نتیجه آن تسهیل جریان تئوری در عینیت و ظهور و تجلی آن می‌باشد.

با توجه به اهداف و فرایند پژوهش، می‌توان دو مرحله کلی برای این پژوهش متصور بود. در مرحله اول مشابه خواجهی و محمدیان (۱۳۹۷) از طریق شناسخت تاریخی در چارچوب مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی جامع پیشینه پژوهش و استخراج متغیرهای مهم و روابط آن‌ها

در مسئله نمایندگی به طور خاص رابطه مدیر-مالک پرداخته و در مراحل بعدی پویایی شناسی سیستمی به منظور ارائه مدل و شبیه‌سازی هزینه‌های نمایندگی به کار گرفته می‌شود.

دیدگاه سیستمی برای شناسایی و تبیین رفتار غیرخطی سیستم‌های پیچیده و چگونگی تعامل آن‌ها با یکدیگر مطرح شده و با تمرکز بر فرآیند بازخورد و روابط علت و معلولی، قادر به شناخت و تبیین روابط بین سیستم‌های مختلف است (مصلح شیرازی و خلیفه، ۱۳۹۶). دیدگاه سیستمی یک روش شناسی است که به صورت ویژه برای تحلیل سیستم‌های پیچیده، بزرگ، غیرخطی و سیستم‌های کیفی اقتصادی اجتماعی به کار رفته (بهرامی و همکاران، ۱۳۸۶) و با دید کل‌نگر، مسائل دنیای واقعی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

در این پژوهش به منظور طراحی مدل سیستمی از نرم‌افزار ونسیم دی‌اس اس (Vensim DSS) استفاده می‌گردد. نرم‌افزار مذکور در این پژوهش به منظور طراحی روابط بین متغیرها و ترسیم نوع رابطه به کار گرفته می‌شود. همچنین، در اجرای مدل تدوین شده برای مورد مطالعه و تدوین سیاست‌های مناسب از آن بهره گرفته می‌شود.

### افق زمانی، مورد مطالعه و متغیرهای کلیدی پژوهش

افق زمانی پژوهش یک دوره ۱۰۰ ماهه را در نظر می‌گیرد که با توجه به دسترسی به اطلاعات از سال ۱۳۹۳ شروع می‌شود. با مراجعه به شرکت مورد بررسی اطلاعات مرتبط با دوره ۱۳۹۳-۱۳۹۶ دریافت گردید. انتخاب مورد مطالعه (پتروشیمی شیراز) نیز با توجه به توان دسترسی به اطلاعات انجام گرفت.

بنابراین، در این پژوهش شبیه‌سازی هزینه‌های نمایندگی شرکت پتروشیمی شیراز برای یک دوره ۱۰۰ ماهه از ابتدای ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفت. که ۴۸ ماه اولیه آن یعنی تا پایان سال ۱۳۹۶ اطلاعات واقعی در دسترس مبنای اعتبارسنجی مدل را فراهم می‌کند.

متغیرهای پژوهش که با توجه به پیشینه پژوهش انتخاب شدند به شرح نگاره (۱) است. متغیرها به سه گروه متغیرهای حالت، جریان و کمکی دسته‌بندی می‌شوند. این دسته‌بندی بر اساس مدل جریان و حالت (نگاره ۱) است. متغیرهای حالت نشان دهنده انباشت در یک دوره زمانی هستند و در طول زمان متناسب با متغیرهای جریان تغییر می‌کنند، مانند هزینه‌های نمایندگی. متغیرهای جریان تعیین کننده متغیرهای حالت هستند مانند جریان وجه نقد آزاد و

فرصت‌های رشد و متغیرهای کمکی شامل سایر متغیرهای مدل می‌شوند مانند ارزش بازار و کل دارایی‌ها (مصلح شیرازی و خلیفه، ۱۳۹۶).

### مدل پژوهش

در این بخش با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش و با استفاده از نرم‌افزار ونسیم دی‌اس‌اس مدل جریان و حالت متغیرهای مربوط به هزینه‌های نمایندگی مدیر-مالک به شرح نگاره (۱) ارائه می‌شود. ضمناً هسته مدل که در بخش پیشینه به آن پرداخته نشده، عبارت است از تقابل وجه نقد آزاد و فرصت‌های رشد که بر اساس جنسن (۱۹۸۶)، دوکاس و همکاران (۲۰۰۰)، دوکاس و همکاران (۲۰۰۵)، مک‌نایت و ویر (۲۰۰۹) و جرکوس و همکاران (۲۰۱۱) طراحی شده است. لازم به ذکر است از بیان مدل علت معلولی به منظور رعایت اختصار اجتناب می‌شود.

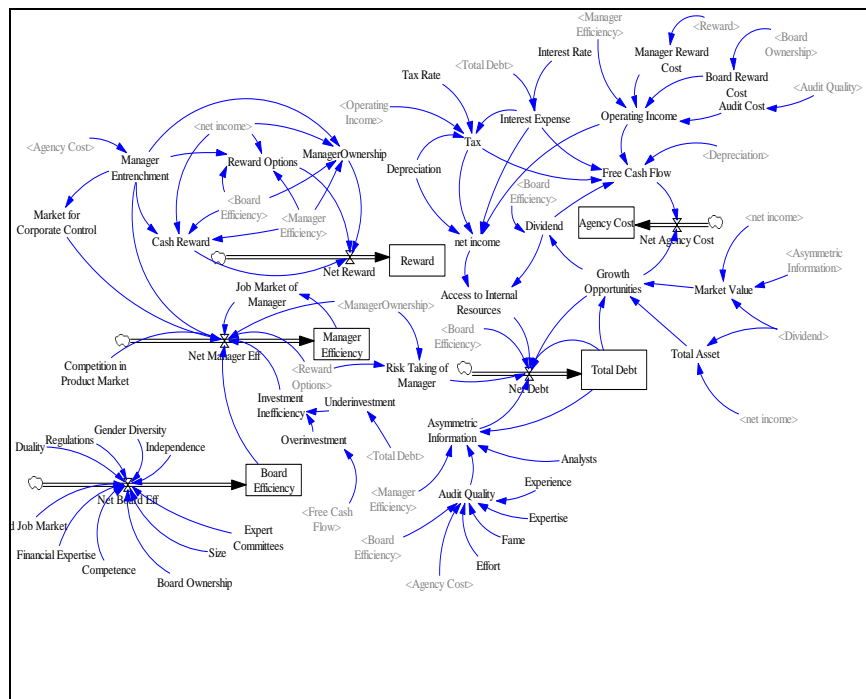
نگاره (۱): متغیرهای مورد استفاده در پژوهش

ردیف	متغیر		ردیف	متغیر	
	مستعار	فارسی		مستعار	فارسی
جریان	Investment Inefficiency	ناکارایی سرمایه‌گذاری	حالت	Agency Cost	هزینه‌های نمایندگی
کمکی	Underinvestment	کم سرمایه‌گذاری	کمکی	Dividend	سود تقسیمی
کمکی	Overinvestment	بیش سرمایه‌گذاری	جریان	Free Cash Flow	جریان وجه نقد آزاد
جریان	Risk Taking of Manager	ریسک‌پذیری مدیر	جریان	Growth Opportunities	فرصت‌های رشد
حالت	Manager Efficiency	کارایی مدیر	کمکی	Total Asset	ارزش دفتری دارایی‌ها
جریان	Competition in Product Market	رقابت در بازار محصول	کمکی	Market Value	ارزش بازار
جریان	Job Market of Manager	بازار کار مدیر	حالت	Total Debt	کل بدهی
حالت	Board Efficiency	کارایی هیئت‌مدیره	جریان	Access to Internal Resources	دسترسی به منابع داخلی
جریان	Expert Committees	کمیته‌های تخصصی	کمکی	Net Income	سود خالص

متغیر	متغیر		متغیر	متغیر	
	مستعار	فارسی		مستعار	فارسی
جریان	Size	اندازه هیئت‌مدیره	کمکی	Depreciation	هزینه استهلاک
جریان	Board Ownership	مالکیت داخلی هیئت‌مدیره	کمکی	Tax	هزینه مالیات
جریان	Competence	صلاحیت هیئت‌مدیره	کمکی	Tax Rate	نرخ مالیات
جریان	Financial Expertise	تخصص مالی کمیته حسابرسی	کمکی	Operating Income	سود عملیاتی
جریان	board job market	بازار کار هیئت‌مدیره	کمکی	Interest Rate	نرخ بهره
جریان	Duality	دوگانگی	کمکی	Interest Expense	هزینه‌های بهره
جریان	Regulations	آیین‌نامه حاکمیت شرکتی	کمکی	Manager Reward Cost	هزینه پاداش مدیر
جریان	Gender Diversity	تنوع جنسیتی	کمکی	Board Reward Cost	هزینه پاداش هیئت‌مدیره
جریان	Independence	استقلال هیئت‌مدیره	کمکی	Audit Cost	هزینه حسابرسی
حالت	Reward	پاداش مدیر	جریان	Asymmetric Information	نامتقارنی اطلاعات
جریان	Cash Reward	پاداش نقدی مدیر	کمکی	Analysts	تحلیل‌گران مالی
جریان	Reward Options	اختیار معامله مدیر	کمکی	Audit Quality	کیفیت حسابرسی
جریان	Manager Ownership	مالکیت داخلی مدیر	کمکی	Experience	تجربه حسابرس
جریان	Market for Corporate Control	بازار کنترل شرکت	کمکی	Expertise	تخصص حسابرس
جریان	Manager Entrenchment	استحکام طلبی مدیر	کمکی	Fame	شهرت حسابرس
			کمکی	Effort	تلاش حسابرس

در شکل (۱) تعداد ۳۹۱ حلقه بازخوردی وجود دارد که در ادامه یک نمونه از آن تشریح می‌گردد.

مطابق شکل (۱)، اثر مکانیسم پاداش بر بدهی به این صورت است که مکانیسم پاداش چقدر توانسته است ریسک‌پذیری مدیر را افزایش دهد. ریسک‌پذیری بیش‌تر، تمایل مدیر به دریافت بدهی را زیاد می‌کند و به این شیوه می‌تواند منجر به افزایش فرصت‌های رشد شده و از هزینه‌های نمایندگی بکاهد. این اثر پاداش بر بدهی مجدداً از طریق میزان هزینه‌های نمایندگی به صورت یک اثر بازخوردی به خودش باز می‌گردد. به این معنی که اگر پاداش بتواند در مجموع با افزایش بدهی، هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد، میزان استحکام مدیر نیز کاهش می‌یابد، با کاهش استحکام مدیر کارایی مدیر افزایش یافته و میزان پاداش مدیر نیز متعاقباً افزایش می‌یابد.

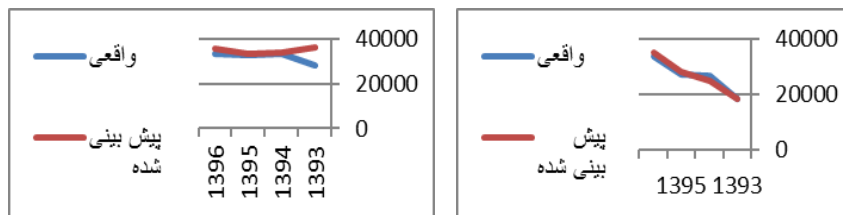


شکل (۱): مدل جریان و حالت متغیرهای رابطه نمایندگی مدیر-مالک

اعتبارسنجی مدل پژوهش



در ابتدا لازم است که اعتبار مدل پژوهش مورد بررسی قرار گیرد. به این منظور از دو آزمون رفتار مجدد و محاسبه میزان خطا استفاده می‌شود. آزمون رفتار مجدد دو متغیر کل بدهی و سود عملیاتی به عنوان نمونه به ترتیب در نمودار (۱) و (۲) ارائه شده است. همانطور که در نمودار (۱) و (۲) مشاهده می‌شود متغیر کل بدهی و سود عملیاتی حاصل از شبیه‌سازی با مقدار واقعی آن‌ها مورد مقایسه قرار گرفته است. این شبیه‌سازی برای یک دوره ۴۸ ماهه انجام شده و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار ونسیم دی‌اس‌اس استفاده گردید. این نمودارها نشان می‌دهد رفتار متغیرهای مورد بررسی به خوبی شبیه‌سازی شده است.



نمودار (۱): مقایسه بدهی واقعی با پیش‌بینی شده  
نمودار (۲): مقایسه سود عملیاتی واقعی با پیش‌بینی شده

پس از این مرحله با استفاده از معیارهای درصد میانگین مربعات خطا (RMSPE) و آزمون UT، آزمون محاسبه میزان خطا انجام می‌شود. مقدار RMSPE بین صفر تا ۱۰۰ است و هر چه به صفر نزدیکتر باشد بیانگر خطای کمتر در پیش‌بینی است. مقدار UT نیز همواره بین صفر و یک است و هر چه آن به صفر نزدیکتر باشد، مقادیر شبیه‌سازی شده و واقعی انحراف کمتری از یکدیگر دارند. به منظور تعیین منابع انحراف نیز از آزمون‌های U استفاده شده است بگونه‌ای که همواره رابطه (۱) بین آزمون‌ها برقرار است.

$$U^m + U^s + U^c = 1 \quad \text{رابطه ۱}$$

در حالت ایده آل  $U^c = 1$  و  $U^s = U^m = 0$  خواهد شد.  $U^m$  بیانگر سهمی از خطاست که به عنوان خطای سیستماتیک شناخته می‌شود.  $U^s$  خطای مربوط به اختلاف معیار داده‌ها و  $U^c$  نیز سهم خطای غیر سیستماتیک را نشان می‌دهد (موسوی حقیقی و ستوده، ۱۳۹۲).

در نگاره (۲) نتایج این آزمون‌ها برای متغیرهای کل بدهی و سود عملیاتی بیان شده است. همانطور که از نتایج پیدا است اعتبار مدل را می‌توان مورد تأیید قرار داد.

## تکانه (۲): نتایج آزمون‌های محاسبه میزان خطا

نام آزمون/نام متغیر	RMSPE	$U^T$	$U^M$	$U^S$	$U^c$	$U^c + U^s + U^m$
کل بدهی	۴/۶۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۳	۰/۸۷	۱
سود عملیاتی	۰/۵۴	۰/۰۰	۰/۰۷	۰/۱۳	۰/۸۰	۱

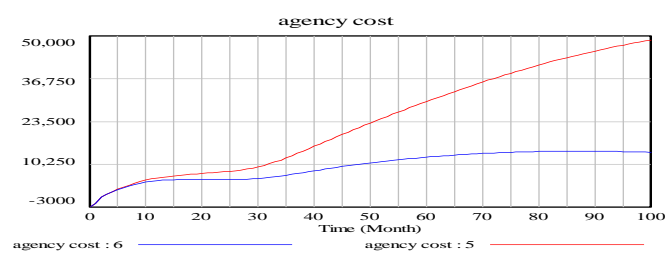
## یافته‌های پژوهش

در این بخش به سیاست‌گذاری مناسب به منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی پرداخته می‌شود. شایان ذکر است در این بخش نیز نرم افزار ونسیم دی‌اس‌اس مورد استفاده قرار می‌گیرد.

## سیاست‌گذاری جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی

در این بخش سناریوهای مختلفی جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی ارائه می‌شود. تمرکز اصلی بر روی متغیرهای کلیدی و قابل کنترل است. در ادامه ۴ سناریو به شرح نمودارهای (۳) تا (۶) ارائه می‌شود.

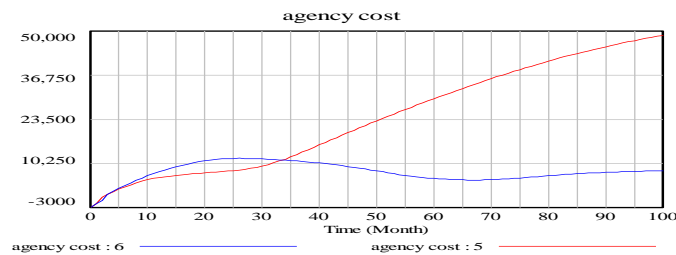
ابتدا سیاست‌گذاری بر روی هزینه‌های بهره ارائه می‌شود. در نمودار (۳) خط ۵ (بالای نمودار) نشان دهنده هزینه‌های نمایندگی در حالت عادی و بدون در نظر گرفتن هیچ سیاستی است که در طول دوره شبیه‌سازی افزایش را نشان می‌دهد. اما خط ۶ (پایین نمودار) بیانگر هزینه‌های نمایندگی در حالت افزایش هزینه‌های بهره است. همانطور که مشاهده می‌شود اهمیت بدهی در کنترل هزینه‌های نمایندگی در نمودار مذکور مشابه مبانی نظری و تجربی برجسته شده است.



## نمودار (۳): افزایش هزینه‌های بهره و تغییرات هزینه‌های نمایندگی

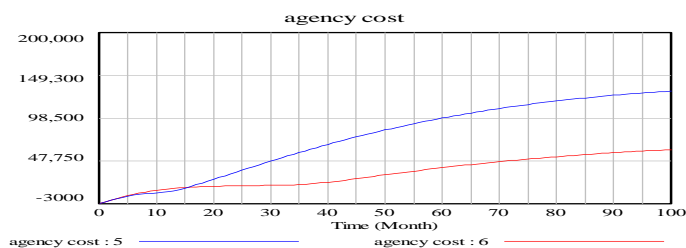
در نمودار (۴)، مشابه توضیحات مرتبط با نمودار قبلی، خط ۵ یا بالای نمودار، هزینه‌های نمایندگی قبل از اجرای سیاست و خط ۶ یا پایین نمودار، هزینه‌های نمایندگی بعد از اجرای

سیاست را نشان می‌دهند. در ابتدا با افزایش میزان مالکیت داخلی مدیر، هزینه‌های نمایندگی افزایش یافته که دلیل آن را می‌توان در هزینه‌های مربوط به اعطای پاداش (مالکیت داخلی) به مدیر و تأخیر اثر این پاداش بر رفتار مدیر و رفتار مدیر بر عملکرد شرکت جستجو کرد. به عبارتی مالکیت در سهام، ریسک‌پذیری مدیر را افزایش داده و در نتیجه، مدیر در تصمیمات سرمایه‌گذاری و تأمین مالی خود با توجه به پذیرش ریسک بیش‌تر تجدید نظر می‌کند. انتظار می‌رود در این شرایط مدیر سطح بهینه‌دهی را ایجاد و از کم و بیش سرمایه‌گذاری پرهیز کند. این تغییر رفتار و آثار آن بر عملکرد و هزینه‌های نمایندگی شرکت قطعاً با تأخیر نمایان می‌گردد. لذا، همانطور که مشاهده می‌شود از ماه ۳۳ به بعد هزینه‌های نمایندگی به شدت کاهش یافته است. اما نکته دیگری که نیاز به توجه دارد این است که روند کاهش هزینه‌های نمایندگی از ماه ۷۰ به بعد متوقف شده و شروع به افزایش می‌کند. دلیل این رفتار کاملاً طبیعی است چرا که با افزایش سال به سال میزان مالکیت داخلی، احتمال استحکام‌طلبی مدیر زیاد شده و فرضیه همراستایی منافع جای خود را به فرضیه استحکام‌طلبی می‌دهد. این روابط مطابق با مبانی نظری و تجربی در مدل جریان و حالت (نگاره ۱) پیش‌بینی شده است. لذا در همین جا باید روند افزایش میزان مالکیت داخلی مدیر را متوقف کرد.



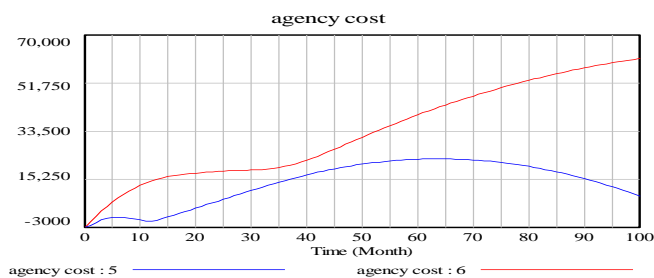
#### نمودار (۴): افزایش مالکیت داخلی مدیر و تغییرات هزینه‌های نمایندگی

سناریوی بعدی که به آن پرداخته می‌شود افزایش کارایی هیئت‌مدیره است که در نمودار (۵) ارائه شده است.



#### نمودار (۵): افزایش کارایی هیئت مدیره و تغییرات هزینه‌های نمایندگی

همانطور که در نمودار (۵) مشاهده می‌شود افزایش کارایی هیئت مدیره به صورت قابل توجهی می‌تواند هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد (خط پایین نمودار (۵)). کارایی هیئت مدیره تحت تأثیر ۱۰ عامل قرار می‌گیرد. این عوامل در نگاره (۱) ارائه شده و در بخش پیشینه پژوهش نیز بیان گردیده‌اند. در حال حاضر شرکت پتروشیمی شیراز از ده مورد امتیاز ۵ مورد آن را دارد. به عبارتی، سطح کارایی هیئت مدیره در این شرکت در حد متوسط است. در سناریوی مطرح شده با اضافه کردن امتیاز دو مورد دیگر به آن سطح هزینه‌های نمایندگی به شدت کاهش یافت. این نشان دهنده اهمیت و نقش کلیدی هیئت مدیره در کنترل هزینه‌های نمایندگی است. در ابتدای اجرای این سناریو هزینه‌های نمایندگی افزایش می‌یابد که دلیل آن افزایش هزینه‌های پاداش هیئت مدیره است. چرا که در این سناریو مالکیت در سهام اعضای هیئت مدیره که در حال حاضر در شرکت مورد بررسی صفر است، افزایش یافته است. همچنین، تأخیر در اثر نمودن سیاست نیز باید مورد توجه قرار بگیرد.



#### نمودار (۶): افزایش کارایی هیئت مدیره و هزینه‌های بهره و تغییرات هزینه‌های نمایندگی

سناریوی بعدی به صورت ترکیبی اجرا می‌شود. در این سناریو افزایش بدهی و کارایی هیئت مدیره مشابه سیاست‌هایی قبلی به صورت همزمان اجرا می‌شوند. نتیجه همانطور که در

نمودار (۶) نشان داده شده است قابل توجه است. خط پایین نمودار بیانگر آثار نظم دهندگی این سناریو بر هزینه‌های نمایندگی است.

به طور کلی سیاست‌های متعددی را می‌توان اجرا و نتایج آن‌ها را مورد ملاحظه قرار داد. نکته‌ای که در سیاست‌گذاری باید مورد توجه قرار گیرد امکانات و اختیارات داخلی شرکت است که باید در هنگام چیدن سناریوها مدنظر قرار گرفته و بر مکانیسم‌ها و متغیرهایی تأکید شود که امکان تغییر آن‌ها وجود داشته و از کمترین هزینه برخوردار باشند. گرچه که مدل خود به خود آثار هزینه‌های مکانیسم‌های مختلف را نیز لحاظ می‌کند.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد با معرفی نگاهی جدید به مسائل مطرح در حوزه حسابداری به طور ویژه هزینه‌های نمایندگی مدیر-مالک، خلاء و مشکلات پیشینه پژوهش برجسته و راه حل علمی در راستای کاربردی کردن هر چه بیش‌تر نتایج پژوهش‌ها ارائه گردد. این نگاه جدید در مفهوم دیدگاه سیستمی نهفته است. مفهومی که، پیش از این در پژوهش‌های انجام شده حداقل در حوزه هزینه‌های نمایندگی مغفول مانده بود. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این مفهوم به تدوین مدل کلی‌نگر هزینه‌های نمایندگی در رابطه مدیر و مالک پرداخت. سپس با به کارگیری نرم افزار ونسیم دی‌اس‌اس، مدل مذکور برای شرکت پتروشیمی شیراز اجرا و هزینه‌های نمایندگی آن برای یک دوره ۱۰۰ ماهه شبیه‌سازی گردید. هدف از این مدل‌سازی و شبیه‌سازی، مشخص کردن مهمترین متغیرها و مکانیسم‌های مؤثر در هزینه‌های نمایندگی بود. لذا، با تمرکز بر این متغیرها و مکانیسم‌ها و با بهره‌گیری از نرم افزار مذکور، برای شرکت پتروشیمی شیراز، سیاست‌ها و سناریوهایی در جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی وضع گردید. شایان ذکر است که شبیه‌سازی هزینه‌های نمایندگی حاکی از افزایش سطح هزینه‌های نمایندگی در شرکت مذکور طی دوره مورد بررسی بود. در هر صورت سیاست‌های افزایش بدهی، پاداش یا مالکیت در سهام مدیر و کارایی هیئت‌مدیره سه نمونه از مهمترین سیاست‌هایی بودند که در صورت اجرا می‌تواند به شدت هزینه‌های نمایندگی را تحت کنترل قرار داده و کاهش دهد. نتایج بیانگر آن بود که استفاده از مکانیسم‌های مذکور به منظور کنترل هزینه‌های نمایندگی بدون هزینه نیستند. برای مثال اعطای ملکیت داخلی به مدیر علاوه بر هزینه‌های پاداش می‌تواند استحکام مدیر را افزایش و مجدداً منجر به افزایش هزینه‌های نمایندگی گردد.

از مزایای مدل سیستمی هزینه‌های نمایندگی مدیر- مالک که در این پژوهش براساس شناخت تاریخی در چارچوب مطالعات کتابخانه‌ای و پیشینه کاوی طراحی و تدوین شد این است که در آن اثر همه متغیرها را می‌توان مورد توجه قرار داد. برای مثال هنگامی که سیاست افزایش بدهی مد نظر قرار می‌گیرد، مدل پس از در نظر گرفتن آثار سایر مکانیسم‌های موجود مانند، بازار کار مدیر، رقابت در بازار محصول، کیفیت حسابرسی و... نقش افزایش بدهی را بر هزینه‌های نمایندگی مورد توجه قرار می‌دهد. لذا، ممکن است اگر سایر مکانیسم‌ها توانسته باشند هزینه‌های نمایندگی را کنترل کنند، مثلاً مدیر به خاطر ترس از دست دادن آینده شغلی خود و بازار کارش از تضاد منافع بپرهیزد، دیگر نیازی به افزایش بدهی و یا پاداش مدیر نباشد. بنابراین، اهمیت دیدگاه سیستمی در اینجا است که برجسته می‌شود. همچنین، مدل همه آثار و روابط متغیرها را مورد توجه قرار می‌دهد. همانطور که ذکر شد، افزایش مالکیت داخلی مدیر از طرفی می‌تواند منافع را همراستا و از طرفی دیگر با افزایش بیش‌تر میزان مالکیت داخلی، استحکام مدیر غالب می‌گردد. بنابراین، نکته‌ای که مبرهن است، عدم قابلیت اتکای نتایج بررسی‌های جزیره‌ای مکانیسم‌ها و متغیرهای مختلف هزینه‌های نمایندگی است. به گونه‌ای که می‌تواند شرایط را از آنچه هست وخیم‌تر کند. چرا که همه متغیرها و روابط موجود به طور ویژه روابط بازخوردی مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

بنابراین، نتایج ارائه شده در این پژوهش می‌تواند نگرش به پژوهش‌ها در حوزه حسابداری را به طور کلی دگرگون کند. این موضوع می‌تواند از مهمترین کاربردهای آن تلقی گردد. از کاربردهای دیگر آن، استفاده از مدل ارائه شده، که حاصل بررسی منابع متعدد و معتبر در حوزه هزینه‌های نمایندگی است، در راستای تدوین سیاست‌های مناسب جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی شرکت‌های مختلف است. کاربرد عمومی‌تر این پژوهش سازمان بورس اوراق بهادار تهران را مورد توجه قرار می‌دهد. چرا که این سازمان می‌تواند با توجه به نقش قابل توجه و مؤثر کارایی هیئت‌مدیره (حاکمیت شرکتی)، برای ارتقای آن در سطح شرکت‌ها برنامه‌ریزی نماید. همچنین، توجه به کیفیت حسابرسی و وجود تحلیلگران خبره که در این پژوهش به دلیل رعایت اختصار زیاد به آن‌ها پرداخته نشد، نیز می‌تواند سازمان بورس اوراق بهادار را در حفظ منافع سهامداران یاری رساند. در ابعاد وسیع‌تر، دولت نیز با افزایش رقابت در بازار محصول می‌تواند بدون تحمیل هیچ هزینه‌ای به سهامداران، منافع آن‌ها و اعتماد به بازار

سرمایه را افزایش دهد. زیرا همانطور که مدل ارائه شده در این پژوهش نشان می‌دهد رقابت در بازار می‌تواند تضاد نمایندگی بین مدیر و مالک را کاهش دهد.

در پایان به پژوهشگران نیز پیشنهاد می‌شود علاوه بر مطالعه عمیق‌تر در این حوزه و بهبود و ارتقای مدل ارائه شده به اجرای آن در شرکت‌های مختلف نیز پردازند. همچنین، از دیگر مواردی که می‌تواند در پژوهش‌های آتی مورد توجه قرار گیرد تدوین مدلی برای هزینه‌های نمایندگی روابط مالک-عباردهندگان و سهامداران بزرگ-کوچک است.

### منابع

- احمد پور، احمد؛ پاکدلان، سعید. (۱۳۹۳). نقش فرصت‌های رشد در تعدیل رابطه اهرم مالی و تصمیمات سرمایه‌گذاری، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۳(۱۱)، ۳۱-۱۵.
- اعتمادی، حسین؛ اسمعیلی کجانی، محمد. (۱۳۹۶). رابطه سود تقسیمی با فرصت‌های رشد و هزینه‌های نمایندگی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۹(۳۴)، ۸۵-۱۱۱.
- برادران حسن زاده، رسول؛ تقی زاده خانقاه، وحید. (۱۳۹۵). تأثیر هزینه‌ای نمایندگی بر رفتار سرمایه‌گذار. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۸(۳۲)، ۱۳۹-۱۶۳.
- بهرامی، آرش؛ یادگارزاده، غلامرضا؛ پرند، کوروش. (۱۳۸۶). تعیین خط مشی‌ها و عوامل اثرگذار در ارزشیابی درونی گروه‌های آموزشی: رویکردی بر اساس پویایی سیستم. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۳(۴۴)، ۸۴-۴۹.
- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۹۵). تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۵(۲۰)، ۲۳-۴۵.
- حیدری، مهدی؛ قادری، بهمن؛ کفعمی، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر راهبری شرکتی در تقلیل هزینه‌های نمایندگی: رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲(۲۸)، ۱۰۱-۱۲۴.
- خواجوی، شکراله؛ محمدیان، محمد. (۱۳۹۷). الگوی مفهومی حسابداری شهروندی مبتنی بر تفکر انتقادی، حسابداری مدیریت، ۱۱(۳۷)، ۹۷-۱۰۶.
- دیانتی دیلمی، زهرا؛ بیاتی، مرتضی. (۱۳۹۴). رابطه رقابت بازار محصول و حق الزحمه حسابرس مستقل. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۷(۲۷)، ۳۸-۲۳.
- رضایان، علی. (۱۳۸۳). تجزیه و تحلیل سیستم‌ها. تهران: سمت.

- ستایش، محمد حسین؛ محمدیان، محمد؛ مهتری، زینب. (۱۳۹۴). بررسی اثر تعاملی کیفیت اطلاعات حسابداری و عدم تقارن اطلاعاتی بر عدم کفایت سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۳ (۶۸)، ۱۰۶-۷۷.
- عبدی، رسول؛ زینالی، مهدی؛ تقی زاده خانقاه، وحید. (۱۳۹۶). تأثیر مالکیت مدیریتی بر رابطه بین جریان‌های نقد آزاد و ناکارایی سرمایه‌گذاری. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۹ (۳۵)، ۱۵۷-۱۸۵.
- غیوری مقدم، علی؛ حاجب، حمید رضا. (۱۳۹۴). تأثیر ساختار سرمایه بر کارایی سود شرکت‌های پذیرفته شده صنعت خودرو و ساخت قطعات بورس اوراق بهادار تهران، *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۱ (۸)، ۹۱-۱۰۶.
- محمدی، علی؛ خلیفه، مجتبی؛ عباسی، عباس؛ علی محمدلو، مسلم؛ اقتصادی فرد، محمود. (۱۳۹۶). طراحی زنجیره تأمین با رویکرد یکپارچه‌سازی مالی و عملیاتی. *چشم‌انداز مدیریت*، ۷ (۲۶)، ۱۶۸-۱۳۹.
- مصلح شیرازی، علی نقی؛ خلیفه، مجتبی. (۱۳۹۶). شبیه‌سازی و سیاست‌گذاری درونی و بیرونی مشکلات تامین مالی SMEها با رویکرد پویایی‌شناسی سیستمی. *مدیریت دارایی و تامین مالی*، ۵ (۱۷)، ۶۲-۹۲.
- موسوی حقیقی، محمد هاشم؛ ستوده، فیروزه. (۱۳۹۲). شبیه‌سازی الگوی پویای رفتاری سهام در بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات مدیریت راهبردی*، ۴ (۱۴)، ۳۵-۵۲.
- Abad, D. , Lucas-Pérez, M. E. , Minguez-Vera, A. , & Yagüe, J. (2017). Does gender diversity on corporate boards reduce information asymmetry in equity markets?. *BRQ Business Research Quarterly*, 20 (3) , 192-205 .
- Abdi, R. ; Zeinali, M. & Taghizadeh Khaneghah, V. (1396). The Impact of Management Ownership on the Relationship between Free Cash Flows and Investment Inefficiency. *Financial Accounting and Auditing Researches*, 9 (35) , 185-157. (in Persian (
- Anderson, R. C. , Mansi, S. A. , & Reeb, D. M. (2004). Board characteristics, accounting report integrity, and the cost of debt. *Journal of accounting and economics*, 37 (3) , 315-342 .
- Agrawal, A. , & Knoeber, C. R. (1996). Firm performance and mechanisms to control agency problems between managers and shareholders. *Journal of financial and quantitative analysis*, 31 (3) , 377-397 .
- Ahmad Pour, A. & Pakdelan, S. (2016). The role of growth opportunities in moderating the relationship between financial leverage and



- investment decisions. *empirical accounting research*, 3 (11) , 15-31. (in persian (
- Ashbaugh-Skaife, H. , Collins, D. W. , & LaFond, R. (2006). The effects of corporate governance on firms' credit ratings. *Journal of accounting and economics*, 42 (1-2) , 203-243 .
- Atanassov, J. (2013). Do hostile takeovers stifle innovation? Evidence from antitakeover legislation and corporate patenting. *The Journal of Finance*, 68 (3) , 1097-1131 .
- Bahrami, A., Yadegarzadeh, Gh., & Parand, K. (2007). Determining policies and factors affecting the internal evaluation of educational groups: an approach based on the dynamics of the system. *Research and planning in higher education*, 13 (44) , 49-84. (in persian (
- Baggs, J. , & De Bettignies, J. E. (2007). Product market competition and agency costs. *The Journal of Industrial Economics*, 55 (2) , 289-323 .
- Belghitar, Y. , & Clark, E. (2015). Managerial risk incentives and investment related agency costs. *International Review of Financial Analysis*, 10 (38) , 191-197 .
- Berger, A. N. , & Di Patti, E. B. (2006). Capital structure and firm performance: A new approach to testing agency theory and an application to the banking industry. *Journal of Banking & Finance*, 30 (4) , 1065-1102 .
- Berger, P. G. , Ofek, E. , & Yermack, D. L. (1997). Managerial entrenchment and capital structure decisions. *The journal of finance*, 52 (4) , 1411-1438 .
- Bettignies, J. E. , & Ross, T. W. (2013). Mergers, Agency Costs, and Social Welfare. *The Journal of Law, Economics, and Organization*, 30 (2) , 401-436 .
- Bilal, Chen, S. , & Komal, B. (2018). Audit committee financial expertise and earnings quality: A meta-analysis. *Journal of Business Research*, 17 (84) , 253-270 .
- Bradaran E Hassanzadeh, R. & Taqizadeh Khaneghah, V. (2016). The Effect of Agency Costs on Investment Behavior. *Financial Accounting and Auditing Researches*, 8 (32) , 163-139. (in Persian)
- Brush, T. H. , Bromiley, P. , & Hendrickx, M. (2000). The free cash flow hypothesis for sales growth and firm performance. *Strategic Management Journal*, 11 (21) , 455-472 .

- Byrd, J. W. , & Hickman, K. A. (1992). Do outside directors monitor managers?: Evidence from tender offer bids. *Journal of financial economics*, 32 (2) , 195-221 .
- Cai, C. X. , Hillier, D. , Tian, G. , & Wu, Q. (2015). Do audit committees reduce the agency costs of ownership structure?. *Pacific-Basin Finance Journal*, 35, 225-240 .
- Chen, X. , Sun, Y. , & Xu, X. (2016). Free cash flow, over-investment and corporate governance in China. *Pacific-Basin Finance Journal*, 10 (37) , 81-103 .
- Chou, J. , Ng, L. , Sibilkov, V. , & Wang, Q. (2011). Product market competition and corporate governance. *Review of Development Finance*, 1 (2) , 114-130 .
- Chou, W. H. , Hardin, W. G. , Hill, M. D. , & Kelly, G. W. (2013). Dividends, values and agency costs in REITs. *The Journal of Real Estate Finance and Economics*, 46 (1) , 91-114 .
- Chuang, L. , Xiuhong, L. , & Lei, Z. (2010). Notice of Retraction Earnings Quality and the Agency Costs of Controlling Shareholder. E-Business and E-Government (ICEE) , *International Conference on*, 5132-5135 .
- Cornelli, F. , Kominek, Z. , & Ljungqvist, A. (2013). Monitoring managers: Does it matter?. *The Journal of Finance*, 68 (2) , 431-481 .
- Datta, D. , Ganguli, S. K. , & Chaturvedi, M. (2014). Announcement Effect of Dividend in Presence of Dividend Tax: Possible Agency Problem and Macro Level Inefficiency?. *South Asian Journal of Macroeconomics and Public Finance*, 3 (2) , 195-220 .
- Dey, A. (2008). Corporate governance and agency conflicts. *Journal of accounting research*, 46 (5) , 1143-1181 .
- Dianati Daylami, Z. & Bayati, M. (2015). Relationship between product market competition and independent auditor fees. *Financial Accounting and Audit Researches*, 7 (27) , 23-38. (in Persian)
- D'Mello, R. , & Miranda, M. (2010). Long-term debt and overinvestment agency problem. *Journal of Banking & Finance*, 34 (2) , 324-335 .
- Doukas, J. A. , Kim, C. , & Pantzalis, C. (2000). Security analysis, agency costs, and company characteristics. *Financial Analysts Journal*, 56 (6) , 54-63 .
- Doukas, J. A. , McKnight, P. J. , & Pantzalis, C. (2005). Security analysis, agency costs, and UK firm characteristics. *International Review of Financial Analysis*, 14 (5) , 493-507 .

- Elaoud, A. , & Jarboui, A. (2017). Auditor specialization, accounting information quality and investment efficiency. *Research in International Business and Finance*, 11 (42) , 616-629 .
- Etemadi, H. & Esmaeili Kojani, M. (2017). The relation of dividend with growth opportunities and agency costs. *Financial and Auditing Accounting Research*, 9 (34) , 85-111. (in Persian)
- Fama, E. F. (1980). Agency problems and the theory of the firm. *Journal of political economy*, 88 (2) , 288-307 .
- Fama, E. F. , & French, K. R. (2001). Disappearing dividends: changing firm characteristics or lower propensity to pay?. *Journal of Financial economics*, 60 (1) , 3-43 .
- Ferris, S. P. , Kumar, R. , & Sarin, A. (1995). The role of corporate groupings in controlling agency conflicts: The case of keiretsu. *Pacific-Basin Finance Journal*, 3 (2-3) , 319-335 .
- Florackis, C. , & Ozkan, A. (2009). Managerial incentives and corporate leverage: evidence from the United Kingdom. *Accounting & Finance*, 49 (3) , 531-553 .
- Fosu, S. , Danso, A. , Ahmad, W. , & Coffie, W. (2016). Information asymmetry, leverage and firm value: Do crisis and growth matter?. *International Review of Financial Analysis*, 46, 140-150 .
- Fung, S. , Jo, H. , & Tsai, S. C. (2009). Agency problems in stock market-driven acquisitions. *Review of Accounting and Finance*, 8 (4) , 388-430 .
- Garvey, G. (1992). Do concentrated shareholdings mitigate the agency problem of “free cash flow”? Some evidence. *International Review of Economics & Finance*, 1 (4) , 347-369 .
- Ghayouri Moghaddam, A. and Hajib, H. R. (1394). Effect of Capital Structure on Profit Efficiency of Accepted Companies in Automobile Industry of Tehran Stock Exchange, *Asset Management and Financing*, 1 (8) , 91-106. (in Persian)
- Gormley, T. A. , & Matsa, D. A. (2016). Playing it safe? Managerial preferences, risk, and agency conflicts. *Journal of Financial Economics*, 122 (3) , 431-455 .
- Griffin, P. A. , Lont, D. H. , & Sun, Y. (2010). Agency problems and audit fees: further tests of the free cash flow hypothesis. *Accounting & Finance*, 50 (2) , 321-350 .

- Hadlock, C. J. (1998). Ownership, liquidity, and investment. *The Rand Journal of Economics*, 3 (29) , 487-508 .
- Harvey, C. R. , Lins, K. V. , & Roper, A. H. (2004). The effect of capital structure when expected agency costs are extreme. *Journal of Financial Economics*, 74 (1) , 3-30 .
- Harvey, K. D. , & Shrieves, R. E. (2001). Executive compensation structure and corporate governance choices. *Journal of Financial Research*, 24 (4) , 495-512 .
- Hasas yegane, y. (2016). Effect of corporate governance mechanisms on audit quality and earning management. *Empirical Accounting Research*, 5 (20) , 23-45. (in Persian)
- He, W. P. , Lepone, A. , & Leung, H. (2013). Information asymmetry and the cost of equity capital. *International Review of Economics & Finance*, 7 (27) , 611-620 .
- Heydari, M. , Ghaderi, B. & kafaami, M. (2016). Investigating the Effect of Corporate Governance on Reducing the Agency Cost: A Structural Equation Modeling Approach. *Financial Accounting Researches*, 2 (28) , 101-124. (in Persian)
- Hope, O. K. , Langli, J. C. , & Thomas, W. B. (2012). Agency conflicts and auditing in private firms. *Accounting, Organizations and Society*, 37 (7) , 500-517 .
- Huang, W. , & Paul, D. L. (2017). Institutional holdings, investment opportunities and dividend policy. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 16 (64) , 152-161 .
- Iatridis, G. E. (2012). Audit quality in common-law and code-law emerging markets: evidence on earnings conservatism, agency costs and cost of equity. *Emerging Markets Review*, 13 (2) , 101-117 .
- Iona, A. , & Leonida, L. (2016). Suboptimal financial policies and executive ownership in the UK: evidence from a pre-crisis. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 16 (1) , 187-210 .
- Jelinek, K. , & Stuerke, P. S. (2009). The nonlinear relation between agency costs and managerial equity ownership: Evidence of decreasing benefits of increasing ownership. *International Journal of Managerial Finance*, 5 (2) , 156-178 .
- Jensen, G. R. , Solberg, D. P. , & Zorn, T. S. (1992). Simultaneous determination of insider ownership, debt, and dividend policies. *Journal of Financial and Quantitative analysis*, 27 (2) , 247-263 .

- Jensen, M. C. (1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers. *The American Economic Review*, 76 (2) , 323-329 .
- Jensen, M. C. , & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3 (4) , 305-360 .
- Jensen, M. C. , & Ruback, R. S. (1983). The market for corporate control: The scientific evidence. *Journal of Financial economics*, 11 (1-4) , 5-50 .
- Jurkus, A. F. , Park, J. C. , & Woodard, L. S. (2011). Women in top management and agency costs. *Journal of Business Research*, 64 (2) , 180-186 .
- Kashefi Pour, E. , & Khansalar, E. (2015). Does debt capacity matter in the choice of debt in reducing the underinvestment problem?. *Research in International Business and Finance*, 8 (34) , 251-264.
- Khajavi, sh. , & Mohamadiyan, M. (2018). Conceptual model of citizenship accounting based on critical thinking. *Management Accounting*, 11 (37) , 97-107. (in Persian)
- Ko, H. C. A. , Tong, Y. J. , Zhang, F. F. , & Zheng, G. (2016). Corporate governance, product market competition and managerial incentives: Evidence from four Pacific Basin countries. *Pacific-Basin Finance Journal*, 10 (40) , 491-502 .
- Kouaib, A. , & Jarboui, A. (2014). External audit quality and ownership structure: interaction and impact on earnings management of industrial and commercial Tunisian sectors. *Journal of Economics Finance and Administrative Science*, 19 (37) , 78-89 .
- Makina, D. , & Wale, L. E. (2016). The source of investment cash flow sensitivity in manufacturing firms: is it asymmetric information or agency costs?. *South African Journal of Economic and Management Sciences*, 19 (3) , 388-399 .
- McKnight, P. J. , & Weir, C. (2009). Agency costs, corporate governance mechanisms and ownership structure in large UK publicly quoted companies: A panel data analysis. *The quarterly review of economics and finance*, 49 (2) , 139-158 .
- Mohamadi, A. , Khalifeh, M. , Abasi, A. , Alimohamadlo, M. , & Eghtesadi fard, M. (2017). Supply chain design with a financial and operational integration approach. *Management perspective*, 7 (26) , 139-168. (in Persian)
- Mosleh shirazi, AN. , & Khalifeh, M. (2017). Internal and external simulation and policy-making of financing problems of SMEs with a

- systemic dynamical approach. *Asset management and financing*, 5 (17) , 62-92. (in persian)
- Musavi haghghi, MH. , & Setodeh, F. (2013). Simulation of dynamic behavioral pattern of stock in Tehran Stock Exchange. *Strategic Management Studies*, 4 (14) , 35-52. (in Persian)
- Myers, S. C. (1977). Determinants of corporate borrowing. *Journal of financial economics*, 5 (2) , 147-175 .
- Myers, S. C. , & Majluf, N. S. (1984). Corporate financing and investment decisions when firms have information that investors do not have. *Journal of Financial Economics*, 13 (2) , 187-221 .
- Namazi, M. , & Rezaei, G. (2016). The Effects of Earnings Quality Criteria on the Agency Costs: (Evidence from Tehran Stock Exchange Market). *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 58 (230) , 67-75 .
- Officer, M. S. (2011). Overinvestment, corporate governance, and dividend initiations. *Journal of Corporate Finance*, 17 (3) , 710-724 .
- Ortiz-Molina, H. (2006). Top management incentives and the pricing of corporate public debt. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 41 (2) , 317-340 .
- Owusu, A. , & Weir, C. (2018). Agency costs, ownership structure and corporate governance mechanisms in Ghana. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 14 (1) , 63-84.
- Ping, T. , & Jie-qiong, H. (2012). Empirical study on board characteristics and agency costs. *Management Science and Engineering (ICMSE) , 2012 International Conference on*, 1509-1516 .
- Poretti, C. , Schatt, A. , & Bruynseels, L. (2018). Audit committees' independence and the information content of earnings announcements in Western Europe. *Journal of Accounting Literature*, 10 (40) , 29-53 .
- Qi, B. , Li, L. , Zhou, Q. , & Sun, J. (2017). Does internal control over financial reporting really alleviate agency conflicts?. *Accounting & Finance*, 57 (4) , 1101-1125 .
- Rezaeian, A. (2004). *System analysis*. Tehran: Samt. (in persian .)
- Scharfstein, D. (1988). The disciplinary role of takeovers. *The Review of Economic Studies*, 55 (2) , 185-199 .
- Schmidt, K. M. (1997). Managerial incentives and product market competition. *The Review of Economic Studies*, 64 (2) , 191-213 .
- Setayesh, M. H. , Mohammadian, M. & Mehtari, Z. (2015). Investigating the Interactive Effect of Accounting Information Quality and Information Asymmetry on the Inadequacy of Investment in Accepted

- Companies in Tehran Stock Exchange. *Accounting Advances* 3 (68) , 77-106. (in Persian)
- Shleifer, A. , & Vishny, R. W. (1989). Management entrenchment: The case of manager-specific investments. *Journal of financial economics*, 25 (1) , 123-139 .
- Stulz, R. (1988). Managerial control of voting rights: Financing policies and the market for corporate control. *Journal of financial Economics*, 5 (20) , 25-54 .
- Sun, J. , Ding, L. , Guo, J. M. , & Li, Y. (2016). Ownership, capital structure and financing decision: evidence from the UK. *The British Accounting Review*, 48 (4) , 448-463 .
- Tang, Y. (2018). When does competition mitigate agency problems?. *Journal of Corporate Finance*. ACCEPTED MANUSCRIPT
- Wu, C. C. , Lin, B. H. , & Yang, T. H. (2016). How do Agency Problems Affect the Implied Cost of Capital?. *Journal of Reviews on Global Economics*, 2 (5) , 210-226 .
- Zalata, A. M. , Tauringana, V. , & Tingbani, I. (2018). Audit committee financial expertise, gender, and earnings management: Does gender of the financial expert matter?. *International Review of Financial Analysis*, 14 (55) , 170-183.





## بررسی تأثیر رقابت در بازار محصول بر رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت و نگهداشت وجه نقد

پروین پورفخریان\*، ناصر ایزدی نیا\*\*، حجت‌اله هادی پور هفشجانی\*\*\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۲۰

مقاله پژوهشی

### چکیده

موسسه‌های اقتصادی عموماً بخشی از دارایی‌های خود را به صورت موجودی‌های نقدی نگهداری می‌نمایند و تعیین اینکه چه میزان از دارایی‌ها باید به صورت وجه نقد نگه داشته شود، از تصمیمات مهمی است که مدیریت واحد تجاری اخذ می‌کند. علیرغم اینکه در ادبیات حسابداری، شناسایی عوامل تعیین‌کننده‌ی سطح نگهداشت وجه نقد در شرکت‌ها، به طور گسترده مورد بررسی قرار گرفته؛ با این حال تأثیر رقابت در بازار محصول بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و سطح نگهداشت وجه نقد شرکت‌ها تا حد زیادی ناشناخته است. به همین دلیل در این پژوهش ما به بررسی این رابطه پرداختیم؛ و با بررسی ۸۴ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۶ از طریق آزمون مدل رگرسیون با داده‌های ترکیبی به این نتیجه رسیدیم که رقابت در بازار محصول و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر منفی و معناداری بر سطح نگهداشت وجه نقد دارند. علاوه بر این نتایج پژوهش حاکی از آن است که رقابت در بازار محصول تأثیر منفی و معناداری بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سطح نگهداشت وجه نقد دارد.

**واژه‌های کلیدی:** وجه نقد، نگهداشت وجه نقد، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رقابت در بازار محصول.

طبقه‌بندی موضوعی: M23, M14, M40

DOI: 10.22051/jera.2019.21728.2155

\*کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول، (ppourfakhrian@yahoo.com).

\*\*دانشیار، حسابداری دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، (Naser.izadnia@gmail.com).

\*\*\*کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اصفهان، اصفهان، ایران، (hojat\_hadipour@yahoo.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

### مقدمه

یکی از مهم‌ترین وظایف مدیران، تعیین ساختار دارایی‌ها و مقادیر هر یک از آن‌ها در وضعیت‌های متفاوت اقتصادی و مالی است. در این راستا، یکی از تصمیم‌های مدیران، تشخیص میزان وجه نقدی است که شرکت باید نگهداری کند. به طور معمول، مدیران به دنبال سطح بهینه‌ای از موجودی‌های نقدی هستند که با توجه به مزایا و معایب نگهداشت وجه نقد، از بروز آسیب‌های عمده به واحد تجاری و از دست دادن فرصت‌ها جلوگیری نموده تا حداکثر ارزش آفرینی ممکن را از سطح موجودی نقدی بهینه کسب نمایند. در واقع، مدیران برای میزان نقدینگی انتهای یک دوره زمانی، برنامه‌ریزی و در جهت رسیدن به آن تلاش می‌کنند. انتظار می‌رود سطح نگهداشت وجه نقد در شرکت با عوامل متعددی در ارتباط باشد. به‌عنوان مثال؛ شرکت‌هایی که اندازه بزرگ‌تری دارند، نسبت به شرکت‌هایی که اندازه کوچک‌تری دارند، وجه نقد بیشتری نگهداری می‌کنند (آلمیدا و همکاران، ۲۰۰۴). یا شرکت‌هایی که میزان بالاتری از مخارج سرمایه‌ای دارند، میزان بیشتری وجه نقد نگهداری می‌کنند (گیاکومینو و مایلک، ۱۹۹۳). بررسی‌های انجام شده توسط آزکان و ازکان (۲۰۰۴)، نشان می‌دهد که خالص سرمایه در گردش تأثیر منفی قابل توجهی بر سطح نگهداری موجودی‌های نقدی توسط شرکت‌ها دارد و فرصت‌های رشد اثر مثبتی بر سطح نگهداشت وجه نقد شرکت دارند. آلیمو (۲۰۱۰) بیان نموده است که رقابت در بازار محصول سازوکاری است که به مدیریت در جهت استفاده حداکثر از منابع در دسترس، فشار وارد می‌سازد. شرکت‌هایی که در یک محیط رقابتی فعالیت می‌کنند جهت حفظ سودآوری و بقای شرکت، بیشتر در معرض خطر هستند؛ بنابراین در اینگونه شرکت‌ها تمایل به ذخیره و نگهداشت وجه نقد، کاهش می‌یابد. با توجه به مطالب بیان شده، در حال حاضر تصمیم‌گیری برای تعیین میزان ذخایر نقدی در شرکت‌ها تبدیل به یکی از موضوعات قابل توجه در ادبیات تأمین مالی شده است؛ با این حال رابطه مستقیم بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و سطح نگهداشت وجه نقد تا حد زیادی ناشناخته است.

واژه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها (CSR) به ظهور یک جنبش اشاره دارد که در تلاش برای وارد کردن فاکتورهای محیطی و اجتماعی در تصمیمات تجاری شرکت‌ها، استراتژی تجاری و حسابداری است و هدف آن، افزایش عملکرد اجتماعی و محیطی در کنار ابعاد

اقتصادی است؛ به گونه‌ای که برای واحد تجاری، جامعه و محیط مفید و سودمند باشد (مک کینلی، ۲۰۰۸). به طور کلی، منظور از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، پیوستگی و اتحاد میان فعالیت‌ها و ارزش‌های سازمان به گونه‌ای است که منافع کلیه ذینفعان شامل سهامداران، مشتریان، کارکنان، سرمایه‌گذاران و عموم جامعه، در سیاست‌ها و عملکرد سازمان منعکس گردد. به عبارت دیگر سازمان باید همواره خود را جزئی از اجتماع بداند و نسبت به جامعه احساس مسئولیت داشته باشد و در جهت بهبود رفاه عمومی به گونه‌ای مستقل از منافع مستقیم شرکت، تلاش کند (فروغی و همکاران، ۱۳۸۷). پژوهش‌های زیادی مؤکد این موضوع هستند که افزایش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به دلایل مختلفی می‌تواند منجر به عملکرد مالی مثبت شرکت‌ها گردد (فودیو و ابا، ۲۰۱۳). همچنین، این توافق وجود دارد که افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از طریق ارائه اطلاعات افزوده به سرمایه‌گذاران در مورد عملکرد شرکت، چه مثبت و چه منفی شفافیت را افزایش می‌دهد (موزر و مارتین، ۲۰۱۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که انتشار گزارش مستقل مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها هزینه سرمایه شرکت را کاهش می‌دهد و دقت پیش‌بینی تحلیلگران را افزایش می‌دهد (دالوال و همکاران، ۲۰۱۲)، بنابراین این اطلاعات عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهند و باعث افزایش نظارت بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران و کاهش فرصت مدیران برای سوءاستفاده از وجه نقد برای پروژه‌های فاقد ارزش می‌شوند و احتمالاً، ارزش نگهداشت وجه نقد را افزایش می‌دهند. از طرفی، رقابت بازار محصول و عملکرد اجتماعی به طور کامل با هم در ارتباط هستند (ماریون و همکاران، ۲۰۱۲). رفتار اخلاقی شرکت‌ها، آن‌ها را برای به دست آوردن مزیت رقابتی قادر می‌سازد و شرکت‌ها برای پاسخگویی اجتماعی به مشتریان رقابت می‌کنند، همچنین به اعتقاد لی (۲۰۱۰) رقابت در بازار منجر به بهبود کیفیت افشای اطلاعات توسط شرکت‌ها از طریق انتشار اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها خواهد شد که نه تنها شرکت‌ها را وابسته به مزیت رقابتی رون سازمانی می‌کند، بلکه مالکان را نیز تشویق به تقویت سازوکارهای حاکمیت شرکتی درون سازمانی می‌کند و رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران را کاهش می‌دهد، و این انگیزه را برای مدیران ایجاد می‌کند که به شیوه کارتری رفتار کنند. با توجه به مطالب بیان شده، در این پژوهش به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا انتشار اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، بر نگهداشت وجه نقد تأثیری دارد یا خیر؟ و آیا رقابت در بازار محصول بر این رابطه تأثیری دارد؟

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### نگهداشت وجه نقد

طی دهه‌های گذشته، تغییرات زیادی در سیاست‌های نگهداری وجه نقد شرکت‌ها به وجود آمده است. برخی پژوهشگران نظیر فریرا و ویللا (۲۰۰۴) با طرح مسائلی، همچون کاهش احتمال آشفته‌گی و فشارهای مالی که ممکن است به دنبال سیاست‌های حداکثر نمایی سرمایه‌گذاری‌ها و یا احتمال وجود محدودیت‌های تأمین مالی به وجود آید، معتقدند که نگهداری وجه نقد در شرکت‌ها باید افزایش یابد. در مقابل، برخی دیگر نظیر آلا یانیس و موزامدار (۲۰۰۴) با طرح مسائلی، همچون بازده پایین این دارایی‌ها نسبت به دارایی‌های ثابت، تأثیری که تورم به علت کاهش ارزش زمانی پول در طی زمان بر سطوح نگهداری مازاد وجه نقدی می‌گذارد و افزایش ارزش سهام شرکت که به دنبال کاهش سطح وجه نقد نگهداری شده در شرکت از طریق سرمایه‌گذاری وجوه اضافه در پروژه‌های سودآور رخ می‌دهد، معتقد به نگهداری موجودی‌های نقد کمتر در شرکت‌ها هستند. این تضاد در سیاست‌های نگهداری وجه نقد در طول زمان شرکت‌ها را به سوی تعیین سطح بهینه‌ای از وجه نقد سوق می‌دهد؛ به گونه‌ای که از بروز آسیب‌های ناشی از نگهداشت وجه نقد بیش از حد جلوگیری شود.

### مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت

امروزه نقش واحدهای تجاری در اجتماع دست‌خوش تغییرات بسیار زیادی شده است. به گونه‌ای که انتظار می‌رود واحدهای تجاری نه تنها به فکر افزایش سود خود بوده بلکه نسبت به اجتماع نیز پاسخ‌گو و برای جامعه‌ای که در تعامل با آن هستند مفید باشند. واحد تجاری نمی‌تواند از اجتماع فرار کند و جامعه نیز نمی‌تواند بدون واحد تجاری وجود داشته باشد، بنابراین، یک ارتباط دو طرفه بین واحد تجاری و اجتماع وجود دارد. در سال‌های اخیر نظریه‌ای بیان شده مبنی بر اینکه، واحدهای تجاری می‌توانند ایجاد ثروت، اشتغال و نوآوری کنند، بازار را تأمین نمایند و فعالیت‌هایشان را تقویت کرده و رقابت‌شان را بهبود بخشند و برای حفظ اجتماعی که خود در راه‌اندازی آن نقش اساسی داشته‌اند، همکاری کنند و در مقابل، جامعه نیز با فراهم کردن شرایط لازم به منظور کسب بازده توسط سرمایه‌گذاران و ایجاد

اطمینان برای ذینفعان از نبود فعالیت‌های آریتراز و غیرعادلانه، بسترهای مناسب جهت توسعه و پیشرفت واحدهای تجاری را فراهم کند (ساندهو و کاپور، ۲۰۱۰). در نتیجه مسئولیت شرکت نسبت به اجتماع هم برای خود واحد تجاری و هم برای اجتماع سودمند می‌باشد و درک بهتر منافع بالقوه آن می‌تواند منجر به بازده‌های زیاد سرمایه‌گذاری برای شرکت‌ها شود. مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در دهه اخیر به پارادایم غالب و مسلط حوزه اداره شرکت‌ها تبدیل شده است و شرکت‌های بزرگ و معتبر جهانی مسئولیت در برابر اجتماع و محیط اجتماعی را جزئی از استراتژی شرکتی خود می‌بینند. این مفهوم موضوعی است که هم‌اکنون در کشورهای توسعه‌یافته به شدت از سوی تمامی بازیگران همچون حکومت‌ها، شرکت‌ها، جامعه مدنی، سازمان‌های بین‌المللی و مراکز علمی دنبال می‌شود. شرکت‌ها مسئولیت اجتماعی شرکتی را نوعی استراتژی تجاری می‌بینند که باعث می‌شود در فضای به شدت رقابتی، بر اعتبارشان افزوده شود و سهمشان در بازار فزونی گیرد (گریفین و بارنی، ۱۹۹۲).

#### تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت بر نگهداشت وجه نقد

از آنجا که وجه نقد نگهداری شده دارای نقدینه‌ای است، که با توجه به سهولت مدیریت در دسترسی به آن و ماهیت اختیاری استفاده از آن، در معرض خطر تخصیص نامناسب بیشتری است، مدیران ممکن است به راحتی از این منابع در جهت منافع شخصی خود استفاده کنند. بنابراین، سرمایه‌گذاران زمانی که پیش‌بینی کنند که مدیران ممکن است، وجه نقد شرکت را در جهت منافع شخصی خود و به ضرر سهامداران، مصرف کنند و مشکلات نمایندگی زیاد باشد ارزش پایین‌تری به نگهداشت وجه نقد اختصاص می‌دهند.

افشای گزارش‌های مالی با کیفیت بالا می‌تواند نظارت برای کاهش در تخریب ارزش مرتبط با نگهداشت وجه نقد را تسهیل نماید. نقش نظارتی اطلاعات در گزارش‌های مالی به خوبی در ادبیات حسابداری بیان شده است (به عنوان مثال چن و همکاران، ۲۰۱۱؛ جونگ و همکاران، ۲۰۱۴) اما، پژوهش‌ها نشان می‌دهد هنگامی که شفافیت اطلاعات مالی یک شرکت پایین است، سرمایه‌گذاران ممکن است مجبور به تکیه بر منابع دیگری از اطلاعات برای ارزیابی عملکرد مالی شرکت شوند (دیفاند و هانگ، ۲۰۰۳؛ داهالی وال و همکاران، ۲۰۱۲). با این حال، مشخص نیست که چگونه گزارش‌های غیر مالی (مانند گزارش مسئولیت اجتماعی

شرکت‌ها)، می‌توانند برای نظارت بر استفاده مدیران از منابع شرکت مورد استفاده سرمایه‌گذاران قرار گیرند. دو انگیزه متضاد برای مدیران در جهت اجرای سیاست‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها وجود دارد. از طرفی مدیران ممکن است از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در جهت منافع شخصی خود استفاده کنند، به عنوان مثال برای افزایش قدرت خود در شرکت (جراپون و چیتراک، ۲۰۱۳)، کاهش اثر کنترل‌های داخلی (فابریزی و همکاران، ۲۰۱۴) و یا برای کاهش احتمال تحویل شرکت (پاگانو و ولفین، ۲۰۰۵)، که این جبهه‌گیری‌های مدیریتی تأثیر منفی بر ارزش وجه نقد نگهداری داری شده دارد (دیتمار و مارت اسمیت، ۲۰۰۷). این نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران ممکن است انتظار داشته باشند که مدیران در شرکت‌های با مسئولیت اجتماعی شرکتی بالا بیشتر تمایل به استفاده از نگهداشت وجه نقد در جهت منافع شخصی خود داشته باشند. از این رو، سرمایه‌گذاران ممکن است ارزش پایین‌تری به وجه نقد نگهداری شده توسط چنین شرکت‌هایی اختصاص دهند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نظارت خارجی توسط سرمایه‌گذاران نهادی و تحلیلگران می‌تواند از رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریتی جلوگیری کند (چن و همکاران، ۲۰۱۵؛ فاما و جنسن، ۱۹۸۵)؛ بنابراین، اگر گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت رفتار فرصت‌طلبانه مدیران را به وسیله افزایش در نظارت سرمایه‌گذاران محدود کند، تأثیر مثبت افشای مسئولیت اجتماعی شرکت باید برای شرکت‌های با نظارت ضعیف سرمایه‌گذاران نهادی و یا تحلیلگران می‌تواند قوی‌تر باشد. چن و همکاران (۲۰۱۵) دریافتند که کاهش ارزش وجه نقد با کاهش نظارت توسط تحلیلگران مرتبط است؛ این نشان می‌دهد که مزایای نظارت بر افشای اطلاعات اضافی برای شرکت‌هایی در محیط‌هایی با اطلاعات کم کیفیت یا غیر شفاف برجسته‌تر است. در چنین محیطی، ما انتظار داریم سرمایه‌گذاران برای به دست آوردن سود بیشتر از گزارش‌های مسئولیت اجتماعی شرکت استفاده کنند تا بتوانند نحوه استفاده مدیران از وجه نقد را ارزیابی کنند و بر اثرات گزارش‌های مسئولیت اجتماعی شرکت بر ارزش نهایی نگهداشت وجه نقد تأکید نمایند.

بنابراین با توجه به مطالعات انجام شده، گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت برای سرمایه‌گذاران اطلاعات افزوده‌ای در مورد هزینه‌ها و درآمدهای جاری و آتی فراهم می‌کند. همچنین گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد و نظارت

بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران را افزایش می‌دهد و در نتیجه فرصت‌های مدیران برای سوءاستفاده از وجه نقد برای پروژه‌های فاقد ارزش کاهش می‌یابد که این منجر به افزایش ارزش نگهداشت وجه نقد می‌شود. پس به طور کلی، شرکت‌هایی که گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت تهیه نمی‌کنند ذخیره وجه نقد خود را به سرعت در راه‌هایی که عملکرد آتی شرکت را بهبود نمی‌دهد مصرف می‌کنند. برعکس شرکت‌هایی که گزارش مذکور را تهیه می‌کنند، تمایل دارند تا از وجه نقد کمتری استفاده کنند و همچنین وجه نقد خود را در راه‌هایی مصرف کنند که موجب بهبود در عملکرد آتی شرکت شود (وایلو، ۲۰۱۶).

### مفهوم رقابت در بازار محصول و تأثیر آن بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سطح نگهداشت وجه نقد

شلیفر و ویشنی (۱۹۸۶) ادعا می‌کنند که رقابت در بازار محصول، به احتمال بسیار زیاد، قوی‌ترین نیرویی است که اقتصاد را در جهان به سمت کارایی هدایت می‌کند. رقابت یکی از محوری‌ترین و مهم‌ترین مفاهیم اقتصادی است. همچنین بگسو و بتگیس (۲۰۰۷) ادعا می‌کنند که رقابت بازار محصول معیار کلیدی برای ارزیابی درجه موفقیت کشورها، صنایع و بنگاه‌ها در میدان‌های رقابتی سیاسی، اقتصادی و تجاری به حساب می‌آید؛ بدین معنی که هر کشور، صنعت یا بنگاهی که از توان رقابتی بالایی در بازارهای رقابتی برخوردار باشد، می‌توان گفت که از رقابت‌پذیری بالاتری برخوردار می‌باشد؛ بنابراین، شرکت‌ها متناسب با میزان رقابتی که در صنعت مورد فعالیتشان وجود دارد، ویژگی‌های رفتاری از خود نشان می‌دهند. بدین صورت که رقابت باعث به وجود آمدن راهبری شرکتی قوی و کاهش مشکلات نمایندگی بین مدیران و سهامداران می‌شود. از طرفی زیاد بودن میزان رقابت در بازار محصول، باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های کنترلی می‌شود. پژوهشگران در ادبیات اقتصادی استدلال می‌کنند که رقابت شدید در بازار محصولات، باعث ایجاد انگیزه در مدیران برای رفتار کارا می‌شود (آلن و گیل، ۲۰۰۰). یکی از دلایل اصلی این استدلال این است که نیروهای انضباط و نظم‌دهنده رقابت به سرعت در حال حذف مدیران ناکارآمد از بازار هستند. این ایده قدیمی به وسیله آدام اسمیت در کتاب ثروت ملت‌ها بیان شده است. وی بیان می‌کند که انحصار، دشمنی بزرگ برای مدیریت خوب است. در طول چند دهه گذشته، برخی از پژوهش‌های

نظری (آغیون و همکاران، ۱۹۹۹؛ هی، ۲۰۱۲) نیز سعی کرده‌اند که خط‌مشی‌های بالقوه‌ای را به صورت رسمی مطرح کنند که رقابت می‌تواند در انگیزه مدیران اثر داشته باشد.

مدیران شرکت‌ها در صنایع رقابتی، برای حفظ موقعیت خود و جلوگیری از انحلال، به کار سخت‌تر، جلوگیری از اتلاف منابع شرکت در پروژه‌ها بی‌فایده و سرمایه‌گذاری کمتر در فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده، سوق پیدا می‌کند تا از این طریق ارزش شرکت را حداکثر کند (وانگ، ۲۰۱۰). همچنین (نالوف و استی گلیتز، ۱۹۸۳) استدلال می‌کنند که رقابت در بازار محصول به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نظارت، به وسیله ایجاد فرصت‌های مهم برای سرمایه‌گذاران در خصوص مبنای عملکرد یک شرکت، برای عملکرد رقابتی آن، می‌انجامد؛ بنابراین بر اساس این استدلال، رقابت در بازار محصول می‌تواند منجر به کاهش سطح نگهداشت وجه نقد به وسیله کاهش احتمال بیش سرمایه‌گذاری و ناتوانی مدیریت شود. در مجموع مدل پیامد پیش‌بینی می‌کند که بین سطح تمرکز صنایع (رقابت در بازار محصول) و سطح نگهداشت وجه نقد شرکت‌ها رابطه منفی وجود دارد. به طور کلی، در ارتباط با تأثیر رقابت در بازار محصول بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سطح نگهداشت وجه نقد استدلال می‌شود که رقابت در بازار به عنوان یک مکانیسم خارجی راهبری شرکتی سبب کاهش هزینه نمایندگی و همسویی منافع مدیران و سرمایه‌گذاران، کاهش تخلفات توسط مدیران، بهبود تصمیم‌گیری‌های عملیاتی و افزایش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود، از این‌رو، شرکت‌هایی که در بازارها و صنایع انحصاری فعالیت می‌کنند، محیط اطلاعاتی مبهم‌تری دارند و در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران در این گونه شرکت‌ها بیش‌تر است. به بیان دیگر، این امکان وجود دارد که مدیریت با استفاده از ضعف کنترل داخلی، سود را مدیریت کرده و از منافع سهامداران به نفع خود استفاده کند و ارزش شرکت را کاهش دهد. در نتیجه، سبب افزایش سطح نگهداشت وجه نقد می‌شود؛ و از سوی دیگر، نقش نظارتی رقابت در بازار محصول سبب افزایش کیفیت راهبری شرکتی می‌شود که در نهایت افزایش کیفیت سود و کیفیت گزارشگری مالی را به دنبال دارد. افزایش کیفیت سود و کیفیت گزارشگری مالی سبب شفافیت بیشتر محیط اطلاعاتی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در ارتباط با سهام شرکت در بازار و افزایش سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌شود؛ بنابراین، رقابت بازار محصول و عملکرد اجتماعی به طور کامل با هم در ارتباط هستند (ماریون



و همکاران، ۲۰۱۲). رفتار اخلاقی شرکت‌ها، آن‌ها را برای به دست آوردن مزیت رقابتی قادر می‌سازد و شرکت‌ها برای پاسخگویی اجتماعی به مشتریان رقابت می‌کنند. روسو و فوتز (۱۹۹۷) به صورت تجربی نشان دادند که عملکرد اجتماعی می‌تواند یک منبعی از مزایای رقابتی به ویژه در صنایع با رشد بالا ایجاد کند. فرناندز و سنتالو (۲۰۱۰) بیان کردند که شرکت‌ها در محیط‌های، رقابتی بالا، امتیاز و رتبه‌ی اجتماعی بهتری دارند.

### پیشینه پژوهش

آروری و پیجولت (۲۰۱۷)، در پژوهشی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ارزش نگهداشت وجه نقد شرکت‌های حاضر در ۵۰ کشور مختلف طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که سرمایه‌گذاران برای وجه نقد نگهداری شده در شرکت‌های دارای سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالاتر، ارزش بیشتری قائل هستند.

چونگ (۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان مسئولیت اجتماعی شرکت و سطح نگهداشت وجه نقد با بررسی ۱۴۲۰۶ سال-شرکت طی سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۱۱ و با استفاده از سه ساز و کار؛ حاکمیت شرکتی، ریسک سیستماتیک و ریسک غیرسیستماتیک به بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت بر نگهداشت وجه نقد پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکتی با سطح نگهداشت وجه نقد رابطه مثبت و معناداری دارد؛ و این رابطه که در حضور سه سازوکار فوق بررسی شده در حضور ریسک سیستماتیک پررنگ‌تر است.

دنیل و همکاران (۲۰۰۷)، با بررسی تأثیر رقابت در بازار محصول بر مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نشان دادند که رقابت در بازار محصول با معیارهای مسئولیت اجتماعی شرکت ارتباط مستقیمی دارد. همچنین، نشان دادند تمرکز بازار صنعت با معیارهای مسئولیت اجتماعی شرکت دارای ارتباط معکوسی می‌باشد.

ایبضی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تأثیر ارتباطات سیاسی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت با تأکید بر رقابت بازار محصول نشان دادند که افزایش ارتباطات سیاسی موجب افزایش تعهدات اجتماعی می‌شود و مدیران تمایل بیشتری به پاسخگویی دارند. همچنین تأثیر ارتباطات سیاسی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای شرکت‌هایی که محصولات

آن‌ها در بازارهای رقابتی به فروش می‌رسند، مثبت است در حالیکه چنین تأثیری برای شرکت‌های با رقابت بازار محصول پایین برقرار نیست. رقابت بیشتر عاملی موثر در افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی است.

صفری گرایلی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش‌گذاری بازار از نگهداشت وجه نقد شرکت نشان داده است که افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ارزش بازار وجه نقد نگهداری شده شرکت را افزایش می‌دهد و سرمایه‌گذاران برای وجه نقد نگهداری شده در شرکت‌های دارای سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالاتر، ارزش بیشتری قائلند.

حاجیها (۱۳۹۷) در پژوهشی، با بررسی ۹۶ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۴ نشان می‌دهد راهبردهای رقابتی بر عملکرد تأثیر مستقیم و معنی‌دار دارند. همچنین تأثیر مسئولیت اجتماعی بر عملکرد مستقیم و معنی‌دار است، اما با حضور افشای بیشتر مسئولیت اجتماعی راهبرد تمایز نسبت به کاهش هزینه، تأثیر بیشتری بر عملکرد دارد.

احمدپور و فرمانبردار (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط بین افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و رقابت بازار محصول بیان داشتند که بین سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت و رقابت بازار محصول و همچنین، بین سطح افشای عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت با رقابت بازار محصول ارتباط معنی‌داری وجود ندارد.

### فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه اول: مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأثیر معناداری بر سطح نگهداشت وجه نقد دارد.

فرضیه دوم: رقابت در بازار محصول تأثیر معناداری بر سطح نگهداشت وجه نقد دارد.

فرضیه سوم: رقابت در بازار محصول تأثیر معناداری بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سطح نگهداشت وجه نقد دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در قلمرو زمانی سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ است. در این پژوهش به منظور نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است، بدین منظور کلیه شرکت‌های جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده‌اند به عنوان نمونه انتخاب و بقیه حذف شده‌اند:

- ۱- سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفندماه هر سال باشد.
  - ۲- در بازه زمانی پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشد.
  - ۳- معاملات سهام آن‌ها طی دوره پژوهش، بیش از سه ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشد.
  - ۴- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه، بانک و لیزینگ نباشد.
  - ۵- اطلاعات موردنیاز آن‌ها در قلمرو پژوهش در دسترس باشد.
- با اعمال شرایط مذکور از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۸۴ شرکت به عنوان نمونه آماری این پژوهش انتخاب شد.

### مدل پژوهش

الگوهای زیر برای انجام آزمون فرضیه‌ها انتخاب شده است:

الگوی (۱) برای آزمون فرضیه اول و دوم بر اساس معیار اول سطح نگهداشت وجه نقد

$$\text{CASH}_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 \text{CSR}_{i,t} + \beta_2 \text{HHI}_{i,t} + \beta_3 \text{LI}_{i,t} + \beta_4 \text{ROA}_{i,t} + \beta_5 \text{RET}_{i,t} + \beta_6 \text{LEV}_{i,t} + \beta_7 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_8 \text{MTB}_{i,t} + \beta_9 \text{DID}_{i,t} + \beta_{10} \text{COF}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

الگوی (۲) برای آزمون فرضیه اول و دوم بر اساس معیار دوم سطح نگهداشت وجه نقد

$$\text{CASHNET}_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 \text{CSR}_{i,t} + \beta_2 \text{HHI}_{i,t} + \beta_3 \text{LI}_{i,t} + \beta_4 \text{ROA}_{i,t} + \beta_5 \text{RET}_{i,t} + \beta_6 \text{LEV}_{i,t} + \beta_7 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_8 \text{MTB}_{i,t} + \beta_9 \text{DID}_{i,t} + \beta_{10} \text{COF}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

الگوی (۳) برای آزمون فرضیه سوم بر اساس معیار اول سطح نگهداشت وجه نقد

$$\begin{aligned} \text{CASH}_{i,t} = & \alpha_0 + \beta_1 \text{CSR}_{i,t} + \beta_2 \text{HHI}_{i,t} + \beta_3 \text{LI}_{i,t} + \beta_4 \text{HHI} * \text{CSR}_{i,t} \\ & + \beta_5 \text{LI} * \text{CSR}_{i,t} + \beta_6 \text{ROA}_{i,t} + \beta_7 \text{RET}_{i,t} + \beta_8 \text{LEV}_{i,t} + \beta_9 \text{SIZE}_{i,t} \\ & + \beta_{10} \text{MTB}_{i,t} + \beta_{11} \text{DID}_{i,t} + \beta_{12} \text{COF}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۳) \end{aligned}$$

الگوی (۴) برای آزمون فرضیه سوم بر اساس معیار دوم سطح نگهداشت وجه نقد

$$\begin{aligned} \text{CASHNET}_{i,t} = & \alpha_0 + \beta_1 \text{CSR}_{i,t} + \beta_2 \text{HHI}_{i,t} + \beta_3 \text{LI}_{i,t} + \beta_4 \text{HHI} * \text{CSR}_{i,t} \\ & + \beta_5 \text{LI} * \text{CSR}_{i,t} + \beta_6 \text{ROA}_{i,t} + \beta_7 \text{RET}_{i,t} + \beta_8 \text{LEV}_{i,t} + \beta_9 \text{SIZE}_{i,t} \\ & + \beta_{10} \text{MTB}_{i,t} + \beta_{11} \text{DID}_{i,t} + \beta_{12} \text{COF}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۴) \end{aligned}$$

### متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش مشتمل بر سه دسته متغیر مستقل، وابسته و کنترلی به شرح زیر است:

### متغیرهای مستقل

#### مسئولیت پذیری اجتماعی

متغیر وابسته در این پژوهش، سطح افشای اطلاعات پایداری است که از افشای مسئولیت اجتماعی به عنوان نماینده از این طیف گزارشگری استفاده شده است. برای اندازه گیری آن از شاخص های کمک های خیریه و عام المنفعه، اقداماتی جهت کاهش مصرف انرژی، نظام اطلاعاتی مدیریت محیط زیست، خرید و نصب تجهیزات برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست، آموزش و رفاه و ایمنی و بهداشت کارکنان و کیفیت محصولات و میزان توجه به مسائل مربوط به مشتریان و خدمات پس از فروش به عنوان متغیرهای موهومی استفاده شده است و در صورتی که شرکتی هر کدام از شاخص های فوق را در گزارش های مالی و گزارش های سالیانه هیئت مدیره به مجمع عمومی افشاء نموده باشد امتیاز یک و در غیر این صورت امتیاز صفر در نظر گرفته می شود. بعد از تعیین امتیازها از همه متغیرها میانگین گرفته شده است و از میانگین این داده ها برای هر شرکت به عنوان متغیر مستقل مسئولیت پذیری اجتماعی استفاده شده است.

#### رقابت در بازار محصول

با توجه به هدف و سؤال پژوهش، رقابت در بازار محصولات به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. در این پژوهش از دو شاخص هر فیندال-هیر شمن و شاخص لرنر به عنوان

معیار اندازه‌گیری رقابت در بازار محصول استفاده شده است. نحوه محاسبه هر یک از شاخص‌های مورد استفاده در خصوص اندازه‌گیری شدت رقابت در بازار محصول به شرح زیر است:

#### شاخص هرfindahl هیرشمن (HHI)

رقابت در بازار محصول بر اساس شاخص هرfindahl هیرشمن اندازه‌گیری شده است که در پژوهش‌های گیروود و مولر (۲۰۰۱)، گاستا و ورونی (۲۰۱۲) مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به ذکر است که شاخص مذکور میزان رقابت‌پذیری را در صنایع مختلف محاسبه کرده و به صورت الگوی (۵) تعریف می‌شود:

$$herfindahl - HirschhmanIndx(HHI) = \sum_{i=1}^n \left(\frac{S_i}{S}\right)^2 \quad (5)$$

$S_i$ : درآمد فروش شرکت  $i$

$S$ : مجموع درآمد فروش شرکت‌های موجود در صنعتی که شرکت  $i$  در آن فعالیت می‌کند.

$n$ : تعداد شرکت‌های موجود در صنعت

شاخص هرfindahl هیرشمن میزان تمرکز صنعت را اندازه‌گیری می‌کند. هر چه این شاخص بزرگ‌تر باشد، میزان تمرکز بیشتر بوده و رقابت کمتری در صنعت وجود دارد و بالعکس (گاستا و ورونی، ۲۰۱۲).

#### شاخص لرنر (LI)

شاخص لرنر برابر است با قیمت محصولات شرکت منهای هزینه‌های نهایی تولید. این شاخص به صورت مستقیم نشان‌دهنده ویژگی قدرت بازار، یعنی توانایی شرکت برای منظور کردن قیمتی بیشتر از هزینه نهایی است. چالش پیش روی استفاده از شاخص لرنر در پژوهش‌های تجربی این است که هزینه‌های نهایی قابل مشاهده نیستند؛ بنابراین، معمولاً پژوهشگران شاخص لرنر را به وسیله حاشیه قیمت - هزینه تخمین می‌زنند (بوث و ژو، ۲۰۰۹). به پیروی از گاسپر و ماسا (۲۰۰۶)، کال و لون (۲۰۱۱) و بوث و ژو (۲۰۰۹)، شاخص لرنر بر

حسب سود عملیاتی تقسیم بر فروش تعریف می شود. این شاخص با استفاده از رابطه (۶) به صورت تقریبی برآورد می شود.

$$LI = \frac{Sale - Coge - SG \& A}{Sale} \quad (۶)$$

که در رابطه (۶) LI نشان دهنده شاخص لرنر، Sale نشان دهنده فروش، Cogs نشان دهنده بهای تمام شده کالای فروش رفته و SG & A نشان دهنده هزینه های عمومی، اداری و فروش است. میزان بالاتر شاخص لرنر نشان دهنده قدرت قیمت گذاری محصول و رقابت بالاتر یک شرکت را نشان می دهد.

### متغیر وابسته پژوهش

#### سطح نگهداشت وجه نقد

برای اندازه گیری سطح نگهداشت وجه نقد از دو معیار نسبت وجه نقد و معادل وجه نقد به کل دارایی و نسبت وجه نقد و معادل وجه نقد به مجموع دارایی ها پس از کسر وجه نقد و معادل وجه نقد استفاده شده است.

### متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): برابر با لگاریتم جمع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت.

نسبت ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام (MTB): برابر با تقسیم ارزش دفتری شرکت بر ارزش بازار شرکت است.

اهرم مالی (LEV): برابر با تسهیلات مالی تقسیم بر جمع دارایی های شرکت.

شاخص سودآوری (ROE): برابر با سود خالص تقسیم بر جمع حقوق صاحبان سهام

بازده سهام (RET): برابر است با بازده سهام سالانه شرکت.

نسبت سود تقسیمی (DID): نسبت سود تقسیمی به کل دارایی ها.

نسبت جریان های نقد عملیاتی (CFO): نسبت جریان های نقد عملیاتی به کل دارایی های واحد تجاری.

## یافته‌های پژوهش

### آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش درنگاره (۱) نشان داده شده است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
نسبت وجه نقد و معادل وجه نقد به کل دارایی	CASH	۰/۳۳۰	۰/۳۰۶	۰/۸۲۲	۰/۰۰۴	۰/۱۶۴
نسبت وجه نقد و معادل وجه نقد به مجموع دارایی‌ها پس از کسر وجه نقد و معادل وجه نقد	CASHNET	۰/۶۲۲	۰/۴۵۹	۰/۵۳۸	۰/۰۰۴	۰/۵۱۶
شاخص هرfindال هیرشمن	HHI	۰/۱۸۳	۰/۰۱۶	۱	۰/۰۰۰۱	۰/۳۳۳
شاخص لرنر	LI	۰/۲۲۴	۰/۱۷۹	۰/۹۸۷	-۰/۵۷۶	۰/۲۴۰
مسئولیت اجتماعی شرکت	CSR	۰/۷۰۳	۰/۷۱۴	۱/۰۰	۰/۲۵۳	۰/۱۸۴
شاخص سودآوری	ROE	۰/۲۵۵	۰/۱۹۶	۱/۳۳۲	-۰/۵۲۸	۰/۲۸۶
بازده سهام	RET	۰/۵۴۵	۰/۲۱۴	۸/۱۰۳	-۰/۶۰۴	۱/۰۳۱
اهرم مالی	LEV	۰/۵۶۲	۰/۵۸۲	۰/۹۹۷	۰/۰۱۳	۰/۲۲۱
اندازه	SIZE	۱۴/۴۶۶	۱۴/۰۶۹	۱۸/۵۴۳	۱۱/۳۰۳	۱/۶۱۱
نسبت ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام	MTB	۲/۹۰۳	۲/۳۶۰	۱۴/۴۹۹	-۳/۰۷۵	۲/۳۹۸
سود تقسیمی	DID	۰/۰۶۹	۰/۰۳۹	۰/۶۵۷	۰/۰۰۰	۰/۰۹۰
جریان‌های نقد عملیاتی	COF	۰/۱۳۴	۰/۱۱۵	۰/۶۴۲	-۰/۲۸۵	۰/۱۴۰

### آمار استنباطی

#### آزمون ناهمسانی واریانس

در این پژوهش برای تخمین ناهمسانی واریانس از آزمون آرچ استفاده شده است و نتایج آن در نگاره (۲) ارائه گردیده است. نتایج حاصل از آزمون نشان می‌دهد که با توجه به مقدار آماره  $F$  و سطح معنی‌داری که بیشتر از ۵ درصد می‌باشد فرض  $H_0$  پذیرفته می‌شود. بنابراین همسانی واریانس پذیرفته شده و مدل پژوهش دارای ناهمسانی واریانس نمی‌باشد.

## نگاره (۲): آزمون ناهمسانی واریانس

الگوی مورد بررسی	آماره	سطح معناداری
الگوی (۱)	۰/۸۵۵	۰/۴۹
الگوی (۲)	۲/۲۰۲	۰/۶۷
الگوی (۳)	۰/۷۳۴	۰/۵۶
الگوی (۴)	۲/۰۹۵	۰/۳۷

قبل از برآزش الگوها لازم است تا آزمون F لیمر به منظور بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی برای الگوهای مزبور انجام شود. نتایج حاصل آزمون F لیمر برای الگوهای مزبور در نگاره (۳) نشان داده شده است.

## نگاره (۳): نتایج آزمون F لیمر برای الگوی پژوهش

الگوی مورد بررسی	آماره	سطح معناداری	روش پذیرفته شده
الگوی (۱)	۰/۸۵۵	۰/۴۹۰۵	الگوی تلفیقی (pooled)
الگوی (۲)	۲/۲۰۲	۰/۰۶۸۰	الگوی تلفیقی (pooled)
الگوی (۳)	۰/۷۳۴	۰/۵۶۸	الگوی تلفیقی (pooled)
الگوی (۴)	۲/۰۹۵	۰/۰۸۰۶	الگوی تلفیقی (pooled)

همان‌طور که در نگاره (۳) نیز قابل مشاهده است، نتایج حاکی از عدم رد فرض  $H_0$  بوده، در نتیجه الگوی داده‌های ترکیبی روش ارجح است. در ادامه نتایج تخمین الگوی پژوهش در نگاره‌های (۴ تا ۷) با روش داده‌های ترکیبی نشان داده شده است.

## نگاره (۴): نتایج حاصل از برآورد الگوی (۱) پژوهش

$CASH_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 CSR_{i,t} + \beta_2 HHI_{i,t} + \beta_3 LI_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 RET_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 SIZE_{i,t} + \beta_8 MTB_{i,t} + \beta_9 DID_{i,t} + \beta_{10} COF_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$				
متغیر	نماد	ضریب متغیر	آماره T	سطح معناداری
عرض از مبدا	A	۰/۶۱۲	۸/۳۷۶	۰/۰۰۰
شاخص هرفیندال هیرشمن	HHI	۰/۱۲۴	۵/۷۴۹	۰/۰۰۰
شاخص لرنر	LI	-۰/۲۵۵	-۶/۵۷۷	۰/۰۰۰
مسئولیت اجتماعی شرکت	CSR	-۰/۱۷۱	-۴/۶۵۶	۰/۰۰۰
شاخص سودآوری	ROE	-۰/۰۸۰۷	-۱/۹۶۷	۰/۰۴۹۸



$CASH_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 CSR_{i,t} + \beta_2 HHI_{i,t} + \beta_3 LI_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 RET_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 SIZE_{i,t} + \beta_8 MTB_{i,t} + \beta_9 DID_{i,t} + \beta_{10} COF_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$				
متغیر	نماد	ضریب متغیر	آماره T	سطح معناداری
بازده سهام	RET	۰/۰۱۲۴	۱/۸۴۴	۰/۰۶۵۸
اهرم مالی	LEV	-۰/۱۲۸	-۲/۶۲۵	۰/۰۰۹
اندازه	SIZE	-۰/۰۰۷۱	-۱/۵۹۲	۰/۱۱۱
نسبت ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام	MTB	۰/۰۰۳۵	۱/۱۶۷	۰/۲۴۳
سود تقسیمی	DID	۰/۳۴۶	۳/۲۸۲	۰/۰۰۱
جریان‌های نقد عملیاتی	COF	۰/۱۳۹	۲/۳۴۷	۰/۱۹۴
	ضریب تعیین	۰/۳۰۴		
	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۸۷		
	آماره دوربین-واتسون	۱/۵۹۰		
	آماره F	۱۷/۸۷۰		
	احتمال آماره F	۰/۰۰۰		

با توجه به نتایج قابل مشاهده در نگاره (۴) و با توجه به آماره F به دست آمده (۱۷/۸۷۰) و سطح خطای آن، می‌توان ادعا کرد که در مجموع الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان باقی مانده‌های الگو وجود ندارد.

با توجه به نتایج نگاره (۵) و آماره F به دست آمده (۱۳/۴۳۹) و سطح خطای آن، می‌توان ادعا کرد که در مجموع الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر ۱/۵۱۱ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان باقی مانده‌های الگو وجود ندارد. با توجه به نگاره (۴) و (۵) نتایج فرضیه اول و دوم به شرح ذیل بیان می‌شود:

## نگاره (۵): نتایج حاصل از برآورد الگوی (۲) پژوهش

CASHNET <sub>i,t</sub> = $\alpha_0 + \beta_1 CSR_{i,t} + \beta_2 HHI_{i,t} + \beta_3 LI_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 RET_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 SIZE_{i,t} + \beta_8 MTB_{i,t} + \beta_9 DID_{i,t} + \beta_{10} COF_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$ (2)				
متغیر	نماد	ضریب متغیر	آماره T	سطح معناداری
عرض از مبدا	A	۱/۵۰۴	۶/۳۶۳	۰/۰۰۰
شاخص هرفیندال هیرشمن	HHI	۰/۳۲۳	۴/۶۲۶	۰/۰۰۰
شاخص لرنر	LI	-۰/۷۱۷	-۵/۷۲۲	۰/۰۰۰
مسئولیت اجتماعی شرکت	CSR	-۰/۴۷۵	-۴/۰۰۲	۰/۰۰۰۱
شاخص سودآوری	ROE	-۰/۳۳۵	-۲/۵۳۲	۰/۰۱۱۷
بازده سهام	RET	۰/۰۴۲	۱/۹۲۸	۰/۰۵۴۵
اهرم مالی	LEV	-۰/۴۷۰	-۲/۹۶۹	۰/۰۰۳۲
اندازه	SIZE	-۰/۰۱۸۴	-۱/۲۶۴	۰/۲۰۶
نسبت ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام	MTB	۰/۰۰۹۵	۰/۹۶۲	۰/۳۳۶
سود تقسیمی	DID	۰/۸۴۹	۲/۴۹۲	۰/۰۱۳
جریان‌های نقد عملیاتی	COF	۰/۳۰۵	۱/۵۸۵	۰/۱۱۳
	ضریب تعیین		۰/۲۴۷	
	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۲۲۸	
	آماره دورین-واتسون		۱/۵۱۱	
	آماره F		۱۳/۴۳۹	
	احتمال آماره F		۰/۰۰۰	

فرضیه اول به بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر نگهداشت وجه نقد می‌پردازد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری نگهداشت وجه نقد از دو معیار (نسبت وجه نقد به دارایی‌ها و نسبت وجه نقد به خالص دارایی‌ها) استفاده شده است، بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده در نگاره (۴ و ۵) از برآورد الگوی (۱ و ۲)، ضریب مسئولیت‌پذیری اجتماعی به ترتیب برابر

است با  $0/171-$  و  $0/475-$  و با توجه به سطح خطای آن که به ترتیب برابر است با  $0/000$  و  $0/0001$  که کمتر از سطح خطای  $0/05$  است؛ بنابراین، ضریب منفی مسئولیت‌پذیری اجتماعی نشان دهنده آن است که افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی، سبب کاهش سطح نگهداشت وجه نقد می‌شود. در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان  $0/95$  مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتیجه آزمون این فرضیه با پژوهش چونگ و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت دارد.

فرضیه دوم به بررسی تأثیر رقابت در بازار محصول بر نگهداشت وجه نقد می‌پردازد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری رقابت در بازار محصول از دو شاخص (شاخص هرفیندال هیرشمن (معیار معکوس رقابت در بازار محصول) و شاخص لرنر) استفاده شده است، بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده در نگاره (۴ و ۵) از برآورد الگوهای (۱ و ۲)، ضریب رقابت در بازار محصول (شاخص هرفیندال هیرشمن و شاخص لرنر) به ترتیب برابر است با  $0/124$  و  $0/233$ ،  $0/255-$  و  $0/717-$  و با توجه به سطح خطای آن که به ترتیب برابر است با  $0/000$  و  $0/000$ ،  $0/000$  و  $0/000$  که کمتر از سطح خطای  $0/05$  است، بنابراین ضریب مثبت شاخص هرفیندال هیرشمن نشان دهنده آن است که افزایش شاخص هرفیندال هیرشمن رقابت در بازار محصول را کاهش داده و در نتیجه موجب افزایش سطح نگهداشت وجه نقد می‌شود و ضریب منفی شاخص لرنر نشان دهنده آن است که افزایش شاخص هرفیندال هیرشمن رقابت در بازار محصول را افزایش داده و در نتیجه موجب کاهش سطح نگهداشت وجه نقد می‌شود، که در مجموع می‌توان بیان کرد که افزایش رقابت در بازار محصول موجب کاهش سطح نگهداشت وجه نقد می‌شود. در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان  $0/95$  مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتیجه آزمون این فرضیه با پژوهش چونگ و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت دارد.

با توجه به نتایج نگاره (۶) و آماره F به دست آمده ( $29/438$ ) و سطح خطای آن، می‌توان ادعا کرد که در مجموع الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر  $1/827$  است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی مرتبه اول میان باقی‌مانده‌های الگو وجود ندارد.

## نگاره (۶): نتایج حاصل از برآورد الگوی (۳) پژوهش

$CASH_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 CSR_{i,t} + \beta_2 HHI_{i,t} + \beta_3 LI_{i,t} + \beta_4 HHI * CSR_{i,t} + \beta_5 LI * CSR_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \beta_7 RET_{i,t} + \beta_8 LEV_{i,t} + \beta_9 SIZE_{i,t} + \beta_{10} MTB_{i,t} + \beta_{11} DID_{i,t} + \beta_{12} COF_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (3)$				
متغیر	نماد	ضریب متغیر	آماره T	سطح معناداری
عرض از مبدا	A	۰/۵۵۵	۵/۶۸۴	۰/۰۰۰
شاخص هرفیندال هیرشمن	HHI	۰/۰۹۴	۲/۸۲۵	۰/۰۰۴۹
شاخص لرنر	LI	-۰/۱۵۸	-۳/۲۰۴	۰/۰۰۱۵
مسئولیت اجتماعی شرکت	CSR	-۰/۱۴۳	-۳/۴۶۵	۰/۰۰۰۶
شاخص هرفیندال هیرشمن در مسئولیت پذیری اجتماعی	HHI*CSR	۰/۱۳۴	۳/۳۴۵	۰/۰۰۰۹
شاخص لرنر در مسئولیت پذیری اجتماعی	LI*CSR	-۰/۱۸۸	-۳/۹۰۱	۰/۰۰۰۱
شاخص سودآوری	ROE	-۰/۰۲۹۴	-۰/۷۴۷	۰/۴۴۳
بازده سهام	RET	۰/۰۰۸۳	۱/۹۹۵	۰/۰۴۶۷
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۹۴۲	-۱/۸۲۴	۰/۰۶۸۸
اندازه	SIZE	-۰/۰۰۰۶	-۱/۰۸۴	۰/۲۷۸
نسبت ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام	MTB	۰/۰۰۲	۰/۸۹۴	۰/۳۷۱
سود تقسیمی	DID	۰/۲۴۰	۲/۳۱۶	۰/۰۲۱
جریان‌های نقد عملیاتی	COF	۰/۱۵۵	۳/۱۵۹	۰/۰۰۱۷
	ضریب تعیین		۰/۴۶۴	
	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۴۸	
	آماره دوربین-واتسون		۱/۸۲۷	
	آماره F		۲۹/۴۳۸	
	احتمال آماره F		۰/۰۰۰	

## تکانه (۷): نتایج حاصل از برآورد الگوی (۴) پژوهش

$\text{CASHNET}_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 \text{CSR}_{i,t} + \beta_2 \text{HHI}_{i,t} + \beta_3 \text{LI}_{i,t} + \beta_4 \text{HHI} * \text{CSR}_{i,t} + \beta_5 \text{LI} * \text{CSR}_{i,t} + \beta_6 \text{ROA}_{i,t} + \beta_7 \text{RET}_{i,t} + \beta_8 \text{LEV}_{i,t} + \beta_9 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_{10} \text{MTB}_{i,t} + \beta_{11} \text{DID}_{i,t} + \beta_{12} \text{COF}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (4)$				
متغیر	نماد	ضریب متغیر	آماره T	سطح معناداری
عرض از مبدا	A	۱/۲۳۴	۳/۸۴۸	۰/۰۰۰۱
شاخص هرفیندال هیرشمن	HHI	۰/۲۲۵	۱/۹۸۷	۰/۰۴۷۵
شاخص لرنر	LI	-۰/۴۵۹	-۲/۷۱۱	۰/۰۰۰۷
مسئولیت اجتماعی شرکت	CSR	-۰/۴۸۰	-۳/۴۷۱	۰/۰۰۰۶
شاخص هرفیندال هیرشمن در مسئولیت‌پذیری اجتماعی	HHI*CSR	۰/۲۷۳	۲/۰۳۱	۰/۰۴۲۸
شاخص لرنر در مسئولیت‌پذیری اجتماعی	LI*CSR	-۰/۴۰۲	-۲/۴۱۴	۰/۰۱۶۲
شاخص سودآوری	ROE	-۰/۱۹۹	-۱/۴۹۰	۰/۱۳۶
بازده سهام	RET	۰/۰۳۵	۱/۹۵۹	۰/۰۵۰۸
اهرم مالی	LEV	-۰/۲۷۹	-۱/۶۰۲	۰/۱۰۹
اندازه	SIZE	-۰/۰۱۲۹	-۰/۶۴۹	۰/۵۱۶
نسبت ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام	MTB	۰/۰۱۶۸	۱/۸۷۳	۰/۰۶۱۸
سود تقسیمی	DID	۰/۵۷۱	۱/۶۷۷	۰/۰۹۴۳
جریان‌های نقد عملیاتی	COF	۰/۴۲۲	۲/۳۳۶	۰/۰۲۰۰
	ضریب تعیین	۰/۳۰۴		
	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۸۳		
	آماره دورین-واتسون	۱/۸۹۶		
	آماره F	۱۴/۸۲۸		
	احتمال آماره F	۰/۰۰۰		

با توجه به نتایج نگاره (۷) و آماره F به دست آمده (۱۴/۸۲۸) و سطح خطای آن، می‌توان ادعا کرد که در مجموع الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. افزون بر این، با توجه به مقدار آماره دورین واتسون که برابر ۱/۸۹۶ است، می‌توان ادعا کرد که خودهمبستگی

مرتب اول میان باقی مانده‌های الگو وجود ندارد. با توجه به نگاره (۶ و ۷) نتیجه فرضیه سوم به شرح ذیل بیان می‌شود:

فرضیه سوم به بررسی تأثیر رقابت در بازار محصول بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نگهداشت وجه نقد می‌پردازد. با توجه به نتایج به دست آمده در نگاره (۶ و ۷) از برآورد الگوهای (۳ و ۴)، ضریب رقابت در بازار محصول (شاخص هرفیندال هیرشمن و شاخص لرنر) بر رابطه مسئولیت‌پذیری اجتماعی به ترتیب برابر است با ۰/۱۳۴ و ۰/۲۷۳، ۰/۱۸۸- و ۰/۴۰۲- و با توجه به سطح خطای آن که به ترتیب برابر است با ۰/۰۰۹ و ۰/۰۴۲۸، ۰/۰۰۰۱ و ۰/۰۱۶۲ که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، بنابراین ضریب مثبت شاخص هرفیندال هیرشمن نشان دهنده آن است که افزایش شاخص هرفیندال هیرشمن رقابت در بازار محصول را کاهش داده و در نتیجه موجب کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و در نهایت موجب افزایش سطح نگهداشت وجه نقد می‌شود و ضریب منفی شاخص لرنر نشان دهنده آن است که افزایش شاخص لرنر رقابت در بازار محصول را افزایش داده و در نتیجه موجب افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و در نهایت موجب کاهش سطح نگهداشت وجه نقد می‌شود، که در مجموع می‌توان بیان کرد که افزایش رقابت در بازار محصول موجب افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و در نهایت موجب کاهش سطح نگهداشت وجه نقد می‌شود. در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان ۰/۹۵ مورد تأیید قرار می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری

وجه نقد از منابع مهم و حیاتی هر واحد اقتصادی است. در اتخاذ بسیاری از تصمیمات مالی جریان‌های نقدی نقشی محوری دارند. مطالعاتی که تاکنون به موضوع سطح نگهداشت وجه نقد پرداخته‌اند، عوامل مؤثر متعددی را شناسایی نمودند؛ که از آن جمله می‌توان به اهرم مالی، رشد شرکت، اندازه شرکت، وضعیت حاکمیت شرکتی و... اشاره کرد. در این مطالعه تلاش شد تا تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و رقابت بازار محصول بر نگهداشت وجه نقد بررسی شود. نتایج نشان داد که افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی، سبب کاهش سطح نگهداشت وجه نقد می‌شود. گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت اطلاعات فوق مالی دارد که توان ارزیابی شرکت را توسط سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران افزایش می‌دهد، بنابراین گزارش

مذکور برای سرمایه‌گذاران اطلاعات افزوده‌ای در مورد هزینه‌ها و درآمدهای جاری و آتی فراهم می‌کند.

همچنین گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد و نظارت بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران را افزایش می‌دهد و می‌تواند رفتار فرصت‌طلبانه مدیران را به وسیله افزایش در نظارت سرمایه‌گذاران محدود کند. در نتیجه فرصت‌های مدیران برای سوءاستفاده از وجه نقد برای پروژه‌های فاقد ارزش کاهش می‌یابد که این منجر به کاهش نگهداشت وجه نقد می‌شود. به طور کلی، شرکت‌هایی که گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت را تهیه نمی‌کنند ذخیره وجه نقد خود را در راه‌هایی که عملکرد آتی شرکت را بهبود نمی‌دهد مصرف می‌کنند، و شرکت‌هایی که گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت تهیه می‌کنند، تمایل دارند تا وجه نقد بیشتری استفاده کنند و همچنین وجه نقد خود را در راه‌هایی مصرف کنند که موجب بهبود در عملکرد آتی شرکت شود. علاوه بر این نتایج نشان داد که رقابت در بازار محصول تأثیر منفی و معناداری بر سطح نگهداشت وجه نقد دارد و همچنین رقابت در بازار محصول تأثیر منفی و معناداری بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سطح نگهداشت وجه نقد دارد. این بدین معنی است که رقابت در بازار به عنوان یک مکانیسم خارجی راهبری شرکتی سبب کاهش هزینه‌ی نمایندگی و هم‌سویی منافع مدیران و سرمایه‌گذاران، کاهش تخلفات توسط مدیران، بهبود تصمیم‌گیری‌های عملیاتی و افزایش کیفیت گزارشگری مالی شده که در این حالت سطح نگهداشت وجه نقد کاهش می‌یابد، همچنین نقش نظارتی رقابت در بازار محصول سبب افزایش کیفیت راهبری شرکتی می‌شود که در نهایت افزایش کیفیت سود و کیفیت گزارشگری مالی را به دنبال دارد.

افزایش کیفیت سود و کیفیت گزارشگری مالی سبب شفافیت بیشتر محیط اطلاعاتی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در ارتباط با سهام شرکت در بازار و افزایش سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌شود؛ و در نهایت موجب کاهش سطح نگهداشت وجه نقد می‌شود.

به محققین پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آتی اثر متغیرهای دیگری همچون ساختار حاکمیت شرکتی، تنوع‌پذیری محصولات و چرخه عمر شرکت را در کنار فاکتور رقابت در

بازار محصول مورد بررسی قرار دهند و متغیرهایی همچون تورم و محدودیت مالی شرکت‌ها را در بررسی میزان نگهداشت وجه نقد لحاظ نمایند.

### منابع

ابیضی؛ عیسی، برادران حسن‌زاده؛ رسول، نامور؛ رامین. (۱۳۹۸). تأثیر ارتباطات سیاسی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت با تأکید بر رقابت بازار محصول. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۹ (۳۳)، ۳۰۱-۳۲۵.

احمدپور، احمد؛ فرمانبرداری، مریم. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و رقابت بازار محصول. *حسابداری مالی*، ۷ (۲۶)، ۱۰۳-۱۲۴.

حاجیها، زهره. (۱۳۹۷). راهبردهای رقابتی، عملکرد شرکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی به عنوان راهبرد سوم. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، ۱۱ (۳۶)، ۳۱-۴۳.

صفری گرایلی، مهدی. (۱۳۹۷). مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش‌گذاری بازار از نگهداشت وجه نقد شرکت. *راهبرد مدیریت مالی*، ۶ (۲۰)، ۱۸۳-۱۶۳.

فروغی، داریوش؛ میر شمس شهنشاهی، مرتضی، پور حسین، سمیه. (۱۳۸۷). نگرش مدیران درباره افشای اطلاعات حسابداری اجتماعی: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۵ (۳)، ۷۰-۵۵.

Ahmadpour, A; Farmanbordar, M. (2015). Investigating the relationship between disclosure of corporate social responsibility information and product market competition. *Journal of Financial Accounting, seventh year*, 26 (4) , 124-103. [In Persian]

Alimov, A. (2010). Product Market Competition, Corporate Governance and Corporate Cash Policy. *City University of Hong Kong*, Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1769351>.

Allayannis, G. Mozumdar, A. (2004). The impact of negative cash flow and influential observations on investment cash flow sensitivity estimates, *Journal of banking & Finance*, 28 (5) , 901-930.

Almeida, H. Campello, M. Weisbach, M. S. (2004). The cash flow sensitivity of cash, *Journal of finance*, 59 (4) , 1777-1804.

Arouri Mohamed and Guillaume Pijourlet. (2017). CSR Performance and the Value of Cash Holdings: International Evidence. *Journal of Business Ethics*, 140 (2) , 263-284.

Chen, F. Hope, O. & Li, Q. (2011). Financial reporting quality and investment efficiency of private firms in emerging markets. *The Accounting Review*, 86 (4) , 1255-1288.



- Chen, T. Harford, J. & Lin, C. (2015). Do analysts matter for governance? Evidence from natural experiments. *Journal of Financial Economics*, 115 (2) , 383–410.
- Cheung, Adrian (Wai Kong). (2016). Corporate social responsibility and corporate cash holdings. *Journal of Corporate Finance* 37 (30) 412–430.
- Daniel, F. and Juna, s. (2007). When Necessity Becomes a Virtue: The Effect of Product Market Competition on Corporate Social Responsibility, Working paper.
- DeFond, M. & Hung, M. (2003). An empirical analysis of analysts' cash flow forecasts. *Journal of Accounting Economics*, 35 (1) , 73–100.
- Dhaliwal, D. Radhakrishnan, S. Tsang, A. & Yang, Y. (2012). Nonfinancial disclosure and analyst forecast accuracy: International evidence on corporate social responsibility disclosure. *The Accounting Review*, 87 (3) , 723–759.
- Dittmar, A. & Mahrt-Smith, J. (2007). Corporate governance and the value of cash holdings. *Journal of Financial Economics*, 83 (3) , 599–634.
- Fabrizi, M. Mallin, C. & Michelon, G. (2014). The role of CEO's personal incentives in driving corporate social responsibility. *Journal of Business Ethics*, 124 (2) , 311–326.
- Fakhari, H, Taghavi, S R; Bashiri Joebarani, M (2015). Investigating the effect of competition intensity in the product market on market valuation of corporate cash holdings. *Journal of Financial Accounting*, 2 (1) , 65-47. [In Persian]
- Fama, E. & Jensen, M. (1985). Residual claims and investment decisions. *Journal of Financial Economics*, 14 (1) , 101– 119.
- Fernandez- kranz, D. and santalo J. (2010). When necessity becomes a virtue: The Effect Of product Marker Competition on Corporate Social Responsibility, *Journal of Economices and Management Strategy*, 19 (2) , 453-487.
- Ferreira, M. A. and A. Vilela. (2004). Why Do Firms Hold Cash? Evidence from EMU Countries. *European Financial Management*, 10, (2) ,295–319.
- Foroughi, D, Mir Shams Shahshahani, M & Poor Husain, S. (2008). Investigate the manegars attitudes about disclosure of accounting information: companies listed on Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Reviews*, 15, (52) , 55-70. [In Persian]
- Giacomino, Don E. David Mielke. (1993). Cash Flows: Another Approach to Ratio Analysis. *Journal of Accountancy*, 175, (3) , 55-58.
- Hajiyah, Zohreh. (2018). Competitive Strategies, Corporate Performance and Social Responsibility as a Third Strategy. *Journal of Management Accounting*, 11 (36) , 31-43. [In Persian]

- Jiraporn, P. & Chintrakarn, P. (2013). How do powerful CEOs view corporate social responsibility (CSR) ? An empirical note. *Economics Letters*, 119 (3) , 344–347.
- Li, x. (2010). The impact of product market competition on quantity and quality of voluntary disclosures, *review of accounting studies*, 15(3) , 663-711.
- Marion, D. D. and Bouchra, M'Zali. (2012). Product Market Competition and Corporate Social Responsibility, *Working paper*.
- McKinley, A. (2008). The drivers and performance of corporate environmental and social responsibility in the Canadian mining industry *Master Thesis, University of Toronto*.
- Moser, D. & Martin, P. (2012). A broader perspective on corporate social responsibility research in accounting. *The Accounting Review*, 87 (3) , 797–806.
- Ozkan, A. Ozkan, N. (2004). Corporate cash holdings: An empirical investigation of UK companies; *Journal of Banking & Finance* 28 (9) , 2103-2134.
- Pagano, M. & Volpin, P. F. (2005). Managers, workers, and corporate control. *The Journal of Finance*, 60 (2) , 841–868.
- Russo, M. V. and Fouts, P. V (1997). A resource-based perspective on corporate environmental performance and profitability, *Academy of management journal*, 40 (3) , 534-559.
- Safari Graylie. (2018). Social Responsibility and Market Valuation from Company's Cash Retaining. *Financial Management*, 6 (20) , 163-183. [In Persian]
- Sandhu, H S; Kapoor, Shveta. (2010). Corporates social responsibility initiatives: An analysis of voluntary corporate disclosure. *South Asian Journal of Management*, 17 (2) , 47-80.
- Shleifer, A. and Vishny R. W. (1986). Larges shareholders and corporate control, *Journal of political Economy*, 94 (3) , 461-488.
- Yi Lu, Louise Greg Shailer & Yangxin Yu. (2016). Corporate Social Responsibility Disclosure and the Value of Cash Holdings. *European*

## چسبندگی انتظارات مدیران و بی‌قاعدگی پایداری سود آوری

یحیی شیرینی\*، سید حسین سجادی\*\*، سید علی واعظ\*\*\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۰۹

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۲

مقاله پژوهشی

### چکیده

پیش‌بینی‌های ارائه شده توسط مدیران در مورد سودآوری آینده به سرمایه‌گذاران در اتخاذ تصمیم‌های بهینه کمک می‌کند. همانند سایر اطلاعات، ارزش این پیش‌بینی‌ها، وابسته به دقت آن‌ها است. تجدیدنظر در پیش‌بینی‌های گذشته منجر به خطای پیش‌بینی می‌شود. تجدیدنظرهای مزبور در نتیجه کسب اطلاعات جدید روی می‌دهند. از سوی دیگر، برخی از مدیران در واکنش به اطلاعات جدید با سرعت کم در پیش‌بینی‌های خود تجدیدنظر می‌کنند. در این پژوهش، ارتباط پایداری سیگنال‌های سودآوری با چسبندگی انتظارات مدیران بررسی شده است. به منظور اجرای این پژوهش، داده‌های ۱۷۸ شرکت برای دوره زمانی ۶ ساله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ انتخاب شد. با استفاده از الگوی رگرسیون چند متغیره و داده‌های ترکیبی، به تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها پرداخته شد. یافته‌های پژوهش نشان داد بین پایداری بازده سرمایه، پایداری سودآوری ناخالص و پایداری جریان‌های نقدی با چسبندگی انتظارات مدیران رابطه مثبت و معنادار و بین پایداری بازده دارایی‌ها و چسبندگی انتظارات مدیران رابطه منفی و معناداری وجود داشته است. بنابراین، می‌توان گفت انتظارات چسبنده مدیران بر پایداری سیگنال‌های سودآوری تأثیرگذار بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** بی‌قاعدگی‌های سودآوری، تجدیدنظر در پیش‌بینی‌ها، خطای پیش‌بینی سود، چسبندگی

انتظارات مدیران

طبقه‌بندی موضوعی: M41,G40

DOI: 10.22051/jera.2019.21883.2165

\* استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صحنه، صحنه، ایران، (نویسنده مسئول)، (yahyashiri@gmail.com).

\*\* استاد، گروه حسابداری و مدیریت، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، (sajadi@scu.ac.ir).

\*\*\* استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، (sa-vaez@scu.ac.ir).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

### مقدمه

پیش‌بینی‌های ارائه شده توسط مدیران در مورد سودآوری دوره آینده شرکت‌ها دارای توانمندی‌های ارزشمندی است که به سرمایه‌گذاران در اتخاذ تصمیم‌های بهینه کمک می‌کند. همانند سایر اطلاعات، ارزش این پیش‌بینی‌ها، وابسته به دقت است (حاجی‌ها و چناری بوکت، ۱۳۹۴). تعداد زیادی از ویژگی‌های قابل مشاهده شرکت‌ها می‌توانند بازده سهام را پیش‌بینی کنند (ام سی لین و پونتیف، ۲۰۱۶). توانایی پیش‌بینی پذیری مزبور، خلاف قاعده (بی‌قاعدگی) نام‌گذاری می‌شود (جولیه ژو، ۲۰۱۵). بی‌قاعدگی (خلاف قاعده) چیزی است که از آنچه استاندارد، نرمال یا مورد انتظار است، منحرف می‌شود. پیدایش پدیده‌هایی مانند حباب‌های قیمتی در بازار سهام، وجود نوسانات بیش‌ازحد در قیمت سهام، واکنش بیشتر (کمتر) از اندازه سرمایه‌گذاران به اطلاعات جدید، در تقابل با نظریه بازار کارا قرار گرفته است. بنابراین، با توجه به این که تحقیقات زیادی هم در ایران و هم در سایر کشورها نشان داده‌اند متغیرهای حسابداری توانایی پیش‌بینی بازده سهام را دارند، لذا متغیرهای مزبور قاعده بازار کارا را برهم زده و منجر به کسب بازده غیرعادی می‌شوند. از طرفی، هیچ‌گونه اتفاق نظری در خصوص اینکه کدام مدل تأثیر بی‌قاعدگی‌های بازار را به‌طور کامل نشان می‌دهد و اینکه بی‌قاعدگی‌ها چه تأثیری بر بازده سهام می‌گذارند، وجود ندارد. وضعیت مزبور به این خاطر است که بی‌قاعدگی‌های بازار همراه با شرایط اقتصادی، بازارهای سهام، نمونه انتخاب شده، دوره‌های زمانی و تفاوت از صنعتی به صنعت دیگر، تغییر می‌کنند. (لطیف، ارشاد، فاطیما و فاروق، ۲۰۱۲). از طرفی، مالی رفتاری که عموماً از آن به‌عنوان کاربرد روان‌شناسی در دانش مالی تعبیر می‌شود، به‌ویژه پس از ترکیدن حباب قیمتی سهام شرکت‌های فناوری در مارس ۲۰۰۰، به یک موضوع روز تبدیل شده است (بدری، ۱۲: ۱۳۸۸).

یکی از تئوری‌های رایج در ادبیات مالی رفتاری، نظریه ثبات رفتاری است. طبق این نظریه، اگر مفهومی در ذهن افراد جای گیرد، علیرغم تغییرات محیطی یا محاسباتی، انسان‌ها به سختی می‌توانند آن مفهوم را تغییر دهند. بر مبنای نظریه ثبات رفتاری، افراد برای آغاز کار از بخش خاصی (گزینشی) از اطلاعات استفاده می‌کنند و برای پیش‌بینی خود اطلاعات موجود را بر آن اساس تعدیل می‌کنند. بر اساس تئوری مزبور، معمولاً افراد نمی‌توانند با توجه به اطلاعات جدید دیدگاه پیشین و مورداتکای خود را تعدیل کنند، یعنی آنان برای تجدید نظر در

احتمالات گذشته، قاعده بیز را رعایت نمی‌کنند. قاعده بیز بر این حقیقت دلالت دارد که کسب اطلاعات جدید سبب می‌شود افراد تصمیمات گذشته خود را بر اساس اطلاعات مزبور تعدیل کنند. در نتیجه، افراد هنگام مواجه شدن با اطلاعات جدید با سرعت کمی انتظارات قبلی خود را برای پیش‌بینی آینده تعدیل می‌کنند (هندریکسون، ۱۳۹۳: ۲۶۳-۲۶۴).

بنابراین، در پیش‌بینی بازده سهام با استفاده از پایداری بی‌قاعدگی‌های سودآوری (معیارهای سودآوری پیش‌بینی کننده بازده سهام)، با توجه به اینکه بخش بااهمیتی از اطلاعات پشتوانه بی‌قاعدگی‌های مزبور تحت تأثیر انتظارات چسبنده مدیران قرار دارند، آگاهی از این موضوع که آیا پایداری بی‌قاعدگی سودآوری می‌تواند به‌طور مستقیم به یک مدل ساده انتظارات چسبنده مربوط باشد که در آن مدیران اعتقادات خود را بسیار کند، به‌روز می‌کنند یا خیر، می‌تواند مسئله عدم آگاهی سرمایه‌گذاران از سوگیری‌های انتظارات مدیران را روشن‌تر سازد.

همچنین، با توجه به اینکه بخش عمده تحقیقات حسابداری در حوزه پیش‌بینی سود، به بررسی محتوای اطلاعاتی سود با بازده سهام پرداخته‌اند و توجه چندانی به اثراتی که مالی رفتاری می‌تواند در شدت یا تضعیف مدل‌های پیش‌بینی بازده با استفاده از شاخص‌های سودآوری داشته باشد، صورت نگرفته است، بنابراین تحقیق حاضر می‌تواند خلأ مربوط را پوشش داده و توجه سرمایه‌گذاران را به محتوای اطلاعاتی معیارهای سودآوری از چشم‌انداز مالی رفتاری جلب کند.

### مبانی نظری پژوهش

بر اساس فرضیه بازار کارا، در این بازارها قیمت اوراق بهادار منعکس کننده همه اطلاعاتی است که بدون هیچ نوع تعصب یا یکسونگری در بازار وجود دارد. از سوی دیگر، به دلیل وجود ناهمگونی‌ها در دنیای واقعی، ممکن است قیمت‌ها انحراف قابل توجه و ماندگاری از ارزش‌های بنیادی خود داشته باشند. این شواهد تحت عنوان بی‌قاعدگی‌های بازار، شناخته می‌شوند. بنابراین، با فرض وجود ناهمگنی در رفتارها امکان کسب سودهای غیرعادی، اگر بازتاب کننده پرداخت برای ریسک نباشند، به خاطر قابلیت پیش‌بینی پذیری قیمت‌های سهام، وجود خواهد داشت. در این صورت فرضیه بازارهای کارا تائید نمی‌شود (نظری و فرزندگان، ۱۳۹۰). بنابراین، تلاش می‌شود تا این عدم کارایی‌ها به وسیله مدل‌هایی تبیین شود تا از هدر

رفتن هرگونه فرصتی برای سرمایه‌گذاران جلوگیری کند و آن‌ها را در موقعیتی قرار دهد که بتوانند در بازار بهتر عمل کنند (اسچورد، ۲۰۰۳). محققانی مانند آچاریا و پدرسن (۲۰۰۵)، بانز (۱۹۸۱)، بورگس (۲۰۰۹)، فاما و فرنچ (۱۹۹۳ و ۱۹۹۲)، استراگنل، گیلبرت و کروگر (۲۰۱۱) و وان رنسبورگ (۲۰۰۱) نشان دادند بی‌قاعدگی‌هایی مانند آثار تقویمی، سودآوری، اندازه، ارزش، نوسان قیمت و اثر ژانویه تأثیر بااهمیتی بر بازده سهام دارند. نتایج مزبور، بیانگر این وضعیت است که فرضیه بازار کارا حفظ نمی‌شود زیرا، بی‌قاعدگی‌های متفاوت بازار بر بازده بازار تأثیر می‌گذارند (نوی ماکس، ۲۰۱۴).

همواره سودآوری به‌عنوان یکی از متغیرهای مهم حسابداری مانند استراتژی ارزش، برای پیش‌بینی بازده سهام مورد تأکید محققان بوده است (نوی مارکس و ولیکوف، ۲۰۱۴). یکی از ابزارهای تعامل مدیران شرکت‌ها با بازار، ارائه اطلاعات در مورد پیش‌بینی سود شرکت است که بر اساس آن شرکت‌ها می‌توانند رفتار بازار را تحت تأثیر قرار دهند. به‌منظور تأثیرگذاری بر تصمیم‌های سرمایه‌گذاران، مدیران ممکن است رفتار خوش‌بینانه یا بدبینانه در پیش‌بینی سود داشته باشند (منکیو، گریگوری و ریس، ۲۰۰۶). پیش‌بینی‌های مزبور نشان‌دهنده انتظارات مدیران در باره رویداد‌های احتمالی آینده است. بنابراین، دقت این پیش‌بینی‌ها برای سرمایه‌گذاران اهمیت زیادی دارد. اهمیت سود پیش‌بینی‌شده مزبور برای سرمایه‌گذاران به میزان انحراف آن با سود واقعی بستگی دارد. بازار برای برآورده شدن انتظارات سود هر سهم، ارزش فراوان قائل است و نسبت به برآورده نشدن آن نیز واکنش نشان می‌دهد. بنابراین، دقت این پیش‌بینی‌ها برای سرمایه‌گذاران اهمیت زیادی دارد. هو و همکاران (۲۰۱۵: ۶۶۴) سیگنال‌های جریان‌های نقدی عملیاتی، بازده دارایی‌ها، بازده سرمایه و سودآوری ناخالص را به‌عنوان مهم‌ترین بی‌قاعدگی‌های سودآوری معرفی کردند.

در مبانی نظری مالی رفتاری، تعصبات رفتاری غیرمنطقی مشارکت‌کنندگان در بازار معمولاً به شکلی از انتظارات غیربیزی (قاعده بیز) در حوزه مبانی نظری روان‌شناسی قرار می‌گیرند (هانگ و استین ۱۹۹۹) یا باربری و همکاران (۱۹۹۸)). رفتار غیر عقلانی در ادبیات مالی رفتاری در نقطه مقابل عقلانی بودن در مالی کلاسیک قرار نمی‌گیرد، بلکه منظور از رفتار غیر عقلانی، رفتاری است که با ویژگی‌های عقلانی تعریف شده مالی کلاسیک به‌طور کامل انطباق ندارد، یا از آن فاصله می‌گیرد. توجه به این موضوع کاملاً ضروری است که بخش

عمده‌ای از تئوری‌های مالی و اقتصادی بر این مفهوم استوار است که افراد عقلانی رفتار می‌کنند و در فرآیند تصمیم‌گیری، همه اطلاعات را در نظر می‌گیرند. از سوی دیگر، محققین دانشگاهی به شواهد فراوانی دست یافته‌اند که نشان‌دهنده رفتار غیر عقلانی و تکرار خطا در ارزیابی و قضاوت انسان است (بدری، ۱۵: ۱۳۸۸).

پیش‌بینی کنندگان دارای باورها یا انتظاراتی هستند که به باورهای گذشته آن‌ها متصل شده و به راحتی تمایل به تغییر ندارند. در نتیجه، همواره بخشی از اطلاعات جدید را در پیش‌بینی‌های خود در نظر نمی‌گیرند. به این مفهوم در علم اقتصاد چسبندگی اطلاعات اطلاق می‌شود. مطالعات اخیر روی الگوهای انتظارات عقلانی با فرض چسبندگی اطلاعات مانند الگوی منکیو و ریس (۲۰۰۲) نشان داده‌اند که به چه نحو چسبندگی اطلاعات می‌تواند دلالت‌های سیاست‌گذاری متفاوتی را در مقایسه با الگوهای تحت اطلاعات کامل به همراه داشته باشد. در الگوی مزبور فرض می‌شود که بنگاه‌ها در یک محیط رقابت انحصاری فعالیت می‌کنند. در این الگو، بنگاه در هر دوره قیمت بهینه (قیمت حداکثر کننده سود بنگاه) را برای کالای تولیدی خود انتخاب می‌کند. البته مجموعه اطلاعاتی که برای محاسبه این قیمت بهینه مورد استفاده قرار می‌گیرد لزوماً در زمان قیمت‌گذاری به هنگام نیست. به بیان دیگر، اطلاعات مورد استفاده بنگاه برای قیمت‌گذاری کالای خود، چسبیده هستند. درحالی که بنگاه‌ها انتظارات عقلانی دارند، اما به دلیل هزینه‌های به‌روزرسانی مجموعه اطلاعات مورد استفاده در قیمت‌گذاری، انتظارات خود را به‌کندی تغییر می‌دهند. هر دو مدل اطلاعات چسبنده و اطلاعات شنیداری، ارتباط مشابهی بین میانگین خطاهای پیش‌بینی گذشته و میانگین تجدیدنظر در پیش‌بینی‌های انجام شده را مورد توجه قرار می‌دهند به گونه‌ای که ضریب تجدیدنظر در پیش‌بینی، درجه سختی اطلاعات را نشان می‌دهد (کوی بین و گوردنیچنکو، ۲۰۱۵). در مدل اطلاعات چسبنده، پیش‌بینی کنندگان انتظارات چسبنده دارند (کوی بین و گوردنیچنکو، ۲۰۱۲). آنان در هر دوره، باورهای خود را با استفاده از همه‌ی اطلاعات موجود با احتمال  $\lambda$  - (به‌روز می‌کنند و با احتمال  $\lambda$  به باورهای قبلی خود می‌چسبند. این مدل روش ساده‌ای را برای اندازه‌گیری چسبندگی انتظار با استفاده از ارتباط بین خطاهای پیش‌بینی و تجدیدنظرها در پیش‌بینی گذشته، ارائه می‌کند. مدل مزبور از نظریه سختی اطلاعات در علم اقتصاد استخراج می‌شود (منکیو، گریگوری و ریس، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶). استدلال پشتوانه مدل مزبور این

است که پیش‌بینی کنندگان تصمیم می‌گیرند تا انتظارات خود را در فواصل گسسته به‌روز کنند، اما نمی‌توانند اطلاعات جدید و مربوط را در این فواصل مشارکت دهند. هسته اصلی مدل مزبور ارتباط نظری قوی بین میانگین خطای پیش‌بینی گذشته و میانگین تجدیدنظر در پیش‌بینی‌های انجام شده است. بنابراین، بر اساس مدل اطلاعات چسبنده منکیو، گریگوری و ریس در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ و بسط آن توسط کوی بین و گورودنیچنکو در حوزه متغیرهای اقتصادی در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۵ و تحقیق جین و همکاران در سال ۲۰۱۷ که متغیر چسبندگی اطلاعات را به پشتوانه مبانی علمی مزبور، وارد حوزه حسابداری نمود، انتظار می‌رود واحدهای تجاری که دارای مدیران با انتظارات چسبنده هستند، در انتخاب رویه‌های حسابداری به‌گونه‌ای عمل کنند که معیارهای سودآوری که از آن‌ها به‌عنوان بی‌قاعدگی‌های سودآوری نام برده می‌شود، از پایداری بیشتری برخوردار باشند. از طرفی، انتخاب رویه‌های حسابداری و در نتیجه کیفیت اطلاعات حسابداری همواره دستخوش نوع نگرش مدیران بوده به‌طوری‌که با هر نوع تغییر در مدیریت، شاهد نوسان بااهمیت در مهم‌ترین خروجی حسابداری یعنی اطلاعات مربوط به حوزه سودآوری هستیم. حال با توجه به اینکه اطلاعات سودآوری به‌طور بااهمیتی تحت تأثیر تصمیمات مدیران قرار دارد، بنابراین نوع نگرش و رفتار مدیران (دارای ثبات رفتاری یا بالعکس) می‌تواند کیفیت معیارهای سودآوری را تحت تأثیر خود قرار دهد. لذا در این تحقیق تأثیر چگونگی رفتار مدیران (به‌وسیله معیار چسبندگی انتظارات مدیران) و نقش آن در تقویت یا تضعیف توان پیش‌بینی کنندگی معیارهای سودآوری بررسی می‌شود.

### پژوهش‌های خارجی

باسو (۱۹۹۷) نشان داد کسب بازده بر اساس نسبت قیمت به سود هر سهم، انحراف از فرضیه بازار کارا است. بنابراین، همه اطلاعات عمومی در مورد سهام همیشه به‌طور کامل در قیمت سهام منتشر نمی‌شوند. ژو و پن من (۲۰۱۴) نشان دادند که تعداد زیادی از متغیرهای حسابداری سودهای آتی و نرخ رشد آن‌ها را پیش‌بینی می‌کنند. این دسته از بی‌قاعدگی‌های حسابداری که در مدل مزبور بکار گرفته شدند شامل؛ اقلام تعهدی، رشد دارایی‌ها، سودآوری، سرمایه‌گذاری، انتشار سهام و تأمین مالی خارجی بود. بارینو (۲۰۱۵) نشان داد واحدهای تجاری با سودآوری پایین‌تر بازده مورد انتظار پایین‌تری دارند همچنین، بی‌قاعدگی سودآوری



برای واحدهای تجاری ناپایدار قوی تر است و ریسک نوسان پذیری مجموع می‌تواند این نظم را توضیح دهد. جنایولی، یوران و اشلیفر (۲۰۱۵) نشان دادند خطاهای موجود در انتظارات از رشد سودهای مورد انتظار مدیرعامل اجرایی به وسیله سایر داده‌ها و سودهای گذشته قابل پیش‌بینی هستند که این موضوع به ساختار تعمیم‌یافته انتظارات اشاره می‌کند و پیشنهاد می‌کند انتظارات ممکن است منطقی نباشند. زخینی (۲۰۱۵) نشان داد چسبندگی دستمزد و سرمایه انسانی واحد تجاری، اهرم عملیاتی را تحریک می‌کند تا واحد تجاری را در معرض ریسک قرار دهد. این اهرم نوسان در بازده و نیز ارتباط مثبت بین سودها و بازده‌های بعدی آن را ایجاد می‌کند. کوی بین، اولیور و گوردنیچنکو (۲۰۱۵) با استفاده از داده‌های مربوط به پیش‌بینی تورم توسط تحلیل‌گران اقتصادی و تجدیدنظرهای بعدی در این پیش‌بینی‌ها، نشان دادند تحلیل‌گرانی که در برابر ورود اطلاعات جدید در پیش‌بینی‌های خود مقاومت بیشتری دارند یا به بیان دیگر، دیدگاه چسبنده‌تری دارند، در پیش‌بینی‌های خود در خصوص تورم، با آهنگ کندتری تجدیدنظر می‌کنند. یافته‌های پژوهش انگلبرگ، جوزف، ام سی لین و پونتی (۲۰۱۶) با سرمایه‌گذارانی که انتظارات بیش‌از حد خوش‌بینانه درباره جریان‌های نقدی برخی از واحدهای تجاری و انتظارات بیش‌از حد بدبینانه درباره جریان‌های نقدی دیگر واحدهای تجاری دارند، همبستگی دارد. آنان دریافتند که بازده‌های بی‌قاعده نتیجه انتظارات جانب‌دارانه هستند و دارای حداقل همبستگی با اخبار ورودی می‌باشند. بوچاو و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان چسبندگی انتظارات و بی‌قاعدگی سودآوری با استفاده از داده‌های پیش‌بینی تحلیل‌گران نشان دادند تحلیل‌گران به‌طور متوسط نسبت به واحدهای تجاری با سود زیاد بدبین هستند. همچنین، بی‌قاعدگی سودآوری برای سهامی که به وسیله تحلیل‌گران چسبنده حمایت می‌شوند، قوی‌تر است. افزون بر این، بی‌قاعدگی سودآوری برای سهام با سودهای پایدارتر، قوی‌تر است.

### پژوهش‌های داخلی

مشایخ و شاه‌رخی (۱۳۸۶) نشان دادند، بین اشتباه پیش‌بینی مدیران و اشتباه پیش‌بینی بر اساس گام تصادفی تفاوت معناداری وجود دارد. افزون بر این، مقایسه اختلاف میانگین‌های دو مدل بیانگر دقت بیشتر پیش‌بینی مدیران نسبت به پیش‌بینی بر اساس گام تصادفی بوده است. بلو و بخشامی (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی رابطه خطای پیش‌بینی سود و تعداد دفعات تجدیدنظر

در پیش‌بینی با بازده سهام عادی پرداختند. آنان نشان دادند خطای پیش‌بینی سود و تعداد دفعات تجدیدنظر با بازده سهام عادی در سطح اطمینان ۹۹ درصد، رابطه معناداری داشته است. رضازاده و آشتاب (۱۳۸۹) نشان دادند سرمایه‌گذاران می‌توانند خطای پیش‌بینی سود را تشخیص دهند و از آن در قیمت‌گذاری سهام استفاده کنند. قائمی و اسکندرلی (۱۳۹۲) نشان دادند عملکرد گذشته، رویکرد گذشته مدیران در پیش‌بینی و نوع مالکیت شرکت در سوگیری مدیران در پیش‌بینی سود نقش داشته است. حاجی‌ها و چناری بوکت (۱۳۹۴) نشان دادند بین دفعات پیش‌بینی سود توسط مدیریت با چرخش مدیران ارشد ارتباط معناداری وجود داشته است. اصولیان، صادقی شرف و خلیلی (۱۳۹۶) نشان دادند سودآوری عملیاتی بر مبنای نقد، معیار بهتری برای توضیح بازدهی سهام است.

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش کاربردی است زیرا، نتایج آن می‌تواند مورد استفاده مدیران شرکت‌ها، قانون‌گذاران، تحلیل‌گران، حساب‌رسان و پژوهشگران قرار گیرد. پژوهش از نوع شبه تجربی و با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته) است به دلیل این که پژوهش حاضر بر روابط بین متغیرها تمرکز دارد، از نوع تحقیقات همبستگی است. برای گردآوری اطلاعات از صورت‌های مالی پیش‌بینی‌شده فصلی شرکت‌ها و داده‌های مربوط به متغیرهای بی‌قاعدگی سودآوری از صورت‌های مالی حسابرسی شده سالانه شرکت‌ها و گزارش قیمت و بازده سهام موجود در نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت کدال که در پایگاه اینترنتی سازمان بورس اوراق بهادار ارائه شده، استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است.

دوره زمانی مدنظر پژوهش، ۶ سال و ۱۷۸ شرکت برحسب حداکثر اطلاعات موجود طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ انتخاب شدند. برای اطلاعات پایداری بی‌قاعدگی‌های سودآوری دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ و برای متغیر چسبندگی انتظارات مدیران، دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ مدنظر پژوهش است.

انتخاب شرکت‌ها با رعایت محدودیت‌های زیر انجام شده است:

- (۱) به‌منظور همگن شدن نمونه آماری در سال‌های مورد بررسی، قبل از سال ۱۳۸۶ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند و طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ به‌طور متمادی در بورس اوراق بهادار تهران فعالیت داشته باشند.
- (۲) به‌منظور افزایش توان هم‌سنجی و هم‌سان‌سازی شرایط شرکت‌های انتخابی، سال مالی شرکت‌ها باید به پایان اسفندماه هر سال منتهی شود.
- (۳) به دلیل شفاف نبودن مرزبندی بین فعالیت‌های عملیاتی و تأمین مالی شرکت‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی و...)، این شرکت‌ها از نمونه حذف شدند.
- (۴) شرکت‌ها نباید دوره مالی خود را در طی این مدت تغییر داده باشند.
- (۵) داده‌های موردنظر آن‌ها در دسترس باشد.

### فرضیه‌های پژوهش

در تحقیقاتی که به بررسی بی‌قاعدگی‌ها در ایران پرداخته‌اند اولاً، گروه‌بندی بی‌قاعدگی‌ها بر اساس بی‌قاعدگی‌های سودآوری و سایر گروه‌های بی‌قاعدگی تعریف شده توسط هو و همکاران (۲۰۱۵) و ارتباط آن‌ها با سایر شاخص‌های بازار، انجام نگرفته است. ثانیاً، متغیر چسبندگی انتظارات مدیران با توجه به تئوری‌های مطرح‌شده در بخش مبانی نظری پژوهش، در پایداری بی‌قاعدگی‌های بازار به‌ویژه بی‌قاعدگی‌های سودآوری، تأثیرگذار است. توجه به این تأثیرگذاری نیز تاکنون در ایران مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین، بر اساس مبانی نظری پیش‌گفته و تحقیقات پیشین، فرضیه‌های تحقیق به‌صورت زیر تدوین شدند:

فرضیه ۱: بین چسبندگی انتظارات مدیران و پایداری جریان‌های نقدی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: بین چسبندگی انتظارات مدیران و پایداری بازده سرمایه رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۳: بین چسبندگی انتظارات مدیران و پایداری بازده دارایی‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۴: بین چسبندگی انتظارات مدیران و پایداری سودآوری ناخالص رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون فرضیه‌های اول تا چهارم از مدل‌های ۱ تا ۴ استفاده می‌شود:

$$\rho \text{Cash}_{f,t} = \lambda_{f,t} + \text{size}_{f,t} + \text{leverage}_{f,t} + \epsilon_{f,t} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$\rho \text{Roe}_{f,t} = \lambda_{f,t} + \text{size}_{f,t} + \text{leverage}_{f,t} + \epsilon_{f,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

$$\rho \text{RoA}_{f,t} = \lambda_{f,t} + \text{size}_{f,t} + \text{leverage}_{f,t} + \epsilon_{f,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

$$\rho \text{Income}_{f,t} = \lambda_{f,t} + \text{size}_{f,t} + \text{leverage}_{f,t} + \epsilon_{f,t} \quad \text{مدل (۴)}$$

### متغیر وابسته

#### پایداری بی‌قاعدگی سودآوری

متغیر وابسته پژوهش، پایداری بی‌قاعدگی سودآوری است. در این پژوهش، از سیگنال‌های سودآوری مطرح شده توسط هو و ژانگ (۲۰۱۵) به‌عنوان بی‌قاعدگی‌های سودآوری استفاده شده است.

#### پایداری سودآوری ناخالص

مطابق با نوی مارکس (۲۰۱۳) به‌عنوان تفاوت بین درآمدها و بهای تمام‌شده فروش که بر اساس کل دارایی‌ها همگن می‌شود، محاسبه می‌شود. برای اندازه‌گیری سیگنال پایداری سودآوری ناخالص، از مدل (۵)، استفاده شده است:

$$\text{Income}_{f,t} = a + \rho \text{Income}_{f,t} * \text{Income}_{f,t-1} + \epsilon_{f,t} \quad \text{مدل (۵)}$$

که؛  $\rho \text{Income}_{f,t}$  پایداری سود ناخالص واحد تجاری  $f$  در سال  $t$ ،  $\text{Income}_{f,t}$  سود ناخالص (تفاوت بین درآمدها و بهای تمام‌شده فروش) واحد تجاری  $f$  در پایان سال  $t$ ،  $\text{Income}_{f,t-1}$  سود ناخالص واحد تجاری  $f$  در پایان سال  $t-1$  و  $\epsilon_{f,t}$  نیز خطای باقیمانده مدل رگرسیون است.

### پایداری بازده سرمایه

با تقسیم سود قبل از اقلام غیرمترقبه بر سرمایه سهام عادی دفتری اندازه‌گیری می‌شود. برای اندازه‌گیری سیگنال پایداری سودآوری ناخالص، از مدل (۶)، استفاده شده است:

$$Roe_{f,t} = a + \rho Roe_{f,t} * Roe_{f,t-1} + \epsilon_{f,t} \quad \text{مدل (۶)}$$

که؛  $\rho Roe_{f,t}$ : پایداری بازده سرمایه واحد تجاری  $f$  در سال  $t$ ،  $Roe_{f,t}$ ، بازده سرمایه (سود قبل از اقلام غیرمترقبه تقسیم بر سرمایه سهام عادی دفتری) واحد تجاری  $f$  در پایان سال  $t$ ،  $Roe_{f,t-1}$ ، بازده سرمایه واحد تجاری  $f$  در پایان سال  $t-1$  و  $\epsilon_{f,t}$  نیز خطای باقیمانده مدل رگرسیونی است.

### پایداری بازده دارایی‌ها

عبارت از سود قبل از اقلام غیرمترقبه تقسیم بر کل دارایی‌ها است. برای اندازه‌گیری سیگنال پایداری سودآوری ناخالص، از مدل (۷)، استفاده شده است:

$$RoA_{f,t} = a + \rho RoA_{f,t} * RoA_{f,t-1} + \epsilon_{f,t} \quad \text{مدل (۷)}$$

که؛  $\rho RoA_{f,t}$ : پایداری بازده دارایی‌های واحد تجاری  $f$  در سال  $t$ ،  $RoA_{f,t}$ ، بازده دارایی‌های (سود قبل از اقلام غیرمترقبه تقسیم بر کل دارایی‌ها) واحد تجاری  $f$  در پایان سال  $t$ ،  $RoA_{f,t-1}$ ، بازده دارایی‌های واحد تجاری  $f$  در پایان سال  $t-1$  و  $\epsilon_{f,t}$  نیز خطای باقیمانده مدل رگرسیونی است.

### پایداری جریان‌های نقدی عملیاتی

جریان‌های نقدی عملیاتی به‌صورت مجموع خالص جریان‌های نقدی عملیاتی، خالص جریان نقدی فعالیت‌های بازده سرمایه‌گذاری‌ها و سود تأمین مالی و خالص جریان‌های نقدی مالیات طبق استاندارد حسابداری شماره ۲ ایران، اندازه‌گیری شده است. برای اندازه‌گیری سیگنال پایداری جریان‌های نقدی عملیاتی، از رابطه (۴)، استفاده شده است:

$$pcash_{f,t} = a + \rho cash_{f,t} * pcash_{f,t-1} + \epsilon_{f,t} \quad \text{مدل (۸)}$$

که؛  $pcash_{f,t}$ : پایداری جریان نقد عملیاتی واحد تجاری  $f$  در سال  $t$ ،  $cash_{f,t}$ ، خالص جریان‌های نقدی عملیاتی واحد تجاری  $f$  در پایان سال  $t$ ،  $cash_{f,t-1}$ ، خالص جریان‌های نقدی عملیاتی واحد تجاری  $f$  در پایان سال  $t-1$  و  $\rho$  و  $\epsilon_{f,T}$  نیز خطای باقیمانده مدل رگرسیونی است.

### متغیر مستقل

از مدل بوچاو و همکاران (۲۰۱۷) برای اندازه‌گیری چسبندگی انتظارات مدیران استفاده شده است.

ضریب چسبندگی انتظارات مدیران از مدل (۹) به دست می‌آید:

مدل (۹)

$$\frac{EPS_{f,k} - F_t EPS_{f,k}}{P_{f,k-1}} = a + b \cdot \frac{F_t EPS_{f,k} - F_{t-1} EPS_{f,k}}{P_{f,k-1}} + c \cdot \text{Log}(assets_{f,k-1}) + \sigma_T + \epsilon_{f,T}$$

که؛  $\frac{EPS_{f,k} - F_t EPS_{f,k}}{P_{f,k-1}}$  خطای سود پیش‌بینی‌شده هر سهم واحد تجاری  $f$  در سال  $t$ ،  $EPS_{f,k}$ ، سود واقعی هر سهم واحد تجاری  $f$  در پایان سال  $k$ ،  $F_t EPS_{f,k}$ ، سود پیش‌بینی‌شده هر سهم واحد تجاری  $f$  در پایان شش‌ماهه دوم سال مالی  $k$ ،  $P_{f,k-1}$ ، قیمت واقعی هر سهم شرکت  $f$  در ابتدای سال مالی  $k$ ،  $\frac{F_t EPS_{f,k} - F_{t-1} EPS_{f,k}}{P_{f,k-1}}$ ، تجدیدنظر در پیش‌بینی سود هر سهم و  $F_t EPS_{f,k}$ : پیش‌بینی سود هر سهم واحد تجاری  $f$  برای سال  $k$  در زمان  $t$  (پایان شش‌ماهه دوم سال  $k$ ) است. در اینجا منظور از  $t$  مبدأ پیش‌بینی آتی سود هر سهم است. همچنین،  $F_{t-1} EPS_{f,k}$ : سود پیش‌بینی‌شده هر سهم واحد تجاری  $f$  برای سال  $k$  در زمان  $t-1$  (ابتدای سال  $k$ ) است.

ضریب  $b$  به‌عنوان عملگر (عامل، نماینده) پارامتر چسبندگی تفسیر می‌شود، که بر اساس

$$\lambda = \frac{b}{(1+b)}$$

پس از محاسبه خطای پیش‌بینی و تجدیدنظر در پیش‌بینی، برای اجرای مدل (۹) و استخراج ضریب  $b$  و سپس ضریب چسبندگی  $\lambda$ ، در هر سال از دوره‌های مورد بررسی تحقیق، شرکت‌ها در داخل گروه‌های بیست‌تایی (هر سال به نه گروه بیست‌تایی گروه‌بندی می‌شود) قرار می‌گیرند و ضرایب چسبندگی در هر یک از این گروه‌ها محاسبه می‌شود.

### متغیرهای کنترل

اندازه واحد تجاری: از لگاریتم جمع دارایی‌های واحد تجاری در پایان سال حاصل می‌شود (زین و همکاران، ۲۰۱۵).

نسبت اهرمی: از تقسیم جمع بدهی‌ها بر جمع دارایی‌ها به دست می‌آید (زین و همکاران، ۲۰۱۵).

### پردازش یافته‌های پژوهش

برای بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانه، میانگین، حداقل و حداکثر مقدار و انحراف معیار کلیه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی در نگاره (۱) ارائه شده است. بر این اساس، متغیر چسبندگی انتظارات مدیران دارای میانگین ۰/۱۳۵، مینیمم ۰/۳۲-، ماکزیمم ۰/۶۷ و انحراف معیار ۰/۲۶ است. نتایج مزبور نشان می‌دهد که مدیران شرکت‌های نمونه پژوهش حاضر، به‌طور متوسط در پیش‌بینی‌های خود ۰/۱۳۵ از اعتقادات گذشته و به‌طور متوسط به میزان ۰/۸۶۵ اطلاعات جدید را در تصمیم‌گیری‌های خود وارد می‌کنند. همچنین، در میان متغیرهای وابسته پژوهش، پایداری سودآوری با ۰/۳۱۶ و پایداری جریان‌های نقدی با ۰/۱۹۶ به ترتیب بیشترین و کمترین انحراف معیار را دارند. این موضوع بیانگر بیشترین پراکندگی داده‌ها در اطراف میانگین برای متغیر پایداری سودآوری و دور شدن توزیع احتمال آن از توزیع نرمال است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	علائم اختصاری متغیر	تعداد مشاهدات	میانه	میانگین	مینیمم	ماکزیمم	انحراف معیار
چسبندگی انتظارات مدیران	$\lambda$	۱۰۶۸	۰/۱۳۵	۰/۱۳۵	-۰/۳۲	۰/۶۷	۰/۲۶
خطای پیش‌بینی سود هر سهم	$\frac{EPS_{f,k} - F_t EPS_{f,k}}{P_{f,k-1}}$	۱۰۶۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	-۰/۱۱	۰/۱۹	۰/۰۵
تجدیدنظر در پیش‌بینی سود هر سهم	$\frac{F_t EPS_{f,k} - F_{t-1} EPS_{f,k}}{P_{f,k-1}}$	۱۰۶۸	-۰/۰۰۵	-۰/۰۱۱	-۰/۱۴	۰/۰۷	۰/۴۲
پایداری جریان نقد عملیاتی	pcash	۱۰۶۸	-۰/۰۳۵	۰/۰۰۲۶	-۰/۴۵	۰/۴۷	۰/۱۹۶

متغیر	علائم اختصاری متغیر	تعداد مشاهدات	میانه	میانگین	مینیمم	ماکزیمم	انحراف معیار
پایداری بازده دارایی‌ها	pRoa	۱۰۶۸	۰/۱۷۰	۰/۱۶۷	-۰/۶۳	۰/۶۳	۰/۲۵۴
پایداری سودآوری	pIncome	۱۰۶۸	۰/۱۲۵	۰/۱۴۰	-۰/۵۰	۰/۸۶	۰/۳۱۶
پایداری بازده سرمایه	pRoe	۱۰۶۸	۰/۲۱۰	۰/۱۵	-۰/۷۱	۰/۶۹	۰/۳۱۴
اندازه	size	۱۰۶۸	۵/۹۸۵	۰/۶۰۸	۵/۵۰	۷/۹۴	۰/۶۸۷
اهرم مالی	leverag	۱۰۶۸	۰/۶۲۰	۶/۱۰۹	۰/۴۷۰	۰/۷۲۰	۰/۰۶۰

### نتایج آزمون فرضیه‌ها

نتایج آزمون فرضیه‌های اول تا چهارم در نگاره (۲) تا (۵) ارائه شده است. در نگاره (۲)، نتایج آزمون فرضیه اول ارائه شده است. ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۱۱۱ نشان می‌دهد ۱۱/۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته (پایداری جریان‌های نقدی) به وسیله‌ی متغیرهای مستقل و کنترلی ارائه شده در مدل، توضیح داده شده است. افزون بر این، به دلیل این که آماره دوربین واتسون ۲/۴۳۳ است، مدل خودهمبستگی ندارد. همچنین، به دلیل این که مقدار احتمال مربوط به آماره F برابر با ۰/۰۳۱ است، در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معناداری کلی مدل پذیرفته می‌شود. همچنین، نتایج نگاره (۲) نشان می‌دهد چسبندگی انتظارات مدیران با سطح معناداری ۰/۰۰۴ و ضریب ۰/۲۹۳ و مقدار آماره t (۲/۹۹۰) با پایداری جریان‌های نقدی عملیاتی رابطه مثبت و معناداری دارد. بنابراین، فرضیه اول در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود.

#### نگاره (۲): نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	-۰/۰۳۱	۰/۲۷۸	-۰/۱۰۹	۰/۹۱۴
چسبندگی انتظارات مدیران	۰/۲۹۳	۰/۰۹۸	۲/۹۹۰	۰/۰۰۴
اندازه شرکت	۰/۰۲۷	۰/۰۴۱	۰/۶۵۵	۰/۵۱۶
اهرم مالی	-۰/۲۷۹	۰/۴۶۶	-۰/۵۹۹	۰/۵۵۲
آماره F = ۳/۲۰۵		ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۱۱۱		
احتمال آماره F = ۰/۰۳۱		آماره دوربین - واتسون = ۲/۴۳۳		

در نگاره (۳)، نتایج آزمون فرضیه دوم ارائه شده است. ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۱۲۷ نشان می‌دهد ۱۲/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته (پایداری بازده سرمایه) به وسیله‌ی متغیرهای



مستقل و کنترلی ارائه شده در مدل، توضیح داده شده است. افزون بر این، به دلیل این که آماره دورین واتسون  $1/693$  است، مدل خودهمبستگی ندارد. همچنین، به دلیل این که مقدار احتمال مربوط به آماره  $F$  برابر با  $0/020$  است، در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معناداری کلی مدل پذیرفته می‌شود. همچنین، نتایج نگاره (۳) نشان می‌دهد چسبندگی انتظارات مدیران با سطح معناداری  $0/037$  و ضریب  $0/339$  و مقدار آماره  $t$  ( $2/143$ ) با پایداری بازده سرمایه رابطه مثبت و معناداری دارد. بنابراین، فرضیه دوم در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود.

#### نگاره (۳): نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره $t$	سطح معناداری
ضریب ثابت	$0/110$	$0/463$	$0/238$	$0/813$
چسبندگی انتظارات مدیران	$0/339$	$0/158$	$2/143$	$0/037$
اندازه شرکت	$0/142$	$0/066$	$2/141$	$0/037$
اهرم مالی	$-1/456$	$0/752$	$-1/935$	$0/059$
آماره $F = 3/565$	ضریب تعیین تعدیل شده = $0/127$			
احتمال آماره $F = 0/020$	آماره دورین - واتسون = $1/693$			

در نگاره (۴) نتایج آزمون فرضیه سوم ارائه شده است. ضریب تعیین تعدیل شده  $0/204$  نشان می‌دهد ۲۰/۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته (پایداری بازده دارایی‌ها) به وسیله‌ی متغیرهای مستقل و کنترلی ارائه شده در مدل، توضیح داده شده است. افزون بر این، به دلیل این که آماره دورین واتسون  $1/742$  است، مدل خودهمبستگی ندارد. همچنین، به دلیل این که مقدار احتمال مربوط به آماره  $F$  برابر با  $0/002$  است، در نتیجه در سطح اطمینان ۹۹ درصد، معناداری کلی مدل پذیرفته می‌شود. همچنین، نتایج نگاره (۴) نشان می‌دهد چسبندگی انتظارات مدیران با سطح معناداری  $0/031$  و ضریب  $-0/267$  و مقدار آماره  $t$  ( $-2/218$ ) با پایداری بازده دارایی‌ها رابطه منفی و معناداری دارد. بنابراین، فرضیه سوم در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود.

#### نگاره (۴): نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره $t$	سطح معناداری
ضریب ثابت	$-1/026$	$0/353$	$-2/910$	$0/005$
چسبندگی انتظارات مدیران	$-0/267$	$0/120$	$-2/218$	$0/031$
اندازه شرکت	$0/089$	$0/050$	$1/766$	$0/084$

۰/۰۵۵	۱/۹۶۸	۰/۵۷۳	۱/۱۲۷	اهرم مالی
ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۲۰۴			آماره F = ۵/۵۳۵	
آماره دوربین - واتسون = ۱/۷۴۲			احتمال آماره F = ۰/۰۰۲	

در نگاره (۵) نتایج آزمون فرضیه چهارم ارائه شده است. ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۱۰۷ نشان می‌دهد ۱۰/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته (پایداری سودآوری ناخالص) به وسیله‌ی متغیرهای مستقل و کنترلی ارائه شده در مدل، توضیح داده شده است. افزون بر این، به دلیل این که آماره دوربین واتسون ۱/۸۳۱ است، مدل خودهمبستگی ندارد. همچنین، به دلیل این که مقدار احتمال مربوط به آماره F برابر با ۰/۰۳۴ است، در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معناداری کلی مدل پذیرفته می‌شود. همچنین، نتایج نگاره (۵) نشان می‌دهد چسبندگی انتظارات مدیران با سطح معناداری ۰/۰۲۶ و ضریب ۰/۳۶۵ و مقدار آماره t (۲/۳۰۲) با پایداری سودآوری ناخالص رابطه مثبت و معناداری دارد. بنابراین، فرضیه چهارم در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود.

#### نگاره (۵): نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش

متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
ضریب ثابت	۰/۷۳۰	۰/۴۶۴	۱/۵۷۱	۰/۱۲۲
چسبندگی انتظارات مدیران	۰/۳۶۵	۰/۱۵۹	۲/۳۰۲	۰/۰۲۶
اندازه شرکت	۰/۰۲۹	۰/۰۶۶	۰/۴۳۲	۰/۶۶۸
اهرم مالی	-۱/۵۰۴	۰/۷۵۴	-۱/۹۹۳	۰/۰۵۲
آماره F = ۳/۱۲۴		ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۱۰۷		
احتمال آماره F = ۰/۰۳۴		آماره دوربین - واتسون = ۱/۸۳۱		

#### نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش، ارزیابی مدل رفتاری مدیران در پیش‌بینی سودهای آینده واحد تجاری و تأثیر آن در محتوای اطلاعاتی بی‌قاعدگی‌های سودآوری است. نوع نگرش مدیران به آینده و برداشت‌های متفاوت آنان از شرایط آینده و میزان انعطاف‌پذیری آنان در سرعت اعمال اطلاعات جدید در تصمیم‌گیری‌های خود، باعث می‌شود تا سرمایه‌گذاران تنها با تکیه بر اطلاعات پیش‌بینی سود بدون توجه به ویژگی‌های رفتاری مدیران و ثبات رفتاری آنان، نتوانند تصمیم‌های سرمایه‌گذاری مناسبی را بگیرند. در نتیجه، هدف کلی این تحقیق بررسی

ارتباط پایداری سیگنال‌های سودآوری با چسبندگی انتظارات مدیران برای واحدهای تجاری بوده است.

برای نیل به هدف تحقیق چهار فرضیه تدوین شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های مزبور نشان داد ارتباط مثبت و معناداری بین پایداری بازده سرمایه، پایداری جریان‌های نقدی و پایداری سودآوری ناخالص با چسبندگی انتظارات مدیران و ارتباط منفی و معناداری بین پایداری بازده دارایی‌ها و چسبندگی انتظارات مدیران وجود داشته است. به‌طور کلی، نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های اول، دوم و چهارم نشان داد با افزایش چسبندگی در انتظارات مدیران، سیگنال پایداری جریان‌های نقدی عملیاتی، پایداری بازده سرمایه و پایداری سود ناخالص به‌عنوان بی‌قاعدگی‌های سودآوری افزایش می‌یابد. نتیجه مزبور بیانگر این است که سیگنال‌های مزبور در نگاه اول ممکن است از نظر استفاده‌کننده اطلاعات، مطلوب به نظر برسند. اما، بر اساس مبانی نظری مطرح‌شده در بخش مبانی نظری پژوهش، نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که بخشی از پایداری جریان‌های نقدی عملیاتی فاقد محتوای اطلاعاتی بوده و دربرگیرنده اطلاعات جدید نیست. به نظر می‌رسد هر چقدر ضریب چسبندگی انتظارات مدیران افزایش پیدا کند، توجه کمتری به اطلاعات جدید در پیش‌بینی‌ها می‌شود و سیگنال‌های مزبور از ویژگی مربوط بودن اطلاعات فاصله می‌گیرند. بنابراین، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود تا در تصمیم‌گیری‌های خود در به‌کارگیری این سیگنال‌ها احتیاط کنند و سایر منابع اطلاعاتی را به‌منظور اعمال اطلاعات جدید در تصمیم‌های خود که ممکن است مدیران با باورهای گذشته در سیگنال‌های سودآوری مزبور اعمال نکرده باشند، به کار بگیرند. سیگنال پایداری بازده دارایی‌ها علی‌رغم ارتباط معنادار اما دارای جهت منفی با چسبندگی انتظارات مدیران بوده است و این مطلب نشان می‌دهد پایداری بازده دارایی‌ها کمتر تحت تأثیر انتظارات چسبنده مدیران قرار می‌گیرد و در جهت عکس آن حرکت می‌کند. این ارتباط منفی می‌تواند بیانگر توجه کمتر مدیران در تصمیمات مربوط به مدیریت دارایی‌ها باشد. نتایج حاصل از فرضیه‌های اول، دوم و چهارم تحقیق با نتایج تحقیقات فاما و فرنچ (۱۹۹۲)، باسود (۱۹۹۷)، بلو و بخصامی (۱۳۸۹)، نظری و فرزانگان (۱۳۹۰)، منکیو و همکاران (۲۰۰۲)، جنایولی و همکاران (۲۰۱۵)، انگلبرگ و همکاران (۲۰۱۶)، جین و همکاران

(۲۰۱۶)، قائمی و اسکندری (۱۳۹۲) سازگار بودند. نتیجه حاصل از فرضیه سوم سازگار با هیچ کدام از نتایج تحقیقات پیشینه نبوده است.

با توجه به نتایج پژوهش به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود تا در به کارگیری سیگنال‌های سودآوری برای تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری، با در نظر داشتن میزان چسبندگی مدیران به باورهای گذشته، رعایت احتیاط را بنمایند. زیرا، با توجه به نتایج تحقیق به نظر می‌رسد به طور متوسط بخشی از مدیران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارای رویکرد چسبنده بوده و نسبت به اطلاعات جدید واکنش آرامی نشان می‌دهند و همین موضوع باعث پایداری بی‌قاعدگی‌های سودآوری شده و از محتوای اطلاعاتی مورد انتظار آن‌ها می‌کاهد. همچنین، برای پژوهش‌های آینده به نظر می‌رسد پیشنهاد‌های زیر مفید باشند:

ارتباط چسبندگی انتظارات مدیران با کیفیت اطلاعات حسابداری

تأثیر انتظارات چسبنده مدیران بر پایداری دیگر متغیرهای پیش‌بینی کننده بازده سهام

تأثیر ضریب چسبندگی انتظارات مدیران بر کیفیت سود با استفاده از مدل‌های مختلف کیفیت سود

## منابع

- ام. پمپین، میشل؛ بدری، احمد. (۲۰۰۶). دانش مالی رفتاری و مدیریت دارایی. چاپ دوم، انتشارات کیهان.
- اصولیان، محمد؛ صادقی شرف، سید جلال؛ خلیلی، محمدامین. (۱۳۹۶). رابطه ارقام تعهدی، جریان‌های نقدی و سودآوری عملیاتی با بازدهی سهام؛ شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۴ (۴)، ۴۶۳-۴۸۲.
- بلو، ق؛ بخصامی، س. (۱۳۹۰). بررسی رابطه خطای پیش‌بینی سود و تعداد دفعات تجدیدنظر در پیش‌بینی با بازده سهام عادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- حاجی‌ها، زهره؛ چناری بوکت، حسن. (۱۳۹۴). ارتباط دقت پیش‌بینی سود مدیریت و چرخش مدیران ارشد. مجله دانش حسابداری، دانش حسابداری، ۶ (۲۰)، ۱۶۹-۱۴۷.
- رضازاده، جواد؛ آشتاب، علی. (۱۳۸۹). رابطه دقت پیش‌بینی سود و بازده سهام شرکت‌های جدیدالورود به بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه‌ی علوم اقتصادی، ۹ (۳۷)، ۵۵-۷۶.

- مشایخ، شهناز؛ شاهرخی، سیده سمانه. (۱۳۸۶). بررسی دقت پیش‌بینی سود توسط مدیران و عوامل مؤثر بر آن. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. ۱۴ (۵۰)، ۶۵-۸۲.
- قائم، محمدحسین؛ اسکندرلی، طاهر. (۱۳۹۲). بررسی رفتار مدیران شرکت‌ها در پیش‌بینی سود سالیانه. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۰ (۴۰)، ۷۵-۵۳.
- نظری، محسن؛ فرزندگان، الهام. (۱۳۹۰). بررسی بی‌قاعدگی‌های دوره‌ای در بازدهی سهام عادی بورس اوراق بهادار تهران (روش بازنمونه‌گیری بوت استرپ ناپارامتریک). تحقیقات مالی، ۱۳ (۳۱)، ۱۶۷-۱۴۷.
- هندریکسون، الدون اس؛ مایکل اف. ون بردا. (۱۹۹۲). تئوری‌های حسابداری، علی پارسائیان، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات ترمه، ص ۲۰۷.

- Barberis, N. , Shleifer, A. , & Vishny, R. (1998). A model of investor sentiment. *Journal of financial economics*, 49 (3) , 307-343.
- Badri, A. (2015). Behavioral financial and wealth management. Tehran, *Kayhan press*. (in Persian) .
- Barinov, A. (2015). Profitability Anomaly and Aggregate Volatility Risk. *University of California Riverside*. Working paper .
- Basu, S. (1977). Investment Performance of common stocks in relation to their Price-earnings ratios: A test of the efficient market hypothesis. *The Journal of Finance*, 32 (3) , 663-682 .
- Blu, Gh. , & Bakhsami, S. (2011). Investigating the relationship between earnings forecast error and the number of revisions in forecasting with ordinary stock returns. *dissertation*, Ghom university. (in Persian) .
- Coibion, O. , & Gorodnichenko, Y. (2012). What can survey forecasts tell us about information rigidities? *Journal of Political Economy*, 120 (1) , 116-159 .
- Coibion, O. , & Gorodnichenko, Y. (2015). Information Rigidity and the Expectations Formation Process: A Simple Framework and New Facts, *American Economic Review*, 105 (8) , 2644-2678 .
- Engelberg, J. , & David, M. , & Jeffrey, P. (2016). Anomalies and News. *University of California San Diego, Boston College, and University of Alberta*. Working Paper .
- Gennaioli, N. , & Yueran, M. , & Shleifer, A. (2015). Expectations and Investment. *NBER Macroeconomics Annual*, 30 (1) , 379-449 .

- Ghaemi, M. , & Eskandarli,T. (2013). Investigating the behavior of corporate executives in predicting annual profit. *Journal of Empirical Studies in Financial Accounting*, 10 (40). 53-75. (In Persian .)
- Hajiha, Z. , & Chenari Boket,H. (2015). The relationship between accuracy of predictability of profit management and the rotation of top managers. *Journal of Investment Knowledge*,6 (20). 147-169. (in persian .)
- Harrison, H. , & Jeremy, C. (1999). A Unified Theory of Underreaction, Momentum Trading, and Overreaction in Asset Markets, *The Journal of Finance*, 54 (6) , 2143-2184.
- Hou, K. , Xue,C. , & Zhang, L. (2015). Digesting anomalies: an investment approach, *Review of Financial Studies*, 28) 3) , 650-705.
- Jean-Philippe, B. , Philipp, K. , Augustin, L. , & David, T. (2017). Sticky Expectations and the Profitability Anomaly. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/jofi.12734> .
- Latif, M. , Arshad, S. ,Fatima, M. , & Farooq, S. (2012). Market efficiency, market anomalies, causes, evidences, and some behavioral aspects of market anomalies. *Research Journal of Finance and Accounting*, 2 (9/10) , 1-13 .
- Mankiw, G. , & Ricardo, R. (2002). Sticky Information versus Sticky Prices: A Proposal to Replace the New Keynesian Philips Curve, *Quarterly Journal of Economics*, 117 (4) ,1295-1328 .
- Mankiw, G. , & Ricardo, R. (2006). Pervasive Stickiness. *American Economic Review*, 96 (2) , 164-169.
- Mashayekh, B. ,& Shahrokhi,S. (2007). Investigating the accuracy of prediction of earnings by managers and the factors affecting it. *Journal of Accounting And Auditing Reviews*,14 (50) , 65-82. (In Persian .)
- McLean, R. ,& Pontiff,J. (2016). Does academic research destroy stock return predictability?. *Journal of Finance*, 71 (1) , 5-32 .
- Nazari,M. , & Farzanegan ,A. (2011). Investigating Periodic Anomalies in Stock Returns of Tehran Stock Exchange (Nonparametric Bootstrapping Resampling Methods). *Journal of Financial Researches*, 13 (31) , 147-167 .
- Novy-Marx, R. , & Velikov, M. (2014). A Taxonomy of Anomalies and their Trading Costs. *NBER Working Papers* .
- osoolian, M. , Sadeghi Sharif, S. , & Khalili, M. (2018). Accruals, Cash Flow, and Operating Profitability in the Cross Section of Stock Returns; Evidence from Tehran Stock Exchange.. *Journal of Accounting And Auditing Reviews*,24 (4) , 463-482. (In Persian) .
- Parsian,A. (2006). Accounting theory. Tehran, Termeh press. (in persian .)

- Rezazadeh, J. , & Ashtab,A. (2010). Relationship Accuracy of Prediction Earnings and Stock Returns of New Companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Economics Research*, 9 (37) , 55-76. (in persian .)
- Schwert, W. (2003). Anomalies and market efficiency. *Handbook of the Economics of Finance*, 1,939-974 .
- Zekhnini, M. (2015). Sticky Wages, Profitability, and Momentum, November. Working paper .
- Zhu, J. (2014). Accounting Anomalies, Risk and Return, *The Accounting Review*, 89 (5) ,1835-1866





## ارائه الگویی جهت تبیین محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها با استفاده از شاخص‌های کیفیت حسابداری و ضعف‌های کنترل داخلی

رسول کشتکار\*، شکراله خواجهوی\*\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۰۲

مقاله پژوهشی

### چکیده

در ادبیات حسابداری، محتوای اطلاعاتی سود موضوعی است که در مبحث گزارشگری مالی هنوز به عنوان یکی از مسائل حل نشده محسوب می‌شود. در همین راستا، پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل تأثیرگذار بر محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها از طریق الگوسازی عوامل مؤثر بر آن صورت پذیرفته است. روش پژوهش مورد استفاده توصیفی-همبستگی از نوع شبه تجربی است. نمونه این پژوهش شامل ۱۲۲ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران است که در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار SPSS و نرم‌افزار الگوسازی معادلات ساختاری PLS استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت حسابداری باعث محتوای اطلاعاتی بیشتر سود حسابداری شرکت‌ها می‌شود. هم‌چنین، کیفیت حسابداری بالاتر، ضعف‌های کنترل داخلی را کاهش می‌دهد. ارتباط بین ضعف‌های کنترل داخلی و محتوای اطلاعاتی سود حسابداری شرکت‌ها نیز منفی است. افزون بر این، ضعف‌های کنترل داخلی در رابطه بین کیفیت حسابداری و محتوای اطلاعاتی سود می‌تواند نقش واسطه ایفا کنند. این یافته‌ها می‌تواند به بهبود محتوای اطلاعاتی سود حسابداری شرکت‌ها از طریق کیفیت حسابداری کمک کند.

**واژه‌های کلیدی:** مربوط بودن سود، قابلیت اتکای سود، محافظه کاری، ضعف‌های کنترل داخلی، کیفیت

حسابداری.

طبقه‌بندی موضوعی: M42

DOI: 10.22051/jera.2018.22538.2210

\*دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

(rasoul.keshkar@yahoo.com)

\*\*استاد حسابداری، دانشگاه شیراز، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، بخش حسابداری، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول).

(shkajavi@rose.shirazu.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

## مقدمه

پژوهش در زمینه محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها از چند دهه گذشته با کار بال و براون (۱۹۶۸) و بیور (۱۹۶۸) آغاز شد. از آن زمان تاکنون پژوهش‌های گسترده‌ای در این زمینه صورت پذیرفته است (به‌عنوان نمونه، بمبر و همکاران، ۲۰۰۰؛ بال و شیواکومار، ۲۰۰۸؛ بال، ۲۰۱۳؛ بیور و همکاران، ۲۰۱۵). اگر چه ادبیات مطرح شده در پژوهش‌های بال و براون (۱۹۶۸) و بیور (۱۹۶۸) حاکی از محتوای اطلاعاتی سودهای اعلان شده از سوی شرکت‌ها است، اما ادبیات موجود در سال‌های اخیر گواه بر این مطلب هستند که محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها در طول زمان و در میان شرکت‌های مختلف متفاوت است (بیور و همکاران، ۲۰۱۵). از جمله دلایلی که در این خصوص مطرح شده است می‌توان به تغییرات ایجاد شده در استانداردهای گزارشگری مالی و مقررات در طول زمان، تغییرات ایجاد شده در مدل‌های کسب و کار شرکت‌ها و انگیزه آن‌ها برای تولید و انتشار اطلاعات خصوصی و محرمانه اشاره کرد. یکی دیگر از دلایلی که در این خصوص مطرح کرده‌اند تغییرات چشمگیر در فناوری اطلاعات است که منجر به کاهش قابل توجه هزینه‌های تهیه و ارائه اطلاعات و در دسترس بودن اطلاعات در طول سال به طور مداوم شده است؛ این موضوع به گونه بالقوه باعث کاهش محتوای تدریجی اطلاعات اعلان سود از سوی شرکت‌ها می‌شود (بیور و همکاران، ۲۰۱۵). از طرفی به دنبال تفکیک مدیریت شرکت‌ها از مالکیت آن‌ها و ایجاد مسائل نمایندگی و نیز افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مالکان، موضوع کیفیت خدمات حسابرسی اهمیت بسیار زیادی یافته است و می‌تواند همچون ابزار مراقبت از منافع گروه‌های ذینفع عمل کرده و زمینه استفاده صحیح مدیریت از منابع برای سرمایه‌گذاری بهینه با هدف حداکثر سازی ثروت مالکان را فراهم کند.

با این حال، با ورود به هزاره جدید شواهد موجود مبنی بر ورشکست شدن شرکت‌های بزرگی همچون انرون، ورلد کام و پارمالات، آدلفی، سیسکو، تیکو و زیراکس میزان اعتماد سرمایه‌گذاران به اطلاعات منتشر شده از سوی شرکت‌ها را در حاله‌ای از ابهام قرار داده است؛ سود و محتوای اطلاعاتی آن نیز یکی از اصلی‌ترین این اطلاعات است. با ورشکست شدن این شرکت‌ها و متضرر شدن بسیاری از سرمایه‌گذاران، دو گروه مورد اتهامات بسیاری قرار گرفتند. گروه اول مدیران و حسابداران شرکت‌ها بودند که متهم به دستکاری اطلاعات

شرکت‌ها (دستکاری ارقام گزارش شده) از طریق مواردی مانند مدیریت سود با دخالت هدفمند مدیران در فرآیند گزارشگری مالی برون سازمانی به منظور بهره‌برداری شخصی شدند. مدیران و حسابداران شرکت‌ها از خلاء موجود در فرآیندهای درون سازمانی شرکت خود همانند انعطاف پذیری قانونی، نبود قانون، زمانبندی برخی معاملات، طبقه‌بندی مجدد و آرایه ارقام مالی استفاده کرده و اطلاعات را در راستای اهداف خاصی مدیریت می‌کنند؛ یکی از این فرآیندها، کنترل‌های داخلی است. گروه دوم نیز حساب‌برسان بودند که متهم به این موضوع شدند که تلاش خود را در خصوص کشف این گونه موارد (اطلاعات دستکاری شده) به کار نبرده‌اند. در اصل، حسابرسی یک خدمت اقتصادی حیاتی بوده و نقش بسیار مهمی در خدمت به منافع عمومی برای تقویت مسئولیت‌پذیری و حس اعتماد در گزارشگری مالی ایفا می‌کند. افزون بر این، نظریه تقاضا برای کیفیت حسابرسی از آنجا ناشی می‌شود که بین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران تضاد نمایندگی وجود دارد (ازیبی و همکاران، ۲۰۱۲). بنابراین، انتظار بر این است که حسابرسی با کیفیت، محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها را دستخوش تغییر قرار دهد. افزون بر این، حسابرسی با کیفیت می‌تواند مدیران شرکت‌ها را وادار به استفاده از کنترل‌های داخلی بهینه و اثربخش کرده و از این طریق نیز بر محتوای اطلاعات منتشر شده آنان اثرگذار باشد.

در ایران شرایط نسبت به سایر کشورهای توسعه یافته نظیر آمریکا متفاوت می‌باشد؛ به گونه‌ای که بورس اوراق بهادار تهران به لحاظ کارایی اطلاعاتی با بورس اوراق بهادار نیویورک قابل مقایسه نیست. برخی از پژوهش‌های انجام شده حاکی از کارایی اطلاعاتی بسیار ضعیف بورس اوراق بهادار تهران است. این در حالی است که کارایی بورس اوراق بهادار نیویورک در سطح نیمه قوی به اثبات رسیده است. افزون بر این، در ایران جایگاه حسابرسی و کیفیت آن نسبت به سایر کشورها در سال‌های اخیر تفاوت‌های چشمگیری پیدا نموده است. به‌عنوان نمونه، در چند سال اخیر با مطرح شدن تقلب‌ها و اختلاس‌های مالی و عدم کشف آن‌ها توسط حساب‌برسان، کیفیت کار حسابرسی را در ایران دستخوش تزلزل قرار داده است. این مطالب حاکی از آن است که محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها در بازار ایران می‌تواند نسبت به سایر کشورها متفاوت باشد. در همین راستا، سؤالی که در ذهن محقق ایجاد می‌شود این است که: آیا کارکرد بازار حسابرسی در ایران می‌تواند محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها

را تحت تأثیر خود قرار دهد یا خیر؟ افزون بر این، ضعف کنترل‌های داخلی شرکت‌ها در این بین چه نقشی ایفا می‌کند؟ آیا حسابرسان می‌توانند بر کاهش ضعف کنترل‌های داخلی شرکت‌ها و به تبع آن محتوای اطلاعاتی بیشتر سود تأثیرگذار باشند؟

در باب اهمیت اجرای این پژوهش باید اشاره کرد که قلب تپنده اقتصاد کشورها، در بازارهای سرمایه آنها متجلی می‌شود و موتور محرکه اقتصاد این کشورها نیز کارکرد بهینه این بازارها می‌باشد. ارتقاء محتوای اطلاعاتی سود در این مورد نیز می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد. به گونه‌ای خلاصه نقش اطلاعات مرتبط با سود در اثرگذاری بر عملکرد اقتصادی را می‌توان در دو مورد خلاصه کرد (باشمن و اسمیت، ۲۰۰۱). اول، اطلاعات مرتبط با سود می‌تواند توسط مدیران و سرمایه‌گذاران برای شناسایی پروژه‌های مطلوب در برابر نامطلوب استفاده شود. دوم، محتوای اطلاعاتی بالای سود حسابداری به عنوان یک مکانیزم کنترلی می‌تواند به کار گرفته شود. بنابراین، می‌توان به گونه‌ای خلاصه اهمیت اجرای پژوهش حاضر را در خصوص شناسایی عوامل مؤثر بر محتوای اطلاعاتی سود در یک مدل جامع و کلی دانست و از این طریق به بهبود کارکرد بازار سرمایه کشور و توسعه اقتصادی ایران کمک کند.

### مبانی نظری و پیشینه

مطابق با دیدگاه بال و براون (۱۹۶۸) هدف اولیه گزارشگری اطلاعات مالی، ارائه و انتشار اطلاعاتی در مورد عملکرد شرکت است که به وسیله سود و اجزای تشکیل دهنده آن فراهم می‌شود. بازار سرمایه به‌عنوان موتور محرکه اقتصاد بر محور اطلاعات قرار دارد. جریان درست اطلاعات در این بازار منجر به اتخاذ تصمیمات صحیح و منطقی از سوی مشارکت‌کنندگان می‌شود و در نهایت، توسعه اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی را به ارمغان می‌آورد. به سبب نقش انکارناپذیر اطلاعات در بازار سرمایه، ادعا می‌شود که اطلاعات، گران‌بهاترین دارایی در بورس است. از اوایل دهه ۱۹۶۰ تا به حال، نقش گزارشگری مالی بر سودمندی در تصمیم‌گیری متمرکز شده است (آن، ۲۰۰۹). در بیانیه شماره یک مفاهیم حسابداری مالی هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا بیان شده است که: گزارشگری مالی باید اطلاعاتی که برای سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه، بستانکاران و سایر استفاده‌کنندگان در اتخاذ تصمیمات منطقی در خصوص سرمایه‌گذاری، دادن اعتبار و سایر تصمیمات مشابه سودمند است را فراهم کند (هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، ۱۹۷۸: بند ۳۴).

یکی از کلیدی‌ترین اطلاعاتی که در فرآیند گزارشگری مالی از سوی شرکت‌ها افشا می‌شود، سود و اطلاعات مرتبط با آن است. سرمایه‌گذاران با توجه به رقم سود منتشر شده تصمیم‌های قبلی خود را تأیید، اصلاح و یا رد می‌کنند و بر مبنای همین اطلاعات تصمیم‌های جدیدی اتخاذ می‌کنند. به عبارتی از محتوای اطلاعاتی سود منتشر شده استفاده می‌کنند. براساس نظریه اقتصادی در صورت ثابت بودن کلیه شرایط، افزایش در محتوای اطلاعاتی سود باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و بنابراین به هزینه سرمایه کمتر منجر می‌شود (گلاستن و میلگرام، ۱۹۸۵؛ آمیهود و مندلسون، ۱۹۸۶؛ دیامند و ورکچیا، ۱۹۹۱؛ اسلی و اهارا، ۲۰۰۳؛ کوهن، ۲۰۰۳). محتوای اطلاعاتی سود را می‌توان به‌عنوان ظرفیت توجه بازدهی سهام، داشتن بار اطلاعاتی پیرامون سودهای آینده، سودمندی سود در توجه بازدهی سهام و تغییر در قیمت سهام در واکنش به تغییرات سود ارزش پیش‌بینی‌کنندگی، به‌هنگام بودن، بی‌طرفی و توانایی پاسخ‌گویی و میزان همستگی سود حسابداری با سود اقتصادی تعریف کرد (پورتی و همکاران، ۲۰۱۸؛ دارابی و مرادلو، ۱۳۹۰).

اطلاعات مرتبط با سود مبنای اساسی تصمیم‌گیری‌ها هستند. جهت‌دار بودن، گمراه‌کنندگی، نامربوط بودن و ناقص بودن اطلاعات مرتبط با سود می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری غلط شود و به تصمیم‌گیرنده زیان وارد کند. در شرایطی که این تصمیم‌گیری‌ها پیامدهای مهم اقتصادی داشته باشند، تصمیم‌گیرنده اهمیت بیشتری برای کسب اطمینان از کیفیت اطلاعات سود دریافت شده قائل می‌شود (حساس یگانه و یعقوبی منش، ۱۳۸۲). اطلاعات مرتبط با سود در صورتی دارای پیامدهای مالی و اقتصادی هستند که مربوط و قابل‌اتکا و از کیفیت بالایی برخوردار باشند.

نتایج پژوهش عربی و همکاران (۱۳۹۷) حاکی از آن است که به دلیل تحریم‌های شدید اقتصادی علیه کشورمان محتوای اطلاعاتی ارقام صورت‌های مالی کاهش یافته است. این در حالی است که در فرآیند گزارشگری اطلاعات حسابداری، هدف حسابرس زدودن آلودگی‌ها همانند تحریف‌ها و اشتباهات بااهمیت احتمالی موجود در اطلاعات حسابداری است. گرچه حسابرسی منجر به تولید اطلاعات جدید اقتصادی نمی‌شود، اما می‌تواند ارزش اطلاعات اقتصادی تهیه شده به‌وسیله فرآیند حسابداری را افزایش دهد. بنابراین، ارزش‌نهایی فعالیت حسابرسی اعتباربخشی به صورت‌های مالی است. دیویدسون و نئو (۱۹۹۳) کیفیت حسابرسی

را توانایی حسابرس در کشف و حذف تحریف‌های بااهمیت و نیز کشف دستکاری انجام شده در سود خالص می‌دانند. همچنین، تیمان و ترومن (۱۹۸۶) کیفیت حسابرسی را میزان صحت و درستی اطلاعاتی تعریف کرده‌اند که پس از حسابرسی در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد. بنابراین، انتظار بر این است که کیفیت بالای حسابرسی، بتواند محتوای اطلاعاتی سود را بهبود بخشد. شواهد برخی از پژوهش‌های پیشین (به عنوان نمونه، هوساینی، ۲۰۰۹؛ لو و همکاران، ۲۰۱۱؛ لاو و همکاران، ۲۰۱۵؛ میننگ، ۲۰۱۵؛ اسمی، ۲۰۱۶؛ پورتی و همکاران، ۲۰۱۸؛ خوشبختی وایقان و همکاران، ۱۳۹۶) نیز از این ایده حمایت می‌کنند. بر این اساس، فرضیه اول پژوهش به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه اول: کیفیت حسابرسی به گونه مستقیم عاملی اثرگذار بر محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها است.

شواهد موجود در پژوهش‌های پیشین حاکی از دستکاری سود توسط مدیریت در شرکت‌های دارای ضعف در کنترل‌های داخلی است (لنارد و همکاران، ۲۰۱۶). چان و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند که در شرکت‌هایی که ضعف در کنترل‌های داخلی گزارش شده است نسبت به سایر شرکت‌ها، سطح بالاتری از اقلام تعهدی اختیاری (کیفیت سود پایین‌تر) وجود دارد. ضعف‌های کنترل‌های داخلی با مشکلات مرتبط با شناخت نادرست درآمد، عدم تفکیک وظایف، زمان‌بندی مشکلات پایان دوره گزارشگری و سیاست‌های حسابداری نادرست در ارتباط است (جی و مک‌وی، ۲۰۰۵). همچنین، ضعف‌های کنترل داخلی با سطح پایین‌تر محافظه‌کاری حسابداری (گوه و لی، ۲۰۱۱؛ جاوید و همکاران، ۱۳۹۴)، کیفیت اقلام تعهدی پایین (آشبوغ-اسکافیه و همکاران، ۲۰۰۷؛ دویله و همکاران، ۲۰۰۷) و کاهش ضریب واکنش سود (رحیمی، ۱۳۹۶) همراه است. افزون‌بر این، فنگ و همکاران (۲۰۰۹) نشان دادند که ضعف‌های بااهمیت در کنترل‌های داخلی بر دقت هدایت مدیریت تأثیر می‌گذارد. با توجه به این مطالب می‌توان این‌طور استدلال کرد که مدیریت می‌تواند از وجود ضعف در کنترل‌های داخلی شرکت استفاده کرده و اطلاعات مرتبط با سود را در راستای اهداف خاصی دستکاری نماید. در نتیجه، وجود ضعف‌های بااهمیت در کنترل‌های داخلی شرکت می‌تواند منجر به کاهش محتوای اطلاعاتی سود آن گردد. بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش به صورت زیر مطرح می‌شود:

فرضیه دوم: وجود ضعف در کنترل‌های داخلی به گونه مستقیم عاملی اثرگذار بر محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها است.

مطابق با فرضیه نظارت، حسابرسی یک مکانیزم نظارتی است که استفاده از آن به کارفرما (سهامداران) اطمینان نسبی می‌بخشد که مباحث (مدیر) اقداماتی انجام نخواهد داد که به منافع وی خسارت وارد سازد (امیر اصلانی، ۱۳۸۴). یکی از اقدامات کنترل‌های داخلی شرکت است. این در حالی است که شواهد موجود در پژوهش‌های ژانگ و همکاران (۲۰۰۷)، چن و همکاران (۲۰۱۲)، راونستین و همکاران (۲۰۱۳) و چن و همکاران (۲۰۱۶) یافته‌هایی مبنی بر نقش سودمند کیفیت حسابرسی در کاهش ضعف کنترل‌های داخلی ارائه کرده‌اند. لذا، انتظار بر این است که اگر حسابرسی شرکت از کیفیت مناسبی برخوردار باشد، حسابرسان مدیریت را وادار به بهبود کنترل‌های داخلی شرکت خواهند کرد و از این طریق از کاهش محتوای اطلاعاتی سود نیز جلوگیری می‌کنند. شواهد موجود در پژوهش‌های راونستین و همکاران (۲۰۱۳) و جاگی و همکاران (۲۰۱۵) نیز مؤید همین ادعا است. لذا، می‌توان فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش را به صورت زیر مطرح کرد:

فرضیه سوم: کیفیت حسابرسی به گونه مستقیم عاملی اثرگذار بر ضعف‌های کنترل داخلی است.

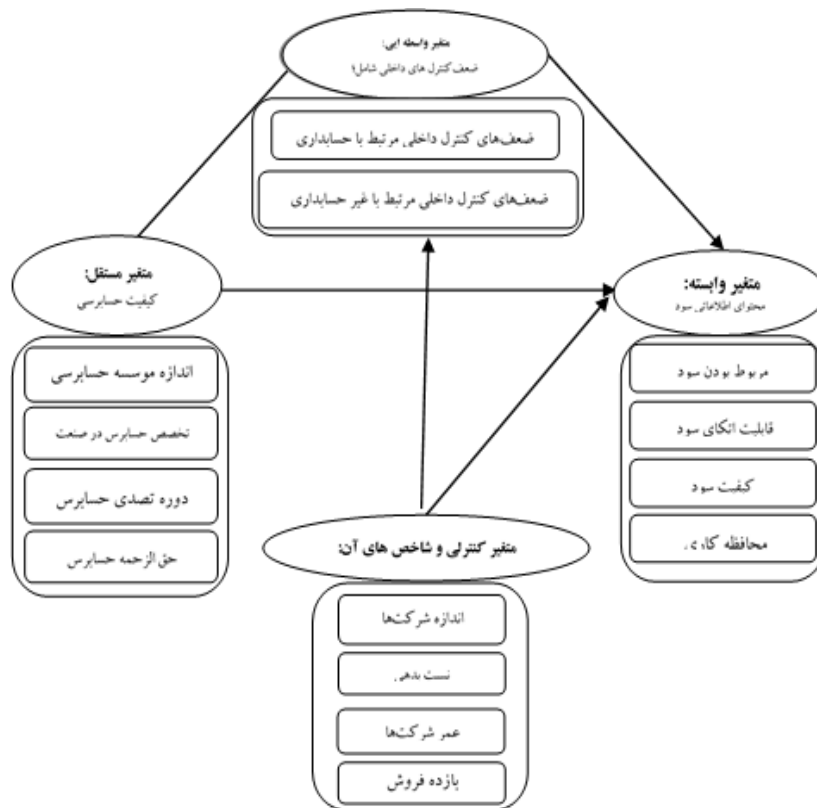
فرضیه چهارم: کیفیت حسابرسی به گونه غیرمستقیم از طریق ضعف‌های کنترل داخلی بر محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد.

در کل، فرضیه‌های این پژوهش مبتنی بر الگویی مفهومی است که در ادبیات تخصصی حسابداری داخلی و خارجی مطرح شده در ادبیات پژوهش ارائه شد. شکل (۱) این الگو را نشان می‌دهد. این شکل رابطه بین متغیرهای محتوای اطلاعاتی سود و کیفیت حسابرسی را نشان می‌دهد. این رابطه با لحاظ نمودن متغیر ضعف‌های کنترل‌های داخلی، به عنوان متغیر واسطه‌ای و اندازه شرکت‌ها، نسبت بدهی، عمر شرکت‌ها و بازده فروش به عنوان متغیرهای کنترلی، تکمیل می‌شود.

### روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ هدف از نوع کاربردی می‌باشد. طرح پژوهش آن از نوع شبه‌تجربی و با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته) است. از روش پس‌رویدادی زمانی استفاده می‌شود که پژوهشگر پس از وقوع رویدادها به بررسی موضوع می‌پردازد. افزون‌بر این، امکان دست‌کاری متغیرهای مستقل وجود ندارد. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. برای نگارش و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز بخش مبانی نظری به گونه عمده از مجلات تخصصی داخلی و خارجی و به منظور جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مرتبط با متغیرهای پژوهش نیز از پایگاه‌های اطلاعاتی بورس اوراق بهادار تهران، گزارش هیئت‌مدیره به مجمع عمومی عادی، گزارش‌های حسابرس مستقل و بازرس قانونی و نرم‌افزارهای بورسی از قبیل ره‌آورد نوین، صحرا، دنا سهم و تدبیرپرداز استفاده شده است.





شکل (۱): الگوی مفهومی پژوهش

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. بازه زمانی مورد مطالعه نیز، دوره ۱۰ ساله بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ است. در این پژوهش از نمونه‌گیری آماری استفاده نمی‌شود؛ اما شرایط زیر برای انتخاب نمونه قرار داده می‌شود و نمونه پژوهش بر این اساس انتخاب شده است:

- سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.
- اطلاعات مالی و غیرمالی مورد نیاز به منظور استخراج داده‌های مورد نیاز در دسترس باشد و سهام آنها به‌طور فعال در بورس معامله شود (وقفه بیشتر از سه ماه نداشته باشند).
- تا پایان سال مالی ۱۳۸۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.

- جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشد؛ زیرا افشای اطلاعات مالی و ساختارهای راهبردی شرکتی در آن‌ها متفاوت است.

با توجه به شرایط قرار داده شده تعداد ۱۲۲ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. لازم به ذکر است که در این پژوهش در خصوص تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا با استفاده از نرم‌افزار Excel نسخه ۲۰۰۷ متغیرهای پژوهش از روی داده‌های خام آماده و سپس با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS نسخه ۲۲ و Eviews نسخه ۹ و نرم‌افزار الگوسازی معادلات ساختاری PLS تجزیه و تحلیل‌ها انجام شده است.

### متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش در چهار دسته کلی متغیرهای مستقل، وابسته، واسطه‌ای و کنترلی به شرح زیر هستند:

#### متغیر مستقل

در این پژوهش کیفیت حسابرسی و شاخص‌های آن شامل اندازه حسابرسی، تخصص حسابرسی در صنعت، دوره تصدی حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی به عنوان متغیرهای مستقل ایفای نقش می‌کنند. نحوه اندازه‌گیری هر یک از این موارد به شرح زیر است:

اندازه مؤسسه حسابرسی: در برخی از پژوهش‌های انجام شده مشخص شده که مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر معمولاً خدمات بهتری را نسبت به مؤسسات حسابرسی کوچک‌تر ارائه می‌کنند (هنوک، ۲۰۰۵). اندازه مؤسسه حسابرسی را می‌توان از طریق معیارهایی همچون سهم بازار حسابرسی، تعداد صاحبکاران مؤسسه حسابرسی و... اندازه‌گیری کرد (باود و ویلکینز، ۲۰۰۴). بنابراین، در پژوهش حاضر نیز به دنبال باود و ویلکینز (۲۰۰۴) جهت تعیین اندازه مؤسسه حسابرسی از معیار ترکیبی سهم بازار حسابرسی در تعداد صاحبکاران مؤسسه حسابرسی استفاده می‌شود. لازم به ذکر است که سهم بازار حسابرسی از طریق نسبت فروش تمام صاحبکاران یک مؤسسه حسابرسی خاص تقسیم بر مجموع فروش تمام صاحبکاران در بورس اوراق بهادار تهران اندازه‌گیری شده است.

تخصص حسابرسان در صنعت: معمولاً حسابرسان متخصص به دلیل برخورداری از دانش تخصصی از شرایط صنعت صاحبکار، توانایی بیشتری در ارائه حسابرسی با کیفیت‌تر برای کاهش ریسک اطلاعاتی دارند. مجموع فروش تمام صاحبکاران یک مؤسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص تقسیم بر مجموع فروش صاحبکاران در این صنعت، نشان‌دهنده میزان تخصص حسابرسان در صنعت است.

دوره تصدی حسابرسان: به اعتقاد میرز و همکاران (۲۰۰۳) تداوم انتخاب حسابرسان، تعداد سال‌های متوالی است که یک حسابرسان مسئولیت حسابرسی یک شرکت را برعهده می‌گیرد.

حق الزحمه حسابرسان: میزان حق الزحمه پرداختی به حسابرسان می‌تواند بر کیفیت کار حسابرسی اثر بگذارد؛ هر چه حق الزحمه بیشتری برای حسابرسان در نظر گرفته شود، تلاش وی بیشتر می‌شود و کیفیت کار را بالا می‌برد (سایمونیک ۱۹۸۴). این متغیر از طریق لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی شرکت‌ها اندازه‌گیری می‌شود.

شاخص جامع کیفیت حسابرسی: در خصوص نحوه اندازه‌گیری این متغیر با استفاده از قابلیت‌های نرم‌افزار PLS، بر اساس هر چهار شاخص ذکر شده در بالا برای کیفیت حسابرسی، شاخصی جامع طراحی می‌شود که هر چهار عامل در تعیین آن دخالت دارند.

### متغیر وابسته

محتوای اطلاعاتی سود متغیر وابسته این پژوهش است. این متغیر از معیارهای کیفیت سود، مربوط بودن سود، قابلیت اتکای سود و محافظه‌کاری تشکیل شده است (به عنوان نمونه، پورتنی و همکاران، ۲۰۱۸). نحوه اندازه‌گیری هر یک از این معیارها به شرح زیر است:

کیفیت سود: کیفیت سود را می‌توان به عنوان ظرفیت توجیه بازدهی سهام، داشتن بار اطلاعاتی پیرامون سودهای آتی، سودمندی سود و توجیه بازدهی سهام و تغییر در قیمت سهام در واکنش به تغییرات سود، ارزش پیش‌بینی‌کنندگی، به هنگام بودن، بی‌طرفی و توانایی پاسخ‌گویی و میزان همبستگی سود حسابداری با سود اقتصادی تعریف کرد (دستگیر و همکاران، ۱۳۹۴). در این پژوهش کیفیت سود از طریق کیفیت اقلام تعهدی و مطابق با مدل دیچاو و دیچاو (۲۰۰۲) اندازه‌گیری می‌شود. مدل مورد استفاده توسط دیچاو و دیچاو (۲۰۰۲) برای اندازه‌گیری کیفیت سود به شرح زیر می‌باشد:

$$TCA_{i,t} = \varphi_0 + \varphi_1 (CFO_{i,t-1} / Asset_{i,t}) + \varphi_2 (CFO_{i,t} / Aseet_{i,t}) + \varphi_3 (CFO_{i,t+1} / Asset_{i,t}) + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۱)}$$

که در آن:

TCA: عبارت است از کل ارقام تعهدی تقسیم شده بر میانگین کل دارایی‌ها؛ CFO: عبارت است از جریان نقدی خالص ناشی از فعالیت‌های عملیاتی؛ Asset: عبارت است از میانگین کل دارایی‌ها؛ و  $\varepsilon$ : عبارت است از مقدار باقیمانده مدل.

مقدار باقیمانده ( $\varepsilon$ ) در مدل رگرسیون بالا نشان‌دهنده کیفیت سود است. بنابراین، در این پژوهش از قدرمطلق مقدار باقیمانده رگرسیون بالا به عنوان معیار کیفیت سود استفاده شده است. مقدار بالاتر باقیمانده، نشان‌دهنده کیفیت پایین تر سود است. لازم به ذکر است که در مدل رگرسیون بالا کل ارقام تعهدی از فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$TCA_{i,t} = (OP_{i,t} - CFO_{i,t}) / Asset_{i,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

که در آن OP عبارت است از سود عملیاتی و مابقی متغیرها مانند مدل (۱) بالا است. برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که برآورد ارقام تعهدی اختیاری ممکن است به طور با اهمیتی تحت تأثیر عملکرد جاری و گذشته شرکت قرار گیرد. بنابراین، در این پژوهش نیز مشابه با پژوهش نمازی و رضایی (۱۳۹۳)، بر مبنای روش کوتری و همکاران (۲۰۰۵)، از کیفیت سود اصلاح شده برای کنترل اثرات عملکرد شرکت بر کیفیت سود استفاده می‌شود. مراحل محاسبه کیفیت سود اصلاح شده به شرح زیر است:

در مرحله اول، کل شرکت‌های عضو نمونه در هر یک از صنایع خاص خود گروه‌بندی می‌شوند؛ دوم، بازده کل دارایی‌ها (ROA) در هر شرکت محاسبه می‌شود؛ سوم، شرکت‌ها در هر گروه بر اساس بازده کل دارایی‌ها با تأخیر زمانی به پنج بخش تقسیم می‌شوند و سپس میانه باقیمانده رگرسیون بالا در هر بخش محاسبه می‌شود؛ در نهایت، اختلاف بین باقیمانده هر شرکت و میانه باقیمانده هر بخش محاسبه می‌شود. قدرمطلق اختلاف بین باقیمانده هر شرکت و میانه باقیمانده هر بخش به عنوان معیار کیفیت سود است که بر اساس عملکرد اصلاح شده است. لازم به ذکر است که در این پژوهش بازده کل دارایی‌ها به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$ROA_{i,t} = NI_{i,t} / TAS_{i,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

که در آن: NI: عبارت است از سود خالص؛ و TAS: عبارت است از کل دارایی‌ها.

مربوط بودن سود: مربوط بودن سود به تصمیم‌های اقتصادی استفاده‌کنندگان در ارزیابی رویدادهای حال و آینده یا تصحیح تصمیم‌های اقتصادی گذشته برای سرمایه‌گذاری‌های خود اشاره دارد. مربوط بودن سود از دو زیرمجموعه ارزش پیش‌بینی‌کنندگی و بازخورد تشکیل شده است. نحوه کمی کردن هر یک از دو زیرمجموعه مربوط بودن سود به شرح زیر است:

ارزش پیش‌بینی‌کنندگی - استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی تمایل دارند جریان‌های نقدی آینده شرکت را برآورد کنند. اغلب آن‌ها با استفاده از سود می‌کوشند قدرت سودآوری شرکت را برآورد نمایند. در کوتاه‌مدت، سود ممکن است بتواند توان ایجاد جریان‌های نقد را بهتر از خود جریان نقد پیش‌بینی کند، زیرا فرض می‌شود بین سود گزارش شده و جریان‌های نقدی رابطه وجود دارد. از طرفی ارزش جاری یک شرکت و قیمت سهم آن به جریان سود آینده بستگی دارد که به سوی سهامداران جریان خواهد یافت. سهامداران فعلی، بر اساس این انتظارات نسبت به نگهداری یا فروش سهام تصمیم می‌گیرند. از طرفی پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که قدرت پیش‌بینی سود بر دامنه قیمت‌های پیشنهادی برای خرید و فروش سهام اثر می‌گذارد (آفلک گراوز و همکاران، ۲۰۰۲؛ ایمهوف، ۲۰۰۳؛ پینکاس، ۱۹۸۳). از این رو در این پژوهش برای اندازه‌گیری ارزش پیش‌بینی‌کنندگی، میزان توانایی اجزای سود جهت پیش‌بینی سود آینده مدنظر قرار می‌گیرد. برای این کار قدرمطلق اشتباهات پیش‌بینی مدل زیر به‌عنوان معیاری معکوس جهت اندازه‌گیری قدرت پیش‌بینی سودهای جاری استفاده می‌شود:

$$IBE_{t+1} = \partial_0 + \partial_1 OCF_t + \partial_2 TA_t + e_t \quad \text{مدل (۴)}$$

در مدل بالا: IBE: سود خالص بعد از کسر مالیات؛ OCF: جریان‌های نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی؛ TA: کل ارقام تعهدی؛ و e: خطای مدل.

لازم به ذکر است که در مدل بالا برای همسان‌سازی متغیرها و حذف اثر اندازه شرکت‌ها در نتایج پژوهش، تمامی متغیرها بر حسب میانگین دارایی‌های شرکت استاندارد شده است.

ارزش بازخورد (تأیید‌کنندگی) - بازخورد به تأیید یا اصلاح انتظارات قبلی تصمیم‌گیرندگان ارتباط دارد و به ارزیابی وضعیت شرکت در حال حاضر اشاره دارد. در پژوهش حاضر در

خصوصاً اندازه‌گیری ارزش بازخورد اطلاعات از مدل کرمندی و لیپ (۱۹۸۷) استفاده شده است. مدل ارائه شده به وسیله کرمندی و لیپ (۱۹۸۷) به شرح زیر می‌باشد:

$$IBE_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 IBE_{i,t-1} + \omega_{i,t} \quad \text{مدل (۵)}$$

در خصوص بدست آوردن ارزش بازخورد اطلاعات، نیاز به طی سه مرحله می‌باشد. مرحله اول، عبارت است از اشتباه پیش‌بینی سود سال‌های بعد، با در نظر گرفتن سود سال جاری. بنابراین، در این مرحله مقدار باقیمانده مدل رگرسیونی پایین محاسبه می‌شود.

$$IBE_{i,t+1} = y_0 + y_1 IBE_{i,t} + v_{i,t+1} \quad \text{مدل (۶)}$$

مرحله دوم، عبارت است از اشتباه پیش‌بینی سود سال‌های بعد، بدون در نظر گرفتن سود سال جاری. بنابراین، در این مرحله مقدار باقیمانده مدل رگرسیونی پایین محاسبه می‌شود.

$$IBE_{i,t+1} = y_0 + y_1 IBE_{i,t-1} + \eta_{i,t+1} \quad \text{مدل (۷)}$$

لازم به ذکر است که در مدل‌های بالا برای همسان‌سازی متغیرها و حذف اثر اندازه شرکت‌ها در نتایج پژوهش، تمامی متغیرها بر حسب میانگین دارایی‌های شرکت استاندارد شده است. نهایتاً، در مرحله سوم، برای سنجش میزان ارزش بازخورد اطلاعات مالی از تفاوت بین قدرمطلق اشتباهات در برآورد سود سال بعد، قبل و بعد از لحاظ کردن سود سال جاری به شرح فرمول زیر، استفاده شده است.

$$FV_t = [ |PE_B| - |PE_A| ] \quad \text{مدل (۸)}$$

که در آن:  $FV$ : ارزش بازخورد سود؛  $|PE_B|$ : مقدار باقیمانده مدل  $v$ ؛ و  $|PE_A|$ : مقدار باقیمانده مدل  $\omega$ .

قابلیت اتکای سود: در این پژوهش جهت اندازه‌گیری قابلیت اتکای سود از شاخص سازمان بورس و اوراق بهادار تهران استفاده شده است. این شاخص در قالب یک شاخص کلی که سازمان برای کیفیت افشا منتشر می‌کند، ارائه می‌شود. گفتنی است که شاخص کیفیت افشای سازمان بورس و اوراق بهادار تهران از دو زیرمجموعه کلی به موقع بودن و قابلیت اتکا تشکیل شده است که در این پژوهش تنها از شاخص قابلیت اتکای آن استفاده می‌شود. اطلاعاتی قابل اتکا است که کامل بوده، عاری از اشتباه و تمایلات جانبدارانه با اهمیت باشند و بطور صادقانه

معرف آن چیزی باشد که مدعی بیان آن است یا به گونه‌ای معقول انتظار می‌رود؛ بیان کند. بنابراین، برای اینکه اطلاعات قابل اتکا باشند، باید کامل بوده، بیطرفانه و محتاطانه و بیانی صادقانه و با رعایت رجحان محتوا بر شکل تهیه و ارائه شوند (اعتمادی و همکاران، ۱۳۸۸). امتیازهای کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب برای کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، از سال ۱۳۸۲ در سایت بورس اوراق بهادار تهران موجود است.

محافظه‌کاری: حسابداری محافظه‌کارانه نه تنها کیفیت ارقام گزارش شده در ترازنامه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه بر محتوای اطلاعاتی سود گزارش شده در صورت سود و زیان نیز تأثیر گذار است (پنمن و ژانگ، ۲۰۰۲). در این پژوهش همچون پژوهش‌های بنی‌مهد و باغبانی (۱۳۸۸) و مرادی و همکاران (۱۳۹۰) برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از الگوی گیولی و هین (۲۰۰۰) استفاده می‌شود. هر چه نسبت به دست آمده از این الگو بیشتر باشد، محافظه‌کاری بیشتر و در نتیجه محتوای اطلاعاتی سود بالاتر خواهد بود. الگوی مورد استفاده توسط گیولی و هین (۲۰۰۰) برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{مدل (۹)} \quad (-1) * ((AFCC_{i,t}) / TA_{i,t})$$

که در مدل بالا: AFCC: ارقام تعهدی عملیاتی؛ و TA: ارزش دفتری دارایی‌ها. در این مدل ارقام تعهدی عملیاتی از فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{مدل (۱۰)} \quad AFCC_{i,t} = OP_{i,t} - CFO_{i,t} + DE_{i,t}$$

DE: هزینه استهلاک.

شاخص جامع محتوای اطلاعاتی: در خصوص نحوه اندازه‌گیری این متغیر با استفاده از قابلیت‌های نرم‌افزار PLS، بر اساس هر چهار معیار ذکر شده در بالا برای محتوای اطلاعاتی سود، شاخصی جامع طراحی می‌شود که هر چهار عامل در تعیین آن دخالت خواهند داشت.

ب) متغیر واسطه‌ای: در این پژوهش ضعف‌های کنترل‌های داخلی متغیر واسطه‌ای است که از دو بُعد تشکیل شده است.

- ضعف‌های کنترل‌های داخلی مرتبط با امور حسابداری؛ و
- ضعف‌های کنترل‌های داخلی مرتبط با امور غیر حسابداری.

این دسته‌بندی ضعف‌های کنترل‌های داخلی به دو بخش حسابداری و غیرحسابداری در پژوهش جی و همکاران (۲۰۱۷) صورت پذیرفته است. کنترل‌های حسابداری، کنترل‌هایی هستند که جهت اطمینان از شناسایی رویدادهای مالی، صحت و کامل بودن ثبت و میزان کفایت یا عدم کفایت کنترل‌های داخلی مالی اجرا می‌شود و هدف از سیستم کنترل داخلی حسابداری فراهم آوردن اطمینان منطقی از حفاظت از دارایی‌های شرکت و مدارک مالی برای تهیه صورت‌های مالی قابل اتکاست. کنترل‌های داخلی مرتبط با امور غیرحسابداری، کنترل‌های اداری و عملیاتی هستند که خارج از حوزه امور مالی می‌باشند و تأثیر مستقیم و سریع بر صورت‌های مالی ندارند. حساب‌برسان می‌بایست پس از ارزیابی سیستم کنترل‌های داخلی، علاوه بر تأیید کنترل‌های داخلی حسابداری، تأثیر مالی کنترل‌های اداری و عملیاتی را مورد رسیدگی قرار دهند و هرگونه ضعف عمده در طراحی یا نحوه اعمال و اجرای کنترل‌های داخلی اعم از حسابداری و غیرحسابداری را که می‌تواند بر توانایی واحد مورد رسیدگی در ثبت، پردازش، تلخیص و گزارش اطلاعات مالی و غیرمالی اثر نامطلوبی بگذارد به کمیته حسابرسی در صورت وجود و در غیر این صورت به هیئت‌مدیره واحد مورد رسیدگی گزارش نماید (خواجوی و همکاران، ۱۳۸۸). نحوه اندازه‌گیری این متغیر، شامل تعداد موارد ضعفی است که حسابرس در گزارش خود و یا در نامه مدیریت (نامه نقاط ضعف کنترل‌های داخلی و پیشنهاد‌های سازنده) به آن‌ها اشاره کرده است.

ت) متغیرهای کنترلی: متغیرهای کنترلی این پژوهش با توجه به ادبیات پژوهش شامل اندازه شرکت، نسبت بدهی، عمر شرکت‌ها و بازده فروش تعیین شدند. این متغیرها به شرح زیر قابل توصیف هستند:

اندازه شرکت‌ها: در پژوهش حاضر اندازه شرکت به وسیله لگاریتم طبیعی کل فروش محاسبه می‌شود.

نسبت بدهی: در این پژوهش مشابه حیدری و همکاران (۱۳۹۷) از نسبت بدهی که از تقسیم کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها حاصل می‌شود، به عنوان متغیر کنترلی استفاده می‌شود.

عمر شرکت‌ها: در پژوهش حاضر منظور از عمر شرکت، تعداد سال‌هایی است که از تاریخ تأسیس شرکت تا هر یک از سال‌های مورد مطالعه می‌گذرد.



بازده فروش: بازده فروش یکی از شاخص‌های تعیین موفقیت در سودآوری است و از طریق تقسیم سود خالص شرکت‌ها به فروش کل آن‌ها اندازه‌گیری می‌شود.

### یافته‌های پژوهش

متغیرهای پژوهش از منظر شاخص‌های میانگین، انحراف معیار، حداکثر و حداقل مقدار مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج این بررسی در نگاره شماره ۱ نشان داده شده است.

#### نگاره (۱): شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
اندازه حسابرس	۵/۶۰۰	۶/۶۲۵	۱۹	۰/۵۲۸
تخصص حسابرس	۰/۲۸۴	۰/۲۳۸	۱	۰/۰۵۰
دوره تصدی حسابرس	۳/۳۰۰	۲/۲۹۵	۴	۱
حق‌الزحمه حسابرس	۳/۳۳۹	۳/۴۰۵	۱۰/۳۵۰	۱/۱۲۴
ضعف کنترل‌های داخلی مرتبط با امور حسابداری	۰/۱۰۱	۰/۳۶۸	۳	۰
ضعف کنترل‌های داخلی مرتبط با امور غیرحسابداری	۰/۴۴۰	۰/۹۸۹	۵	۰
محافظه‌کاری سود	-۰/۰۷۵	۱/۵۰۲	۲/۳۱۷	-۵/۲۴۰
کیفیت سود	۰/۱۰۷	۰/۰۹۷	۰/۸۴۷	۰/۰۰۰۱
قابلیت اتکای سود	۵۰/۰۱۸	۳۲/۳۱۷	۱۰۰	۰
مربوط بودن سود	۰/۸۰۹	۰/۱۶۵	۱	۰/۲۵۳
اندازه شرکت	۱۳/۴۱۰	۱/۴۶۳	۱۹/۷۲۳	۸/۹۰۰
نسبت پدهی	۰/۶۳۵	۰/۲۲۱	۲/۳۸۴	۰/۰۱۳
عمر شرکت	۳۵/۵۹۸	۱۳/۲۴۲	۷۳	۷
بازده فروش	۰/۱۸۵	۰/۱۹۴	۲/۰۸۶	-۱/۶۳۷

طبق اطلاعات نگاره شماره ۱، آماره‌های مربوط به شاخص‌های کیفیت حسابرسی نشان می‌دهد که در شرکت‌های مورد مطالعه دوره تصدی حسابرس در شرکت‌ها حدود سه سال بوده است و کمترین مدت دوره تصدی برابر با یک سال و بیشترین مدت دوره تصدی برابر با چهار سال بوده است (این مورد مربوط به سازمان حسابرسی می‌باشد). هم‌چنین، از نگاه تخصص حسابرس نیز مؤسسات حسابرسی معتمد بورس، تقریباً ۲۸ درصد از سهم فروش تمام

صاحبکاران یک صنعت خاص را دارا هستند. آمار و ارقام مرتبط با متغیر ضعف کنترل‌های داخلی مرتبط با امور حسابداری و ضعف کنترل‌های داخلی مرتبط با امور غیرحسابداری نشان می‌دهد که در برخی از سال‌های مورد مطالعه هیچ‌گونه نقطه ضعفی در گزارش‌ها در مورد کنترل‌های داخلی منتشر نشده است؛ هم‌چنین، آماره میانگین مربوط به این دو متغیر نشان می‌دهد که هر چند در هر دو مورد، کمتر از یک بند در گزارش‌ها در مورد ضعف کنترل‌های داخلی گزارش شده است، اما این آماره برای متغیر ضعف کنترل‌های داخلی مرتبط با امور غیرحسابداری به نسبت بیشتر است. اطلاعات مرتبط با متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که به‌گونه میانگین از عمر شرکت‌های مورد مطالعه در حدود ۳۵ سال می‌گذرد و این شرکت‌ها توانسته‌اند سود خالصی به طور متوسط در حدود ۱۸/۵ درصد فروش خود کسب کنند. این در حالی است که بیش از نیمی از دارایی‌های آنها (در حدود ۶۳/۵ درصد) از محل بدهی تأمین شده است.

در این پژوهش جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از تکنیک معادلات ساختاری استفاده شده است. در این راستا، جهت بررسی الگوی مفهومی پژوهش و آزمون فرضیه‌ها از مقادیر  $t$ -values استفاده می‌شود. در تحلیل و بررسی الگوی مفهومی، مقادیر آماره  $t$  بیشتر از ۱/۹۶+ و کمتر از ۱/۹۶- در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بوده و پذیرفته می‌شوند. جهت بررسی پایایی الگوی مورد استفاده از آلفای کرونباخ استفاده شد. نگاره (۲) نتایج این آزمون را نشان می‌دهد. مطابق با الگوریتم برازش الگو در روش PLS، در صورتی که ضرایب بیشتر از ۰/۷ باشد حاکی از پایایی مناسب الگوی استفاده شده دارد. مطابق با اطلاعات نگاره (۲)، مقادیر مربوط برای تمامی سازه‌ها بالاتر از ۰/۷ بوده و نشان از پایایی مناسب الگو دارد. روایی همگرا نیز به بررسی میزان همبستگی هر سازه با شاخص‌های خود می‌پردازد. معیار میانگین واریانس استخراجی (AVE) محاسبه شده توسط نرم‌افزار PLS برای این منظور به کار می‌رود که مقدار مناسب آن، ۰/۵ به بالا است. مطابق با اطلاعات نگاره شماره ۲، میانگین واریانس استخراجی (AVE) سازه‌ها از ۰/۵ بیشتر شده و این حکایت از روایی همگرای مناسب الگوی مورد استفاده دارد. لازم به ذکر است که در این پژوهش جهت بررسی روایی واگرا نیز از ماتریس فورنل و لارکر (۱۹۸۱) استفاده شد که حاکی از مناسب بودن این شاخص دارد.

## نگاره (۲): نتایج پایایی و روایی همگرایی سازه‌های الگو

متغیر	دوره تصدی حسابداری	حق الزحمه حسابداری	تخصص حسابداری در صنعت	اندازه حسابداری
پایایی	۰/۷۸۰	۰/۸۴۱	۰/۹۱۲	۰/۷۵۸
روایی همگرا	۰/۷۴۵	۰/۶۸۵	۰/۶۴۱	۰/۶۷۵
متغیر	اندازه شرکت	نسبت بدهی	عمر شرکت	بازده فروش
پایایی	۰/۷۸۴	۰/۸۵۱	۰/۸۶۴	۰/۹۰۱
روایی همگرا	۰/۷۱۲	۰/۸۱۵	۰/۶۳۵	۰/۸۲۴
متغیر	قابلیت اتکا	مربوط بودن	کیفیت سود	محافظه کاری
پایایی	۰/۷۸۰	۰/۷۴۰	۰/۸۶۰	۰/۸۶۰
روایی همگرا	۰/۸۲۹	۰/۸۵۱	۰/۶۸۴	۰/۶۹۵
متغیر	ضعف‌های کنترل داخلی مربوط به امور حسابداری	ضعف‌های کنترل داخلی مربوط به امور غیرحسابداری		
پایایی	۰/۸۴۰	۰/۸۸۰		
روایی همگرا	۰/۹۱۲	۰/۹۳۰		

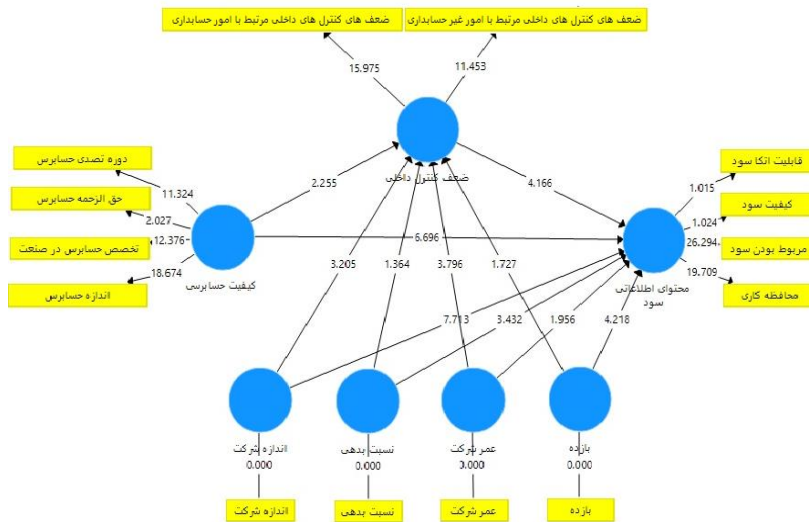
شاخص‌های برآورد شده در نگاره (۳) نیز نشان می‌دهند که الگوی پژوهش از برازش خوبی با داده‌ها برخوردار است. مجذور کای از لحاظ آماری در سطح کمتر از ۰/۰۰۰۵ معنادار است. شاخص برازش شده NFI و همچنین شاخص نیکویی برازش GFI در حد مطلوبی قرار دارند. ریشه دوم واریانس خطای تقریب (RMSEA) قابل قبول است.

## نگاره (۳): شاخص‌های برازش الگوی پژوهش

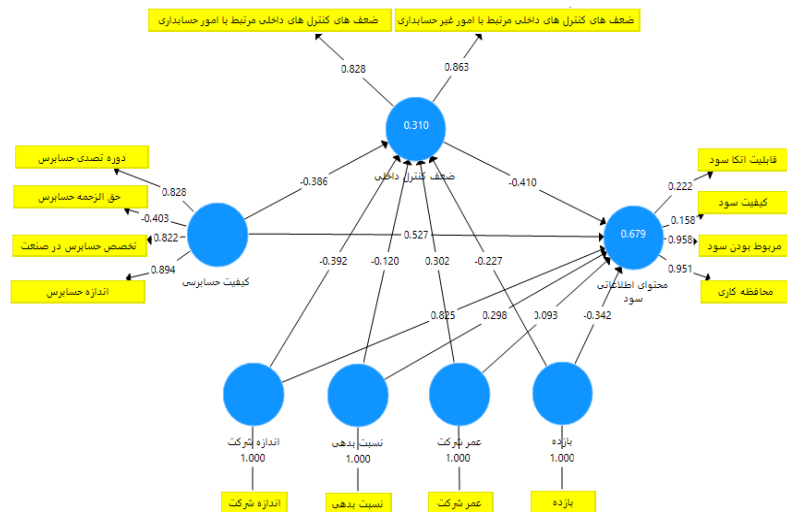
شاخص آماری	CMIN/df	GFI	AGFI	RMSEA	NFI
دامنه پذیرش	$\leq 2$	$\geq 0/9$	$\geq 0/85$	$\leq 0/08$	$\geq 0/9$
مقدار محاسبه شده	۱/۷۸	۰/۹۱۲	۰/۸۷۱	۰/۰۲۴	۰/۹۴۱

مقادیر آماره  $t$  الگوی مفهومی پژوهش جهت آزمون فرضیه‌های اول، دوم و سوم پژوهش در شکل (۲) نشان داده شده است. مقادیر ضرایب مسیر و ضرایب تعیین الگوی مفهومی پژوهش نیز در شکل (۳) نشان داده شده است. ضرایب تعیین در واقع نشان می‌دهند که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود.  $R^2$  معیاری است که نشان از تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد و سه مقدار ۰/۱۹؛ ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به‌عنوان

مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی  $R^2$  در نظر گرفته می شود. همچنین، ضرایب مسیر بیانگر میزان شدت و نوع رابطه بین دو متغیر هستند. این ضرایب مقداری بین  $-1$  تا  $+1$  دارند. مقدار برابر با صفر به معنی نبود رابطه خطی، مقدار منفی نشان دهنده رابطه منفی و مقدار مثبت به معنی رابطه مثبت بین دو متغیر است.



شکل (۲): مقادیر آماره  $t$  برای الگوی پژوهش



شکل (۳): مقادیر ضرایب مسیر و ضرایب تعیین برای الگوی پژوهش

مقادیر ضرایب مسیر، آماره  $t$  و نتیجه فرضیه‌ها در نگاره (۴) نشان داده شده است. بر طبق نتایج به دست آمده از ضریب مسیر و آماره  $t$  مربوط به مسیر کیفیت حسابرسی به محتوای اطلاعاتی سود در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین کیفیت حسابرسی و محتوای اطلاعاتی سود حسابداری شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین، فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود. همچنین، شواهد موجود در نگاره (۴) در خصوص فرضیه دوم پژوهش گواه بر این موضوع است که بین ضعف‌های کنترل داخلی شرکت‌ها و محتوای اطلاعاتی سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد. در نتیجه، فرضیه دوم پژوهش رد نمی‌شود. افزون بر این، مطابق با اطلاعات مندرج در نگاره (۴)، ضریب مسیر و آماره  $t$  مربوط به مسیر کیفیت حسابرسی به ضعف‌های کنترل داخلی در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین کیفیت حسابرسی و ضعف‌های کنترل داخلی شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش نیز پذیرفته می‌شود.

نگاره (۴): مقادیر آماره  $t$  و ضرایب مسیر

مسیر بین متغیرها	ضریب مسیر	آماره $t$	سطح معناداری
کیفیت حسابرسی به محتوای اطلاعاتی سود	۰/۵۲۷	۶/۶۹۶	۰/۰۰۰۵
کیفیت حسابرسی به ضعف‌های کنترل داخلی	-۰/۳۸۶	۲/۲۵۵	۰/۰۰۰۵
ضعف‌های کنترل داخلی به محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها	-۰/۴۱۰	۴/۱۶۶	۰/۰۰۰۵

در خصوص آزمون فرضیه چهارم پژوهش و بررسی آثار غیرمستقیم کیفیت حسابرسی از طریق ضعف‌های کنترل داخلی بر محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها از آزمون سوبل استفاده شد.

در آزمون سوبل، مقدار Z-Value از طریق فرمول زیر به دست می‌آید که در صورت بیشتر بودن این مقدار از ۱/۹۶ می‌توان در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودن تأثیر واسطه‌ای یک متغیر را تأیید نمود. مقدار Z-Value از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود.

$$Z - Value = \frac{a \times b}{\sqrt{(b^2 \times s_a^2) + (a^2 \times s_b^2) + (s_a^2 \times s_b^2)}}$$

که در فرمول بالا، a: مقدار ضریب مسیر میان متغیرهای مستقل و واسطه‌ای (در این پژوهش، ۰/۳۸۶-); b: مقدار ضریب مسیر میان متغیرهای واسطه‌ای و وابسته (در این پژوهش، ۰/۴۱۰-); S<sub>a</sub>: خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیرهای مستقل و واسطه‌ای (در این پژوهش، ۰/۱۰۷)؛ و S<sub>b</sub>: خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیرهای واسطه‌ای و وابسته (در این پژوهش، ۰/۱۴۲). بنابراین، جایگذاری اعداد در فرمول فوق به صورت زیر است:

$$Z\text{-Value} = \frac{-0.386 \times (-0.410)}{\sqrt{((-0.410)^2 \times 0.107^2) + (-0.386^2 \times 0.142^2) + (0.107^2 \times 0.142^2)}} = 2.203$$

پس جایگذاری متغیرها در فرمول فوق، مقدار Z-Value حاصل از آزمون سوئیل برابر با ۲/۲۰۳ شد که به دلیل بیشتر بودن از ۱/۹۶ می‌توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأثیر متغیر واسطه‌ای ضعیف‌های کنترل داخلی در رابطه بین کیفیت حسابرسی و محتوای اطلاعاتی سود معنادار است. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش نیز پذیرفته می‌شود.

قدرت تبیین‌کنندگی الگوی مورد آزمون در نگاره (۵) ارائه شده است. طبق اطلاعات این نگاره، مقدار واریانس تبیین شده نشان‌دهنده قدرت تبیین‌کنندگی الگوی مورد آزمون است. مقدار ضریب تعیین برای متغیر ضعیف‌های کنترل داخلی برابر با ۳۱ درصد و برای متغیر محتوای اطلاعاتی سود برابر با ۶۷/۹ درصد است. مقادیر ذکر شده بدین معنی است که متغیر ضعیف‌های کنترل داخلی از طریق متغیر مستقل کیفیت حسابرسی به میزان ۳۱ درصد تبیین می‌شود. همچنین متغیر محتوای اطلاعاتی به میزان ۶۷ درصد توسط متغیرهای کیفیت حسابرسی و ضعیف‌های کنترل داخلی تبیین شده است.

#### نگاره (۵): قدرت تبیین‌کنندگی الگوی مورد آزمون

متغیر	مقدار تبیین شده	قدرت تبیین
ضعیف‌های کنترل داخلی	۰/۳۱۰	متوسط
محتوای اطلاعاتی سود	۰/۶۷۹	متوسط

#### نتیجه‌گیری

در دنیای تجارت امروزی اطلاعات لازمه تصمیم‌گیری صحیح و درست توسط تمامی تصمیم‌گیرندگان است. از سویی، سود حسابداری اصلی‌ترین اطلاعی است که به‌ویژه سرمایه‌گذاران از آن در تصمیم‌گیری‌های خود استفاده می‌کنند. این موضوع در صورتی پایدار

خواهد ماند که سود حسابداری دارای محتوای اطلاعاتی لازم برای سرمایه‌گذاران باشد. بر همین اساس، این پژوهش در راستای شناسایی عواملی که می‌تواند به بهبود محتوای اطلاعاتی سود حسابداری شرکت‌های ایرانی کمک شایانی کند، صورت پذیرفته است.

نتایج حاصل آزمون فرضیه اول پژوهش حکایت از آن دارد که کیفیت حسابرسی به‌گونه مثبت و مستقیم بر محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها اثرگذار است؛ به این معنا که با افزایش کیفیت حسابرسی، محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها نیز افزایش پیدا کرده است. این موضوع نشان می‌دهد که حسابرسی دارای نقش اطلاعاتی افزاینده است و می‌تواند نقش بسیار مهمی در بازار سرمایه و تولید اطلاعات با کیفیت ایفا کند. این موضوع مطابق با مبانی نظری پژوهش به این صورت قابل توجیه است که در فرآیند گزارشگری اطلاعات حسابداری، حسابرسی از طریق کاهش و حذف تحریف‌ها و اشتباهات بااهمیت احتمالی موجود در اطلاعات حسابداری، محتوای اطلاعاتی سود حسابداری را افزایش می‌دهد. بنابراین، این یافته این موضوع را تأیید می‌کند که حسابرسی می‌تواند ارزش اطلاعات اقتصادی تهیه شده به وسیله فرآیند حسابداری در شرکت‌ها را افزایش دهد. این یافته با شواهد موجود در پژوهش‌های هوساینی (۲۰۰۹)، لو و همکاران (۲۰۱۱)، لاو و همکاران (۲۰۱۵)، مینگ (۲۰۱۵)، اسمی (۲۰۱۶)، پورتی و همکاران (۲۰۱۸) و خوشبختی و ایقان و همکاران (۱۳۹۶) مطابقت دارد.

یافته‌های پژوهش در مورد فرضیه دوم نشان داد که وجود ضعف در کنترل‌های داخلی به‌گونه منفی و مستقیم عاملی اثرگذار بر محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها است. این موضوع نشان می‌دهد که ضعف‌های کنترل داخلی در شرکت‌ها، محتوای اطلاعاتی سود حسابداری آنها را کاهش می‌دهد. دلیل این موضوع آن است که در صورت وجود ضعف در کنترل‌های داخلی، مدیران شرکت‌ها به راحتی می‌توانند اطلاعات را مورد دستکاری قرار دهند و شفافیت اطلاعات ارائه شده را کاهش دهند و لذا این موضوع کاهش محتوای اطلاعاتی سود حسابداری را به دنبال خواهد داشت. شواهد موجود در پژوهش‌های جی و مک‌وی (۲۰۰۵)، آشبوغ-اسکافیه و همکاران (۲۰۰۷)، دویله و همکاران (۲۰۰۷)، چان و همکاران (۲۰۰۸)، فنگ و همکاران (۲۰۰۹)، گوه و لی (۲۰۱۱)، لنارد و همکاران (۲۰۱۶)، جاوید و همکاران (۱۳۹۴) و رحیمی (۱۳۹۶) همخوانی دارد.

همچنین، تحلیل‌های مرتبط با فرضیه سوم پژوهش نشان داد که کیفیت حسابرسی دارای آثار منفی و مستقیم بر ضعف‌های کنترل داخلی شرکت‌ها است. این موضوع نشان از نقش پیشگیرانه و اصلاحی حسابرسی در مورد کنترل‌های داخلی دارد. چرا که از دیدگاه جی و مک‌وی (۲۰۰۵) ضعف‌های کنترل داخلی با مشکلات مرتبط با شناخت نادرست در آمد، عدم تفکیک وظایف، زمان‌بندی مشکلات پایان دوره گزارشگری و سیاست‌های حسابداری نادرست در ارتباط است؛ لذا حساب‌برسان برای جلوگیری از چنین مواردی به دنبال بهبود کنترل‌های داخلی شرکت خواهند. در نتیجه، حسابرسی با کیفیت بالاتر منجر به ضعف پایین‌تر در کنترل‌های داخلی خواهد شد. این یافته نیز با شواهد موجود در پژوهش‌هایی همچون ژانگ و همکاران (۲۰۰۷)، چن و همکاران (۲۰۱۲)، راونستین و همکاران (۲۰۱۳) و چن و همکاران (۲۰۱۶) مطابقت دارد.

نتایج آزمون فرضیه چهارم این پژوهش نیز نشان داد کیفیت حسابرسی به گونه غیرمستقیم از طریق ضعف‌های کنترل داخلی بر محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. به بیان دیگر، ضعف‌های کنترل داخلی دارای نقش واسطه‌ای در رابطه بین کیفیت حسابرسی و محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها است. می‌توان این طور بیان کرد که کیفیت حسابرسی افزون بر اثر منفی و مستقیم خود بر محتوای اطلاعاتی سود حسابداری شرکت‌ها، از طریق واسطه ضعف‌های کنترل داخلی شرکت بر محتوای اطلاعاتی سود حسابداری تأثیر بگذارد. این تأثیرگذاری به گونه‌ای است که کیفیت حسابرسی بالاتر باعث کاهش ضعف‌های کنترل داخلی شده و این کاهش در ضعف‌های کنترل داخلی شرکت باعث بهبود محتوای اطلاعاتی سود حسابداری شرکت می‌شود. این یافته نیز مطابق با مبانی نظری پژوهش بوده و به نوعی با شواهد موجود در تحقیقاتی همچون راونستین و همکاران (۲۰۱۳) و جاگی و همکاران (۲۰۱۵) همسو است.

با توجه به نتایج بدست آمده از فرضیه‌های پژوهش، پیشنهادها زیر به استفاده‌کنندگان از این تحقیق ارائه می‌شود.

با توجه به نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که به اطلاعات مرتبط با حساب‌برس شرکت و ویژگی‌های آن به عنوان عاملی اثرگذار بر محتوای اطلاعاتی سود شرکت توجه کنند. همچنین، به مسئولان سازمان بورس و اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود



که از طریق همکاری با جامعه حسابداران رسمی ایران، زمینه‌های ارتقای کیفیت حسابرسی را فراهم کنند؛ به عنوان نمونه، می‌توانند با همکاری یکدیگر نظارت‌های بیشتری بر عملکرد مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار تهران داشته باشند. همچنین، با توجه به نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش به اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود که با انتخاب حساب‌برسان با کیفیت، زمینه‌های بهبود کنترل‌های داخلی شرکت را از طریق ارائه راهکارهای سازنده حساب‌برسان فراهم کنند. افزون‌بر این، با توجه به نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که به گزارش‌های کنترل داخلی شرکت‌ها به عنوان عاملی که می‌تواند محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها را دستخوش خود قرار دهد، توجه کنند. همچنین، به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود که برای تصمیم‌گیری بهتر سرمایه‌گذاران شرکت‌ها را وادار به تهیه گزارش‌های کامل‌تر و جامع‌تری در زمینه کنترل‌های داخلی کند. در نهایت، با توجه به نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش به مسئولان اقتصادی و نهادهای نظارتی و قانون‌گذار در حوزه حسابداری و حسابرسی کشور پیشنهاد می‌شود که با تصویب قوانین سخت‌گیرانه و تنبیهی در زمینه تخلفات حساب‌برسان، زمینه‌های بهبود کیفیت حسابرسی و از این طریق بهبود وضعیت کنترل‌های داخلی شرکت‌ها و به تبع این دو مورد، بهبود وضعیت محتوای اطلاعاتی سود حسابداری شرکت‌ها را منجر شوند.

همچنین، با توجه به بررسی‌های صورت گرفته و با توجه به اهمیت مالیات شرکت‌ها از دیدگاه اداره امور مالیاتی و دولت، به پژوهش‌گران پیشنهاد می‌شود که به بررسی نقش کیفیت حسابرسی در تعیین فرار و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای ضعف‌های کنترل داخلی آنها با تفکیک به کنترل‌های داخلی مرتبط با مالیات و کنترل‌های داخلی مرتبط با امور غیرمالیاتی در شرکت‌های ایرانی بپردازند. دلیل طرح چنین موضوعی آن است که پیش از این در ایران قانون مربوط به حسابرسی مالیاتی برای مدت کوتاهی اجرا و با شکست مواجه شد، که احتمال می‌رود حساب‌برسان مالیاتی در این بین نتوانسته‌اند از دیدگاه کیفیت نیازهای سازمان امور مالیاتی را برآورده کنند. ارائه الگوی عوامل اثرگذار بر ضعف‌های کنترل داخلی شرکت‌های ایرانی از دیدگاه خبرگان به روش الگوسازی ساختاری-تفسیری، موضوع دیگری است که به لحاظ اجرا در ایرات از اهمیت بسزایی برخوردار است.

## منابع

- اعتمادی، حسین؛ باباجانی، جعفر؛ آذر، عادل؛ دیانتی دیلمی، زهرا. (۱۳۸۸). تأثیر فرهنگ سازمانی، تمرکز مالکیت و ساختار مالکیت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۱۵: ۸۵-۵۹.
- امیراصلانی، حامی. (۱۳۸۴). نقش اقتصادی حسابرسی در بازارهای آزاد و بازارهای تحت نظارت. انتشارات سازمان حسابرسی، چاپ دوم.
- بنی‌مهد، بهمن؛ باغبانی، تهمینه. (۱۳۸۸). اثر محافظه‌کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه شرکت و نسبت اهرمی بر زیان‌دهی شرکت‌ها. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۵۸: ۷۰-۵۳.
- جاوید، داریوش؛ دستگیر، محسن؛ عرب‌صالحی، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر کیفیت کنترل داخلی بر محافظه‌کاری مشروط در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مالی، ۲۶: ۱۲۵-۱۵۱.
- حساس یگانه، یحیی؛ یعقوبی منش، سارا. (۱۳۸۲). تأثیر گزارش‌های حسابرسی بر قیمت سهام. مطالعات حسابداری، ۳: ۵۸-۲۷.
- حیدری، مهدی؛ دیدار، حمزه؛ طاهریان، سکینه. (۱۳۹۷). بررسی نقش تعدیلگر استقلال هیئت‌مدیره بر رابطه بین ساختار مالکیت با شکاف مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۲۸: ۱۳۴-۱۱۷.
- خوشیختی وایقان، وحید؛ محمدی، احمد؛ اسمعیلی سفیده‌خوان، احمد؛ شیری، هاجر. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر محتوای اطلاعاتی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. ششمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، ۶۰۰-۵۷۲.
- دارابی، رؤیا؛ مرادلو، حسین. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین شفافیت اطلاعات و محتوای اطلاعاتی سود حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت، ۴(۱۱): ۴۱-۵۱.
- دستگیر، محسن؛ گوگردچیان، احمد؛ آدمیت، ستاره. (۱۳۹۴). رابطه بین کیفیت سود (پراکندگی سود) و بازده سهام. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۲۶: ۳۷-۲۱.
- رحیمی، حسین. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر افشای ضعف در کنترل‌های داخلی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس.

عربی، مهدی؛ تقوی، مهدی؛ رویایی، رمضانعلی؛ بنی‌مهد، بهمن. (۱۳۹۷). محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی در فرآیند تشدید تحریم‌های اقتصادی بر ایران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵ (۱): ۹۱-۱۱۲.

مرادی، جواد؛ ولی‌پور، هاشم؛ قلمی، مرجان. (۱۳۹۰). تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر کاهش ریسک سقوط قیمت سهام. فصلنامه حسابداری مدیریت، ۴: ۹۳-۱۰۶.

نمازی، محمد؛ رضایی، غلامرضا. (۱۳۹۳). بررسی اثرات کیفیت اقلام تعهدی و مربوط بودن اطلاعات مالی بر هزینه‌های نمایندگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۱ (۴۴): ۳۷-۶۹.

Affleck-Graves, J. , Callahan, C. M. and N. Chipalkatti. (2002). Earnings predictability, information asymmetry, and market liquidity. *Journal of Accounting Research*, 40 (3): 561-583 .

Amihud, Y. and H. Mendelson. (1986). Asset pricing and the bid-ask spread. *Journal of Financial Economics* 17 (2): 223-249 .

Amiraslani, H. (2006). *The Economic Role of the Audit in Free and Regulated Markets*. 2<sup>th</sup> edition, Tehran: Accounting & Auditing Standards Directorate - Audit Organization. (in Persian)

An, Y. H. (2009). *The effect of corporate governance on earnings quality: Evidence from Korea's corporate governance reform*. Ph. D. Dissertation, RMIT University .

Arabi, M. , Taghavi, M. , Royayee Heidari, M. , Didar, H. and S. Teherian. (2018). Board Independence and the Relation between Ownership Structure and the Tax Gap. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 7 (4): 117-134. (in Persian)

Arabi, M. , Taghavi, M. , Royayee, R. , Banimahd, B. (2018). The Information content of Financial Statements in the Strengthening of Economic Sanctions Imposition on Iran. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 25 (1): 91-112. (in Persian)

Ashbaugh-Skaife, H. , Collins, D. W. , Kinney, W. R. and R. LaFond. (2007). The discovery and reporting of internal control deficiencies prior to SOX-mandated audits. *Journal of Accounting and Economics*, 44 (1-2): 166-192 .

Azibi, J. , Tondeur, H. and M. Rajhi. (2012). Auditor choice and institutional investor characteristics after the Enron scandal in the French context. *Crises et nouvelles problématiques de la Valeur*, Nice: France .

Ball, R. and L. Shivakumar. (2008). How much new information is there in earnings? *Journal of Accounting Research*, Vol (5): 975-1016.

- Ball, R. and P. Brown. (1968). An empirical evaluation of accounting income numbers. *Journal of Accounting Research*, 6 (2): 159–77.
- Ball, R. (2013). Accounting informs investors and earnings management is rife: Two questionable beliefs. *Accounting Horizons*, 27 (4): 847–853.
- Bamber, L. , Christensen, T. and K. Gaver. (2000). Do we really “know” what we think we know? A case study of seminal research and its subsequent overgeneralization. *Accounting Organizations and Society*, 25 (2): 103–129.
- Bani Mahd, B. and T. Baghbani. (2010). The Effect of Accounting Conservatism, governmental ownership, firm size and financial leverage on unprofitability of Companies. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 16 (5): 53-70. (in Persian)
- Beaver, W. H. , McNichols, M. F. and Z. Z. Wang. (2015). The information content of earnings announcements: New insights on intertemporal and cross-sectional behavior. Stanford University Graduate School of Business Research Paper No. 16-40; Rock Center for Corporate Governance at Stanford University Working Paper No. 221. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2814387>.
- Beaver, W. (1968). The information content of annual earnings announcements. *Journal of Accounting Research*, 6: 67–92.
- Bushman, R. and A. Smith. (2001). Financial accounting information and corporate governance. *Journal of Accounting and Economics*, 32 (1-3): 237–333.
- Chan, K. C. , Farrell, B. and P. Lee. (2008). Earnings management of firms reporting material internal control weaknesses under section 404 of the Sarbanes–Oxley Act. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 27 (2): 161–179 .
- Chen, Y. , Gul, F. A. and C. Truong. (2016). Auditor client specific knowledge and internal control weakness: Some evidence on the role of auditor tenure and geographic distance. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 12 (2): 121-140 .
- Chen, Y. , Gul, F. A. , Truong, C. and M. Veeraraghavan. (2012). Audit quality and internal control weakness: Evidence from SOX 404 disclosures. Available at: SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1979323>, Available online at January 4, 2012 .
- Cohen, D. A. (2003). Quality of financial reporting choice: Determinants and Economic Consequences. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=422581>, Available online 11 August 2003.

- Darabi, R. and H. Moradlo. (2012). Investigating of the relation between financial transparency and informativeness content of accounting earnings. *Management Accounting*, 4 (11): 41-51. (in Persian)
- Dastgir, M. (2015). Relationship between earnings quality (earnings dispersal) and stock return. *The Financial Accounting and Auditing Researches*, 26: 21-37. (in Persian)
- Davidson, R. A. and D. Neu. (1993). A Note on Association Between Audit Firm Size and Audit Quality. *Contemporary Accounting Research*, 9 (2): 479- 488 .
- Dechow, P. M. and I. Dichev. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review*, 77: 35–59 .
- Diamond D. and R. Verrecchia. (1991). Disclosure, liquidity, and the cost of capital. *The Journal of Finance*, 46 (4): 1325-1355 .
- Doyle, J. , Ge, W. and S. McVay. (2007). Accruals quality and internal control over financial reporting. *The Accounting Review*, 82 (5): 1141–1170 .
- Easley, D. and M. O’Hara. (2004). Information and the cost of capital. *Journal of Finance*, 59 (4): 1553-1583 .
- Etemadi, H. , Babajani, J. , Azar, A. , Dianati Deylami, Z. (2009). The Effect of Organizational Culture, Ownership Concentration, and Ownership Structure on Quality of Financial Reporting: An Empirical Study in Tehran Stock Market. *Iranian journal of management sciences*, 4 (15): 59-91. (in Persian)
- Feng, M. , Li, C. and S. McVay. (2009). Internal control and management guidance. *Journal of Accounting and Economics*, 48 (2–3): 190–209 .
- Financial Accounting Standards Board. (1978). Objectives of Financial Reporting by Business Enterprise. *Statement of Financial Accounting Concepts*, No. 1 .
- Ge, W. and S. McVay. (2005). The disclosure of material weaknesses in internal control after the Sarbanes-Oxley act. *Accounting Horizons*, 19 (3): 137–158 .
- Givoly, D. and C. Hayn. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative? *Journal of Accounting and Economics*, 29 (3): 287-320 .
- Glosten, L. and P. Milgrom. (1985). Bid ask and transaction prices in a specialist market with heterogeneously informed traders. *Journal of Financial Economics*, 14 (1): 71-100 .

- Goh, B. W. and D. Li. (2011). Internal controls and conditional conservatism. *The Accounting Review*, 86 (3): 975–1005 .
- Hassas Yeganeh, Y. and S. Yaghoobi Manesh. (2003). The Effects of the Auditing Reports on the stock Price of the Listed Corporations in Tehran Stock Exchange. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 1 (3): 27-59. (in Persian)
- Hussainey, K. (2009). The impact of audit quality on earnings predictability. *Managerial Auditing Journal*, 24 (4): 340-351 .
- Imhoff, E. A. (2003). Accounting quality, auditing and corporate governance. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=374380>, Available online 2 March 2003.
- Jaggi, B. , Mitra, S. and M. Hossain. (2015). Earnings quality, internal control weaknesses and industry-specialist audits. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 45 (1): 1-32 .
- Javid, D. , Dastgir, M. and M. Arabsalehi. (2015). The investigation of the effect of internal control quality on conditional conservativeness in accepted companies in Tehran securities exchange. *quarterly financial accounting journal*, 7 (26): 125-151. (in Persian)
- Ji, X. , Lu, W. and W. Q. (2017). Voluntary disclosure of internal control weakness and earnings quality: Evidence from China. *The International Journal of Accounting*, 52 (1): 27–44 .
- Khoshbakhti Vaygan, V. , Mohammadi, A. , Esmoeili Sefideh Khavan, A. and H. Shiri. (2017). Investigating of the effect audit quality on earnings information content for the companies listed in Tehran Stock Exchange. 6th International Conference on New Research in Management, Economics and Accounting, pp. 572-600. (in Persian)
- Kormendi, R. and R. Lipe. (1987). Earnings innovation, earnings persistence and stock returns. *Journal of Business*, 60 (3): 323-345 .
- Kothari, S. P. , Leone, A. J. and C. E. Wasley. (2005). Performance matched abnormal accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39 (1): 163-197 .
- Lau, S. T. , Shrestha, K. and J. Yu. (2015). Corporate governance and the information content of earnings announcements: A cross-country analysis. *Contemporary Accounting Research*, 33 (3): 1238-1266 .
- Lenard, M. J. , Petruska, K. A. , Alam, P. and B. Yu. (2016). Internal control weaknesses and evidence of real activities manipulation. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, 33: 47-58 .

- Lu, H. , Richardsom, G. and S. Salterio. (2011). Direct and indirect effects of internal control weaknesses on accrual quality: Evidence from a unique Canadian regulatory setting. *Contemporary Accounting Research*, 28 (2): 675-707 .
- Meiying, W. (2015). Research on audit quality and information content of internal control audit reports. *Journal of Finance and Accounting*, 3 (5): 128-131 .
- Moradi, J. , Valipour, H. and M. Galami. (2011). The Effect of Accounting Conservatism On Reducing Stock Price Crash Risk. *Management Accounting*, 4 (11): 93-106. (in Persian)
- Myers, J. , Myers, L. and T. Omer. (2003). Exploring the term of the auditor client relationship and the quality of earnings: A case for mandatory auditor rotation? *The Accounting Review*, 78 (3): 779-800 .
- Namazi, M. and G. Rezaei. (2015). Examining the impact of accruals quality and information relevance on the agency costs of the companies listed in Tehran Stock Exchange. *Empirical Studies in Financial Accounting Quarterly*, 11 (44): 37-69. (in persian)
- Penman, S. and X. J. Zhang. (2002). Accounting conservatism, the quality of earnings, and stock returns. *The Accounting Review*, 77 (2): 237-264.
- Pincus, M. (1983). Information characteristics of earnings announcements and stock market behaviour. *The Accounting Review*, 21 (1): 155-183 .
- Poretti, C. , Schatt, A. and L. Bruynseels. (2018). Audit committees' independence and the information content of earnings announcements in Western Europe. *Journal of Accounting Literature*, 40: 29-53 .
- Rahimi, H. (2015). Investigating the Factors Affecting the Disclosure of Weaknesses in Internal Controls for the Companies listed in Tehran Stock Exchange. Master's Degree in Accounting, Tarbiat Modares University. (in Persian)
- Ravenstein, J. V. , Georgakopoulos, G. , Kalantonis, P. and P. Kaldis. (2013). Does audit quality influence the relation between earnings management and internal control weakness in the post - SOX period? *International Journal of Sustainable Economies Management*, 2 (2): 70-100 .
- Smii, T. (2016). The impact of the audit quality on that of the accounting profits: The case of companies listed on the TSE. *International Journal of Managing Value and Supply Chains*, 7 (1): 39-54.





## مقایسه اثرگذاری روش آموزشی ترکیبی و چهره‌به‌چهره بر عملکرد دانشجویان رشته حسابداری

مریم السادات طباطبائیان\*، شهناز مشایخ\*\*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۲۵

مقاله پژوهشی

### چکیده

این پژوهش با ترکیب فناوری اطلاعات در آموزش به روش سنتی چهره‌به‌چهره، سعی در مقایسه این روش ترکیبی با روش سنتی از لحاظ اثرگذاری آن بر عملکرد تحصیلی دانشجویان رشته حسابداری دارد. این پژوهش از نوع شبه‌آزمایشی است. محتوای الکترونیکی آموزشی توسط محقق آماده و پیاده‌سازی گردید و برای اجرای طرح از روش پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه آزمایش و کنترل استفاده شد. روایی سوالات آزمون‌ها به تأیید سه تن از اساتید حسابداری رسید. این بررسی بر روی دانشجویانی که در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۸-۹۹ درس حسابداری میانه ۱ را اخذ کرده بودند انجام شد. برای تجزیه و تحلیل نتایج از تحلیل کواریانس استفاده گردید. برای اطمینان از پایایی پژوهش، از روش باز آزمون استفاده گردید و همچنین بررسی در چند دانشگاه به طور همزمان انجام شد. خروجی‌های آماری حاکی از عدم تفاوت معنادار بین دو روش آموزشی مورد بررسی بود. نتایج این پژوهش نشان داد که تلفیق فناوری در آموزش حسابداری تفاوتی در سطح عملکرد تحصیلی دانشجویان نسبت به روش چهره‌به‌چهره ایجاد نمی‌کند. دلیل آن می‌تواند عوامل خارج از کنترل محیطی، مانند ضعف ابزارهای فناورانه، فراهم نبودن کامل پیش‌نیازهای لازم یا نحوه اجرای روش ترکیبی در این پژوهش باشد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش حسابداری، فناوری اطلاعات، روش ترکیبی، روش سنتی چهره‌به‌چهره.

**طبقه‌بندی موضوعی:** A22

DOI: 10.22051/jera.2020.30716.2659

\* دانشجوی دکتری رشته حسابداری دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران. (maryamsadattabatabaeian@gmail.com)

\*\*دانشیار رشته حسابداری دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

(sh.mashayekh@alzahra.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

### مقدمه

سال‌های زیادی روش آموزشی سنتی چهره‌به‌چهره روش غالب برای آموزش کلیه دروس حسابداری در دانشگاه‌ها بوده است. این رویکرد در درجه اول بر انتقال دانش به دانشجویان از طریق سخنرانی، گفتگوها و بررسی تکالیف و برگزاری امتحان در کلاس درس متکی است. پژوهش‌های پیچتر و مایر (۲۰۱۰) و مک گینلی و همکاران (۲۰۱۲) نشان می‌دهند که دانشجویان برای تعاملات جمعی و همکاری میان دانشجویان و استاد در روش چهره‌به‌چهره ارزش قائل‌اند. در پژوهشی که توسط یونسچ و همکاران (۲۰۰۸) انجام شد، دانشجویان مزایایی از جمله (۱) برقراری امکان مشاهده واکنش‌های استاد و دانشجویان و فهم اجتماعی واقعی‌تر برای افراد، (۲) انعطاف‌پذیری کلاس با تعامل متقابل بین استاد و دانشجو، (۳) مستقیم، کارآمد و پویا بودن تعاملات داخل کلاس، (۴) دریافت بازخورد از طریق زبان بدن و حالت چهره، (۵) اثربخش‌تر و سریع‌تر بودن ارتباطات و (۶) قابل اطمینان‌تر بودن فرآیند ارزشیابی بدون هیچ فاصله مکانی بین استاد و دانشجویان را برای روش آموزش چهره‌به‌چهره برشمردند (کریویکک، ۲۰۱۶).

علی‌رغم مزایای مطرح شده برای روش چهره‌به‌چهره، در قرن ۲۱م که بکارگیری فناوری رو به افزایش است، دانشجویان خواستار انعطاف‌پذیری بیشتری در برنامه‌های درسی خود هستند. گرچه روش آموزشی سنتی همچنان قابل استفاده و کاربردی است، اما امروزه با انتقادهایی نیز مواجه شده است. به گفته بورنز و نیدلز (۲۰۱۴) علیرغم تلاش‌هایی که برای بهبود آموزش حسابداری در قرن ۲۱ صورت گرفته است، هنوز موانع جدی بر سر راه این تلاش‌ها وجود دارد که ناشی از محیط امروزی است. او پارادایم تغییر به سمت فناوری اطلاعات را تحول محیط امروزی عنوان کرده و معتقد است در عصر فناوری اطلاعات استفاده از روش آموزشی سنتی دارای کاستی زیادی است. برنامه‌ریزان آموزشی کلیه رشته‌های تحصیلی اعم از حسابداری و سایر رشته‌ها نسبت به روش‌های سنتی نگرانند. محققان با اشاره به عدم اثربخش بودن آموزش حسابداری در دانشگاه‌ها پیشنهاد می‌کنند که لازم است بازنگری در روش‌های آموزشی صورت گیرد و استفاده از فناوری اطلاعات در آموزش رواج یابد (استونر، ۲۰۰۳؛ مک کلارتری و همکاران، ۲۰۱۲؛ زارعی و همکاران، ۱۳۹۳). رحمانیان و

همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود اظهار می‌کنند که بکارگیری روش‌های نوین و پذیرفته شده در آموزش حسابداری می‌تواند تضمین‌کننده یادگیری و کیفیت آموزش حسابداری در ایران باشد.

دانشگاه‌های مختلفی در سرتاسر دنیا به دنبال روش‌های آموزشی جدیدی برای جبران این کاستی بوده‌اند تا انگیزه دانشجویان را تقویت نموده و مهارت‌های آنها را افزایش دهند؛ یعنی همان چیزی که مورد نیاز صاحبان مشاغل است. علاوه بر این، دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی با رقابت جهانی همراه با نوآوری‌ها و افزایش استفاده از فناوری در برنامه‌های درسی مواجه‌اند. به گفته پاکر (۲۰۱۸)، کلاس درس در قرن ۲۱م با فناوری ادغام شده است. از طرفی، هرچند استفاده از روش چهره‌به‌چهره با رضایتمندی برخی از دانشجویان همراه است، اما سایر دانشجویان نیاز به روش آموزشی متنوع دیگری دارند تا به گونه‌ای منعطف، آسان و کم هزینه به تحصیل بپردازند. در عصر فناوری اطلاعات، اولین گام برای پاسخ‌گویی به نیاز دانشجویان، انطباق روش‌های آموزش با محیط آموزشی است که پارادایم فناوری در آن غالب شده است. برای این منظور می‌توان از روش آموزشی ترکیبی استفاده کرد که استفاده از آن موجب بهبود عملکرد و علاقه و حفظ این قبیل دانشجویان می‌شود (چینوندو و نچی، ۲۰۲۰). این روش از طریق ارائه الکترونیکی درس در کنار روش سنتی، انعطاف‌پذیری ایجاد می‌کند (کلب، ۲۰۱۳).

نخستین اصل در آموزش این است که محیطی فراهم شود تا در آن مهارت ساختار شناختی در دانشجویان شکل گرفته و تغییر و تحول یابد. به اعتقاد پیاز، نظریه پرداز حوزه آموزش، زمانی ساختار شناختی دانشجویان رشد می‌کند که آنها خود تجارب یادگیری‌شان را شکل دهند. همچنین، از نظر او یادگیرنده باید به طور مستقل به ساخت درک و فهمش از واقعیت بپردازد. به اعتقاد پیاز، دانش به خودی خود نسخه‌ای از واقعیت نیست، بلکه چیزی است که یادگیرنده باید پدید آورد. ساختن دانش زمانی صورت می‌گیرد که یادگیرنده فرصت تفکر در واقعیت‌ها را داشته باشد. افزون بر این، پیاز اظهار می‌دارد که یادگیری باید به صورت خودانگیخته پدید آید (آقازاده، ۱۳۸۵). آگوستو و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان دادند که با آموزش ترکیبی، دانشجویان می‌توانند در تحلیل مسائل انعطاف‌پذیری بیشتر داشته باشند و یاد می‌گیرند مهارت‌های تفکر انتقادی را بکار گیرند و مهارت‌های فناورانه و دانش

بکارگیری فناوری آنها نیز افزایش می‌یابد (کریوویکک، ۲۰۱۶). همچنین، ناخوما و همکاران (۲۰۱۹) بیان می‌کنند که استفاده از روش ترکیبی در آموزش حسابداری انعطاف‌پذیری، انگیزه، استقلال و خودانگیزگی دانشجویان را بالا می‌برد و با توجه به نتایج برگرفته از پژوهش خود اظهار می‌کنند که بکارگیری این روش عملکرد کلی دانشجویان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عقیده فرتین و همکاران (۲۰۱۹) نیز افزایش ساعات کار درسی در هفته و سهولت یادگیری در روش ترکیبی از مهمترین دلایل علاقه دانشجویان حسابداری به روش ترکیبی است و تأثیر مثبتی بر عملکرد آنان دارد. بنابراین، روش ترکیبی به عنوان یک روش جایگزین می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در حال حاضر دانشگاه‌های بسیاری همانند آکسفورد<sup>۱</sup>، کمبریج<sup>۲</sup>، هاروارد<sup>۳</sup> و استنفورد<sup>۴</sup> از روش‌های ترکیبی در آموزش‌های خود استفاده می‌کنند.

مطالعات انجام شده در ایران نشان می‌دهد علیرغم اهمیت تسلط بر فناوری اطلاعات برای دانشجویان حسابداری و با وجود استفاده گسترده از آن در محیط کار حسابداری، اساتید حسابداری استفاده اندکی از فناوری اطلاعات در برنامه‌های آموزشی خود دارند (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳). خانی و طیبی (۱۳۹۴) با تعیین الویت‌بندی مهارت‌های آموزشی حسابداری در ایران نشان دادند که از دیدگاه شرکا و کارکنان موسسات حسابرسی، مهارت‌های ارتباطات و تسلط بر فناوری اطلاعات، بالاترین الویت را در برنامه‌های آموزشی رشته حسابداری دارند. حل تمرین در اغلب روش‌های آموزش حسابداری نقش اساسی در یادگیری دانشجویان دارد و مهارت حل مسئله<sup>۵</sup> را در آنان تقویت می‌کند. به گفته آلبی (۲۰۰۹)، هرچه زمان بیشتری به آن اختصاص داده شود عملکرد یادگیرنده بهتر می‌شود. می‌توان دانشجویان را با قرار دادن در محیط‌های آموزشی فناورانه و حل تمرین از طریق آن، تشویق به یادگیری نمود. یعنی از فناوری اطلاعات به عنوان ابزار آموزشی استفاده کرد. رایانش ابری<sup>۶</sup> ابزاری نوین و سودمند برای بهره‌گیری از این روش است. این فناوری با بهره‌گیری از امکانات ساختاری تحت وب و فراهم نمودن امکان دسترسی اساتید و دانشجویان به صورت آنلاین یا آفلاین به وبسایت رایانش ابری شرایط آموزش مجازی درس را با وجود صدا، تصویر، امکان چت در تالارهای گفتگوی مجازی، و صداها امکان دیگر فراهم کرده است. توسعه فناوری رایانش ابری تحول جدیدی در صنعت فناوری اطلاعات است. در حال حاضر بسیاری از کشورها مانند ایالات متحده، کانادا،

انگلستان، نوژ، سوئد، دانمارک، ژاپن، تایوان، استرالیا، نیوزلند و مالزی از رایانش ابری بهره می‌برند (امان و محمد، ۲۰۱۸). آموزش ابری حسابداری این امکان را نیز به دانشجو می‌دهد که در حین دریافت تکلیف به نرم‌افزار مجازی حسابداری دسترسی پیدا کند و تمرین‌های حسابداری را در محیط نرم‌افزار حسابداری حل و گزارش حسابداری مربوطه را از طریق وب‌سایت رایانش ابری برای استاد ارسال نماید. در یک کلاس درس حسابداری می‌توان با کمک رایانش ابری امکان استفاده از فناوری اطلاعات و آموزش به صورت مجازی را در کنار آموزش سنتی چهره‌به‌چهره فراهم کرد. تاکنون پژوهش‌های مشابهی که با ترکیب فناوری رایانش ابری در آموزش چهره‌به‌چهره اقدام به بررسی عملکرد دانشجویان کرده باشد انجام نشده است. پژوهش‌های فراوانی برای بررسی روش‌های نوین آموزش حسابداری در دنیا انجام شده و هر کدام به نتیجه‌ای رسیده است که با در نظر گرفتن لزوم تغییر در روش آموزش و شرایط موجود، استفاده از روش خاصی را توصیه یا رد می‌کنند. با توجه به ضرورت ایجاد تغییر در آموزش حسابداری برای همگام شدن با پیشرفت‌های سریع فناوری اطلاعات و کاهش فاصله انتظاراتی صاحبان مشاغل و مهارت‌های فارغ‌التحصیلان حسابداری از بعد بکارگیری فناوری اطلاعات و با در نظر گرفتن استمرار استقبال از روش آموزش سنتی، در این پژوهش به بررسی اثربخشی روش آموزشی ترکیبی در مقایسه با روش آموزشی چهره‌به‌چهره پرداخته می‌شود.

این پژوهش بر روی عملکرد تحصیلی دانشجویان در درس حسابداری میانه ۱ انجام می‌شود. منظور از عملکرد تحصیلی، میزان موفقیت دانشجویان در انجام وظایف و مطالعاتشان است (چینوندو و نجی، ۲۰۲۰). درس حسابداری میانه ۱ با دربرداشتن مباحث مربوط به تهیه صورت‌های مالی اساسی شرکت‌ها، بعلاوه سایر مباحث تخصصی از اهمیت و کاربرد زیادی برخوردار است. این درس شامل مجموعه‌ای از روش‌های عملی حسابداری و موضوعات نظری تحت چارچوب نظری و استانداردهای گزارشگری مالی حسابداری است. هدف این درس، ایجاد درکی از حسابداری و گزارشگری مالی مخصوص شرکت‌ها و رسیدن به مهارت‌های عملی و نظری با تأکید بر مباحث انتقادی پیرامون مبانی نظری حسابداری و روش‌های گزارشگری است (ویل و همکاران، ۲۰۰۹). بنابراین، درک مفاهیم درس حسابداری میانه ۱ می‌تواند در افزایش مهارت حرفه‌ای دانشجویان مفید باشد. ویل و همکاران (۲۰۰۹) اظهار می‌کنند که رسیدن به اهداف این درس مستلزم مشارکت فعال دانشجویان از طریق

گفتگو و مذاکره است. گاریسون (۲۰۱۱) با تأکید بر اهمیت یادگیری الکترونیکی معتقد است که این نوع یادگیری نه تنها باعث دسترسی آسان به اطلاعات آموزشی می شود، بلکه باعث تسهیل گفتمان‌های همکارانه می شود. استفاده از فناوری اطلاعات در آموزش تأثیر مثبتی بر تعامل دانشجویان و یادگیری آنها داد (ویلسون، ۲۰۱۴).

### مروری بر پیشینه

ادبیات موضوعی نشان می دهد که طیف مختلفی از روش ها و فناوری های یادگیری در آموزش حسابداری بکار گرفته شده اند (یا حداقل آزمایش شده اند). از سال ها قبل پژوهش هایی برای بررسی موفقیت آمیز بودن روش های آموزشی ترکیبی با کمک فناوری، صورت گرفته است. استونر (۲۰۰۳) در پژوهشی به بررسی اثربخشی استفاده از سیستم یادگیری با کمک کامپیوتر در دوره حسابداری مدیریت در یک دانشگاه در استرالیا پرداخت. نتایج این پژوهش بر اساس واکنش دانشجویان به سیستم ها و بازخوردهایی که از آنان گرفته شد حاکی از موفقیت آمیز بودن استفاده از منابع متعدد اطلاعاتی با ادغام فناوری در آموزش بود. مک دوال و جکلینگز (۲۰۰۶) نیز پژوهشی بر روی دانشجویان استرالیایی سال دوم در یک دوره آموزش حسابداری انجام دادند. در این بررسی استاد از بسته های یادگیری با کمک کامپیوتر و نرم افزارهای حسابداری به همراه جلسات آزمایشگاهی کامپیوتری برای آموزش حسابداری استفاده نمود. دانشجویان واکنش مثبتی به استفاده از برنامه های یادگیری با کمک کامپیوتر نشان دادند و بر این باور بودند که تأثیر مثبتی بر عملکرد آکادمیک شان دارد. همچنین پژوهش لی (۲۰۰۸) نشان داد که استفاده از روش ترکیبی موجب واکنش مثبت، افزایش انگیزه و ارتقاء عملکرد دانشجویان می شود. همچنین استفاده از ابزارهای فناورانه انعطاف پذیری دانشجویان در یادگیری را بالا می برد. اما در مقابل، پایما (۲۰۱۰) با تمرکز بر آموزش آنلاین، بوسیله مصاحبه از دانشجویان کارشناسی ارشد تجارت بین الملل، مالی و حسابداری در محیط استرالیا، مشخص کرد که منابع و ابزارهای آنلاین مختلفی وجود دارند، اما به لحاظ طراحی و هدایتگری ضعیفند و از اثربخشی لازم برخوردار نیستند. تعداد معدودی از دانشجویان نیز اعتقاد داشتند که اساتید عناصر آنلاین را به دلیل اجبار و نه به دلیل ارزش آموزشی شان بر می گزینند. دو و وو (۲۰۱۳) نیز با بررسی اثرگذاری روش ترکیبی بر عملکرد دانشجویان طی دو ترم تحصیلی، دریافتند که این روش تأثیری بر عملکرد دانشجویان ندارد (کریویو ویکک، ۲۰۱۶). سال ها بعد، هان و

همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود در استرالیا بیان کردند که در روش آموزشی ترکیبی دانشجویان به یادگیری مفهومی گرایش می‌یابند و برای داشتن تجربه یادگیری بهتر، با دانشجویان دیگر تحت این روش همکاری می‌کنند.

بسیاری از پژوهش‌ها برای سنجش سودمندی سایر روش‌های آموزشی و مقایسه آنها با روش آموزش سنتی انجام شده است. از جمله روش‌های جدید آموزشی می‌توان به روش بازی<sup>۷</sup>، یادگیری فعال<sup>۸</sup>، روش شبیه‌سازی، روش آنلاین<sup>۹</sup> و ترکیبی از روش‌های موجود اشاره کرد. اغلب این مطالعات اثرگذاری روش آموزشی موردنظر را بر عملکرد و یادگیری دانشجویان سنجیده‌اند. برای مثال، فیلد (۲۰۰۹) با تفکیک تصادفی دانشجویان به دو گروه آزمایش و کنترل به مقایسه روش آموزشی ترکیبی و سنتی پرداخت و دریافت که دانشجویان گروه آزمایش (آموزش ترکیبی) نسبت به هم‌تایان خود در گروه کنترل، در درک مطلب، تسلط به خواندن شفاهی موفق‌تر بودند (پاکر، ۲۰۱۸). اما در پژوهشی که لارسون و چونگ سین (۲۰۰۹) بر روی عملکرد دانشجویان در درس سیستم‌های اطلاعات مدیریت انجام دادند به این نتیجه رسیدند که تفاوتی بین عملکرد دانشجویان در روش‌های آموزشی سنتی، ترکیبی و آنلاین وجود ندارد. هورسپول و لنگ (۲۰۱۲) نیز دریافتند که تفاوت معناداری در عملکرد دانشجویان با استفاده از روش چهره‌به‌چهره در مقابل استفاده از ابزارهای فناورانه وجود ندارد.

کریویکک (۲۰۱۶) با مقایسه روش آموزشی چهره‌به‌چهره و روش آموزشی ترکیبی متشکل از روش آنلاین و چهره‌به‌چهره به دنبال سنجش سودمندی روش ترکیبی در آموزش حسابداری در دانشگاه بود و با استفاده از یک روش شبه تجربی و اجرای پیش‌آزمون و پس‌آزمون، عملکرد دانشجویان در هر دو روش را مقایسه کرد. محقق به این نتیجه دست یافت که با کنترل متغیر نوع استاد و نوع تدریس، روش ترکیبی عملکرد بهتری را برای دانشجویان ایجاد کرده است. وو و همکاران (۲۰۱۷) که به مقایسه روش ترکیبی و سنتی پرداختند، با کنترل متغیرهای نوع رشته و روش ارزیابی پایان دوره، دریافتند که استفاده از روش ترکیبی بر بهبود عملکرد تحصیلی دانشجویان حسابداری نقش مهمی دارد. این نتایج توسط تان و همکاران (۲۰۲۰) نیز تأیید گردید. آنان با مقایسه سه روش آموزش الکترونیکی، ترکیبی و سنتی، دریافتند که استفاده از روش ترکیبی اثر بیشتری بر بهبود عملکرد دانشجویان دارد. اما در مقابل، ویسنسکی و همکاران (۲۰۱۷) با مقایسه عملکرد دانشجویان حسابداری در دو روش

سنتی و ترکیبی با اجرای پیش‌آزمون و پس‌آزمون به این نتیجه رسیدند که محیط آموزشی ترکیبی تغییری در عملکرد دانشجویان ایجاد نمی‌کند (فرتین و همکاران، ۲۰۱۹).

تحلیل‌های کیفی انجام شده در پژوهش رحمانیان و همکاران (۱۳۹۸) نیز نشان دادند در تدریس حسابداری، استفاده از روش ترکیبی بهتر از روش چهره‌به‌چهره است و استفاده از شیوه‌های نوین نرم‌افزاری در آموزش حسابداری کیفیت آموزش را بالا می‌برد. همچنین، نحاس و همکاران (۱۳۹۹) که با اجرای پیش‌آزمون و پس‌آزمون به روش تحلیل کواریانس<sup>۱</sup> به بررسی تأثیر یادگیری مبتنی بر تیم<sup>۱۱</sup> بر یادگیری در حسابداری میانه ۱ پرداخته بودند به این نتیجه رسیدند که روش مزبور در مقایسه با روش سنتی بر یادگیری دانشجویان تأثیر مثبتی دارد. بررسی اثرگذاری روش آموزش بر عملکرد، یادگیری و رضایتمندی دانشجویان در سایر رشته‌ها مانند پزشکی، پرستاری، آموزش زبان انگلیسی و... بیشتر از رشته حسابداری انجام شده است. برای مثال، واونا و همکاران (۲۰۱۸) با مقایسه برنامه‌های آموزشی مبتنی بر وب و چهره‌به‌چهره بر روی شاغلان حرفه مراقبت‌های بهداشتی نشان دادند که روش مبتنی بر وب مزیت خاصی بر روش چهره‌به‌چهره ندارد. چینوندو و نچی (۲۰۲۰) نیز با اجرای بازآزمون به منظور افزایش پایایی پژوهش خود و با استفاده از شاخص‌های آماری میانگین، انحراف استاندارد و کواریانس به بررسی تأثیر روش آموزشی ترکیبی بر عملکرد دانشجویان رشته فیزیک پرداختند و نشان دادند که آموزش ترکیبی عملکرد تحصیلی دانشجویان را افزایش داد.

برخی از مطالعات حوزه آموزش نیز به بررسی عوامل اثرگذار بر عملکرد، یادگیری و آمادگی دانشجویان پرداخته‌اند. برای مثال کنت (۲۰۱۶) طی یک پژوهش کیفی به بررسی تأثیر روش مسئله محور بر آمادگی مهارتی دانشجویان حسابداری پرداخت و دریافت که روش آموزش، تجربه دنیای واقعی، حجم دانش، تفکر انتقادی و توانایی حل مسئله از عوامل کلیدی موثر بر آمادگی مهارتی دانشجویان است. بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته و منابع دیگر، متغیرهایی از قبیل سن (گرکز و اسماعیلی، ۱۳۹۰)، جنسیت (گرکز و اسماعیلی، ۱۳۹۰؛ بنی‌مهد و مهربان، ۱۳۹۳)، میانگین نمرات دروس اصول حسابداری، حسابداری میانه و ریاضیات (شورورزی و همکاران، ۱۳۹۲)، خلاقیت و نوع دانشگاه (بنی‌مهد و مهربان، ۱۳۹۳)، نوع دیپلم و تأهل (گرکز و اسماعیلی، ۱۳۹۰؛ بنی‌مهد و مهربان، ۱۳۹۳)، میزان علاقه (بنی‌مهد و مهربان، ۱۳۹۳)، نوع استاد (بلازار، ۲۰۱۶)، عادت مطالعه (رابیا و همکاران، ۲۰۱۷)، محیط



آموزشی (رافیک و همکاران، ۲۰۱۶)، توانایی محاسباتی و انگیزه دانشجویان (بلی و فنما، ۲۰۱۷)، تفاوت در انگیزه آنها از ورود به رشته تحصیلی‌شان (بلی و فنما، ۲۰۱۷) و وضعیت اشتغال (دیانتی دیلمی و پاکزاد، ۱۳۹۶)، نیز علاوه بر روش آموزش می‌توانند بر عملکرد دانشجویان تأثیرگذار باشند.

بنابر مبانی نظری و مطالعات پیشین، هدف این پژوهش بررسی تأثیر روش آموزشی ترکیبی بر عملکرد دانشجویان حسابداری در مقایسه با روش چهره‌به‌چهره است. بر اساس بسیاری از پژوهش‌های اشاره شده استفاده از روش ترکیبی در آموزش حسابداری نسبت به روش سنتی تأثیر مثبتی بر عملکرد دانشجویان داشته است. همچنین، همانطور که مطالعات قبلی نشان داده‌اند، عوامل متعددی می‌توانند بر عملکرد دانشجویان اثرگذار باشند. بنابراین، با کنترل عوامل اثرگذار فرضیه پژوهش به شرح زیر است:

۱ استفاده از روش ترکیبی نسبت به روش سنتی (چهره‌به‌چهره) باعث عملکرد تحصیلی بهتر دانشجویان در درس حسابداری میانه ۱ می‌شود.

## روش پژوهش

در این پژوهش از روش شبه آزمایشی پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه آزمایش و کنترل استفاده گردید. از آنجایی که اجرای روش آموزشی ترکیبی نیازمند مجهز بودن دانشجویان به لپ‌تاپ و دسترسی آنها به اینترنت پرسرعت و علاقه‌مندی آنان به بکارگیری فناوری در فرآیند آموزشی‌شان بود، تفکیک دانشجویان در درجه اول به انتخاب خود دانشجویان صورت گرفت. سپس بر اساس نمرات پیش‌آزمون، همگن بودن دو گروه آزمایش و کنترل که با انتخاب آزمودنی‌ها تفکیک شده بودند، کنترل گردید. سوالات پیش‌آزمون بر اساس مطالعه کریویکک (۲۰۱۶) به صورت چندگزینه‌ای طراحی شد و روایی آن به تأیید ۳ نفر از اساتید حسابداری رسید. در طول ترم، روش آموزشی موردنظر برای گروه آزمایش اجرا و در آخر یک پس‌آزمون (آزمون پایان‌ترم) از کلیه آزمودنی‌ها گرفته شد. نمرات آزمون پایان‌ترم، به عنوان شاخصی برای سنجش عملکرد تحصیلی، یعنی همان متغیر وابسته پژوهش در نظر گرفته شد. این آزمون همانند پژوهش چینوندو و نچی (۲۰۲۰) به صورت تشریحی و به شکل یکسان برای دانشجویان گروه آزمایش و کنترل برگزار گردید. برای کنترل سایر متغیرهای اثرگذار بر

عملکرد دانشجویان، اطلاعات مربوط به متغیرهای کنترلی (مانند سن، جنسیت، نوع دیپلم، معدل کل تاکنون، توانایی محاسباتی، انگیزه ورود به رشته، علاقه، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و عادت مطالعه)، همزمان با پیش‌آزمون از طریق پرسشنامه جمع‌آوری و در تفکیک همگن گروه‌های آزمایش و کنترل در نظر گرفته شد. متغیرهای نوع استاد، نوع محیط آموزشی و نوع منبع درسی نیز با یکسان‌سازی آنها در تمامی گروه‌ها، خودبه‌خود کنترل گردید (گراوتر و فورزانو، ۲۰۱۸). به منظور تعیین همسان بودن وضعیت دانشجویان قرار گرفته در گروه‌های آزمایش و کنترل و همچنین بررسی اثرگذاری روش ترکیبی نسبت به روش چهره‌به‌چهره از تجزیه و تحلیل کواریانس استفاده شد. این روش برای سنجش تفاوت میان گروه‌ها با در نظر گرفتن تأثیر یک یا چند متغیر کنترلی در زمانی که امکان انتخاب تصادفی وجود ندارد طراحی شده است (تاباچنیک و همکاران، ۲۰۰۷).

روش ترکیبی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد. این روش شامل بکارگیری روش چهره‌به‌چهره و استفاده از فناوری اطلاعات به طور همزمان است. به این صورت که توضیح درس در کلاس به صورت چهره‌به‌چهره داده شد و حل و ار سال تمرین توسط دانشجویان و نمره‌دهی به آنان با بهره‌گیری از فناوری حسابداری ابری صورت پذیرفت. دانشجویانی که تحت این نوع آموزش قرار گرفتند، دانشجویان گروه آزمایش و سایر دانشجویان که علاوه بر توضیح درس، حل و ار سال تمرین را نیز در کلاس انجام دادند، دانشجویان گروه کنترل نامیده شدند. مدل کلی اجرای طرح پژوهش به شکل زیر است:

گروه‌ها	پیش‌آزمون	متغیر مستقل	پس‌آزمون
گروه آزمایش	آزمون اولیه	روش ترکیبی	آزمون پایان‌ترم
گروه کنترل	آزمون اولیه	روش چهره‌به‌چهره	آزمون پایان‌ترم

پیش از انجام آزمایش اصلی، یک ترم تحصیلی به صورت پایلوت طرح پژوهش اجرا و آزمون شد و در آن روش‌های مورد بررسی، ابزارهای مورد استفاده و پیش‌نیازهای لازم به صورت آزمایشی مورد بررسی و اصلاح قرار گرفت. سپس این پژوهش در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۸-۹۹ برای جامعه در دسترس یعنی چهار گروه از دانشجویان دانشگاه‌های خوارزمی، آزاد تهران مرکز، کارشناسی پیوسته آزاد تهران جنوب و کارشناسی ناپیوسته آزاد تهران جنوب که درس حسابداری میانه ۱ را اخذ کرده بودند اجرا گردید. تعداد آزمودنی‌ها و آمار توصیفی پیش‌آزمون و پس‌آزمون در نگاره (۱) نشان داده شده است.

**تکانه (۱): آمار توصیفی پیش‌آزمون و پس‌آزمون**

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		تعداد	روش
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین		
۳/۹۶	۱۱/۱۹	۳/۹۳	۹/۷۷	۵۰	ترکیبی
۴/۵۷	۱۱/۹۳	۴/۸۲	۹/۹	۵۸	چهره‌به‌چهره

**یافته‌های پژوهش**

از طریق آمار توصیفی می‌توان همگن بودن توزیع دانشجویان را بررسی نمود. در این پژوهش اطلاعات دانشجویان در مقیاس ترتیبی جمع‌آوری گردید. نتایج حاصل از آمار توصیفی نشان داد که با قرار گرفتن ۵۰ نفر در گروه آزمایش و ۵۸ نفر در گروه کنترل توزیع دانشجویان در دو گروه تقریباً به‌طور یکنواخت صورت گرفته است. همچنین، بر اساس اطلاعات نگاره (۱)، میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون در گروه‌های مورد بررسی، تفاوت چندانی را بین گروه‌ها نشان نمی‌دهد. به‌نحوی که میانگین نمره پیش‌آزمون گروه آزمایش ۹/۷۷ و گروه کنترل ۹/۹ بوده و میانگین نمره پس‌آزمون دو گروه به ترتیب ۱۱/۱۹ و ۱۱/۹۳ بوده است. تأثیر روش آموزشی بر عملکرد دانشجویان به صورت دقیق‌تر در بخش آمار استنباطی بررسی می‌گردد. قبل از تشریح آمار استنباطی، همگن بودن آزمودنی‌ها با استفاده از آزمون لونز<sup>۱۲</sup> بررسی شد که نتایج حاصل از این بررسی در نگاره (۲) نشان داده شده است. البته متغیرهای کنترلی سن و وضعیت تأهل به دلیل تشابه آن در اکثر دانشجویان، از محاسبات حذف گردیدند.

**تکانه (۲): همگن بودن آزمودنی‌ها از طریق آزمون لونز**

متغیر	آزمون لونز	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی‌داری	چولگی	کشیدگی
جنسیت	۰/۷۴۴	۱	۱۰۶	۰/۳۹	۰/۱۹	-۲
معدل کل	۱/۰۷۶	۱	۱۰۶	۰/۳۰۲	۰/۰۸	-۰/۹
دیپلم	۰/۶۲۱	۱	۱۰۶	۰/۴۳۲	-۰/۱۲	-۱/۱۵
اشتغال	۰/۵۹	۱	۱۰۶	۰/۴۴۴	-۰/۴۵	-۱/۱۹
بومی	۰/۴۶۱	۱	۱۰۶	۰/۴۹۹	۱/۵۱	۲/۳۸
علاقه	۰/۶۱۸	۱	۱۰۶	۰/۴۳۳	۱/۶۴	۰/۷۲
میزان مطالعه	۰/۷۱۲	۱	۱۰۶	۰/۴۰۱	۱	-۰/۴

متغیر	آزمون لونز	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی داری	چولگی	کشیدگی
زمان مطالعه	۱/۸۹۸	۱	۱۰۶	۰/۱۷۱	-۰/۸۸	-۰/۸۸
مکان مطالعه	۰/۳۴۵	۱	۱۰۶	۰/۵۵۸	-۱/۴۱	۰/۶۵
نحوه مطالعه	۱/۰۶۹	۱	۱۰۶	۰/۳۰۴	-۱/۹۶	۲/۳۸
روش مطالعه	۰/۳۲۱	۱	۱۰۶	۰/۵۷۲	-۰/۱۶	-۱/۶۲
توانایی محاسباتی	۲/۷۸۴	۱	۱۰۶	۰/۰۹۸	۰/۴	-۰/۲۶
انگیزه	۰/۳۴۱	۱	۱۰۶	۰/۵۶۱	-۰/۱۳	-۰/۸۱
نمره پیش آزمون	۲/۷۵۱	۱	۱۰۶	۰/۱	۰/۱۷	-۰/۶۷

در صورتی که سطح معناداری آماره لونز بیشتر از ۵٪ باشد، آزمودنی‌ها همگن هستند. سطح معناداری کلیه متغیرها بالاتر از ۵٪ است و بنابراین نتایج حاکی از همگن بودن آزمودنی‌هاست. آمار استنباطی شامل تجزیه و تحلیل کواریانس است، اما قبل از آن لازم است پیش فرض‌های تحلیل کواریانس بررسی شوند. پیش فرض اول اجرای پیش آزمون قبل از انجام آزمایش است. در این پژوهش برای کنترل تفکیک دانشجویان به دو گروه آزمایش و کنترل ابتدا پیش آزمون گرفته شد و سپس گروه‌ها تعیین و روش‌های آموزشی اجرا گردید. دومین پیش فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها است. برای بررسی نرمال بودن مقدار چولگی و کشیدگی داده‌ها محاسبه گردید و در نگاره (۲) نشان داده شد. در صورتی که شاخص چولگی در محدوده  $\pm 2$  و شاخص کشیدگی نیز در محدوده  $\pm 3$  قرار داشته باشد می‌توان نتیجه گرفت که توزیع آزمودنی‌ها نرمال است (کلین، ۲۰۱۰). همانطور که خروجی آماری نشان می‌دهد، شاخص چولگی آزمودنی‌ها در محدوده بین -۱/۹۶ و ۱/۶۴ و شاخص کشیدگی بین -۱/۶۲ و ۲/۳۸ قرار دارد. سومین پیش فرض، همگن بودن واریانس گروه آزمایش و کنترل است. برای بررسی همگنی واریانس‌ها از آزمون لونز استفاده می‌شود. نتایج حاصل از این آزمون در نگاره (۳) نشان داده شده است.

#### نگاره (۳): بررسی همگنی واریانس‌ها از طریق آزمون لونز

آماره لونز	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
۰/۹۲۳	۱	۱۰۶	۰/۳۳۹

بر اساس خروجی‌های بدست آمده، چون سطح معناداری معادل ۰/۳۳۹ و بیشتر از ۵٪ است، می‌توان نتیجه گرفت که واریانس گروه‌های مورد بررسی همگن است.

چهارمین پیش فرض بر عدم همبستگی هم‌پراش‌ها (متغیرهای کنترلی) تأکید دارد. برای بررسی آن از همبستگی پیرسون<sup>۱۳</sup> بین تمامی متغیرهای کنترلی و نمرات پیش‌آزمون استفاده گردید که خلاصه آن به صورت حداقل و حداکثر همبستگی در نگاره (۴) نشان داده شده است.

**نگاره (۴): حداقل و حداکثر مقدار ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرها**

ضریب همبستگی	حداکثر	حداقل
	مدت مطالعه	روش مطالعه
نمره پیش‌آزمون	۰/۴۵۵	-
معدل کل	-	۰/۰۰۹

همبستگی بین متغیرها حداکثر ۰/۴۵۵ بود. یعنی بین متغیرها همبستگی بالایی وجود نداشت. پنجمین پیش فرض مربوط به پایا بودن متغیرها است. سنجش پایایی از طریق آماره آلفای کرونباخ<sup>۱۴</sup> یا کودر ریچاردسون<sup>۱۵</sup> و برای سؤالات آزمون‌های چندگزینه‌ای انجام می‌شود. در این پژوهش آزمون پایان‌ترم دانشجویان به صورت تشریحی برگزار گردید و لذا بررسی پایایی لزومی ندارد. طبق پیش فرض ششم، برای انجام تحلیل کواریانس باید شیب خط رگرسیون بین هم‌پراش و وابسته در سطوح مختلف متغیر مستقل (گروه آزمایش و کنترل) یکسان باشد. خلاصه نتیجه بررسی این پیش فرض در نگاره (۵) گزارش شده است.

**نگاره (۵): آزمون تأثیرات بین آزمودنی‌ها**

منبع	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربع	آماره فیشر	سطح معناداری
کلیه متغیرهای کنترلی و مستقل با تفکیک گروه‌ها	۵۷/۵۱	۲	۲۸/۷۵	۲/۰۷	۰/۱۳

طبق نگاره (۵)، آماره فیشر تعامل بین متغیر کنترل و مستقل در گروه‌ها با مقدار ۲/۰۷ فاقد معناداری، و شیب خط رگرسیون یکسان بود. پس از بررسی پیش فرض‌ها، تجزیه و تحلیل کواریانس انجام شد که خلاصه نتایج آن در نگاره (۶) نشان داده شده است.

**نگاره (۶): بررسی فرضیه پژوهش با استفاده از تجزیه و تحلیل کواریانس**

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربع	آماره فیشر	سطح معنی داری
مدل اصلاح شده	a1۲۱۴/۵	۱۵	۸۰/۹۶۷	۹/۸۳۵	۰/۰۰۰
ضریب ثابت	۰/۴۲۶	۱	۰/۴۲۶	۰/۰۵۲	۰/۸۲۱

گروه	۰/۶۱۷	۱	۰/۶۱۷	۰/۷۸۵
خطا	۷۵۷/۳۹	۹۲	۸/۲۳۳	۰/۰۷۵
مجموع	۱۶۴۷۷/۷۰۳	۱۰۸		

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل کواریانس، سطح معناداری متغیر گروه ۰/۷۸۵ است که نشان می‌دهد تفاوت بین دو گروه معنادار نبوده است. به این معنا که آموزش به روش ترکیبی، نسبت به روش چهره‌به‌چهره تفاوتی در عملکرد دانشجویان ایجاد نکرده است. به منظور بررسی پایداری<sup>۱۶</sup> نتایج بدست آمده، کلیه آزمون‌های فوق به تفکیک جوامع مورد بررسی نیز انجام شد. نتایج بررسی‌های جداگانه نیز به جز دانشگاه آزاد تهران مرکز حاکی از عدم تفاوت در اثرگذاری دو روش بر عملکرد دانشجویان هر دانشگاه بوده است.

قبل از انجام آزمون فرضیه پژوهش، با توجه به آمار توصیفی ارائه شده در نگاره (۱)، عدم تفاوت بین نمرات پس‌آزمون دو گروه آزمایش و کنترل قابل مشاهده بود. این بدان معناست که ترکیب فناوری اطلاعات در آموزش حسابداری تفاوتی در عملکرد دانشجویان ایجاد نکرده است. به عقیده پایمپا (۲۰۱۰)، نبود آموزش مناسب به دانشجویان در استفاده از فناوری‌های آموزشی می‌تواند ارزش بکارگیری فناوری در آموزش را کاهش دهد. همچنین بر اساس نظر فاولر (۲۰۰۶)، روش سنتی همچنان جایگاه خود را در آموزش دارد و عدم اثربخشی روش‌های نوین ناشی از عوامل خارج از کنترل است. عدم اثربخشی برخی از روش‌های نوین آموزشی، نه تنها در رشته حسابداری، بلکه در سایر رشته‌ها نیز بسته به شرایط مشاهده شده است.

نتیجه حاصل از این پژوهش با نتایج برگرفته از پژوهش‌های ویسنسکی و همکاران (۲۰۱۷)، دوو و وو (۲۰۱۳)، هورسپول و لنگ (۲۰۱۲)، هورسپول و لنگ (۲۰۱۲)، پایمپا (۲۰۱۰)، لارسون و چونگ سین (۲۰۰۹) و لارسون و چونگ سین (۲۰۰۹) همخوانی دارد. اما این نتایج با ماحصل پژوهش استونر (۲۰۰۳)، مک دوال و جکلینگز (۲۰۰۶)، پژوهش لی (۲۰۰۸)، فیلد (۲۰۰۹)، دونکان و همکاران (۲۰۱۲)، کریویکک (۲۰۱۶)، ایز و همکاران (۲۰۱۶)، وو و همکاران (۲۰۱۷)، حاجی‌مرادخانی و همکاران (۱۳۹۶) و بایلی و هورست (۲۰۱۸)، رحمانیان و همکاران (۱۳۹۸)، ثای و همکاران (۲۰۲۰) و هان و همکاران (۲۰۲۰) که در بخش پیشینه اشاره شد و همگی به بررسی سودمندی استفاده از فناوری اطلاعات در آموزش دروس

حسابداری پرداخته بودند مغایرت دارد. به طور کلی، دلیل وجود مغایرت بین نتایج پژوهش‌های انجام شده تاکنون، چه در رشته حسابداری و چه سایر رشته‌ها، می‌تواند ناشی از اجرای متفاوت پژوهش، طرح متفاوت پژوهش، محیط‌های متفاوت، ابزارهای متفاوت سنجش و محدودیت‌هایی باشد که در شرایط مختلف وجود داشته است. برای مثال برخی از این پژوهش‌ها به رو کیفی انجام شده‌اند، یا برای سنجش اثربخشی روش ترکیبی از ابزار پرسشنامه استفاده شده است.

### نتیجه‌گیری

پیشرفت سریع فناوری اطلاعات در سال‌های اخیر، استفاده از آن را در آموزش اجتناب ناپذیر کرده است. حذف محدودیت مکانی و زمانی و تسهیل دسترسی کاربران، از جمله مزایای بکارگیری فناوری در آموزش بوده است. بسیاری از کشورها از جمله روسیه، چین و آمریکا در تغییر برنامه‌های آموزشی خود پیشتاز بوده‌اند. در ایران نیز از سال‌های قبل، استقبال خوبی از بکارگیری فناوری در برگزاری دوره‌های آموزشی مجازی شده است، اما با وجود اینکه مهارت بکارگیری فناوری در حسابداری یک ضرورت است و شاغلان حرفه نیز بر اهمیت و مزایای آن تأکید دارند، این مهم هنوز جایگاه خود را در آموزش حسابداری ایران پیدا نکرده است.

بر اساس مطالعات انجام شده، روش چهره‌به‌چهره سنتی همچنان از اعتبار بالایی برخوردار است، اما با توجه به تغییرات سریع فناوری، نتوانسته پاسخگوی نیازهای دانشجویان به طور کامل باشد. بنابراین با توجه به لزوم بکارگیری فناوری اطلاعات در آموزش حسابداری در این پژوهش سعی شد تا اثربخشی روش آموزشی ترکیبی شامل استفاده از فناوری و روش چهره‌به‌چهره سنتی به صورت همزمان، در مقایسه با روش چهره‌به‌چهره سنتی بررسی شود.

در اکثر پژوهش‌های انجام شده قبلی که به بررسی اثربخشی روش ترکیبی پرداخته بودند، روش ترکیبی با ادغام آموزش آنلاین در آموزش سنتی اجرا شده بود. در پژوهش حاضر، به دلیل فراهم نبودن زیرساخت‌های لازم اعم از فقدان دسترسی دانشجویان به کامپیوتر و اینترنت پرسرعت، عدم تجهیز سایت دانشگاه‌ها و عدم اجازه اجرای آموزش آنلاین در برخی از دانشگاه‌های مورد بررسی، امکان برگزاری جلسات به صورت آنلاین فراهم نبود و مقرر شد از

این روش صرفاً برای بخش حل تمرین در آموزش استفاده شود. به دلیل این محدودیت، نحوه اجرای روش ترکیبی در این پژوهش با پژوهش‌های پیشین متفاوت شد. همچنین، در این پژوهش، آزمایش بر روی درس حسابداری میانه ۱ انجام شد و شاید در صورت اجرای آزمایش بر روی دروس دیگر رشته حسابداری، نتایج پژوهش به گونه‌ای دیگر بود. علاوه بر موارد فوق، شرایط غیر قابل کنترل محیطی، عدم تمایل دانشجویان به حل تمرین و انجام فعالیت‌های خارج از کلاس (صرف زمان برای یادگیری و استفاده از فناوری اطلاعات در حل تمرین برای بالا بردن مهارت‌های فناورانه در حسابداری) و عدم تمایل آنها به تغییر، از محدودیت‌های دیگر پژوهش بودند که نتایج را تحت تأثیر قرار دادند.

این پژوهش در شرایطی انجام شد که اساتید و دانشجویان دانش و علاقه زیادی نسبت به استفاده از فناوری اطلاعات در آموزش نداشتند و هنوز نیاز به فراگیری روش‌های آموزش از راه دور و استفاده از ابزارهای فناورانه را به خوبی درک نکرده بودند. در شرایط فعلی جامعه که دانشگاه‌ها و مدارس به دلیل شیوع ویروس کرونا، به طور غیر قابل پیش‌بینی از آموزش حضوری محروم شده‌اند، کلیه افراد درگیر در بحث آموزش مجبور به یادگیری این روش و بهره بردن از آن گردیده‌اند و بیشتر ضرورت استفاده از فناوری در آموزش را درک می‌کنند.

هرچند نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از عدم وجود تفاوت معنادار بین آموزش به روش سنتی و آموزش با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات بود، اما اگر چنین پژوهشی در دوره‌ای پس از استفاده سراسری از فناوری - که هم اکنون با آن مواجه هستیم - انجام شود، ممکن است نتایج متفاوتی داشته باشد. با توجه به مطالب فوق، این پیشنهاد کاربردی برای دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی مطرح می‌شود که به منظور بهره‌مندی از فناوری اطلاعات در برنامه‌های درسی رشته حسابداری، در درجه اول پیش‌نیازهای لازم را فراهم نمایند، سپس واحد درسی استفاده از فناوری‌های نوین را در سرفصل درسی رشته حسابداری لحاظ کنند و دروسی را به صورت مجازی تعریف کنند تا در کنار روش‌های آموزشی قبلی، آموزش مجازی نیز دنبال شود.

از آنجایی که نتایج حاصل از پژوهش‌های پیشین در زمینه اثربخش بودن روش ترکیبی متنوع بوده است، پیشنهاد می‌شود عوامل مؤثر بر اثرگذاری روش ترکیبی در آموزش حسابداری و پیش‌نیازهای اجرای این روش بررسی شوند. امید است در آینده دستورالعمل و چارچوب چگونگی استفاده از انواع روش‌های آموزشی و نحوه سنجش آنها به صورت مدون



تهیه و بر اساس آن درخصوص استفاده از روش‌های آموزشی مورد بررسی پژوهش‌های دیگری در این زمینه انجام شود. برای مثال، نظر به اینکه در پژوهش حاضر فقط تأثیر استفاده از روش ترکیبی در مقایسه با روش سنتی بر عملکرد تحصیلی دانشجویان حسابداری بررسی گردید، فارغ از عدم وجود چارچوب مفهومی مناسب، پیشنهاد می‌شود تأثیر استفاده از روش ترکیبی بر انگیزه، خلاقیت، رضایتمندی، صرفه‌جویی در زمان و سایر هزینه‌های دانشجویان نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین می‌توان به جای استفاده از روش ترکیبی، فقط یک روش خاص را مورد آزمایش قرار داد. برای مثال می‌توان به مقایسه روش آموزش مجازی به تنهایی با روش آموزش سنتی پرداخت. پیشنهاد دیگر اینکه پژوهش جدیدی در زمینه تأثیر روش ترکیبی بر عملکرد تحصیلی دانشجویان در دوره تحصیلی دیگری پس از اجرای این پژوهش انجام شود. پژوهش پیشنهاد شده می‌تواند به صورت مستقل تنها اثربخشی روش ترکیبی را بسنجد یا اینکه به صورت مقایسه‌ای با روش سنتی انجام شود.

### پی‌نوشت‌ها

1. <https://www.ox.ac.uk>
2. <https://www.cam.ac.uk/>
3. <https://www.harvard.edu/>
4. <https://www.stanford.edu>
5. Problem Solving Still
6. Cloud Accounting
7. Game Method
8. Active Learning
9. Online Method
10. Analysis of Covariance
11. Team-Based Learning (TBL)
12. Leven's Test
13. Pearson Correlation
14. Cronbach's alpha
15. Kuder-Richardson
16. Robustness

## منابع

- آقازاده، محرم. (۱۳۸۵). *راهنمای روش‌های نوین تدریس*، چاپ دوم، تهران: نشر کتابیران.
- بنی مهد، بهمن و مهربان، اشرف. (۱۳۹۳). مقایسه تفکر خلاقانه با موفقیت تحصیلی میان دانشجویان رشته حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های دولتی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، (۹) ۳، ۱-۱۲.
- خانی، عبدالله و طیبی، جمیله. (۱۳۹۴). تعیین و اولویت بندی مهارت‌های آموزشی حسابداری بر اساس الگوی تحلیل سلسله مراتبی. *مجله دانش حسابداری*، (۲۳) ۶، ۷۷-۳۸.
- دیانتی دیلمی، زهرا و پاکزاد، عطیه. (۱۳۹۶). بررسی درجه اثربخش بودن آموزش حسابداری در دانشگاه‌ها و عوامل موثر بر آن با استفاده از کارت ارزیابی متوازن. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، (۲۱) ۶، ۱۲۱-۱۴۲.
- رحمانیان کوشککی، عبدالرسول، برزگر، بهرام و کمالی راد، اسماعیل. (۱۳۹۸). تدوین مدلی برای بهبود کیفیت آموزش حسابداری از طریق تحلیل روش‌های تدریس با استفاده از نظریه داده بنیاد. *فصلنامه آموزش و ارزشیابی*، (۴۸) ۱۲، ۱۰۳-۱۳۰.
- زارعی، عیسی، خیری، محمد، یزدگردی، نغمه السادات و عباس‌زاده، مسلم. (۱۳۹۳). میزان استفاده اساتید حسابداری از فناوری اطلاعات در دانشگاه‌ها. *پژوهش حسابداری*، (۱۴) ۲، ۱۵۹-۱۷۴.
- شورورزی، محمدرضا، معقول، علی و کده، مریم. (۱۳۹۲). شناسایی عوامل موثر بر موفقیت دانشجویان رشته حسابداری در دروس حسابداری پیشرفته. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، (۱۸) ۶، ۱-۱۲.
- گرکز، منصور و اسماعیلی، حدیث. (۱۳۹۰). بررسی عوامل تعیین کننده عملکرد تحصیلی دانشجویان مقطع کارشناسی حسابداری با استفاده از شبکه عصبی. *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی*، (۱) ۶، ۱۰۷-۱۲۵.
- نحاس، کاظم، کرمی، غلامرضا، حجازی، رضوان و خواجوی، شکراله. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر یادگیری مبتنی بر تیم (TBL) بر یادگیری حسابداری. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، (۴۵) ۱۲، ۵۵-۷۰.
- Aghazadeh, M (2006). *Guide to new teaching methods*, second edition, Ketabiran Publishing. (in Persian)
- Albay, E. M. (2019). Analyzing the effects of the problem solving approach to the performance and attitude of first year university students. *Social Sciences & Humanities Open*, 1 (1) , 1-7.
- Aman, A. , & Mohamed, N. (2018). The Implementation of Cloud Accounting in Public Sector. *Asian Journal of Accounting and Governance*, 8, 1-6.

- Banimahd, B. , & Mehrban, A. (2014). Comparison of creative thinking with academic achievement among accounting students of Islamic Azad University and public universities. *Management Accounting and Auditing Knowledge*, 3 (9) , 1-12. (in Persian)
- Blay, A. D. , & Fennema, M. G. (2017). Are accountants made or born? An analysis of self-selection into the accounting major and performance in accounting courses and on the CPA exam. *Issues in Accounting Education*, 32 (3) , 33-50.
- Blazar, D. (2016). Teacher and teaching effects on students' academic performance, attitudes, and behaviors (Doctoral dissertation).
- Burns, J. O. , & Needles, B. E. (Eds.). (2014). *Accounting education for the 21st century: The global challenges*. Elsevier.
- Chinwendu, O. , & Lois Nkechi, A. (2020). Effect of Blended Learning on Students Academic Performance in Physics in Federal Colleges of Education in South East, Nigeria. *British Journal of Education*, 8 (1) , 66-77.
- Cornell, D. W. , & Bushong, J. G. (2005). The financial statement approach to teaching intermediate accounting. *Advances in Accounting Education*, 7, 329-348.
- Dianti Deilami, Z. , & Pakzad, A. (2017). Investigating the Effectiveness of Accounting Education in Universities and Factors Affecting it Using Balanced Assessment Card. *Management Accounting and Auditing Knowledge*, 6 (21) , 121-142. (in Persian)
- Duncan, K. , Kenworthy, A. , & McNamara, R. (2012). The effect of synchronous and asynchronous participation on students' performance in online accounting courses. *Accounting Education*, 21 (4) , 431-449.
- Fortin, A. , Viger, C. , Deslandes, M. , Callimaci, A. , & Desforges, P. (2019). Accounting students' choice of blended learning format and its impact on performance and satisfaction. *Accounting Education*, 28 (4) , 353-383.
- Garkaz, M. , & Ismaili, H. (2011). Investigating the determinants of academic performance of undergraduate accounting students using neural network. *Leadership Quarterly and Educational Management*, 6 (1) , 125-107. (in Persian)
- Garrison, D. R. (2011). *E-learning in the 21st century: A framework for research and practice*. Taylor & Francis.
- Gravetter, F. J. , & Forzano, L. A. B. (2018). *Research methods for the behavioral sciences*. Cengage Learning.
- Han, F. H. , Ellis, R. E. , Han, F. , & Ellis, R. (2020). Personalised learning networks in the university blended learning context. *Comunicar. Media Education Research Journal*, 28 (1) , 19-30.

- Horspool, A. , & Lange, C. (2012). Applying the scholarship of teaching and learning: student perceptions, behaviours and success online and face-to-face. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 37 (1) , 73-88.
- Jee, R. Y. , & O'Connor, G. (2014). Evaluating the impact of blended learning on performance and engagement of second language learners. *International Journal of Advanced Corporate Learning (iJAC)* , 7 (3) , 12-16.
- Kent, C. (2016). A qualitative study of problem-based learning in accounting education and its effect on career preparation (Doctoral dissertation, University of Phoenix).
- Khani, A. , & Taybi, J. (2015). Determining and prioritizing accounting educational skills based on the hierarchical analysis model. *Journal of Accounting Knowledge*, 6 (23) , 38 - 77. (in Persian)
- Klein, J. P. (2010). Competing risks. *Wiley Interdisciplinary Reviews: Computational Statistics*, 2 (3) , 333-339.
- Kolb, A. Y. (2013). *The Kolb Learning Style Inventory 4. 0: A comprehensive guide to the theory, psychometrics, research on validity and educational applications*. Philadelphia, PA: Hay Group.
- Krivacek, G. J. (2016). *The Effect of a Blended Teaching Method on Student Performance and Satisfaction in a First Accounting Course in Higher Education*. Robert Morris University.
- Larson, D. K. , & Sung, C. H. (2009). Comparing student performance: Online versus blended versus face-to-face. *Journal of Asynchronous Learning Networks*, 13 (1) , 31-42.
- Lay, G. S. (2008). Improving success of undergraduate principles of accounting students by exploring new methods. *International Journal of Learning*, 15 (4) , 75-80.
- McClarty, K. L. , Orr, A. , Frey, P. M. , Dolan, R. P. , Vassileva, V. , & McVay, A. (2012). A literature review of gaming in education. *Gaming in education*, 1-35.
- Mcdowall, T. , & Jackling, B. (2006). The impact of computer-assisted learning on academic grades: An assessment of students' perceptions. *Accounting Education: an international journal*, 15 (4) , 377-389.
- McGinley, V. , Osgood Jr, J. , & Kenney, J. (2012). Exploring graduate students' perceptual differences of face-to-face and online learning. *The Quarterly Review of Distance Education*, 13 (3) , 177-182.
- Nahas, K. , Karami, Gh. , Hejazi, R. , & Khajavi, Sh. (1399). Investigating the effect of team-based learning (TBL) on accounting learning. *Accounting and Auditing Research*, 12 (45) , 55-70. (in Persian)
- Nkhoma, C. , Nkhoma, M. , Thomas, S. , Tu, L. K. , & Le, N. Q. (2019). **TRANSFORMING A FIRST-YEAR ACCOUNTING COURSE**

- USING A BLENDED LEARNING PATHWAY. *Issues in Informing Science & Information Technology*, (16) , 319-342.
- Packer, S. K. (2018). A Comparison Study of High School Math Student Performance and Perceptions between Blended and Online Learning. Texas A&M University-Commerce.
- Paechter, M. , & Maier, B. (2010). Online or face-to-face? Students' experiences and preferences in e-learning. *The internet and higher education*, 13 (4) , 292-297.
- Rabia, M. , Mubarak, N. , Tallat, H. , & Nasir, W. (2017). A study on study habits and academic performance of students. *International Journal of Asian Social Science*, 7 (10) , 891-897.
- Rafiq, M. , Aajiz, N. M. , Rahman, A. U. , Mand, R. , & Khan, A. (2016). The impact of school environment on the performance of students of Public High Schools at Khyber Pakhtunkhwa Pakistan. *Advances in Social Sciences Research Journal*, 3 (2) , 75-83.
- Rahmanian Kushkaki, AR. , Barzegar, B. , & Kamali Rad, I. (1398). Development of a model for improving the quality of accounting education through the analysis of teaching methods using the Foundation's data theory. *Quarterly Journal of Education and Evaluation*, 12 (48) , 103-130. (in Persian)
- Shoorvarzi, MR. , Reasonable, A. , & Kade, M. (2013). Identifying the factors affecting the success of accounting students in advanced accounting courses. *Scientific Research Quarterly Journal of Management Accounting*, 6 (18) , 1-12. (in Persian)
- Stoner, G. (2003). Using learning technology resources in teaching management accounting. *Learning and Teaching for Business: Case Studies of Successful Innovation*, 138-152. Available at: <http://eprints.gla.ac.uk>
- Subramani, P. N. , & Iyappan, V. (2018). Innovative methods of teaching and learning. *Journal of applied and advanced research*, 3 (S1) , 20-22.
- Tabachnick, B. G. , Fidell, L. S. , & Ullman, J. B. (2007). *Using multivariate statistics* (Vol. 5, pp. 481-498). Boston, MA: Pearson.
- Thai, N. T. T. , De Wever, B. , & Valcke, M. (2020). Face-to-face, blended, flipped, or online learning environment? Impact on learning performance and student cognitions. *Journal of Computer Assisted Learning*, 36 (3) , 397-411.
- Vaona, A. , Banzi, R. , Kwag, K. H. , Rigon, G. , Cereda, D. , Pecoraro, V. , ... & Moja, L. (2018). E-learning for health professionals. *Cochrane Database of Systematic Reviews*, (1) , 1-78.
- Vo, H. M. , Zhu, C. , & Diep, N. A. (2017). The effect of blended learning on student performance at course-level in higher education: A meta-analysis. *Studies in Educational Evaluation*, 53, 17-28.

- Weil, S. , McGuigan, N. , & Kern, T. (2009). The usage of an online discussion forum for the facilitation of case-based learning in an intermediate accounting course. In IADIS International Conference e-Learning 2009, Part of the IADIS Multi Conference on Computer Science and Information Systems, MCCSIS 2009 (pp. 171-182).
- Wilson, R. M. (2014). The Routledge companion to accounting education. Routledge.
- Zarei, E. , Kheiri, M. , Yazdgerdi, N S. , & Abbaszadeh, M. (2014). The use of information technology accounting professors in universities. *Accounting Research*, 2 (14) , 159-174. (in Persian)

## تأثیر دانش ضمنی مدیران بر مدیریت سود در سطوح مختلف نظارت: یک رویکرد رفتاری

محسن خدادادی\*، علی اکبر نونهال نهر\*\*، مهدی مشکی میاوقی\*\*\*، سینا

خردیار\*\*\*\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۰۹

مقاله پژوهشی

### چکیده

پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد که مدیران شرکت‌ها اقدام تعهدی اختیاری را عمدتاً به گونه‌ای برای مدیریت سود بکار می‌گیرند که بتوانند پاداش خود را حداکثر سازند؛ از سوی دیگر، این نتایج حاکی از تأثیر فرآیند نظارت بر کاهش مدیریت سود می‌باشد. اما پژوهش‌های گذشته این پرسش اساسی را بدون پاسخ گذاشته‌اند که مدیران شیوه‌های مدیریت سود را از چه طریقی فرامی‌گیرند و چگونه اقدامات خود را در برابر رویکردهای نظارتی تعدیل می‌نمایند. انتظار می‌رود این رفتار، بصورت ضمنی و به مرور زمان حاصل می‌شود، که به آن دانش ضمنی می‌گویند. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر دانش ضمنی بر رفتار مدیریت سود در سطوح مختلف نظارت می‌باشد. این پژوهش در حوزه پژوهش‌های اثباتی قرار می‌گیرد و روش تحقیق حاضر از نوع آزمایش (با استفاده از محیط کنترل شده) است. در طرح آزمایش مذکور نظارت از طریق حسابرسی داخلی اعمال می‌شود. بدین منظور سناریویی برای آزمودنی‌ها طراحی گردیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، در صورت وجود نظارت، برای افراد با دانش ضمنی بالاتر، احتمال انجام مدیریت سود کاهش می‌یابد، ولی برای افراد با دانش ضمنی کمتر، تأثیر معنی‌داری مشاهده نشد.

**واژه‌های کلیدی:** دانش ضمنی، مدیریت سود، سطوح نظارت، حسابرسی داخلی.

**طبقه‌بندی موضوعی:** M41، M42، G30.

DOI: 10.22051/jera.2019.22323.2196

\*دانشجوی دکترا، گروه حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران. (Mkhodadadil@yahoo.com)

\*\*استادیار گروه حسابداری، واحد بستان آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، بستان آباد، ایران. (نویسنده مسئول).

(Anonahal@gmail.com).

\*\*\*دانشیار گروه مالی، دانشگاه پیام نور، رشت، ایران. (Mhd.meshki@yahoo.com).

\*\*\*\*استادیار گروه حسابداری، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران. (kheradyar@iaurasht.ac.ir).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

### مقدمه

مدیران از طریق آزادی عمل خود بر روی سود گزارش شده اعمال مدیریت می‌کنند و به این ترتیب پاداش خود را افزایش می‌دهند. هنگامی که انتظار می‌رود سود بین حد بالا و حد پایین پاداش قرار گیرد، انتخاب مدیران در جهت افزایش سود خواهد بود و هنگامی که انتظار می‌رود سود بالاتر از حد بالا و یا پایین‌تر از حد پایین باشد، مدیران سود را به منظور افزایش سود دوره‌های آتی، به دوره‌های مذکور انتقال می‌دهند. به عبارت دیگر، مدیران تمایل دارند تا در جهت افزایش پاداش خود به اعمال مدیریت سود در دوره‌های سودده و زیانده شرکت پرداخته و در دوره‌های سودده به هموارسازی سود بپردازند (خوش طینت و خانی، ۱۳۸۲). همچنین تحقیقات گذشته نشان داده است، اگر حسابرسی به صورت دقیق و کارا انجام نشود، مدیران با احتمال بیشتری اقدام به مدیریت سود می‌کنند (براون و پینلو، ۲۰۰۷)؛ بدین ترتیب، در صورتی که گزارش چنین رفتارهای فرصت طلبانه‌ای بصورت شفاف‌تر افشاء شود مدیران نیز سود را دقیق‌تر ارائه می‌کنند. به صورت کلی، می‌توان گفت که مدیران تمایل به انجام مدیریت سود دارند و رویکردهای نظارتی مانند انجام حسابرسی می‌تواند منجر به کاهش آن گردد. پژوهش‌های گذشته این پرسش اساسی را بدون پاسخ گذاشته‌اند که مدیران شیوه‌های مدیریت سود را از چه طریقی فرا می‌گیرند و چگونه اقدامات خود را در مقابل رویکردهای نظارتی تعدیل می‌نمایند؟ آیا از طریق آموزش صورت گرفته در دانشگاه‌ها این مهارت بدست می‌آید و یا نوع رشته تحصیلی و یا ویژگی‌های شخصی در آن موثر است؟ نوآوری این پژوهش در آن است که پاسخگوی سوالات فوق باشد. انتظار می‌رود این رفتار راهبردی، بصورت ضمنی و به مرور زمان و با تجربه حاصل می‌شود، که در ادبیات مدیریتی اصطلاحاً به آن دانش ضمنی<sup>۱</sup> می‌گویند. نخستین بار، پولانی با تصریح به اینکه ما بیش از آنچه می‌توانیم بگوییم می‌دانیم مفهوم دانش ضمنی را مطرح کرد. وی دانش ضمنی را جزء لاینفک دانش و قدرت بنیادین ذهن معرفی کرد. ویژگی‌هایی که او برای دانش ضمنی بر می‌شمرد عبارتند از عملی بودن، وابستگی به زمینه خاص خود، متمرکز بر چگونگی و دشوار برای کدگذاری، کمی شدن و انتقال به دیگران (مک آدام و همکاران، ۲۰۰۷). در تحقیق حاضر به بررسی تجربی نقش دانش ضمنی در گرایش مدیران به رفتارهای مدیریت سود با تاکید بر سطوح موثر نظارتی پرداخته شده است.



## مبانی نظری و پیشینه

### فرآیند نظارت و مدیریت سود

هر چه مکانیزم‌های نظارتی که در تصمیمات گزارشگری مالی به طور مستقیم دخیل هستند بیشتر و قوی‌تر باشند، مدیریت سود فرصت طلبانه کمتر اتفاق می‌افتد (دئولمان و همکاران، ۲۰۱۳)، یکی از این مکانیزم‌ها، فرآیند حسابرسی می‌باشد. نتایج پژوهش‌ها در این خصوص نیز حاکی از تأثیر حسابرسی بر کاهش مدیریت سود است. وجود حسابرسی داخلی برای تقویت حاکمیت شرکتی، ارتقاء سامانه کنترل داخلی، کمک به مدیریت ریسک راهبردی و اطمینان‌یابی از شفافیت در گزارشگری در سطح داخلی و برون سازمانی، ضرورتی انکارناپذیر است (داداشی و همکاران، ۱۳۹۶). به طور کلی هدف حسابرسان، حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات بااهمیت موجود در صورت‌های مالی است و در این میان انگیزه‌های مدیران در جهت اعمال منافع شخصی در کیفیت سود، مانع از رسیدن حسابرسان به اهداف خود می‌شوند. در مقابل، حسابرسان می‌توانند با افزایش کیفیت حسابرسی، مدیریت سود احتمالی توسط مدیران را کشف کرده و مدیران را در راستای اعمال مدیریت سود در تنگنا قرار دهند (نمازی و همکاران، ۱۳۹۰). براون و پینلو (۲۰۰۷) معتقدند در گزارش‌های میان‌دوره‌ای که حسابرسی بصورت کامل و جامع انجام نمی‌شود، احتمال رخداد مدیریت سود افزایشی، بیشتر است. دهدار و مژده (۱۳۹۵) نشان دادند، بین وجود کمیته حسابرسی و حسابرسی داخلی با مدیریت سود رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد و می‌توان با مستقر نمودن کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی، مدیریت سود را کاهش داد. عبدلی و نادعلی (۱۳۹۴) نیز در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که دارای حسابرسی داخلی هستند تعداد بندهای حسابرسی مربوط به تحریف‌های قانونی و مالیاتی و حسابداری کمتری در مقایسه با سایر شرکت‌ها دارند و اظهار نظر حسابرس مستقل در شرکت‌های فاقد حسابرسی داخلی عمدتاً غیر مقبول می‌باشد. نون‌هال نهر و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی رابطه بین کیفیت حسابرس و قابلیت اتکای اقلام تعهدی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که شرکت‌های حسابرسی شده توسط موسسه حسابرسی با کیفیت بالاتر در مقایسه با شرکت‌هایی که توسط موسسه حسابرسی با کیفیت پایین‌تر، حسابرسی شده‌اند، دارای ضریب پایداری اقلام تعهدی بیشتری بوده و در نتیجه قابلیت اتکای اقلام تعهدی بالایی

دارند. بطور خلاصه، نتایج پژوهش‌های فوق بیان می‌دارد وقتی گزارش رفتارهای فرصت‌طلبانه بصورت شفاف‌تری ارائه می‌شود، مدیران سودها را بصورت دقیق‌تری گزارش می‌کنند.

### مفهوم دانش ضمنی

پولانی (۱۹۶۶) دانش را به دو دسته تقسیم‌بندی کرده است: دانش صریح و دانش ضمنی. دانش صریح یا دانش کدگذاری شده، بیان‌کننده دانشی است که در قالب زبان نظام‌مند و رسمی، قابل انتقال است؛ اما دانش ضمنی، دانشی شخصی و مرتبط با روندی است که مختص شرایط بوده و به مرور زمان و از طریق تجربه، و نه الزاماً آموزش رسمی کسب می‌شود. ژیزو و جیان (۲۰۱۲) معتقدند دانش ضمنی بدنه اصلی دانش سازمانی است. دانش صریح می‌تواند نوک کوه یخ و دانش ضمنی در پایین‌ترین بخش یخ‌زده و پنهان این کوه یخ باشد. دانش ضمنی به عنوان فراهم‌کننده تغذیه برای ریشه‌های درختان می‌باشد، درختانی که میوه‌های آن دانش صریح است. هر دانش صریحی که از طریق زبان و هرگونه اشکال دیگر بیان شده باشد، وابسته به وجود دانش ضمنی بوده و باید توسط آن حمایت شود. تمام دانش انسانی یا دانش ضمنی است یا ریشه در دانش ضمنی دارد. طبق آمار، دانش ضمنی ۹۰ درصد از کل دانش ضمنی سازمان و دانش صریح کمتر از ۱۰ درصد آن است. پولانی مفهوم دانش ضمنی را با ارائه مثال‌هایی ساده از زندگی روزمره می‌شناساند. وی به توانایی انسان در شناسایی چهره‌های مختلف اشاره می‌کند؛ مهارتی که ما داریم اما نمی‌توانیم بگوییم چگونه آن را اعمال می‌کنیم؛ به بیان دیگر، ما یک چهره آشنا را از میان هزاران و میلیون‌ها چهره تشخیص می‌دهیم اما نمی‌توانیم بگوییم چگونه آن را تشخیص می‌دهیم. در مثالی دیگر، پولانی به مهارت دوچرخه سواری اشاره می‌کند. فرد نمی‌تواند با خواندن یک کتاب، دوچرخه سواری کند. این امر مستلزم کسب تجربه شخصی و تمرین برای فراگیری مهارت‌های مورد نیاز است. ما به طور دقیق نمی‌توانیم بگوییم چگونه دوچرخه سواری می‌کنیم اما توانایی انجام آن را داریم. وی دانش چنین توانایی‌هایی را دانش ضمنی نامید (اشتریان و امامی، ۱۳۸۹). تعاریف متعددی از دانش ضمنی مطرح شده است. از نظر نوناکا و تاکوچی (۱۹۹۵) دانش ضمنی مهمترین نوع دانش است که با زبان رسمی قابل بیان نیست. این نوع دانش جنبه فردی دارد و ریشه‌های آن در تجارب فرد نهفته است. دانش ضمنی، دانش عملی است که از تجربه و کنش مستقیم توسعه می‌یابد و به شدت عملگرا و مختص به موقعیت بوده و به طور ناخود آگاه تحصیل گردیده و

به کار می‌رود (مک‌آدام و همکاران، ۲۰۰۷). دانش ضمنی قابلیت کدگذاری ندارد و از این رو با دشواری منتقل می‌شود. این نوع دانش از طریق تسهیم تجربیات و مشاهده و تقلید کسب می‌شود (فتحیان و همکاران، ۱۳۸۴). براساس نظر بونر (۲۰۰۸) علم یا دانش و سابقه شخصی از تجربه در یک کار تخصصی خاص نشأت می‌گیرد.

تاکنون به مفهوم دانش ضمنی و بررسی نقش آن در عملکرد مدیران در حوزه حسابداری و حسابرسی در ایران پرداخته نشده و عمده تحقیقات انجام شده در حوزه مدیریت و اقتصاد می‌باشد که برخی از آنها را در این بخش بررسی خواهیم کرد.

جلاوندی (۱۳۹۷) در تحقیقی تحت عنوان تبیین مفهومی نقش دانش ضمنی در عصر اقتصاد دانش‌بنیان، تبیین نقش این دانش و تأثیر آن در عصر جدید اقتصادی را امری ضروری دانسته است. روش تحقیق وی تحلیلی توصیفی می‌باشد. در این تحقیق دودیدگاه انتقال دانش ضمنی تحت عنوان مکانیسم تعاملی و مکانیسم تبدیلی مورد بررسی قرار گرفته است. دیدگاه تعاملی بر اهمیت تعامل، ارتباطات اجتماعی و روابط نزدیک برای انتقال دانش ضمنی تأکید داشته و دیدگاه تبدیلی نیز انتقال کارآمد را منوط به تبدیل آن به دانش آشکار می‌داند. در نتیجه‌گیری نهایی تحقیق نیز میزان موفقیت‌های علمی نیروی کار در تولید دانش ضمنی وابسته به عواملی مانند فرهنگ خودباوری، خودتکایی و خلاقیت و برخورداری از آموزش کافی و مستمر در نظر گرفته شده است. زمانی (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان وضعیت دانش ضمنی و تصریحی معلمان دوره راهنمایی، از نظریه‌های یادگیری در فرآیند تدریس و تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی بر آن، از طریق ابزار پرسشنامه نشان داد که میزان دانش تصریحی و ضمنی معلمان از نظریه‌های یادگیری در بعضی سؤالات نظریه‌ها پایین بود و بین دانش تصریحی و دانش ضمنی معلمان با متغیرهای مدرک تحصیلی، سابقه تدریس و جنسیت تفاوت معنادار وجود دارد.

همچنین در پژوهش‌های خارجی نیز در خصوص ارتباط دانش ضمنی با مفاهیم حسابداری و حسابرسی تحقیقات اندکی صورت گرفته است. سانچز و همکاران (۲۰۱۸) با عنوان تحصیل و انتقال دانش ضمنی بازاریابی در هتل‌های کوچک و متوسط به بررسی تأثیر ظرفیت جذب، فرهنگ باز، همکاری و اعتماد بین همکاران و ارتباطات رسانه‌ای در دستیابی به دانش ضمنی بازاریابی و انتقال آن پرداختند. آنها نتیجه تحقیق خود را با استفاده از روش معادلات ساختاری

و بر اساس نمونه‌ای متشکل از ۲۲۹ کارمند انجام داده و نشان دادند، اعتماد به همکاران و ارتباطات رسانه‌ای تأثیر مستقیم بر کسب دانش ضمنی بازاریابی و در نتیجه بر انتقال آن دارد. ماهاجان (۲۰۱۷) در تحقیقی تحت عنوان دانش ضمنی برای توسعه سازمان‌ها به بررسی مفهوم دانش ضمنی، مزایا، معایب و کاربرد آن برای توسعه سازمان‌ها پرداخته است. بر اساس نظریه همانطوری که دانش ضمنی همیشه در مغز مردم ذخیره می‌شود، به اشتراک‌گذاری دانش ضمنی دشوار، پیچیده، وقت‌گیر و یکی از بزرگترین چالش‌ها می‌باشد. در تحقیق به دو فرآیند به اشتراک‌گذاری دانش ضمنی اشاره شده است. اول، به‌طور مستقیم از طریق ارتباطات شخصی با دیگر کارکنان و دوم، به‌طور غیرمستقیم از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات مانند ایمیل، پایگاه داده‌ها، ویدئو کنفرانس‌ها، کنفرانس‌های تلویزیونی. در پایان بر لزوم آگاهی سازمان‌ها از اهمیت دانش ضمنی کارمند برای توسعه سازمان، تأکید شده است. راسمن و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیقی در خصوص تأثیر دانش ضمنی بر رفتار مدیریت سود به این نتیجه رسیدند که مدیران با دانش ضمنی بیشتر نسبت به مدیران با دانش ضمنی کمتر در شرایط وجود حسابرسی، اقدام به کاهش مدیریت سود افزایشی می‌نمایند. بول و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیقی تحت عنوان دانش ضمنی حسابرسی و توسعه سرمایه انسانی موسسات حسابرسی به این نتیجه رسیدند که حسابرسان با دانش ضمنی بالاتر به احتمال بیشتر به عنوان سرپرست توسط مدیران انتخاب می‌شوند و دانش ضمنی حسابرسان به‌طور موثری با قرار گرفتن آنها در تجربیات حرفه‌ای متنوع، ارتباط با مشتریان و اهمیت مسئولیت‌شغلی و اجتماعی‌شان مرتبط است. کوهن و همکاران (۲۰۰۱) نشان دادند که دانشجویان ورودی به دانشگاه از نظر میزان آگاهی از مسائل اخلاقی فرقی با دانشجویان فارغ‌التحصیلی نداشتند، هرچند فعالان حرفه‌ای بخش حسابداری از هردوی این گروه‌ها در این زمینه مطلع‌تر بودند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تصمیم‌سازی اخلاقی هرچند همانند مدیریت سود نیست، اما بیشتر یک نوع یادگیری است که در حین خدمت و نه از طریق آموزش‌های رسمی اتفاق می‌افتد.

با توجه به موارد مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت مدیران در هنگام تصمیم‌گیری تحت تأثیر دانش نهفته خود می‌باشند که به آن دانش ضمنی می‌گویند. از سوی دیگر مدیران در جهت بهره‌مندی از مزایای شخصی تمایل به مدیریت سود دارند ولی نهادهای نظارتی مانند حسابرسی داخلی می‌تواند منجر به تعدیل این رفتار گردد. این تحقیق به بررسی تأثیر دانش ضمنی مدیران

در رفتار مدیریت سود آن‌ها و همچنین ارزیابی نقش حسابر سی داخلی بر کاهش این رفتارها می‌پردازد.

### فرضیه‌های پژوهش

ادبیات موجود درباره دانش ضمنی و تحقیقات تجربی در این حوزه نشان می‌دهد که مدیران با تجربه در استفاده از اقلام تعهدی برای مدیریت سود، واکنش راهبردی تری به مساله نظارت دارند. مدیران دارای دانش ضمنی، در تصمیم‌گیری‌ها نقش مستقیم و نهایی ایفا می‌کند، لذا توانایی بیشتری برای مدیریت سود دارد. از طرف دیگر، کشف مدیریت سود توسط حسابرسان و احتمال دخالت مراجع قانونی می‌تواند مبلغ مدیریت سود و منافع آن را برای مدیریت به شدت کاهش دهد. با فرض معقول بودن مدیر، می‌توان انتظار داشت که وی تنها زمانی به مدیریت سود اقدام کند که منافع آن بیشتر از هزینه‌هایش باشد (مرادی و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین انتظار می‌رود اعمال فرآیند نظارت بتواند رفتار مدیریت سود را برای افراد با تجربه در مقایسه با افراد کم‌تجربه محدودتر نماید. همانطور که اشاره شد افراد باتجربه، دانش ضمنی را به مرور زمان کسب کرده‌اند. استدلال منطقی محدودتر شدن رفتار مدیریت سود افراد با تجربه در صورت وجود نظارت، این است که افراد با تجربه (دانش ضمنی) بالاتر به مرور زمان این مساله را آموخته‌اند که در برابر ریسک شناسایی شدن (برملا شدن) رفتار خود حساس‌تر باشند (راسمن و همکاران، ۲۰۱۲). همچنین مدیریت سود در دو حالت مدیریت سود افزایشی و کاهششی با توجه به سناریو تحقیق، در نظر گرفته شده است که توانایی حداکثرسازی پاداش توسط مدیران در حد پایین عملکرد، بعنوان مدیریت سود افزایشی و در حد بالای عملکرد نیز مدیریت سود کاهششی در نظر گرفته می‌شود.

بدین ترتیب، فرضیه‌های تحقیق بصورت ذیل مطرح می‌شوند:

فرضیه ۱: برای افراد با دانش ضمنی بیشتر، در صورت وجود نظارت، احتمال مدیریت سود افزایشی، کاهش می‌یابد.

فرضیه ۲: برای افراد با دانش ضمنی بیشتر، در صورت وجود نظارت، احتمال مدیریت سود کاهششی، کاهش می‌یابد.

فر ضیه ۳: برای افراد با دانش ضمنی کمتر، در صورت وجود نظارت، احتمال مدیریت سود افزایشی، کاهش نمی‌یابد.

فر ضیه ۴: برای افراد با دانش ضمنی کمتر، در صورت وجود نظارت، احتمال مدیریت سود کاهش، کاهش نمی‌یابد.

### متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل این تحقیق شامل دانش ضمنی و سطوح نظارت می‌باشد.

**دانش ضمنی:** در این تحقیق برای اندازه‌گیری دانش ضمنی از متغیر تجربه استفاده شده است که با یافته‌های استرنبرگ، هدلاند، همچنین پولانی همخوانی دارد که بیان می‌دارند شواهد تحقیقاتی تا امروز عموماً از این ادعا حمایت کرده‌اند که دانش ضمنی با تجربه در ارتباط است (استرنبرگ و هدلاند، ۲۰۰۲). دانش ضمنی دانشی است که به مرور زمان و از طریق تجربه و نه آموزش رسمی کسب می‌شود (پولانی، ۱۹۹۶). لذا نتیجه‌گیری این تحقیق آن است که دانش ضمنی از رفتارهای مشاهده شده در سطوح مختلف تجربه حاصل می‌شود.

**سطوح نظارت:** مشابه تحقیق را سمن و همکاران (۲۰۱۲)، سطوح نظارت از طریق وجود یا عدم وجود حسابرسی داخلی اعمال می‌شود؛ برای ایجاد این شرایط، ابتدا از شرکت کنندگان خواسته شد به سوالات پاسخ دهند و پس از دریافت پاسخ، مجدداً از آنها خواسته می‌شود در صورت وجود نظارت توسط حسابرس داخلی، تخمین انجام شده را انجام دهند.

متغیر وابسته شامل رفتار مدیریت سود و توانایی حداکثر سازی پاداش در سطوح پیشنهادی عملکرد شرکت است که توانایی حداکثر سازی پاداش در حد پایین عملکرد، مدیریت سود افزایشی، و در حد بالای عملکرد نیز مدیریت سود کاهشی نامیده می‌شود.

### روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف اجرا یک پژوهش کاربردی است. از منظر بعد زمانی یک پژوهش مقطعی می‌باشد و در ماه‌های بهمن و اسفند سال ۱۳۹۶ داده‌های مورد نظر جمع‌آوری و آزمون‌های مربوطه انجام شده است. با توجه به اینکه در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها

جهت آزمون فرضیه‌ها از روش طرح آزمایش استفاده می‌شود، یک پژوهش تحلیلی از نوع تجربی می‌باشد. از نظر نوع پژوهش نیز توصیفی استقرایی می‌باشد.

### جامعه آماری و آزمودنی‌های پژوهش

جامعه آماری مورد نظر این پژوهش از دو گروه (مدیران دارای دانش ضمنی و افراد بدون دانش ضمنی) تشکیل شده است. برای گروه اول با توجه به ویژگی مدیران شرکت‌کنندگان در تحقیق که باید دارای تجربه در امور مالی باشند، جامعه آماری دربرگیرنده کلیه مدیران شاغل در موسسات، شرکت‌ها، نهادهای مالی و تحلیل‌گری که موظف به تهیه صورت‌های مالی بوده و همچنین دارای واحد حسابرسی داخلی هستند، می‌باشد. اما با توجه به نوع تحقیق که می‌بایست محیط آزمایش بصورت کنترل شده باشد و به دلیل محدودیت‌های عمده از قبیل دشواری دسترسی و جلب مشارکت آنها در اجرای پژوهش، به صورت تصادفی ضمن مراجعه حضوری و کسب موافقت اولیه، برخی از مدیران که مایل به شرکت در طرح آزمایش بودند به عنوان آزمودنی انتخاب شدند. در این مرحله تعداد ۵۰ طرح آزمون، برای مدیران دارای تجربه بیشتر از ۵ سال و تعداد ۵۰ طرح آزمون برای مدیران دارای تجربه کمتر از ۵ سال توزیع گردید. با توجه به الزام شرکت‌ها جهت استقرار واحد حسابرسی داخلی بر اساس دستورالعمل سازمان بورس از سال ۱۳۹۱، و همچنین نقش حسابرسی داخلی در سناریوی تحقیق، دوره زمانی تجربه ۵ ساله برای تفکیک مدیران در نظر گرفته شده است. در این خصوص ابتدا به شرکت‌کنندگان در خصوص طرح آزمایش مذکور توضیحات لازم ارائه گردید و سپس به ابهامات برخی از آنها پاسخ داده شد. در ادامه از مدیران با تجربه بیشتر از ۵ سال، تعداد ۳۷ و برای مدیران با تجربه کمتر از ۵ سال، تعداد ۳۵ طرح آزمون جمع‌آوری شد که قابل تجزیه و تحلیل نیز بود. این حجم نمونه به استناد و پیروی از نمونه‌های مشابه خارجی (راسمن و همکاران، ۲۰۱۲) و داخلی (رهنمای رودپشتی و همکاران، ۱۳۹۱) قابل قبول در نظر گرفته شده است. جامعه آماری گروه دوم شامل افراد تازه کار یعنی بدون تجربه کاری می‌باشد که مشابه تحقیق راسمن و همکاران (۲۰۱۲) از دانشجویان به عنوان افراد بدون تجربه استفاده شده است. براین اساس در ابتدا تعدادی از کلاس‌های مقطع دکتری حسابداری با مشورت خبرگان در استان گیلان بطور هدفمند انتخاب شدند و سپس نمونه‌ای متشکل از ۵۰ دانشجو (برابر با تعداد آزمودنی‌های گروه اول) با نظر اساتید به منظور انجام آزمون‌ها در یک محیط آزمایشگاهی و

کنترل شده مورد آزمون قرار گرفتند. پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها تعداد ۳۴ طرح آزمون نهایی گردید که برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است.

### روش انجام طرح آزمایش

در این پژوهش از سناریو تحقیق راسمن و همکاران (۲۰۱۲) و مدل دو دوره‌ای هیلی (۱۹۸۵) استفاده شده است. در مدل دو دوره‌ای هیلی، افراد انگیزه دارند پاداش خود را در دوره کنونی و دوره بعدی افزایش دهند. لذا شرایط این تحقیق به گونه‌ای طراحی شده است که دو دوره را شامل شود.

در سناریو مربوط به طرح آزمایش از شرکت‌کنندگان خواسته شد خود را مسئول فروش شرکتی تصور کنند که تجهیزات می‌فروشد و در ازای آن پاداش دریافت می‌کنند. آنها باید گزارش فروش خود را با تخمین میزان احتمالی برگشت از فروش سفارش در طول ماه تنظیم کنند. به عبارت دیگر تخمین برگشت از فروش از کل فروش کسر می‌شود.

طرح تعیین پاداش یک حد بالا و یک حد پایین دارد، که با طراحی پاداش‌های معمول هماهنگ است که در آنها دو سناریو برای هر شرکت‌کننده تدوین می‌شود. حد بالا و پایین فروش در این تحقیق به صورت فرضی به ترتیب ۷۰۰ و ۵۰۰ میلیون ریال در نظر گرفته شده است. پاداش معادل یک درصد فروش خالص می‌باشد و تنها در صورتی که فروش خالص هر ماه بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ میلیون ریال باشد پرداخت پاداش انجام می‌شود.

سناریوی بالا اینگونه تدوین می‌شد که سطح واقعی فروش در ماه اول پیش از میزان تخمینی برگشت از فروش ۷۹۰ میلیون ریال و بالاتر از حد بالای طرح پاداش (۷۰۰ میلیون ریال) است. سناریوی پایین بگونه‌ای طراحی شده است که سطوح واقعی فروش در ماه اول پیش از تخمین برگشت از فروش ۵۷۰ میلیون ریال و کمی بالاتر از حد پایین طرح پاداش (۵۰۰ میلیون ریال) می‌باشد.

هر شرکت‌کننده دو تخمین از برگشت از فروش دارد: یکی در حد بالا و یکی در حد پایین. بدون توجه به حد، اطلاعات زیر نیز ثابت بوده است:



۱- پاداش برای فروش‌های خالص بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ میلیون ریال پرداخت می‌شد و در صورتی که فروش خالص بیشتر از حد بالا یعنی ۷۰۰ میلیون ریال در نظر گرفته شود، حداکثر تا سقف حد بالا، پاداش داده می‌شود. همچنین اگر فروش خالص کمتر از حد پایین یعنی ۵۰۰ میلیون ریال نیز منظور گردد هیچگونه پاداشی تعلق نمی‌گیرد.

۲- مبلغ برگشت از فروش برآوردی برای مجموع دو ماه ۱۵۰ میلیون ریال می‌باشد. و در صورتی که شخصی بیشتر از آن برای یک ماه برآورد کند، در ماه آینده مبلغ مازاد نسبت به ۱۵۰ میلیون ریال به فروش اضافه خواهد شد.

۳- پیش‌بینی فروش ماه دوم نیز به عنوان یکی دیگر از اطلاعات ثابت هر دو حالت حد پایین و بالای سناریو، مبلغ ۶۰۰ میلیون ریال می‌باشد. با توجه به اطلاعات مذکور، مبلغ پاداش از ۵ میلیون ریال تا ۷ میلیون ریال در ماه متغیر بوده است.

ابتدا شرکت‌کنندگان سناریوهای طراحی شده در خصوص حداکثر سازی پاداش را خوانده و سپس نظر خود را بیان کردند. در مرحله دوم از شرکت‌کنندگان خواسته شد مجدداً به سوالات پاسخ دهند ولی در این حالت به آنها گفته شد تخمین‌ها توسط حسابرس داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### حداکثرسازی پاداش - حد بالا

برای درک بیشتر سناریوی حداکثرسازی پاداش در حد بالا را، با استفاده از اطلاعات فرضی، در پنج حالت مختلف به شرح نگاره (۱) بررسی می‌کنیم:

به شرکت‌کنندگان گفته شد فروش ماه کنونی ۷۹۰ میلیون ریال است. برای حداکثر سازی پاداش، باید برگشت از فروش را در بازه ۹۰ تا ۱۵۰ میلیون ریال تخمین می‌زدند. میزان برگشت از فروش توسط مدیر فرضی اول و دوم به ترتیب برابر ۹۰ میلیون و ۱۴۰ میلیون ریال و مدیر سوم برابر ۳۰ میلیون ریال، مدیر چهارم برابر ۳۰۰ میلیون ریال و مدیر پنجم نیز برابر ۷۵ میلیون ریال تخمین زده شد. مدیر اول و دوم پاداش دو دوره را حداکثر کردند (۱۲/۴۰۰/۰۰۰ ریال). مدیر سوم که کل پاداش او ۷/۶۰۰/۰۰۰ ریال بود پاداش را در دو دوره حداکثر نکرد، زیرا در ماه دوم پاداشی به آن تعلق نگرفت. مدیر چهارم و پنجم که کل پاداش آن‌ها ۷/۰۰۰/۰۰۰ و

۱۲/۲۵۰/۰۰۰ ریال بود، نیز به علت تخمین اشتباه، نتوانستند پاداش خود را در دو دوره حداکثر کنند.

**نگاره (۱): ساختار فرضی از حداکثرسازی در حد بالای طرح پاداش (ارقام به هزار ریال)**

مدیر اول	مدیر دوم	مدیر سوم	مدیر چهارم	مدیر پنجم	شرح
۷۹۰/۰۰۰	۷۹۰/۰۰۰	۷۹۰/۰۰۰	۷۹۰/۰۰۰	۷۹۰/۰۰۰	فروش دوره جاری (ماه اول)
(۹۰/۰۰۰)	(۱۴۰/۰۰۰)	(۳۰/۰۰۰)	(۳۰۰/۰۰۰)	(۷۵/۰۰۰)	تخمین برگشت از فروش ماه اول
۷۰۰/۰۰۰	۶۵۰/۰۰۰	۷۶۰/۰۰۰	۴۹۰/۰۰۰	۷۱۵/۰۰۰	فروش خالص ماه اول
۷/۰۰۰	۶/۵۰۰	۷/۰۰۰	۰	۷/۰۰۰	پاداش ماه اول (یک درصد فروش خالص)
۶۰۰/۰۰۰	۶۰۰/۰۰۰	۶۰۰/۰۰۰	۶۰۰/۰۰۰	۶۰۰/۰۰۰	فروش ماه دوم
(۶۰/۰۰۰)	(۱۰/۰۰۰)	(۱۲۰/۰۰۰)	۱۵۰/۰۰۰+	(۷۵/۰۰۰)	تخمین برگشت از فروش ماه دوم
۵۴۰/۰۰۰	۵۹۰/۰۰۰	۴۸۰/۰۰۰	۷۵۰/۰۰۰	۵۲۵/۰۰۰	فروش خالص ماه دوم
۵/۴۰۰	۵/۹۰۰	۰	۷/۰۰۰	۵/۲۵۰	پاداش ماه دوم
۱۲/۴۰۰	۱۲/۴۰۰	۷/۰۰۰	۷/۰۰۰	۱۲/۲۵۰	مجموع پاداش دو ماه
(۱۲/۴۰۰)	(۱۲/۴۰۰)	(۱۲/۴۰۰)	(۱۲/۴۰۰)	(۱۲/۴۰۰)	پاداش حداکثر در دو ماه
۰	۰	(۵/۴۰۰)	(۵/۴۰۰)	(۱۵۰)	ماه تفاوت نسبت به پاداش حداکثر

### تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

به منظور ارزیابی تأثیر دانش ضمنی در حالت وجود نظارت و عدم وجود آن بر رفتار مدیریت سود افراد، با توجه به اینکه در سناریو طراحی شده از حسابرسی داخلی به عنوان متغیر جایگزین نظارت استفاده شده است؛ ابتدا سعی شده است از طریق آزمون بررسی دستکاری، تأثیر این عامل و دستکاری آن مورد سنجش قرار گیرد.

#### بررسی دستکاری

در این تحقیق یک بررسی دستکاری با استفاده از ۴۰ شرکت کننده دیگر انجام گردید. شرکت کنندگان شرط حسابرسی یا عدم حسابرسی را خوانده و به دو سوال زیر پاسخ می‌دهند. سوال یک به این مسئله می‌پردازد که آیا شرکت کننده متوجه دستکاری شده است؟ داده‌ها نشان می‌دهد که دستکاری موفق بوده است زیرا ۹۲ درصد (۳۷ از ۴۰) نفر از کسانی که شرط حسابرسی را داشته‌اند، متوجه شده‌اند که کارشان تحت بررسی بوده است و ۸۷ درصد (۳۵ از

۴۰) نفر با شرط عدم حسابرسی نیز متوجه شدند که کارشان بررسی نمی‌شود. سوال ۲ به این مسئله می‌پردازد که آیا شرکت‌کنندگان می‌توانند ریسک‌های نظارت را درک کنند؟ در پاسخ به سوال ۲، ۸۲ درصد (۳۳ از ۴۰) بیان داشتند اگر یک حسابرسان کارشان را بررسی و نظارت کند، احتمال اینکه تخمینی انجام دهند تا پاداش آنها افزایش یابد کمتر می‌شود. با بررسی نتایج دستکاری مشخص شد که شرکت‌کنندگان آگاه بودند که آیا تصمیماتشان توسط حسابرسان داخلی بررسی می‌شود یا نمی‌شود و این مسئله حس مناسب ریسک را در زمان بررسی تصمیمات، در شرکت‌کنندگان ایجاد می‌کرده است.

### یافته‌های توصیفی

تعداد ۱۰۶ نفر در این پژوهش شرکت کردند که از این تعداد ۶۵ نفر زن (۶۱/۳ درصد) و ۴۱ نفر مرد (۳۸/۷ درصد) بودند. ۱۶/۹۸٪ بین ۲۰ الی ۳۰ سال و ۳۹/۶۲٪ بین ۳۰ الی ۴۰ سال و ۴۳/۴۰٪ بالاتر از ۴۰ سال سن داشتند و ۳۲٪ از شرکت‌کنندگان بدون تجربه و ۳۳٪ کمتر از ۵ سال و ۳۵٪ بالاتر از ۵ سال، دارای سابقه کار حسابداری و مالی می‌باشند.

آمار توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی پژوهش در نگاره (۲) قابل مشاهده است.

نگاره (۲): آمار توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی

متغیر	عنوان	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
جنسیت	زن	۶۵	۶۱/۳٪	۶۱/۳٪
	مرد	۴۱	۳۸/۷٪	۱۰۰٪
	جمع کل	۱۰۶		
سن	۲۰ الی ۳۰ سال	۱۸	۱۶/۹۸٪	۱۶/۹۸٪
	۳۰ الی ۴۰ سال	۴۲	۳۹/۶۲٪	۵۶/۶۰٪
	۴۰ سال و بالاتر	۴۶	۴۳/۴۰٪	۱۰۰٪
	جمع کل	۱۰۶		
سابقه کار حسابداری و مالی	بدون تجربه کاری	۳۴	۳۲٪	۳۲٪
	تجربه کمتر از ۵ سال	۳۵	۳۳٪	۶۵٪
	تجربه بیشتر از ۵ سال	۳۷	۳۵٪	۱۰۰٪
	جمع کل	۱۰۶		

مطابق با فرضیه‌های تحقیق ابتدا پاسخ‌های دریافت شده از مدیران دارای تجربه و سپس جهت تکمیل نتایج، این فرآیند برای افراد بدون تجربه نیز مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نگاره (۳) تعداد و میانگین مدیران دارای تجربه را نشان می‌دهد که توانسته‌اند در دو دوره پاداش خود را از طریق متغیرهای نظارت و بازه پاداش حداکثر نمایند.

نگاره (۳): آمار توصیفی میانگین مدیرانی که پاداششان را حداکثر نمودند

مدیریت سود کاهش‌ی			مدیریت سود افزایش‌ی			متغیر وابسته متغیر مستقل	
جمع	مدیران دارای تجربه پایین	مدیران دارای تجربه بالا	جمع	مدیران دارای تجربه پایین	مدیران دارای تجربه بالا	شرح	
۶۳٪	۵۱٪	۷۵٪	۶۹٪	۵۷٪	۸۱٪	میانگین	بدون نظارت
۴۸	۱۸	۲۸	۵۰	۲۰	۳۰	تعداد	
۵۶٪	۵۴٪	۵۹٪	۵۳٪	۴۸٪	۵۹٪	میانگین	با نظارت
۴۱	۱۹	۲۲	۳۹	۱۷	۲۲	تعداد	
۷۲	۳۵	۳۷	۷۲	۳۵	۳۷	تعداد کل	

نتایج نگاره فوق نشان می‌دهد در حد پایین فروش، ۸۱ درصد مدیران با تجربه در شرایط عدم نظارت پاداش را حداکثر کردند که بعد از انجام دستکاری و اعمال نظارت این میزان به ۵۹ درصد رسید. به عبارت دیگر ۵۹ درصد از مدیران با تجربه پس از اعمال نظارت از طریق حسابرس داخلی به مدیریت سود افزایشی پرداختند و ۲۲ درصد (۸۱-۵۹) از مدیران در نتیجه اعمال نظارت ترجیح دادند پاداش را حداکثر نکنند. همچنین ۵۷ درصد از مورد مدیران کم تجربه در شرایط بدون نظارت، پاداش را حداکثر کردند که این میزان پس از اعمال نظارت به ۴۸ درصد رسید.

همچنین نتایج در حد بالای فروش نشان داد که ۷۵ درصد از مدیران با تجربه در شرایط عدم نظارت پاداش را حداکثر کردند که پس از اعمال نظارت این میزان به ۵۹ درصد رسید. به عبارت دیگر ۷۵ درصد از مدیران با تجربه پس از اعمال نظارت به مدیریت سود کاهش‌ی پرداختند و ۱۶ درصد (۷۵-۵۹) از مدیران ترجیح دادند پس از اعمال نظارت و بررسی تخمین آنها توسط حسابرسی داخلی پاداش خود را حداکثر نکنند. در خصوص مدیران کم تجربه در

شرایط بدون نظارت ۵۱ درصد و پس از اعمال نظارت نیز ۵۴ درصد به پاداش حداکثر رسیدند که نسبت به شرایط اولیه، یعنی بدون اعمال نظارت، افزایش سه درصدی داشتند.

### نتایج آزمون فرضیه های تحقیق

در این تحقیق به منظور بررسی تأثیر دانش ضمنی بر رفتار مدیریت سود در سطوح نظارت و عملکرد، چهار فرضیه مورد آزمون قرار گرفته است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با توجه به نوع متغیرها از آزمون مک نمار<sup>۲</sup> استفاده شده است.

#### بررسی فرضیه اول

همانگونه که در نگاره (۴) مشاهده می‌گردد از مجموع ۳۷ نفر افراد با تجربه تعداد ۳۰ نفر توانستند در شرایط عدم نظارت پاداش خود را حداکثر کرده که پس از اعمال نظارت این افراد به ۲۲ نفر کاهش یافت و با توجه به آزمون آماری، سطح معنی داری بدست آمده مربوط به قبل و بعد از نظارت ۰/۰۰۸ می‌باشد که کمتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ است و فرضیه اول تحقیق تایید می‌گردد. به عبارت دیگر، نظارت از طریق حسابرسی داخلی برای افراد با دانش ضمنی بیشتر احتمال مدیریت سود افزایشی را کاهش می‌دهد. یافته‌های حاصل از فرضیه اول مطابق یا نتایج تحقیق راسمن و همکاران (۲۰۱۲) می‌باشد.

نگاره (۴): نتایج حاصل از آزمون مک نمار

فرضیه	بعد	قبل		تعداد	سطح معنی داری
		۱	۲		
اول	۱	۲۲	۸	۳۷	۰/۰۰۸
	۲	۰	۷		
دوم	۱	۲۲	۶	۳۷	۰/۰۳۱
	۲	۰	۹		
سوم	۱	۱۷	۳	۳۵	۰/۲۵
	۲	۰	۱۵		
چهارم	۱	۱۸	۰	۳۵	۱/۰۰۰
	۲	۱	۱۶		

### بررسی فرضیه دوم

بر اساس نگاره (۴) نتایج آزمون نشان داد که از مجموع ۳۷ نفر افراد با تجربه، تعداد ۲۸ نفر توانستند پاداش خود را حداکثر نمایند که پس از اعمال نظارت این مقدار به ۲۲ نفر کاهش یافت. سطح معنی داری بدست آمده از آزمون آماری در این حالت نیز ۰/۰۳۱ می باشد که کمتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ است، لذا فرضیه دوم پذیرفته می شود. به عبارت دیگر نظارت از طریق حسابرسی داخلی برای افراد با دانش ضمنی بیشتر احتمال مدیریت سود کاهشی را نیز کاهش می دهد. نتیجه آزمون فرضیه دوم مغایر با نتایج تحقیق راسمن و همکاران (۲۰۱۲) می باشد.

این نتایج بیان کننده این موضوع است که اگر چه مدیران دارای دانش ضمنی در ایران، نسبت به مزایای مدیریت سود شناخت کافی دارند، اما در صورت مواجه شدن با پدیده نظارت، نسبت به تعدیل رفتار خود در هر دو حالت مدیریت سود افزایشی و کاهشی اقدام می کنند، در صورتیکه در تحقیق راسمن و همکاران، تعدیل رفتار فقط در حالت مدیریت سود افزایشی وجود دارد و حساسیت نظارت در حالت مدیریت سود کاهشی مشاهده نمی شود.

### بررسی فرضیه سوم

نتایج آزمون فرضیه در نگاره (۴) بیان کننده این موضوع می باشد که از مجموع ۳۵ نفر افراد کم تجربه تعداد ۲۰ نفر توانستند در شرایط عدم نظارت پاداش خود را حداکثر نموده که پس از اعمال نظارت این افراد به ۱۷ نفر کاهش یافتند و با توجه به آزمون آماری، سطح معنی داری بدست آمده مربوط به قبل و بعد از نظارت ۰/۲۵ می باشد که بیشتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ بوده و لذا این کاهش معنی دار نبوده و در نتیجه فرضیه سوم تحقیق پذیرفته شده است. یعنی نظارت از طریق حسابرسی داخلی برای افراد با دانش ضمنی کمتر احتمال مدیریت سود افزایشی را کاهش نمی دهد. نتیجه آزمون فرضیه سوم مطابق با نتایج تحقیق راسمن و همکاران (۲۰۱۲) می باشد.

### بررسی فرضیه چهارم

بر اساس نتایج این فرضیه که در نگاره (۴) مشاهده می شود از مجموع ۳۵ نفر افراد کم تجربه، تعداد ۱۸ نفر توانستند در شرایط عدم نظارت پاداش خود را حداکثر کرده که پس از اعمال

نظارت این تعداد به ۱۹ نفر رسیدند و با توجه به آزمون آماری، سطح معنی‌داری بدست آمده مربوط به قبل و بعد از نظارت ۱/۰۰ می‌باشد که بیشتر از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ است. در نتیجه این کاهش معنی‌دار نیست. بنابراین فرضیه چهارم تحقیق نیز پذیرفته می‌شود. یعنی نظارت از طریق حسابرسی داخلی برای افراد با دانش ضمنی کمتر احتمال مدیریت سود کاهشی را کاهش نمی‌دهد. نتیجه آزمون فرضیه چهارم با نتایج تحقیق راسمن و همکاران (۲۰۱۲) مطابقت دارد.

### توسعه آزمایش به افراد تازه کار (بدون تجربه)

برای تقویت نتایج آزمون فرضیه‌های قبلی یعنی نقش دانش ضمنی حاصل از تجربه، یک آزمایش دیگر با افراد تازه کار انجام گرفت. بر اساس تعریف، افراد تازه کار، تجربه تصمیم‌سازی برای حداکثر سود یا واکنش به نظارت در تلاش برای محدود کردن این رفتارها را ندارند. به احتمال زیاد رفتار آنها متکی بر دانش کتابی آموخته شده در دانشگاه می‌باشد، مانند مفهوم محافظه‌کاری<sup>۳</sup>. اگر تازه کارها با راهبردهایی مانند مدیران با تجربه عمل کنند، بیانگر اینست که تجربه جایگزین خوبی برای ارزیابی دانش ضمنی نیست. لذا آزمایش دوم با هدف تسری نتایج آزمایش اول به تازه کارها انجام شد.

### نگاره (۵): میانگین درصد افرادی که پاداششان را حداکثر کردند

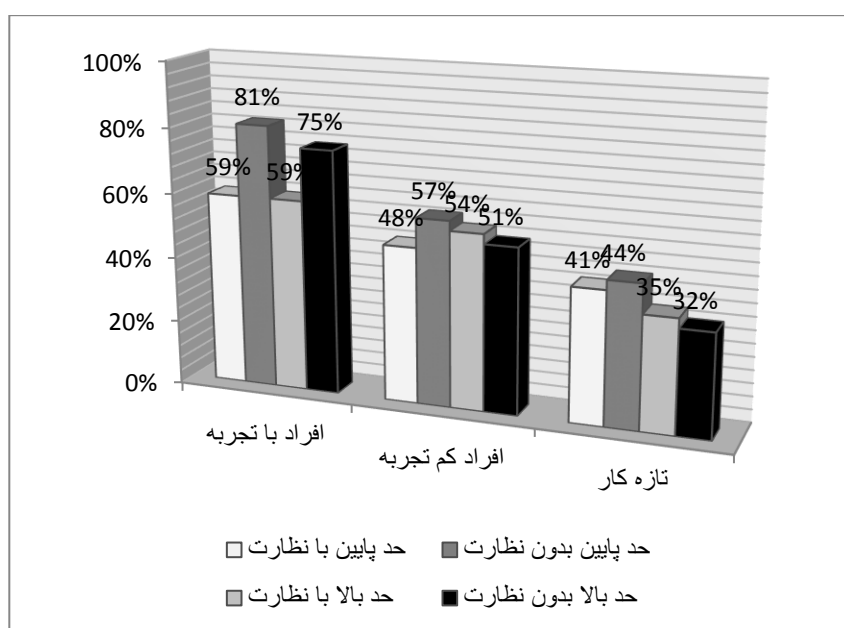
مدیریت سود افزایشی	مدیریت سود افزایشی	متغیر وابسته	
		متغیر مستقل	
٪۳۲	٪۴۴	میانگین	بدون نظارت
		تعداد	
۱۱	۱۵	میانگین	نظارت
		تعداد	
٪۳۵	٪۴۱	میانگین	نظارت
۱۲	۱۲	تعداد	
۳۴	۳۴	تعداد کل	

همانگونه که در نگاره (۵) مشاهده می‌گردد در حالت مدیریت سود افزایشی، بعد از اعمال نظارت تعداد افرادی که توانستند پاداش خود را حداکثر کنند، از ۴۴ درصد به ۴۱ درصد کاهش یافت، که این میزان در حالت مدیریت سود کاهشی ۳۵ درصد نسبت به ۳۲ درصد می‌باشد. یک تحلیل جداگانه به روش آزمون مک‌نمار روی هر کدام از حالت‌های فوق انجام

شد. هر چند هیچ نتیجه دارای اهمیت آماری در شرایط بالا بدست نیامد، اما در حالت مدیریت سود کاهشی، بعد از اعمال نظارت بر خلاف انتظار تعداد افرادی که پاداش خود را حداکثر کردند افزایش یافت که نشان‌دهنده تفاوت گسترده در رفتار تازه کارها در مقایسه با مدیران با تجربه است.

### مقایسه رفتار پاداش در سطوح مختلف تجربه

رفتار پاداشی در تمامی سه سطح تجربه و نظارت در نمودار (۱) تشریح شده است.



نمودار (۱): مقایسه رفتار پاداش در سطوح مختلف تجربه

### نتیجه گیری

هدف اصلی تحقیق ارزیابی تأثیر دانش ضمنی مدیران بر مدیریت سود و همچنین بررسی نقش نظارت بر این رابطه می‌باشد. از دیدگاه مخالفان مدیریت سود، این اقدام سبب گمراهی



استفاده کنندگان از اطلاعات مالی می شود لذا باید از آن اجتناب کرد. اما با این وجود بسیاری از مدیران جهت بهره‌مندی از مزایای شخصی یا سازمانی، مبادرت به مدیریت سود می‌نمایند.

نتایج تحقیق بیانگر این موضوع است که آموزش و کسب این رفتار توسط مدیران از دانش ضمنی آن‌ها نشأت می‌گیرد. طبق تعاریف مختلف از دانش ضمنی می‌توان بیان کرد که این دانش از تجربه بدست می‌آید. از سوی دیگر، از جمله وظایف حسابرسی داخلی در ایران به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی علاوه بر نظارت بر کنترل‌های داخلی، وظیفه بازدارندگی و همچنین کشف و گزارش تحریف‌های موجود در گزارش‌های مالی می‌باشد. با توجه به الزام شرکت‌ها جهت استقرار واحد حسابرسی داخلی بر اساس دستورالعمل سازمان بورس از سال ۱۳۹۱، انتظار بر این است که این اقدام سبب بهبود کیفیت گزارش‌گری و ارتقاء شفافیت در سازمان‌ها شود. نتایج تحقیق نیز نشان داد در صورت وجود نظارت از طریق حسابرسی داخلی، مدیران با دانش ضمنی بیشتر، اقدام به کاهش مدیریت سود می‌نمایند.

نتایج تحقیق نشان داد که مدیران با تجربه در استفاده از اقلام تعهدی برای مدیریت سود، واکنش راهبردی تری به مساله نظارت دارند. بطور کلی نتایج بیانگر این است که:

- بسیاری از شرکت کنندگان با تجربه توانستند پاداش خود را با اقلام تعهدی حداکثر نمایند تا سودها را مدیریت کنند. داده‌ها همچنین بیانگر این موضوع بود که بسیاری از مدیران، سودها را برای حداکثر سازی پاداش مدیریت نمی‌کنند، که در واقع می‌تواند تا حد زیادی رفتاری باشد که بر اساس تجربه بدست می‌آید و در شرکت کنندگان با تجربه، بیشتر در حداکثر سازی این پاداش‌ها نمایان می‌شود.
- نظارت از طریق فرآیند حسابرسی با کاهش رفتار حداکثر سازی پاداش برای افراد با تجربه نسبت به افراد کم‌تجربه و تازه کار همراه است. لذا به نظر می‌رسد شرکت کنندگان با تجربه، چگونگی شناخت الگوی محیطی خود و اعمال آن بگونه‌ای راهبردی برای حداکثر کردن حقوق، بدون پیامدهای منفی را یاد می‌گیرند.

با توجه به نتایج آزمون چهار فرضیه تحقیق، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود تا مورد استفاده تصمیم‌گیرندگان در سازمان‌ها قرار گیرد:

- عدم تغییر کارکنان در حوزه‌های تخصصی مانند مالی یا حسابداری، تا به مرور زمان دانش ضمنی آنها افزایش یابد و بتوانند ریسک‌ها و مزایای اقدامات و تصمیمات خود را کاملاً درک کنند.
- برگزاری دوره‌های عملی و کارگاهی بیشتر برای دانشجویان رشته‌های حسابداری و مالی تا توانایی مطابقت دانش کتابی با محیط واقعی کسب و کار فراهم شود.
- علاوه بر موارد فوق، با توجه به معرفی موضوع دانش ضمنی و تأثیر آن بر مدیریت سود، در ادبیات حسابداری و مالی ایران، به طور مسلم نتایج حاصله بایستی توسط سایر پژوهشگران نیز پیگیری و تکامل یابند. لذا می‌توان موارد زیر را جهت پژوهش‌های آتی پیشنهاد نمود:
- بررسی مفهوم دانش ضمنی در حوزه حسابداری و تأثیر دانش ضمنی حساب‌رسان بر عملکرد آنها
- تأثیر دانش ضمنی بر رفتار مدیریت سود در سطوح نظارت و با در نظر گرفتن عواملی مانند ویژگی‌های شخصیتی مدیران، جنسیت مدیران، نوع مدرک تحصیلی

### پی‌نوشت‌ها

- ۱ Tacit Knowledge
- ۲ McNemar Test
- ۳ Conservatism

### منابع

- اشتریان، کیومرث؛ امامی‌میدی، راضیه. (۱۳۸۹). دانش ضمنی و سیاست‌های انتقال تکنولوژی با تأکید بر فناوری اطلاعات و ارتباطات، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات دانشگاه تهران.
- بونر، سارا. (۱۳۸۷). قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری، ترجمه علی پارسائیان، تهران: انتشارات اتحاد.
- جلاوندی، شیرین. (۱۳۹۷). تبیین مفهومی نقش دانش ضمنی در عصر اقتصاد دانش‌بنیان. مجله اقتصادی، ۲ (۱)، ۱۴۳-۱۱۷.
- خوش‌طینت، محسن؛ خانی، عبدالله. (۱۳۸۲). مدیریت سود و پاداش مدیران، مطالعه‌ای جهت شفاف‌سازی اطلاعات مالی. فصلنامه مطالعات حسابداری، ۳ (۱)، ۱۵۳-۱۲۶.

- داداشی، ایمان؛ کردمنجیری، سجاده؛ برادران، مریم. (۱۳۹۶). تأثیر ساختار حسابرسی داخلی بر احتمال تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه دانش حسابرسی، ۷۰(۱)، ۱۷۸-۱۵۹.
- دهدار، فرهاد؛ مژده، محمد. (۱۳۹۵). تأثیر کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی بر جلوگیری مدیریت سود. فصلنامه پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، ۱۶(۲)، ۱۱-۱.
- رهنمای رودپشتی، فریدون؛ نیکومرام، هاشم؛ نونهال نهر، علی اکبر. (۱۳۹۱). ارزیابی تأثیر رویکردهای قضائتی و شناختی زبان در گزارش‌های توضیحی حسابداری. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۹(۲)، ۷۲-۴۷.
- زمانی، زهرا. (۱۳۹۰). تعیین وضعیت دانش ضمنی و تصریحی معلمان دوره راهنمایی از نظریه‌های یادگیری در فرآیند تدریس و تأثیر عوامل جمعیت شناختی بر آن. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۴۳(۱۱)، ۱۶۲-۱۳۹.
- عبدلی، محمدرضا؛ نادعلی، علی اکبر. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر وجود حسابرسی داخلی بر کاهش رخدادهای تحریف‌های مالی، قانونی و مالیاتی شرکت‌ها. فصلنامه دانش حسابرسی، ۶۱(۱)، ۱۹۳-۱۷۷.
- فتحیان، محمد؛ بیگ، لیلا؛ قوامی فر، عاطفه. (۱۳۸۴). نقش مدیریت دانش ضمنی در خلاقیت و نوآوری. ماهنامه تدبیر، ۱۶(۱۶)، ۱۹-۱۲.
- مرادی، مهدی؛ باقرپور ولاشانی، محمد علی؛ قربانی، آرش. (۱۳۹۵). کشف مدیریت سود از طریق بررسی توزیع تجربی سود. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۳(۲۱)، ۳۹-۱۹.
- نمازی، محمد؛ بایزیدی، انور؛ جبارزاده کنگرلویی، سعید. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله تحقیقات حسابداری، ۳(۹)، ۲۱-۴.
- نوناکا، ایکوجیرو؛ تاکوچی، هیروتاکا. (۱۳۸۵). شرکت‌های دانش آفرین: چگونه شرکت‌های دانش آفرین نوآوری را محقق می‌سازند، ترجمه علی عطارفر، جبار اسلامی، آناهیتا کاوه و سعید آنالویی، قم: انتشارات سماء قم.
- نونهال نهر، علی اکبر؛ جبارزاده کنگرلویی، سعید؛ پور کریم، یعقوب. (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرسی و قابلیت اتکای اقلام تعهدی. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۶۱(۱)، ۷۰-۵۵.
- Abdoli, M & Nadali, A. (2015). Investigating the Effect of Internal Audit on the Reduction of Incidence of Financial, Legal and Tax Distortions of Companies. *Journal of Audit knowledge*. 61 (1) , 193-197. (In Persian)

- Ashtarian, K & Emami meibodi, R. (2010). *ICT, Technology Transfer, and Tacit Knowledge, First Edition*, Tehran: Tehran University Press. (In Persian)
- Bonner, S. (2008). *Judgment and decision making in accounting*, Translated by Ali Parsaian, Tehran: Etehad Press. (In Persian)
- Brown, L. D & Pinello, A. (2007). To what extent does the financial reporting process curb earnings surprise games?, *Journal of Accounting Research*, 45 (1) , 947-981.
- CBol, J & Moers, F & Peecher, Mar. (2012). Auditor Tacit Knowledge and Audit Firm Human Capital Development, *Journal of Accounting and Public Policy*, 31 (5) , 312-128.
- Cohen, J & Pant, L & Sharp, D. (2001). An examination of differences in ethical decision-making Between Canadian business students and accounting professionals. *Journal of Business Ethics*, 30 (2) , 319-336.
- Dadashi, I & Kordmanjiri, S & Baradaran, M. (2017). The Effect of internal audit structure on the probability of fraud in financial statements Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. *Journal of audit science*, 70 (1) , 159-178. (In Persian)
- Dehdar, F & Mozhdeh, M. (2016). Impact of Audit Committee and Audit Quality on Prevent earnings management. *New research in management and accounting*, 16 (2) , 1-11. (In Persian)
- Duellman, S & Ahmed, A. (2013). An empirical analysis of the effects of monitoring intensity on the relation between equity incentives and earnings management. *Journal of Accounting and Public Policy*, 32 (6) , 495-517.
- Fathiyan, M & Beig, L & Ghavamifar, A. (2005). The role of tacit knowledge management in innovation. *Journal of Tadbir*, 164 (16) , 12-19. (In Persian)
- Healy, P. (1985). The effect of bonus schemes on accounting decisions. *Journal of Accounting and Economics*, 7 (1) , 85-107.
- Jalavandi, SH. (2018). The Conceptual Explanation of the Role of tacit Knowledge in the Age of Knowledge Economy. *Economic Journal*, 2 (1) , 117-143. (In Persian)
- Khoshtinat, M & Khani, A. (2003). Managing earnings and Bonus managers, a study to clarify financial information. *Journal of accounting studies*, 3 (1) , 126-153. (In Persian)
- McAdam, R & Mason, B & McCrory, J. (2007). Exploring the tacit knowledge in organizations, *Journal of Knowledge Management*, 11 (2) , 27-43.
- Mohajan, H. K. (2017). Tacit Knowledge for the Development of Organizations. *Journal of Advanced Research*, 6 (1) , 17-24.

- Moradi, M & Bagharpour Velashani, M & Ghorbani, A. (2016). Discovery of earnings management by examining the empirical distribution of profits. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 3 (21) , 19-39. (In Persian).
- Namazi, M & Bayazidi, A & Jabarzade kangarloe, S. (2011). Investigating the relationship between audit quality and earnings management of companies accepted in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Research*, 9 (3) , 4-21. (In Persian)
- Nonahal nahr, A & Jabarzade kangarloe, S & Porkarim, Y. (2010). The relationship between audit quality and Reliability on accruals. *Journal of Accounting and auditing reviews*, 61 (1) , 55-70. (In Persian).
- Nonaka, I & Takeuchi, H. (1995). *The Knowledge-Creating Company: How Japanese Companies Create the Dynamics of Innovation?* Translated By Ali Attarfar, Jabbar Esmali, Anahita Kaveh, and Saeid Analoe, Gom: Sama Gom Press. (In Persian)
- Polanyi, M. (1966). The Tacit Dimension. Chicago, *University of Chicago Press*, 41 (155) , 1-18.
- Rahnamaye Rodposhti, F & Nikomaram, H & NonahalNahr, A. (2012). Evaluation of the Impact of Judicial and Cognitive Approaches to Language in Accounting explanatory reports, *Journal of Accounting and auditing reviews*, 19 (2) , 47-72. (In Persian)
- Rosman, A & Biggs, S & Hoskin. R. (2012). The Effects of Tacit Knowledge on Earnings Management Behavior in the Presence and Absence of Monitoring at Different Levels of Firm Performance. *American Accounting Association Behavioral Research in Accounting* 24 (1) , 109-130.
- Sanchez, J & Arroyo, J & Moreno, Y. (2018). Acquisition and transfer of tacit knowledge of marketing in small and medium hotels, *Contaduría y Administracion*, 63 (2) , 1-18.
- Sternberg, R & Hedlund, J. (2002). Practical intelligence and work psychology. *Human Performance*. 15 (1) , 143-160.
- Zamani, Z. (2011). Determining the status of tacit knowledge and attestation of guidance teachers on learning theories in the teaching process and the effect of demographic factors on it. *Journal of Educational innovations*, 43 (11) , 139-162. (In Persian).
- Zhi-guo, L & Jian, C. (2012). Improve Technological Innovation Capability of Enterprises through Tacit Knowledge Sharing, *International Information and Electronics Engineering, Procedia Engineering*, 29 (1) , 2072 -2076.



## Effects of Manager Tacit Knowledge on Earnings Management Behavior at Different Levels of Monitoring: A behavioral approach

Mohsen Khodadadi<sup>1</sup>, Aliakbar Nonahal nahr<sup>2</sup>, Mehdi Meshki miavaghi<sup>3</sup>, Sina Kheradyar<sup>4</sup>

Received : 2018/10/09  
Approved: 2019/01/29

Research Paper

### Abstract

Empirical researches show that firm executives usually use discretionary accruals to earnings management, in such a way that it maximizes their bonus. On the other hand, these results show effects of the monitoring process on reducing earnings management. But, past researches has no response to the fundamental question how managers learn earnings management methods and how they adjust their actions against monitoring approaches? It is expected that this behavior is achieved implicitly and over time, which is called tacit knowledge. This research is aimed to investigate the effects of tacit knowledge on earnings management behavior at different levels of monitoring. This research is a positive and experimental research (using controlled environment). In the experiment plan, monitoring is conducted through internal audit. For this purpose, a scenario is designed for what should be experimented. The research results show that monitoring has a decreasing effect on the probability of earnings management for people with higher tacit knowledge; however, it has no significant effect on the probability of earnings management for people with less tacit knowledge.

**Keywords:** Tacit knowledge, Earnings management, Monitoring levels, Internal Audit.

**JEL Classification:** M41, M42, G30

DOI: 10.22051/jera.2019.22323.2196

<sup>1</sup> Ph. D. student, Department Of Accounting, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran, (Mkhodadadil@yahoo.com)

<sup>2</sup> Assistant Prof, Department Of Accounting, Bostan Abad Branch, Islamic Azad University, Bostan Abad, Iran (Corresponding Author), (Anonahal@gmail.com)

<sup>3</sup> Associate Prof, Finance, Payame Noor University, Rasht, Iran, (Mhd.meshki@yahoo.com)

<sup>4</sup> Assistant Prof, Department Of Accounting, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran, (kheradyar@iaurasht.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

## Effect of Blended and Face-to-face Learning Methods on Accounting Students Performance

Maryam Saadat Tabatabaeian<sup>1</sup>, Shahnaz Mashayekh<sup>2</sup>

Received : 2020/03/16

Approved: 2020/06/14

Research Paper

### Abstract

This study, using a combination of information technology and traditional education, attempts to compare the effects of this combined method to the effects of traditional face-to-face method on the academic performance of accounting students. This is a quasi-experimental study. The e-learning content is prepared and implemented by the researcher and pre-test and post-test with experimental and control group are used to execute the project. The validity of test questions is confirmed by three accounting masters. The sample consists of students who had taken the first Intermediate accounting course in the first semester of the 98-99 academic year. Covariance analysis is used to analyze the results. A retest is used to ensure the reliability of the study and the study is conducted simultaneously in several universities. Statistical outputs show no significant difference between the two learning methods. The results show that the integration of technology in accounting education does not make a difference in the level of students' academic performance compared to face-to-face learning method. This could be due to environmental factors beyond the control, such as the weakness of technological tools, the lack of full availability of the prerequisites, or the implementation way of the combined method in this study.

**Keywords:** Accounting Training, Information Technology, Blended Method, Traditional Face to Face method.

**JEL Classification:** A22.

---

DOI: 10.22051/jera.2020.30716.2659

<sup>1</sup> Phd student of accounting, Alzahra university, Tehran, Iran,  
(maryamsadattabatabaeian@gmail.com)

<sup>2</sup> Associate of accounting, Alzahra university, Tehran, Iran, correspondin author,  
(sh.mashayekh@alzahra.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>



## Introduction of A Model to State Earning Information Content Using Audit Quality and Internal Control Weakness Indexes

Rasoul Keshtkar<sup>1</sup>, Shokrolah Khajavi<sup>2</sup>

Received : 2018/10/20

Approved: 2018/12/23

Research Paper

### Abstract

In accounting literature, earnings information content is yet one of the unresolved issues in the financial reporting. In this regard, this study aims to identify elements effective on earnings information content by modelling these elements. Research method is descriptive correlational and quasi-experimental. The sample consists of 122 firms listed in Tehran Stock Exchange over the period from 2007 to 2016. In order to test the research hypotheses, SPSS and structural equation modelling software (PLS) are used. Research results show that audit quality increases the earnings information content. Also, a higher audit quality decreases the internal control weakness. There is a negative relation between internal control weakness and earnings information content. In addition, internal control weakness can play a mediating role in the relation between audit quality and earnings information content. These findings can improve the information content of accounting earnings thorough the audit quality.

**Keywords:** earnings relevant, earnings reliability, conservatism, internal control weakness, audit quality.

**JEL Classification:** M42.

---

DOI: 10.22051/jera.2018.22538.2210

<sup>1</sup> Phd student of accounting, Azad University Isfahan Branch (khorsegan) , Isfahan, Iran, (rasoul.keshtkar@yahoo.com)

<sup>2</sup> professor of accounting, Shiraz University, Economic, Management and social science department, Shiraz, Iran, corresponding author, (shkajavi@rose.shirazu.ac.ir)  
<https://jera.alzahra.ac.ir>

## Stickiness of Manager's Expectations and Profitability Anomalies

Yahya Shiri<sup>1</sup>, Seyed Hosien Sajadi<sup>2</sup>, Seyed Ali Vaez<sup>3</sup>

Received : 2018/08/31

Approved: 2019/01/02

Research Paper

### Abstract

Managerial forecasts of future profits will help investors make optimal decisions. Like other information, the value of these forecasts depends on their accuracy. Revision of past forecasts leads to a forecast error. The revisions result from new information. On the other hand, some managers revise their forecasts slowly in response to new information. This research investigates the relation between the sustainability of profitability signals and stickiness of manager expectations. The sample consists of 178 firms for the period of 6 years from 2011 to 2016. This study analyzes data and tests the hypothesis using panel-data and multi-variate regression methods. Findings show a positive and significant relation of manager expectations stickiness to sustainability of return on equity, the sustainability of gross profitability and the sustainability of cash flows. Moreover, findings indicate a negative and significant relation between manager expectations stickiness and sustainability of return on assets. Therefore, we can say that the stickiness expectations of managers have effects on sustainability of profitable signals.

**Keywords:** profitability anomalies, revision in forecasts, earnings forecast error, Stickiness of manager's expectations.

**JEL Classification:** M41,G40

---

DOI: 10.22051/jera.2019.21883.2165

<sup>1</sup> Assistant Professor Of Accounting, Sahneh Branch Islamic Azad University ,Sahneh, Iran, Corresponding Author, (yahyashiri@gmail.com)

<sup>2</sup> Professor Of Management and Accounting , Shahid Beheshti University , Tehran, Iran, (sajadi@scu.ac.irs)

<sup>3</sup>Assistant Professor Of Accounting,Shahid Chamran University,Ahvaz, Iran, (sa-vaez@scu.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

## Effects of Product Market Competition on the Relation between Corporate Social Responsibility and Cash Holding

Parvin Pourfakherian<sup>1</sup>, Nasser Izadi Nia<sup>2</sup>, Hojat Allah  
Hadipour Hafshejani<sup>3</sup>

Received : 2018/08/27  
Approved: 2018/12/11

Research Paper

### Abstract

Economic entities generally hold part of their assets in cash. Determining how much of the assets should be held in cash, is one of the important decisions taken by firm management. Despite of extensive investigations on determinants of cash holding level, in accounting literature, effects of product market competition on the relation between social responsibility (CSR) and cash holding in firms is largely unknown. So, this research is aimed to examine these effects. The sample consists of 84 firms listed in Tehran Stock Exchange during the period from 1390 to 1396. This study tests the hypothesis by the panel-data regression model. Results show that the product market competition and social responsibility have a negative and significant effect on the level of cash holding. In addition, findings indicate that the product market competition has a negative and significant effect on the relation between social responsibility and the level of cash holding.

**Keywords:** Cash, Cash Holding, Social Responsibility, Competition in Product Market

**JEL Classification:** M40. M14 .M23

---

DOI: 10.22051/jera.2019.21728.2155

<sup>1</sup> MSc of Accounting, Isfahan University, Isfahan, Iran, Corresponding author,  
(ppourfakhrian@yahoo.com)

<sup>2</sup> Associate Professor of Accounting, Isfahan University, Isfahan, Iran, (Naser.izadnia@gmail.com)

<sup>3</sup> MSc of Governmental Management, Azad University, Isfahan Branch, Isfahan, Iran.  
(hojat\_hadipour@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

## Simulation of Agency Costs of Manager-Owner Using the System Dynamics Approach: Study of Shiraz Petrochemicals

Mohammad Hosein Setayesh<sup>1</sup>, Ali Ghauory Moghadam<sup>2</sup>

Received : 2018/08/11  
Approved: 2018/12/18

Research Paper

### Abstract:

The purpose of this study is presentation of an agency cost model and simulation of these costs for Shiraz Petrochemical Company in a 100-month period. In order to develop an agency cost model, firstly, using the historical recognition method in the framework of library studies, we extract the variables, mechanisms and relations existing between them. Then, a general and practical model is presented to simulate the agency costs of manager-owner for Shiraz Petrochemical Company using the software Vensim DSS. With the implementation of the developed model, it is found that the company's agency costs would increase over a period of 100 months. Therefore, several policies are introduced to reduce costs. These policies include the manager's ownership of the stock (as a bonus), an increase in the debt and the board efficiency. The results show that each of these policies, alone and in combination, can significantly reduce the agency costs. Introducing a systemic attitude in the field of accounting research, specifically the agency costs of manager-owner is innovation in this research.

**Keywords:** Manager-Owner Agency Costs, System Dynamics, Simulation.

**JEL classification:** E17

---

DOI: 10.22051/jera.2018.21644.2148

<sup>1</sup> Professor of accounting, Shiraz university, Shiraz, Iran, (Setayesh@shirazu.ac.ir)

<sup>2</sup> Assistant Professor of Accounting, Khalij University, Business and Economics department, Boshehr, Iran, corresponding author, (Ali.ghauory@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

## Moderating Effect of Information Environment on the Relation between Accounting Comparability and Tax Avoidance

Mehdi Safari Gerayli<sup>1</sup>, Yaser Rezaie Pitenoiei<sup>2</sup>

Received : 2018/06/17

Approved: 2018/09/25

Research Paper

### Abstract

Accounting comparability enables tax authorities to obtain a better understanding of corporate activities and improves their recognition of tax avoidance behaviors and thus it plays a crucial role in curbing managerial incentives and abilities in committing tax avoidance. Based on the arguments, this study is aimed to investigate the relation between accounting comparability and corporate tax avoidance, and to examine the moderating effect (substituting or replacing) of information environment on this relation, using structural equation modeling approach. As a quantitative, correlational and applied study, this research employs a sample of 86 firms listed in Tehran Stock Exchange during the years 2012-2016. The PLS software is adopted to analyze the collected data. Three various measures based on the model proposed by DeFranco et al (2011) are employed to evaluate accounting comparability, and two proxies of book-tax difference and effective tax rate are used to compute tax avoidance. Results reveal that accounting comparability tends to mitigate corporate tax avoidance behaviors. Moreover, in line with the predictions of substitutions theory, the findings suggest that information environment weakens the negative correlation between accounting comparability and corporate tax avoidance.

**Keywords:** accounting comparability, tax avoidance, information environment.

**JEL classification:** H25; N20; G14.

DOI: 10.22051/JERA.2018.20829.2065

<sup>1</sup> Associate Professor of Accounting, Islamic Azad university, Bandar Gaz branch, Bandar Gaz, Iran, corresponding author, (Mehdi.safari83@yahoo.com)

<sup>2</sup> Assistant of Accounting, Gilan university, Faculty of Literature and Humanities, Gilan, Iran, (rezaei.yasser@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

## Effects of Corporate Governance and Management Overconfidence on Tax Avoidance of Firms in the Life-cycle Stages

Mohammad Reza Abaszadeh<sup>1</sup>, Mohsen Maftounian<sup>2</sup>, Morteza Fadaie<sup>3</sup>, Maedeh Babaie Kelarijani<sup>4</sup>

Received : 2018/04/21

Approved: 2018/08/18

Research Paper

### Abstract

In the line of analyzing the role of the corporate governance mechanism and behavioral characteristics of managers in corporate financial reporting, this study examines the effects of management overconfidence and governance regime on the tax avoidance considering the lifecycle. The sample consists of 104 firms during the period from 2011 to 2015. Institutional ownership mechanisms and the board independence are used as proxies for corporate governance. Also, to measure management overconfidence, Sherand & Zechman (2012) surplus criteria and to calculate tax avoidance the effective tax rate (ETR) are used. Firms are divided into growth, maturity and decline stages, according to Park and Chen (2006). Results show that there is a significant difference between the institutional ownership of corporate governance mechanisms and the management overconfidence on tax avoidance in the stages of growth, maturity and decline. However, there is no relation between the board's independence of corporate governance mechanisms and tax avoidance, according to Paternoster test.

**Keywords:** tax avoidance, corporate governance, overconfidence management, life cycle

**JEL classification:** D91, E32, G23, M41.

DOI: 10.22051/jera.2018.19875.2004

<sup>1</sup> Associate Professor of Accounting, Ferdosi university, Mashhad, Iran, (abbas33@um.ac.ir)

<sup>2</sup> MSc of Accounting, Azad university, Mashhad, Iran, corresponding author, (M.Maftounian@yahoo.com)

<sup>3</sup> MSc of Accounting, Azad university, Mashhad, Iran, (Mortezafadaei91@gmail.com)

<sup>4</sup> MSc of Business Management, Azad university, Babol, Iran, (Babaei\_Ma@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

## Interesting Accounting Information for Tehran Stock Exchange Investors with Different Personalities

Mohammad Namazi<sup>1</sup>, Ramin Zeraatgari<sup>2</sup>

Received : 2018/01/20

Approved: 2018/05/12

Research Paper

### Abstract

The purpose of this study is identifying interesting accounting information for Tehran Stock Exchange investors with different personalities. In this regard, the NEO Multi-Personality Questionnaire (NEO-FFI) is used to determine the personality types of investors. The research method is a descriptive survey one. The statistical population of this study is all real investors who are active in Tehran Stock Exchange. In addition, the random sampling is used to determine a sample consisting 379 investors. One-Way Anova in SPSS software is used to test the hypotheses of the research. The results of the research show that the personality type of investors is an effective factor in their information interests, moreover, investors with more risk averse personality type are more interested in reliable information while investors with more risky personality type are interested in relevant information. Regardless of the different types of personality, almost all investors are very interested in obtaining information about the trading volume with related parties and auditor report. However, investors have shown the least interest in respect of sales growth information over the past ten years.

**Keywords:** Accounting Information, Personality type, Investors, Behavioural Finance, Behavioural Accounting.

**JEL classification:** G4

---

DOI: 10.22051/jera.2018.18970.1925

<sup>1</sup> Professor of Accounting, Shiraz University, Economics, Management and Social Sciences department, Shiraz, Iran, corresponding author, (mnamazi@rose.shirazu.ac.ir)

<sup>2</sup> P.h.D. Student in Accounting, Shiraz University University, Shiraz, Iran, (Ramin@acc.usb.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

## Narcissism and Tendency to Earnings Management

Minoo Mansour Zare<sup>1</sup>, Bahmand Banimahd<sup>2</sup>, Hamidreza  
Vakilifard<sup>3</sup>, Feraydon Rahnama Roodposhti<sup>4</sup>

Received : 2016/10/15

Approved: 2017/01/24

Research Paper

### Abstract

Earning management has ever been one of the accounting challenges that many researchers have tried hard to tackle. However, due to the challenge continuity, it seems necessary to consider more other approaches to resolve it. This study considers earnings management through a behavioral approach and investigates the relation between narcissism, as an individual attribute, and tendency to opportunistic earnings management. The sampling is random and the sample consists of 209 people working in accounting profession. This study is a descriptive research and data is collected through questionnaires. The hypothesis is tested through the regression method. Results show a significant positive relation between narcissism and tendency to opportunistic earnings management. In other words, individuals with higher narcissism behavior have more tendency to manage earnings. These kind of people for their sense of entitlement, power and respectfulness, may take some unethical actions like earnings management. Therefore, in appointment of financial managers and accountants, personal characteristics and attributes should be considered along with professional skills and expertise. Moreover, efficient auditing and management systems in an organization would help modifying their negative attributes.

**Keyword:** Individual Attributes, Narcissism, Opportunistic Earnings Management, Behavioral Approach.

**JEL Classification:** G41, M41

DOI: 10.22051/jera.2017.12181.1470

<sup>1</sup> Ph.D. Student of Accounting, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (m\_mzare@yahoo.com)

<sup>2</sup> Associate Professor of Accounting, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran  
Corresponding Author, (b\_banimand@yahoo.com)

<sup>3</sup> Associate Professor of Accounting, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (h-vakilifard@srbiau.ac.ir)

<sup>4</sup> Professor of Accounting, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (rahnama.roodposhti@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>



## Table of Content

<b>Narcissism and Tendency to Earnings Management .....</b>	<b>1</b>
Minoos Mansour Zare, Bahmand Banimahd, Hamidreza Vakilifard, Feraaydon Rahnama Roodposhti	
<b>Interesting Accounting Information for Tehran Stock Exchange Investors with Different Personalities.....</b>	<b>25</b>
Mohammad Namazi, Ramin Zeraatgari	
<b>Effects of Corporate Governance and Management Overconfidence on Tax Avoidance of Firms in the Life-cycle Stages .....</b>	<b>49</b>
Mohammad Reza Abaszadeh, Mohsen Maftounian, Morteza Fadaie, Maedeh Babaie Kelarijani	
<b>Moderating Effect of Information Environment on the Relation between Accounting Comparability and Tax Avoidance.....</b>	<b>83</b>
Mehdi Safari Gerayli, Yaser Rezaie Pitenoee	
<b>Simulation of Agency Costs of Manager-Owner Using the System Dynamics Approach: Study of Shiraz Petrochemicals.....</b>	<b>113</b>
Mohammad Hosein Setayesh, Ali Ghauory Moghadam	
<b>Effects of Product Market Competition on the Relation between Corporate Social Responsibility and Cash Holding.....</b>	<b>151</b>
Parvin Pourfakherian, Nasser Izadi Nia, Hojat Allah Hadipour Hafshejani	
<b>Stickiness of Manager's Expectations and Profitability Anomalies</b>	<b>177</b>
Yahya Shiri, Seyed Hosien Sajadi, Seyed Ali Vaez	
<b>Introduction of A Model to State Earning Information Content Using Audit Quality and Internal Control Weakness Indexes.....</b>	<b>199</b>
Rasoul Keshtkar, Shokrolah Khajavi	
<b>Effect of Blended and Face-to-face Learning Methods on Accounting Students Performance.....</b>	<b>231</b>
Maryam Saadat Tabatabaeian, Shahnaz Mashayekh	
<b>Effects of Manager Tacit Knowledge on Earnings Management Behavior at Different Levels of Monitoring: A behavioral approach.....</b>	<b>253</b>
Mohsen Khodadadi, Aliakbar Nonahal nahr, Mehdi Meshki miavaghi, Sina Kheradyar	

**Licence Holder: Alzahra University**

**Director:** Hoseini, Seyed Ali (Associate Prof. Alzahra University)

**Editor in chief:** Rahmani, Ali (Prof. Alzahra University)

**Scientific and Literally Editor:** Bashirimanesh, Nazanin

**English Editor:** Ebrahimi, Elaheh

**Lay out editor:** Esfandi, Khadijeh

**Journal Expert:** Azam, Pakkhesal

**Print and Binding:** Ramtin Publishing

**Editorial Board**

Pourheidari, Omid, Proffessor of Baahonar University

Pourjalali Hamid, Professor of Hawaii University, The USA

Hejazi, Rezvan, Proffessor of Alzahra University

Khalifesoltani, Seyed Ahmad, Associate Proffessor of Alzahra University

Rahmani, Ali, Proffessor of Alzahra University

Rezaee Zabihollah, Proffessor of Memphis University, The USA

Sajadi, Hosein, Proffessor of Shahid Beheshti University

Soleimani Amiri, Gholamreza, Associate Proffessor of Alzahra University

Mashayekh, Shahnaz, Associate Proffessor Alzahra University

Mashayekhi, Bita, Associate Proffessor Tehran University

Mehrani, Sasan, Associate Proffessor of Tehran University

Homayoun Saeid, Associate Proffessor of Gavle University, Swed

Yazdifar Hassan, Professor of Salford University Business School, The UK

**Address:** Alzahra University, Vanak, Tehran-Iran. P. O Box 1993891176

**Tel & Fax:** (+9821) 88212578

**Website:** <http://journals.alzahra.ac.ir/jera>

**Email:** jera@alzahra.ac.ir

In the Name of God



Alzahra university

Quarterly Journal of

*Empirical Research in Accounting*  
*“Scientific Journal”*

Winter 2021, Vol 10, Number 38